



کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی
مبارزه علیه فساد اداری

میزان ۱۳۹۶

ارزیابی آسیب پذیری های
فساد اداری به سطح وزارت

وزارت معارف



خلاصه گزارش (۰۳) صفحه
بخش الف معلمان و شاگردان (۲۹) صفحه
بخش ب رهبری و مدیریت (۸۹) صفحه
بخش ج راه پیشرو (۱۲۴) صفحه
ضمائم (۱۵۶) صفحه
پاورقی ها (۱۹۱) صفحه

ترجمه دری گزارش

فهرست مندرجات

{۰۴}	خلاصه
{۰۸}	• مقدمه
{۱۱}	• متدولوژی
{۲۳}	• تحلیل های پیشین

بخش الف معلمان و شاگردان

{۳۰}	• فساد در تقرر معلمان
{۴۹}	• فساد اداری در روند مدیریت مکاتب
{۵۳}	• مراکز تربیه معلم:
{۵۹}	• فساد اداری ناشی از نصاب تعلیمی و سال های تعلیمی کوتاه مدت
{۶۵}	• آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) و برنامه...
{۷۵}	• کتب درسی و منابع آموزشی
{۸۲}	• مکاتب جاگزین - آموزش های مبتنی بر جامعه و مکاتب خصوصی

بخش ب رهبری و مدیریت

{۹۰}	• رهبری و مدیریت در وزارت معارف
{۱۰۲}	• مدیریت و رهبری در سطح ولایت، ولسوالی و شوراها
{۱۰۷}	• سیستم مدیریت معلومات معارف
{۱۱۲}	• تدارکات
{۱۱۹}	• لیست معاشات و نگهداری سوابق
{۱۲۲}	• نظارت، ارزیابی و تفتیش

بخش c راه پیشرو

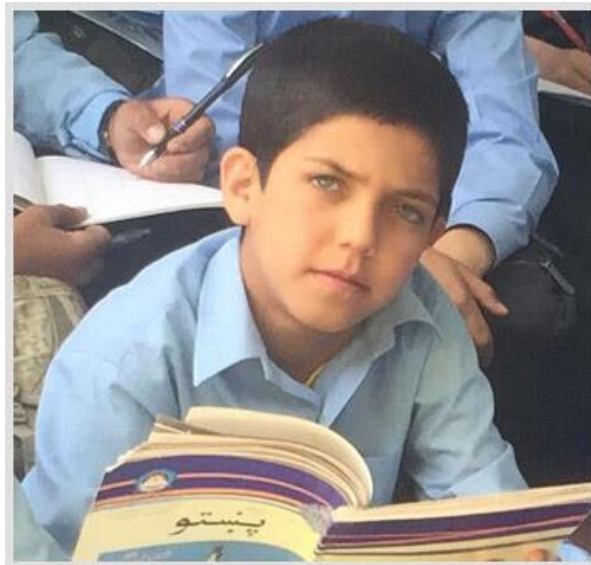
- {۱۲۵} علامات مثبت
- {۱۳۲} نتیجه گیری و گام بعدی
- {۱۳۴} سفارشات (توصیه ها)

ضمائم

- ضمیمه 1. نمونه گزارش های مطبوعات و رسانه ها پیرامون اتهامات فساد اداری در.. {۱۵۷}
- ضمیمه 2: کارمندان وزارت معارف بر اساس ولایت، جنسیت، تدریسی و غیر... {۱۶۸}
- ضمیمه 3: مکاتب خصوصی به اساس نوع و ولایت 1395 {۱۷۰}
- ضمیمه 4. آمار مقایسوی شاگردان جدیدالشمول، حاضری و سیستم مدیریت ... {۱۷۵}

پاورقی ها

{۱۹۱}



خلاصه

در ماه جولای سال 2016، داکتر اسدالله حنیف بلخی، وزیر معارف، از کمیته نظارت و ارزیابی برای انجام یک ارزیابی آسیب پذیری در برابر فساد اداری وزارت معارف درخواست نمود. این ارزیابی آسیب پذیری در برابر فساد اداری به سطح وزارت یا (MVCA) عبارت از نخستین ارزیابی جامع آسیب پذیری ها در برابر فساد اداری در سرتاسر تمام وزارت می باشد.

کمیته نظارت و ارزیابی آسیب پذیری ها در برابر فساد اداری در وزارت معارف را با جزئیات مورد بررسی قرار داده است. کمیته نظارت و ارزیابی با معلمان، سرمعلمین، مدیران مکاتب، اعضای شورای مکاتب، آموزگاران معلمان، منسوبین وزارت معارف در سطوح مرکزی، ولایتی و ولسوالی، تمویل کننده گان و سایر دست اندرکاران، و با شماری زیادی از والدین و شاگردان صحبت نموده است. کمیته نظارت و ارزیابی در مجموع 542 مصاحبه فردی و 160 مصاحبه گروهی انجام داده است که شامل ولایت کابل و 9 ولایت دیگر مانند بدخشان، بلخ، فاریاب، غزنی، هرات، خوست، بامیان، پنجشیر و ننگرهار می گردند. قابل یاد آوریست که ارزیابی متذکره به تعداد 138 باب مکتب را نیز تحت پوشش قرار داده است.

آنچه را که اعضای جامعه در رابطه به تجربه فساد اداری در معارف در جریان مصاحبه های خویش با کمیته نظارت و ارزیابیدرمیان گذاشته اند، خیلی ها نگران کننده میباشند. این مساله خیلی ها حایز اهمیت میباشد تا دیدگاه های متذکره درک گردند و پیامد های ناگوار فساد اداری در کشور شناسایی گردند. با استفاده از این تحلیل که مبتنی به تجارب زنده مستفیدین خدمات میباشد، پالیسی سازان/قانونگذاران قادر خواهند گردید، تا در راستای تغییرات مثبت، موثر و پایدار گام های با مفهومی را بردارند.

یافته های اساسی:

کمیته نظارت و ارزیابی تمام مصاحبه ها را با توجه به آسیب پذیری های مشخص فساد اداری شناسایی شده، تحلیل نموده اند. این آسیب پذیری ها از مشکلاتی که در سطح مکاتب وجود داشته اند مانند ارتشاء و فساد در عرصه تعدیل شهادتنامه های مکاتب، تا مشکلاتی که در سطح وزارت وجود داشته اند مانند فساد در اعمار مکاتب و توزیع کتب درسی، را تحت پوشش قرار میدهند. یکی از جدی ترین آسیب پذیری ها در برابر فساد اداری عبارت از تقرر معلمان بر اساس نفوذ، پرداخت رشوه و نیپوتیزم، نه بر مبنای شایستگی میباشد که در سرتاسر کشور گسترش یافته است. به طور خلاصه میتوان گفت که روند تقرر معلمان وسیعاً آلوده با فساد میباشد. این پدیده، به عنوان یکی از بزرگترین مشکلات در برابر تعلیم شاگردان در کشور پنداشته میشود.

از اینرو میتوان گفت که قلب مشکلات فساد اداری در وزارت معارف عمدتاً مسائلی چون فساد در روند تدارکات و یا موجودیت معلمین خیالی نمیشاند، بلکه این اطفال، خانواده ها، معلمین و سایر اعضای جامعه میباشند که چیز های زیادی را بنابر موجودیت یک سیستم آموزشی غیر موثر از دست داده اند، که به طور مستقیم آنعده هموطنان مان را به چالش می کشاند که اراده آموزش در محل عرضه خدمات دارند. در نتیجه آن، جوامع به طور گسترده اعتماد خویش را بالای سیستم متذکره از دست میدهند.

"یک حمله انتحاری برای ما چیز خطرناک نیست، زیرا از اثر آن تعداد کمی از مردم زنده گی خویش را از دست خواهند داد. مادران افغان فرزندان دیگری به دنیا خواهند آورد. اما این معلمین غیر مسلکی و بدون دانش اند، که برای ما خطرناکتر از آن اند، زیرا آنها آینده افغانستان را از بین میبرند."

نقل قول یکی از والدین شرکت کننده در مصاحبه گروهی

سایر یافته های عمده:

- وزارت با ساختار بزرگ و اینگونه پیچیده گی، همیشه در برابر سطح بلند فساد اداری آسیب پذیر خواهد بود. وزارت متذکره به عنوان بزرگترین مرجع استخدام کارمندان ملکی در سطح کشور پنداشته میشود، که حاوی نزدیک به 262,000 تن کارمند بوده و به عبارت دیگر 68 درصد کارمندان دولت را استخدام نموده است. از اینرو، وزارت به عنوان نخستین هدف برای آنعده کسانی شمرده میشوند که در پی دریافت بست های دولتی برای دوستان، اقارب، همکاران و فرزندان همکاران خویش اند. و وزارت معارف، از مدت ها بدینسو قادر به مقاومت در برابر اینگونه فشار ها نبوده اند.
- میزان گسترده ای نفوذ جانبداری/نیوتیزم به سطح وزارت متذکره وجود دارد. تا زمانیکه اینگونه مداخلات (به هدف استخدام قوی) متوقف نگردند و یا هم بگونه چشمگیری محدود نگردند، دشوار خواهد بود تا کدام بهبود قابل ملاحظه ای در روند آسیب پذیری در برابر فساد اداری در راستای تقرر معلمین به چشم آید..
- نصاب تعلیمی مکاتب بسیار وسیع میباشد که منجر به آسیب پذیری در برابر فساد گردیده است، زیرا معلمین تلاش میورزند تا شاگردان را بگونه نادرست برای سپری نمودن امتحان کانکور آماده نمایند.
- طوری به نظر میرسد که تعداد مقامات اصلاح طلب که خواهان رویدست گرفتن اصلاحات در وزارت معارف باشند و یا هم قادر به انجام آن باشند، انگشت شمار اند..
- عدم ارتباط و هماهنگی میان فارغ التحصیلان جدید و مراکز تعلیمی به احتمال زیاد از عوامل گسترده فساد اداری پنداشته میشوند. حدود 75 درصد فارغ التحصیلان انستیتویت های تربیه معلم، قادر به دریافت کار به عنوان معلم، نمیشاند.
- سیستم های بازرسی، تفتیش، نظارت یا غیر موثر اند و یا هیچ وجود ندارند.

- در مورد مشکلات در سیستم مدیریت معلومات معارف، کمیته نظارت و ارزیابی با استفاده از مکاتبی که از آن دیدار به عمل آورده است، به مقایسه معلومات ثبت نام و حاضری مکاتب پرداخت. معلومات سیستم مدیریت معلومات معارف با معلومات ثبت نام برای سال های 1392 و 1395 خیلی نزدیکی با همدیگر داشت، الی نزدیک به دو در صد. اما وقتی معلومات واقعی با معلومات سیستم مدیریت معلومات معارف مقایسه گردید، معلومات سیستم مدیریت معلومات معارف نسبت به معلومات واقعی در مورد حاضری شاگردان به شکل اوسط تخمین 23 در صد بالا زده بود. در حالی که این رقم بدلیل کوچک بودن نمونه قابل تعمیم نیست، این تفاوت نشان دهنده آنست که ارقام تا حد زیادی معروف به فساد است.

گام بعدی:

کمیته نظارت و ارزیابی پیشنهاد مینماید تا در کشور، به سطح کابینه، در سطح رهبری معارف، و در ولایات، ولسوالی ها و اهالی مکاتب، گفتمان های راه اندازی گردند تا از یافته های کمیته نظارت و ارزیابی حمایت گسترده بعمل آید و به تغییرات بزرگی که از جانب کمیته نظارت و ارزیابی پیشنهاد گردیده اند، جزییات بیشتر علاوه گردند.

سفارشات :

کمیته نظارت و ارزیابی به تعداد 66 مورد را سفارش ه نموده و آنها را به 10 مورد ذیل دسته بندی نموده است:

1. **مسئولیت های محلی:** سفارش اصلی این است که اهالی مکاتب (مردم محل)، نه ریاست های معارف، باید مسئولیت اصلی گزینش معلمین خویش را بر عهده بگیرند.
2. **اصلاحات سازمانی:** سفارشات اصلی در رابطه به اختصار تشکیلات گسترده وزارت معارف میباشد، تا نحوه مدیریت و رسیده گی نهادهای متذکره بهبود یابد و در نتیجه در برابر فساد اداری کمتر آسیب پذیر باقی بماند؛ آموزش های تخنیکی و فنی حرفوی به عنوان یک نهاد مستقل خارج از وزارت معارف عرض اندام نماید و در میکانیزم گزینش معلمین اصلاحات لازم وارد گردند و بالاخره حجم نصاب تعلیمی کاهش یابد.
3. **تغییر موفقانه ساختار وزارت معارف:** کمیته نظارت و ارزیابی یک رویکرد دوبعدی را پیشنهاد مینماید: در سطح محلی، تسریع بخشیدن فعالیت ها در راستای مشارکت شوراهای محلی در تقرر معلمین و حمایت گسترده از شبکه های که اصلاحات را به ارمغان میآورند. در سطح مرکزی، با تغییر و ایجاد یک ساختار رسمی، توأم با نیروی کاری تمام وقت، با حمایت نیرومند از جانب کابینه و ایجاد یک میکانیزم واضح که بر مبنای آن بتوان بهبود و موفقیت در عرصه تقرر شفاف معلمین را اندازه گیری نمود. به همین ترتیب کمیته نظارت و ارزیابی سفارش مینماید، تا تقرر از طریق ارتقاء ظرفیت بر مبنای نتایج یا (CBR) گسترش یابد و حمایت از معلمین، طوریکه در استراتژیک پلان ملی معارف یا (NESP III) بازتاب یافته است، توسعه یابد.
4. **تغییرات قانونی:** کمیته نظارت و ارزیابی سفارش می نماید تا رهبری وزارت معارف، یک پالیسی جدیدی را

برای مبارزه با فساد اداری، ایجاد و تطبیق نماید.

5. **نشانه های تغییرات فوری:** کمیته نظارت و ارزیابی به این باور است که دو نوع اقدامات ذیل: ایجاد یک میکانیزم برای پاسخگویی محلی در عرصه تقرر معلمین و ایجاد یک مرجع مستقل رسیده گی به شکایات در مورد فساد اداری در وزارت معارف، می توانند به عنوان نشانه های نیرومند تغییرات مثبت در نهاد متذکره عنوان گردند. به همین ترتیب کمیته نظارت و ارزیابی سفارش می نماید، تا وزارت معارف به مردم اطمینان دهد که از طریق یک استراتژی جدید مبارزه با فساد اداری، و تلاش های مستمر در راستای تعقیب عدلی مقامات آلوده با فساد اداری در وزارت متذکره، مبارزه با فساد اداری را در صدر اولویت های خویش قرار داده است.

6. **اقدامات جامعه بین المللی:** کمیته نظارت و ارزیابی سفارش مینماید تا تمویل کننده گان به سرعت حمایت خویش را از اقدام جدید وزارت معارف که همانا تمرکز روی مبارزه با فساد اداری و نظارت مستقل میباشد، به عنوان یک بستر مناسب برای ارتقاء کیفیت معارف و گسترش برنامه های موفقیت آمیز، مانند فعالیت های ارتقاء ظرفیت یا (CBA)، را اعلام بدارند.

7. **بهبود سیستم ها و روند نظارت مستقل:** کمیته نظارت و ارزیابی سفارش می نماید تا سیستم مدیریت معلومات آموزش یا (EMIS) و سیستم مدیریت منابع بشری شامل در آن، تقویت یابد. به همین ترتیب کمیته نظارت و ارزیابی بهبود جامع میکانیزم های نظارتی را نیز سفارش میدارد: الف) تقویت جدی بخش های تفتیش داخلی وزارت معارف، ب) ایجاد یک مرجع نظارتی مستقل برای کیفیت و اجراءات معارف، ج) ایجاد یک مرجع مستقل برای نظارت از شفافیت در تقرر معلمین.

8. **افزایش شفافیت:** کمیته نظارت و ارزیابی سفارش مینماید تا وزارت معارف یک ابتکار عمده را رویدست گیرد تا فعالیت های آن بیشتر شفاف گردند، بگونه ایکه بتواند طی سه سال آینده به عنوان شفاف ترین وزارت در چهارچوب دولت عرض اندام نماید.

9. **اعمال قانون بگونه گسترده تر:** کمیته نظارت و ارزیابی سفارش مینماید تا لوی خاړنوالی رسیده گی به پرونده های فساد اداری در وزارت معارف را بطور فعال انجام دهد.

10. **بدیل های مبتنی بر بازار:** کمیته نظارت و ارزیابی برای خرید کتب درسی توسط شاگردان و والدین یک راه حل مبتنی بر بازار (رسید مالی) را سفارش مینماید.

ابراز قدردانی:

کمیته نظارت و ارزیابی از آنعه افرادی که مصاحبه انجام داده است، منجمله مقامات، والدین، معلمین و شاگردان که وقت خویش را آزادانه اختصاص دادند و شدیداً علاقمند به این بوده اند تا کمیته را در راستای انجام این

مطالعه همکاری نمایند، قدردانی می نماید. همه ایشان به صراحت خاطر نشان ساخته اند که تعلیم برای آینده خانواده ها و کشور ایشان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از اینرو یک اولویت مهم برای ملت پنداشته میشود.

1. مقدمه:

در ماه جولای سال 2016، داکتر اسدالله حنیف بلخی، وزیر معارف، از کمیته نظارت و ارزیابی برای انجام یک ارزیابی آسیب پذیری در برابر فساد اداری وزارت معارف درخواست نمود. این ارزیابی آسیب پذیری در برابر فساد اداری به سطح وزارت یا (MVCA) عبارت از نخستین ارزیابی جامع آسیب پذیری ها در برابر فساد اداری در سرتاسر تمام وزارت می باشد.

هدف از این تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی اینست تا یک تصویر جامع از آسیب پذیری ها در برابر فساد اداری در نظام معارف افغانستان بدست آید و به تعقیب آن توصیه هایی لازم برای رویدست گرفتن اقدامات اصلاحی ارائه گردد.

زمانیکه سطوح تخنیکی فساد اداری در چهارچوب معارف در سطوح ملی، ولایتی و ولسوالی، مطرح بحث باشد، خیلی ها ساده خواهد بود تا دیدگاه چگونگی پیامد های فساد اداری بر زندگی افغان های عادی، را از دست دهیم. آنچه را که اعضای جامعه (اهالی مکاتب) در رابطه به تجربه فساد اداری در معارف در جریان مصاحبه های خویش با کمیته نظارت و ارزیابی در میان گذاشته اند، خیلی ها نگران کننده میباشند. این مساله خیلی ها حایز اهمیت میباشد تا دیدگاه های متذکره درک گردند و پیامد های ناگوار فساد اداری در کشور شناسایی گردند. با استفاده از این تحلیل که مبتنی به تجارب زنده مستفیدین خدمات میباشند، پالیسی سازان/قانونگذاران قادر خواهند گردید، تا در راستای تغییرات مثبت، موثر و پایدار گام های با مفهومی بردارند.

"یک حمله انتحاری برای ما چیز خطرناک نیست، زیرا از اثر آن تعداد کمی از مردم زنده گی خویشرا از دست خواهند داد. مادران افغان فرزندان دیگری به دنیا خواهند آورد. اما این معلمین غیرمسلکی و بدون دانش اند، که برای ما خطرناکتر از آن اند، زیرا آنها آینده افغانستان را از بین میبرند."

نقل قول یکی از والدین شرکت کننده در مصاحبه گروهی

تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی به طور خاص طراحی گردیده است، تا مشارکت مکاتب و جوامعی که به آنها خدمات عرضه می شوند، را شامل این روند سازند. این دریافت ها از طریق راه اندازی 542 مصاحبه فردی و مصاحبه های گروهی با دست اندکاران مربوطه بدست آمده اند، که در بیش از 130 باب مکاتب و جوامع وابسته به

مکاتب انجام یافته اند. اینگونه مصاحبه های مبتنی بر جامعه در پهلوی سایر مصاحبه های که با افراد عالیه در سطح مرکز و ولایت برگزار گردیده اند، طی یک گزارش مفصل ارایه خواهند گردید.

روند جمع آوری معلومات بیشتر توسط راه اندازی مصاحبه های دقیق و ساختاری صورت گرفته اند، که از ذکر نام مصاحبه کننده در آن خودداری بعمل آمده است. در واقع اینگونه معلومات/مدارک جمع آوری شده برای انجام یک تحلیلی میباشد که مردم خواهان آن اند تا با عدم ذکر نام ایشان، به تحقیق کننده گان معلومات ارایه بدارند. اینگونه عدم افشای هویت به برخی از پاسخ دهنده گان کلیدی اجازه میدهند، تا بتوانند در برابر خیانت های پنهانی که آنها شاهد آن بوده اند، صادق باشند، اما در پهلوی آن به دیگران فرصت اینرا فراهم مینماید، تا آنها بتوانند اتهامات و الزامات وحشیانه را نیز بر علیه شخص و یا نهادی وارد نمایند. پس این وظیفه تیم تحقیقاتی است، تا شواهد بدست آمده را ارزیابی نمایند و در مورد آنها اظهارات تایید کننده را حد اقل از دو تن دیگر نیز دریافت نمایند، و به اصطلاح مودل مثلث حقیقت یابی را روی آن تطبیق نمایند. و این مساله را بررسی نمایند که آیا هر یک از ادعا های مطرح شده قابل پذیرش است یا خیر. زمانیکه بیش از یک تن از نقاط مختلف و در سطوح مختلف صلاحیت ها و مسئولیت ها، اطلاعات مشابه در اختیار قرار میدهند، این درست زمانی است که یک الگو ظهور مینماید، و اعضای تیم تحقیقاتی این مسائل را با تمرکز و تعمق بیشتر دنبال مینمایند، البته در مقایسه به یک حالتی که بگونه غیرمستقیم از جانب یک شخص به عنوان یک ناراحتی و یا شکایت ارایه میگردد. به عبارت دیگر، اعضای تیم تحقیقاتی در رابطه به قضایا خاص انفرادی تمرکز نمی نمایند، اما تلاش میورزند تا چگونه بتوانند یک تصویر جامع از اینگونه تهدیدات بردارند و آنرا بازتاب دهند.

از اینرو گفته میتوانیم که باید خواننده اطمینان داشته باشد که هر گونه یافته های گزارش داده شده در این مطالعه آسیب پذیری بگونه دقیق شناسایی گردیده اند و در گزارش متذکره گنجانیده شده اند، زیرا بسیاری از پاسخ دهنده گان کلیدی نگرانی های مشابه را با آنها شریک نموده اند. در رابطه به تحلیل معارف، کمیته نظارت و ارزیابی دریافت است که آسیب پذیری عمده در برابر فساد اداری از جانب تعداد زیادی از پاسخ دهنده گان کتگوری های مختلف در میان گذاشته شده اند. چهار نوع تخطی که تیم متذکره بار ها آن را شنیده اند، شامل: استخدام و تقرر معلمین، ارتشاء گسترده، جعل کاری در آمار/ارقام و روند تدارکات، می باشند. از میان آنها، پدیده ایکه زیاد روی آن تاکید گردیده است، عبارت از فساد گسترده در روند استخدام و تقرر معلمین میباشد. تنها پنج تن از پاسخ دهنده گان، که 1 درصد مجموعی را تشکیل میدهند، اظهار داشته اند، که این یک مشکل عمده نیست.

از مصاحبه ها روشن میشود که فساد اداری بگونه مستمر و گسترده صورت گرفته و از سال های متمادی بدینسو ادامه دارد. منسوبین عالی رتبه و اعضای جامعه بین المللی از همچو فساد اطلاع داشته، اما در این راستا اقدامات غیر مؤثر و یا اندک انجام داده اند و بدین ترتیب قضایایی بسیار ناچیزی مورد پیگرد قانونی قرار گرفته اند. این تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی در وزارت معارف، به عنوان نخستین اقدام بنیادی مبارزه با فساد اداری در وزارت متذکره پنداشته میشود.

این در حالیست، کمیته نظارت و ارزیابی با بسیاری از افراد صادق و راستکار در داخل وزارت ملاقات نمودهاوند.. افراد متذکره در دفاتر خویش محترم بوده و مصمم هستند تا هرآنچه در توان دارند را برای ایجاد یک جامعه یی به خرچ دهند که دارای تعداد کافی جمعیت تحصیل یافته باشند و بتوانند راه خویشرا در جهان باز نمایند.

حتی در مورد کسانی که درگیر فساد اداری می باشند، اکثریت قاطع مردم ای را که ما در جریان ارزیابی خویش ملاقات نموده ایم، بیشتر قربانیان این سیستم اند، نه آنهایکه مرتکبین جرم پنداشته میشوند. آنها به شدت می خواهند نظام فعلی را تغییر دهند.

این گزارش برای تمام افراد ایکه صادقانه در سکتور معارف کار می نمایند، اختصاص داده شده است. آنها عبارت از کسانی اند که برای به عهده گرفتن مسئولیت ها باید برگزیده شوند که میتوانند روند مبارزه در برابر فساد اداری را در وزارت مذکور آغاز نمایند.

کمیته نظارت و ارزیابی امیدوار است که یافته های این گزارش به عنوان نقطه عطفی در وزارت معارف و در میان شرکای انکشافی آن در جامعه بین المللی تلقی گردد.

"ما میتوانیم افغانستان را با داشتن یک سیستم خوب معارف تغییر دهیم، نه توسط بمب ها، سربازان و حملات".

یکی از افغان هایی که مسوولیت تحقیق را در یکی از موسسات غیردولتی بین المللی به عهده دارد.

ساختار این گزارش:

این گزارش با متدولوژی که مورد استفاده قرار گرفته است، (فصل 2) و بررسی سایر تحلیل های سیستم معارف افغانستان (فصل 3) آغاز میگردد. سپس در بخش الف ادامه می یابد تا مشکلات عمده مربوط به معلمین را مورد بحث قرار دهد، مانند روند استخدام (فصل 4)، مدیریت مکاتب (فصل 5)، انستیتیوت های تربیه معلم (فصل 6)، نصاب تعلیمی (فصل 7)، کتب درسی و منابع آموزشی (فصل 8) و مکاتب جاگزین (فصل 9).

متعاقب آن، در بخش ب، این گزارش یافته های مربوط به مشکلات مربوط به مدیریت و رهبری در سطح وزارت معارف (فصل 10) و در سطح ولایات، ولسوالی ها و شورا ها (فصل 12)، و سپس مسائل مربوط به سیستم مدیریت معلومات آموزش (فصل 13)، تدارکات (فصل 14)، معاشات و نگهداری اسناد (فصل 15) و نظارت و ارزیابی (فصل 16) را مورد بحث قرار میدهند.

در نهایت، در بخش ج، گزارش متذکره به نگرش های آینده میپردازد، البته با ارایه یک فصل مشخص در مورد نشانه های مثبت که از جانب تیم های کمیته نظارت و ارزیابی، شناسایی گردیده اند (فصل 17)، نتیجه گیری و گام های بعدی (فصل 18) و سفارشات (فصل 19).



مکتب دخترانه شهدا. جاغوری غزنی

2. متدولوژی:

2.1 مروری بر متدولوژی:

میتودولوژی انتخاب شده توسط کمیته نظارت و ارزیابی، عبارت از یک ارزیابی آسیب پذیری در برابر فساد اداری در سکتور معارف میباشد. برای دستیابی به یک تصویر جامع از آسیب پذیری وزارت معارف، ارزیابی متذکره با در نظر داشت یک روش سیستماتیک، راه اندازی گردیده و گروه های مختلف افراد بگونه یی که آنها بتوانند تجارب خویش را توضیح دهند، تحت پوشش قرار گرفته اند. شناسایی ساحات آسیب پذیری در برابر فساد اداری، یک روند اکتشافی بوده که در برگیرنده مباحثات با متخصصین سکتور معارف در سطوح ملی و محلی و اعضای جامعه (اهالی مکاتب) و تحقیقات مزید در مورد تلاش های گذشته در عرصه شناسایی خطرات فساد اداری در سکتور معارف افغانستان، میباشد. ارزیابی آسیب پذیری در برابر فساد اداری از طریق چهار روش جمع آوری اطلاعات انجام یافته است: مصاحبه های دقیق / ساختاری با معلومات دهنده گان کلیدی، مصاحبه های گروهی، مشاهدات مستقیم و بررسی اسناد.

کمیته نظارت و ارزیابی، در این ارزیابی، با یک مجموعه گسترده انتخابی دست اندرکاران که از جمعیت متنوع افغانستان نماینده گی مینمایند، با توجه به نگرانی های امنیتی و محدودیت های زمانی و منابع، مشوره صورت گرفته است. تنوع ذیل در تحقیق متذکره در نظر گرفته شده اند:

- **موقعیت** – از ولایت های مرکزی، شمال شرقی، شمال غربی و جنوب شرقی افغانستان بگونه متعادل نمایندگی صورت گرفته است.
- **شهری/روستایی** – از جوامع شهری و روستایی و جوامع ایکه دسترسی به آنها دشوار میباشد، نیز نماینده گی صورت گرفته است.

- **وضعیت اجتماعی-اقتصادی** - هر دو نوع جوامع، جوامع دارای ثروت نسبی و جوامع فقیر یا دارای عواید اندک، تحت پوشش قرار گرفته اند.

- **زبان** - از زبان های که اکثریت مردم با آن صحبت مینمایند، نماینده گی صورت گرفته است، منجمله زبان های دری و پشتو، و همچنین از زبان های که اقلیت های کشور با آن صحبت مینمایند مانند زبان ترکمنی و اوزبیک نیز نماینده گی صورت گرفته است.

- **ملیت** - نمایندگی متوازن از ملیت های هزاره، پشتون، تاجیک، ترکمن و ازبیک صورت گرفته است.

- **مذهب** - از مذهب شیعه (منجمله اسماعیلیه) و جوامع اهل سنت نیز نماینده گی صورت گرفته است.

کمیته نظارت و ارزیابی، هرچند از ترکیب روش های کیفی و کمی در ارزیابی استفاده نموده است، اما میتوان اینرا یک مطالعه متبازل تحقیقی کیفی عنوان نمود. از این جهت، یافته های این تحقیق را نمیتوان "دارای عمومیت" و یا "بازتاب دهنده کلی" پنداشت، البته در مقایسه با تحقیقاتی که روی کیفیت تمرکز بیشتر مینمایند.

با وجود آن، کمیته نظارت و ارزیابی اعتماد کامل دارد که یافته های این ارزیابی قابل انتقال میباشد، البته با در نظر داشت گفته های "لینکلن" و "گوبا" که خاطر نشان میسازند: "زمانیکه یک پدیده با جزئیات کامل توصیف و تشریح میگردد، لازم است تا این روند با یک ارزیابی آغاز گردد، تا بر مبنای آن در هر مقطع زمانی دیگر در آینده نتیجه گیری صورت گرفته بتواند". توضیحات گسترده^۲ ایکه در مورد آسیب پذیری های فساد اداری در مصاحبه های و مصاحبه های گروهی ارایه گردیده اند، بیان کننده شواهد قانع کننده ای در مورد موجودیت فساد اداری در سکتور معارف افغانستان میباشد که میتوان ادعا نمود که این پدیده در وزارت متذکره ابعاد خیلی عمیق و وسیع داشته و نیازمند توجه و اصلاحات جدی میباشد.

2.2 تیم تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی:

یک تیم بزرگ این مطالعه را انجام داده است. نه تن آنها از دارالانشاء کمیته نظارت و ارزیابی انتخاب گردیده اند و به تعداد بیست و چهار تن آنها از طریق مشارکت کمیته نظارت و ارزیابی با کمیته ناروی برای افغانستان یا (NAC)، که یک نهاد دارای 37 سال تجربه در عرصه معارف در سرتاسر افغانستان میباشد، انتخاب گردیده اند. علاوه بر آن، کمیته نظارت و ارزیابی یک کارشناس مجرب بین المللی عرصه معارف و یک مشاور بین المللی را که در متدلوژی مصاحبه های نیمه ساختار یافته و مصاحبه های گروهی از تجارب فراوانی برخوردار میباشد، نیز در این روند دخیل ساخت.

از میان 9 تن اعضای تیم کمیته نظارت و ارزیابی، سه تن آنها را اعضای اناث و شش تن آنها را اعضای ذکور تشکیل میدهند، و از جمله 24 تن کارمندان کمیته ناروی برای افغانستان یا (NAC)، شانزده تن آنها را کارمندان اناث و هشت تن آنها را کارمندان ذکور تشکیل میدهند.

برای تمام اعضای تیم جلسات آموزشی پیشرفته در مورد تکنیک های مصاحبه، کود گذاری و تحلیل ارقام/آمار و برگزاری جلسات مباحثات متمرکز گروهی راه اندازی گردیده اند. تمام مصاحبه ها بر مبنای دسته بندی های مختلف، ثبت و کود گذاری گردیده اند، که ذیلاً ارایه خواهد گردید.

2.3 مصاحبه ها:

ابزار جمع آوری معلومات/ مدارك ابتدایی در این ارزیابی عبارت از راه اندازی مصاحبه های انفرادی رو در رو با طیف وسیعی از پاسخ دهندگان میباشد. در مجموع، 542 مصاحبه فردی و مصاحبه گروهی انجام یافته اند: که دربر گیرنده 388 مصاحبه فردی و 160 مصاحبه گروهی میباشد.

مصاحبه شونده گان دارای شش ردیف میباشد:

- i) منسوبین معارف در وزارت معارف در شهر کابل.
- ii) مسئولین معارف از ریاست معارف ولایات در هفت ولایت کشور و انستیتیوت های تربیه معلم.
- iii) مدیران مکاتب و سایر کارمندان تیم مدیریت مکاتب.
- iv) معلمین.
- v) شورا های مکاتب، والدین و شاگردان.
- vi) شرکای انکشافی و کارمندان نهاد های غیردولتی افغانی و بین المللی.

تعداد مصاحبه های که با یکی از ردیف های شش گانه صورت گرفته اند، به شرح ذیل میباشد:

ردیف	کتگوری مصاحبه شونده گان	تعداد
1	منسوبین وزارت در کابل	109
2	ریاست های معارف ولایات و انستیتیوت های تربیه معلم	126
3	مدیران و هیات مدیره مکاتب	76
4	معلمین	93
5	والدین و شاگردان	125
6	شرکای انکشافی، نهاد های غیردولتی بین المللی، نهاد های غیردولتی ملی و نهاد های دولتی	13
	سایر مصاحبه شونده گان	9
	تعداد مجموعی مصاحبه ها	542

ترکیت جندر مصاحبه شونده گان

تناسب

نوع مصاحبه

66 تن اناث / 328 تن ذکور

مصاحبه

69 تن اناث / 87 تن ذکور

مصاحبه های گروهی

مصاحبه های ولایتی (کتگوری 2) در 9 ولایت راه اندازی گردیده اند، که سطح ولسوالی، مکتب و جامعه را احتواء مینمایند و جزییات آن قرار ذیل میباشد:

ولایت	تعداد مصاحبه های منسوبین ولایتی
بدخشان	21
بلخ	20
بامیان	5
فاریات	19
غزنی	24
هرات	12
خوست	10
ننګرهار	8
پنجشیر	8

2.4 مکاتب:

کمیته نظارت و ارزیابی و کمیته ناروی برای افغانستان در هفت ولایت کشور در 138 باب مکتب با مدیران مکاتب، معلمین، والدین و شاگردان مکاتب مصاحبه انجام داده اند. مکاتب متذکره قرار ذیل میباشد:

شماره	مکتب	ولایت
1	میر فضل الله	بدخشان
2	لیسه نسوان مشهد	بدخشان
3	لیسه نسوان نوآباد گندم قل	بدخشان
4	بی بی اسما	بدخشان
5	مکتب مختلط محدبه	بدخشان
6	لیسه واخشی	بدخشان

7	لیسه بکتابش (مکتب مختلط)	بدخشان
8	لیسه حلیمه سعدیه	بدخشان
9	سنگ نهر	بدخشان
10	لیسه سیف شهید (مکتب مختلط)	بدخشان
11	مکتب متوسطه قره کمر	بدخشان
12	سبزی بهار	بدخشان
13	مکتب نسوان ده دهی	بدخشان
14	خیرآدمن شهید	بدخشان
15	مکتب مبتنی بر جامعه مسلم آباد	بدخشان
16	گنده چشمه	بدخشان
17	سم دره	بدخشان
18	خانقا	بدخشان
19	لیسه ذکور خلم	بلخ
20	لیسه ذکور خواجه برهان	بلخ
21	لیسه نسوان خواجه برهان	بلخ
22	لیسه مسعود شهید	بلخ
23	لیسه نسوان امین حسین	بلخ
24	لیسه عبدالرووف خلمی	بلخ
25	لیسوان نسوان تنگی	بلخ
26	لیسه ذکور سلطان رضیه	بلخ
27	لیسه خصوصی رهنمورد	بلخ
28	لیسه سلطان غیاث الدین	بلخ
29	لیسه نسوان کارته صلح	فاریاب
30	مکتب متوسطه ذکور کارته صلح	فاریاب
31	لیسه نسوان گوهر شاد بیگم	فاریاب
32	مکتب متوسطه ذکور جرنیل غوث الدین	فاریاب
33	لیسه ذکور خراسان	فاریاب
34	لیسه نسوان ستاره	فاریاب
35	لیسه ذکور کوهی خانه	فاریاب
36	لیسه نسوان کوهی خانه	فاریاب
37	لیسه ذکور ابو عبید جوزجانی	فاریاب
38	لیسه نسوان افغان کوت	فاریاب

39	لیسه نسوان تاتارخانه	فاریاب
40	لیسه نسوان توکلی خانه	فاریاب
41	مکتب متوسطه ذکور توکلی خانه	فاریاب
42	لیسه ذکور آیدین	فاریاب
43	لیسه ذکور عرب خانه	فاریاب
44	مکتب متوسطه ذکور پشه خانی	فاریاب
45	مکتب متوسطه نسوان پشه خانی	فاریاب
46	لیسه نسوان مولانا امرالله	فاریاب
47	لیسه ذکور فضیا	غزنی
48	لیسه نسوان فضیا	غزنی
49	لیسه ذکور سلطانی	غزنی
50	لیسه نسوان شهداء	غزنی
51	لیسه نسوان سید احمد العدل	غزنی
52	سبر چوب بالا	غزنی
53	لیسه مختلط سنگ جوی لومن	غزنی
54	لیسه ذکور لومن	غزنی
55	لیسه نسوان لومن	غزنی
56	لیسه نسوان سید جمال الدین	غزنی
57	لیسه ذکور سید جمال الدین	غزنی
58	لیسه ذکور مهاجرین	غزنی
59	لیسه نسوان مهاجرین	غزنی
60	لیسه ذکور خدایدا	غزنی
61	لیسه اناث خدایدا	غزنی
62	سنایی گردان خدایدا	غزنی
63	لیسه نسوان مغولان	غزنی
64	لیسه نسوان البیرونی	غزنی
65	لیسه نسوان فاطمه زهرا	غزنی
66	لیسه ذکور قلعه شاده	غزنی
67	لیسه نسوان ولی عصر	غزنی
68	لیسه نسوان خواجه روشنایی	غزنی
69	لیسه ذکور توحید آباد	غزنی
70	لیسه نسوان قلعه امیر محمد خان	غزنی

71	لیسه مختلط بهلول	غزنی
72	مکتب متوسطه مختلط گودال	غزنی
73	لیسه ذکور میرادینا	غزنی
74	لیسه نسوان میرادینا	غزنی
75	لیسه ذکور سوکا	غزنی
76	لیسه نسوان لال چاگ	غزنی
77	لیسه ذکور مکنک	غزنی
78	لیسه نسوان مکنک	غزنی
79	لیسه ذکور سبزک	غزنی
80	لیسه نسوان سبزک	غزنی
81	لیسه ملکه جلای	هرات
82	لیسه فخر المدارس	هرات
83	دارالحفاظ	هرات
84	لیسه نسوان امیر علی شیر نوایی	هرات
85	سلطان غیاث الدین غوری	هرات
86	لیسه ذکور امیر علی شیر نوایی	هرات
87	لیسه نسوان گوهر شاد	هرات
88	انستیتوت زراعت و وترنری	هرات
89	لیسه نسوان تجربوی	هرات
90	لیسه ذکور تجربوی	هرات
91	لیسه مختلط جمعیت سروستان	هرات
92	لیسه سردار محمد داوود ولسوالی انجیل	هرات
93	قوای زره دار ولسوالی انجیل	هرات
94	مکتب خصوصی توحید	هرات
95	لیسه ذکور عبدالرحیم شهید	کابل
96	لیسه نسوان زینب کبرا	کابل
97	لیسه ابوالقاسم فردوسی	کابل
98	لیسه نسوان گلدره	کابل
99	مکتب یسرا	کابل
100	لیسه عبدالرحیم شهید	کابل
101	امیر حمزه	کابل
102	بی بی حنیفه	کابل

کابل	غلام حیدر خان (نهاری)	103
کابل	غلام حیدر خان (شبانہ)	104
کابل	حبیبہ	105
کابل	محمد ہاشم میوندوال	106
کابل	ہزارہ بغل	107
کابل	مکتب متوسطہ نمبر 19 جمال مینہ	108
کابل	خواجہ عبداللہ انصاری	109
کابل	مکتب نمبر 2 خانہ نور	110
کابل	شہرک محمدیہ	111
کابل	پیشگامان استقلال	112
کابل	رابعہ بلخی	113
کابل	سید جمال الدین افغان	114
کابل	سید نور محمد شاہ مینہ	115
کابل	لیسہ نسوان سید الشہدا	116
کابل	صوفی اسلام	117
کابل	ذبیح اللہ عصمتی	118
کابل	محمود هوتکی	119
کابل	ظہیرالدین فارابی	120
کابل	لیسہ نسوان توتیا	121
کابل	لیسہ قلعه حشمت خان	122
کابل	سید نور محمد شاہ	123
کابل	بی بی زینب کبرا	124
کابل	لیسہ ابن سینا	125
کابل	لیسہ آریانا	126
کابل	مکتب نسوان گذرہ	127
کابل	مکتب خصوصی جہان	128
کابل	لیسہ خصوصی معرفت	129
کابل	مکتب خصوصی گلوری	130
خوست	لیسہ ذکور شہید داوود	131
خوست	لیسہ ذکور عبدالحی حبیبی	132
خوست	لیسہ نسوان صدیق روہی	133
خوست	لیسہ ذکور صدیق روہی	134

135	لیسه ذکور سربند	خوست
136	لیسه ذکور درگی	خوست
137	لیسه نسوان درگی	خوست
138	مکتب نسوان پیربادشاه	خوست

مصاحبه های که در مکاتب راه اندازی گردیده اند، از جانب تیم های مجرب کمیته ناروی برای افغانستان (NAC) و کمیته نظارت و ارزیابی انجام یافته اند. تیم کمیته ناروی برای افغانستان (NAC) در 108 باب مکتب و یک عده موسسات آموزشی دولتی و خصوصی دیگر، مصاحبه انجام داده اند، در حالیکه تیم کمیته نظارت و ارزیابی از 30 باب مکاتب دولتی و خصوصی در شهر کابل، در تمام مراحل بازدید بعمل آورده است. کمیته نظارت و ارزیابی، در این تحلیل، به تعداد 542 مصاحبه انفرادی و مصاحبه گروهی را انجام داده اند. تمام این ها در مطابقت با نوع شناسی (Typology) و راه های حل (Solution Lenses) مربوطه وارد سیستم و کد گذاری گردیده اند (برای معومات بیشتر به مطالب زیر مراجعه نمایید).

2.5 مروری بر تحلیل های گذشته در مورد وضعیت معارف افغانستان:

در ابتدا یک سلسله مطالعات گسترده در مورد اسناد و مدارک که در ارتباط به مبارزه با فساد اداری در سکتور معارف در نشریه های مختلف بدست نشر سپرده شده اند، صورت گرفته است و به همین ترتیب گزارشات ارزیابی که از جانب شرکای انکشافی و نهاد های مختلف بین المللیه شمول، اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا (USAID)، اداره انکشاف بین المللی دنمارک (DANIDA)، اداره امور بین المللی کانادا (GAC)، اداره ناروی برای همکاری های انکشافی (NORAD)، کمیته سویدن برای افغانستان (SCA)، سیگار (SIGAR)، دفتر سازمان ملل متحد در امور آموزش، علوم و فرهنگ (UNESCO) به دست نشر سپرده شده اند، را مورد بررسی قرار داده و در پهلوی آن یافته های اداره عالی تفتیش در مورد وزارت معارف نیز مورد بررسی قرار گرفته اند.

علاوه بر آن، یک مطالعه دقیق در مورد گزارشات که در رابطه به فساد اداری در رسانه های افغانستان عمده تا طی سالهای 2016 – 2017 انتشار یافته اند، نیز صورت گرفته است (لطفاً به ضمیمه نخست این گزارش مراجعه نمایید).

2.6 ارقام/آمار معارف و سیستم مدیریت معلومات آموزش (EMIS):

مشکلات در خصوص تایید (verification) آمار و ارقام مکاتب، در رابطه به تعداد شاگردان در سرتاسر کشور که از 6 میلیون تا 10 میلیون دارای تفاوت می باشند، بخوبی درک گردیده است. با آنکه، تحلیل و مطالعه مشکل متذکره، هدف این مطالعه را تشکیل نمیدهد، کمیته نظارت و ارزیابی از این فرصت استفاده اعظمی نموده و توانسته است که ارقام/آمار سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) را با با سوابق و آمار موجود در هر یکی از 138 باب مکتب ای که از آنها بازدید بعمل آمده اند، مشاهده و مقایسه نمایند.

2.7 انواع فساد اداری در آموزش مکاتب:

جامعه جهانی در عرصه شناسایی مشکلات مربوط به فساد اداری، بطور مشخص در دوره آموزش ثانوی در جریان 20 سال گذشته، توجه زیادی نموده است. نخستین مورد، عبارت از فعالیت های یونسکو در سال 2001 میباشد که پس از آن توجه سایر نهاد های بین المللی، به ویژه اداره انکشافی سازمان ملل متحد، سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی یا (OECD)، بانک جهانی (U4) و نهاد بین المللی شفافیت (TI) را بخود جلب نموده است. در نتیجه آن، شناسایی گردید که زمینه های مختلف فساد اداری در دستگاه معارف کشور وجود دارند. کمیته نظارت و ارزیابی، «گونه شناسی» های فساد را که در نتیجه مطالعه گزارشات قبلی شناسایی گردیده بود را در این تحلیل شامل و، 36 نوع مشکلات را در پیوند به فساد اداری در سکتور معارف شناسایی نموده اند.

مشکلات فساد اداری به دو دسته عمده تقسیم می شوند: میکانیزم های فساد اداری که به سطح مکاتب و ولسوالی ها نشاءت مینمایند و میکانیزم های فساد اداری که تحت تاثیر مراجع مرکزی بوده و معمولا تحت کنترل مستقیم وزارت معارف قرار دارند. میکانیزم های فساد اداری در چهارچوب وزارت معارف در جدول ذیل ارایه گردیده اند:

خطرات مشخص فساد اداری در معارف		
مرکزی - پالیسی	مرکزی - مالی و کنترل	در مکاتب - تاثیر مستقیم
رهنمایی نادرست بودجه های معارف	انحراف بودجه های مرکزی	پرداخت پول برای شمولیت در مکتب
تخصیص نادرست به ادارات و پروژه ها	انحراف بودجه های پروژه ها	پرداخت پول برای دریافت نمرات خوب
نصاب تعلیمی فوق العاده بلند	انحراف دارایی های معارف	پرداخت پول برای دریافت نتایج امتحان
مرکزی - معلمان و منابع بشری	رشوه دادن به مفتشین و نظارت کننده گان	پرداخت پول برای شهادتنامه های مکتب
تقرر و تبدیلی معلمان	در مکاتب - تاثیر غیر مستقیم	پرداخت پول برای سوالات امتحان
جواز معلمان	پذیرش سطوح بلند غیرحاضری	پرداخت پول به دیگران برای امتحان عوضی
تخصیص امتیازات معلمان	رشوه دادن توسط معلمان برای تقرر در موقعیت بهتر	اخذ پول از شاگردان محروم
انتخاب آموزش معلمان	استفاده از مکاتب برای مقاصد شخصی	مجبور ساختن به استفاده نمودن کتب درسی معین
آموزش معلمان: نمره دهی، امتحانات، فراغت	انحراف بودجه مکتب	اجبار برای صنف های خصوصی
مرکزی - تدارکات	انحراف اعانت های مالی محلی	اجبار بالای شاگردان تا برای معلمان مفت کار کند
چاپ و توزیع کتب درسی	قیمت های بلند برای غذا و یونیفورم	تقاضای جنسی معلمان
قراردادهای تعمیر و زیربنا	غذای مکتب، ترمیم، قرارداد های مراقبت	
کمسیون ها در باره بودجه و تمدید	تخصیص منابع برای مکاتب دلخواه	

کودگذاری مسائل ویژه فساد اداری که در هر مصاحبه بازتاب یافته اند:

تمام 542 مصاحبه ای که انجام شده اند، به یکی از ده نوع مسایل مربوط به فساد اداری در چوکات معارف، ، کود گذاری گردیده اند که به شرح ذیل می باشد:

- 1: فساد وابسته به فرهنگ، پالیسی ها، طرزالعمل ها و سیستم ها.
- 2: فساد در بخش های مالی، کنترل و تفتیش.
- 3: فساد در مدیریت منابع بشری.
- 4: فساد در توانمند سازی و پاسخدهی ولایت.
- 5: فساد در سطح مکتب: مدیریت مکتب.
- 6: فساد در سطح مکتب: معلمین.
- 7: فساد در سطح مکتب: (مکاتب خصوصی و آموزشی مبتنی بر جامعه).
- 8: فساد در تصدیق ارقام/آمار و اعتبار شهادتنامه.
- 9: فساد وابسته به کتب درسی و منابع آموزشی.
- 10: فساد ناشی یا وابسته به تمویل کننده گان.

2.8 انواع راه های حل ممکن:

این متدولوژی به تعداد ده روش را نیز پیش بینی نموده است تا بر مبنای آن تیم ارزیابی بتواند تمام راه های حل ممکنه را که احتمالاً در جریان مصاحبه ها از جانب مصاحبه شوندگاه مطرح گردیده اند، دسته بندی نمایند. ده نوع از این راه حل ها (چشم انداز ها به بعنوان راه حل) در ذیل توضیح داده شده اند:

- **راه حل الف: اقدامات شهروندی** و سایر اشکال نظارتی مدنی و یا محلی – اقداماتی که می توانند تغییر ایجاد نمایند: برای مثال در سطح شورای انکشافی قریه، نظارت از طریق جامعه مدنی و یا انتشار ارقام/آمار .
- **راه حل ب: اصلاحات سازمانی** – تغییرات اداری، سازمانی و سیستم ها که باعث بهبود کارایی نهاد و در عین حال جلوگیری از رفتار های آلوده به فساد می گردند.
- **راه حل ج: رهبری تغییرات سازمانی** – چگونه وزارت معارف، معلمین، انستیتیوت های تربیه معلم یا (TTCS) و ریاست های معارف ولایات می توانند در تغییرات سازمان نقش ایفاء نمایند.
- **راه حل د: تعدیلات در قوانین و طرزالعمل ها** – چگونه میتوان در قوانین تعدیلات وارد نمود و یا قوانین، مقررات اداری، یا میکانیزم های رسیده گی به شکایات شهروندان را تطبیق نمود.

- **راه حل ه: هشدار ها و نشانه های تغییر به جمعیت** - اقدامات ویژه، خواه کوچک باشند، خواه بزرگ، به مردم نشان خواهد داد که همه چیز در حال تغییر اند.
 - **راه حل و: اقدامات جامعه بین المللی و شرکای انکشافی:** چگونه می توان حمایت های بیشتر آنها را در آینده متمرکز و کنترل نمود؟ آنها چگونه و در کجا میتوانند کمک نمایند؟
 - **راه حل ز: سیستم های معلوماتی، سیستم های کنترل و تفتیش و نظارت مستقل:** استفاده از سیستم های معلوماتی و سیستم های کنترل موجود، گزارشدهی خوب و نظارت مستقل خارجی به عنوان کلید برای بهبود امور.
 - **راه حل ح: اقدامات در خصوص تامین شفافیت** - چگونه شفافیت در پالیسی، طی مراحل، عملی نمودن و نشر آزاد پالیسی ها، ستندرد ها، برنامه ها، بودجه ها، نتایج و گزارشات کمک خواهند نمود تا فساد اداری کاهش بیاید.
 - **راه حل ط: تطبیق:** اقدامات انضباطی، بازجویی ها، پیگرد قانونی و رسیده گی به تخطی ها.
 - **راه حل ی: بدیل های مبتنی بر بازار در برابر بدیل دولتی.** در حالیکه در برابر راه حل های مبتنی بر بازار مشکلات شناخته شده ای نیز وجود دارند، اما اینها می توانند تاثیرات مثبتی را به منظور بلند بردن ستندرد ها، افزایش ارزش پول در میان خدمات ارائه شده از جانب دولت داشته باشند و نشان دهند که در کدام عرصه فساد اداری وجود دارد، البته از طریق رای دادن مردم به ترک سیستم دولتی.
- از چشم اندازهای متذکره که در خصوص روش های مختلف ده گانه بمنظور کاهش فساد اداری ارایه گردیده اند، در مورد ترتیب و تنظیم سفارشات و راه حل های ارایه شده در فصل 19 استفاده بعمل آمده است.

3. تحلیل های پیشین:

"من در دوران حکومت ظاهر شاه تا صنف چهارم درس خوانده ام و می توانم هم بخوانم و هم بنویسم، اکنون پسر در مکتب، متعلم صنف یازدهم میباشد، نه خوانده می تواند و نه هم نوشته.".

والدین

تحلیل و ارزیابی آسیب پذیری های وزارت معارف، در نوع خویش یگانه ارزیابی میباشد که با چنین جزئیات در سطح کشور راه اندازی گردیده است، اما فساد در نظام معارف افغانستان نه یک پدیده جدید است و نه هم یک چیز ناآشنا. این امر به ما کمک می نماید تا یافته های این ارزیابی آسیب پذیری در برابر فساد اداری به سطح وزارت (MVCA) را در روشنایی تاریخ رشد نظام^۲ معارف افغانستان درک نماییم. ملت ای چون افغانستان که از لحاظ تاریخی در عرصه فراهم ساختن زمینه دسترسی به شهروندان خویش با محدودیت های گسترده یی، دسته و پنجه نرم نموده است، طوری به نظر میرسد که در مقایسه به سایر ملت های جهان که به سیستم های آموزشی بهتری دسترسی داشتند و دارند، تجارب بیشتر فساد اداری را دارند^۴.

فساد، مانند سایر ابعاد منفی و مثبت معارف، عمیقاً تحت تأثیر روابط میان شهروندان افغان و دولت قرار دارد و در این زمینه نمونه های تاریخی وجود دارند، که آهنگ آن امروز به گوش میرسد. همانگونه که یزدی^۵ بیان میدارد:

"درس های تاریخ افغانستان آموزنده اند. تاریخ نشان داده است که معارف به عنوان یک جاده دو طرفه در میان مردم و دولت افغانستان میباشد. در دوران حکومت ظاهر شاه، جامعه افغان آماده نبود تا از مزایای آموزش معاصر بهره مند گردد و یا هم از آن آگاهی داشته باشد. از اینرو، ظاهر شاه به مردم آزادی داد و مکاتب توأم با موفقیت های اندک را ایجاد نمود. در دوره کمونیست ها، حکومت به رکود مواجه گردیده بود و تمایلی به این نشان نمیداد که با ایدئولوژی اش سازش کند و از درک واقعیت های فرهنگی و عنعنات افغانی خودداری نمود. سرانجام، طالبان، که بگونه خشونت بار تلاش میورزیدند تا خالص ترین نسخه سنت های افغانی را بشکل اجباری تطبیق نمایند، نیز نتوانستند تا انکشاف فرهنگ افغانی و تجارب شمار زیادی از عودت کننده گان و تمایل مردم به عناصر عمده تمدن که معارف جزء از آنها میباشد، را به دیده احترام بنگرند. درس ای که از این رویداد ها باید آموخته شود اینست که برای افغان ها باید بصورت فعال زمینه هرگونه آموزش فراهم گردد که آنها میخواهند از طریق آن به بلندترین قله های پیروزی دست یابند، اما تحمیل پروژه های مهندسی شده اجتماعی و ایدئولوژیک بالای آنها، صرف سبب مقاومت و ناراحتی آنها خواهد شد و بس."

پس از سقوط حکومت طالبان در سال 2001، نظام معارف افغانستان بگونه قابل ملاحظه در مرحله گذار و احیاء مجدد قرار گرفت. این در حالیکه این دوره طلایی، که به عنوان یک جریان فزاینده پول و برنامه های کمک کننده گان تعریف گردیده است، نیز سبب شده است تا با مشکلات جدی فساد اداری همراه شود^۶.

همانگونه که در گزارش سال 2011 نهاد (Hall) در مورد فساد اداری در سکتور معارف افغانستان^۷، خاطر نشان گردیده است، گزارشات متعددی از جمله گزارش سال 2009 شبکه بین سازمانی آموزش در حالات اضطرار^۸، در رابطه به آموزش و شگوفایی و ارزیابی سال 2009 اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده در مورد فساد اداری^۹، نمایانگر آن اند که در نظام معارف افغانستان فساد گسترده و سازمان یافته وجود دارند که دربر گیرنده "معلمین خیالی"، نیوتیزم و رشوت می باشد.

از سال 2001 بدینسو، پیشرفت های چشمگیری در عرصه شمولیت شاگردان در مکاتب افغانستان بوجود آمده اند که از اثر آن میلیون ها تن از اطفال قادر به این شده اند تا به مکتب برگردند^{۱۰}، این در حالیست که افزایش میزان شمولیت در مکاتب با پیشرفت ها در عرصه بهبود کیفیت معارف، صورت نگرفته است. در حقیقت امر، میزان شمولیت در مکاتب جدا از کیفیت آموزش نمی باشد. گیمبرت در مورد میزان شمولیت در مکاتب در افغانستان، اشاره به رابطه مهم میان شمولیت در مکتب و کیفیت معارف نموده است، و پیشنهاد مینماید که با در نظر داشت قدمه مشخص ای که در گذشته وجود داشته اند، افزایش در عرضه خدمات هیچگاه به تنهایی خویش منجر به افزایش کیفیت شده نمی تواند^{۱۱}.

علاوه بر شمار شمولیت در مکاتب، در سایر اقدامات کمی در عرصه معارف در افغانستان نیز پیشرفت های صورت گرفته اند، اما طوریکه صمدی دریافت نموده است: "هرچند از نظر کمی و تنوع ابتکارات، پیشرفت ها قابل ملاحظه ای صورت گرفته اند، اما کیفیت و کارآیی معارف هنوز هم به عنوان یک چالش باقی مانده است، که باید مقامات دولتی به آن رسیده گی نمایند..."^{۱۲}.

ماخذ و منابع اخیر در مورد فساد اداری در چهارچوب معارف:

هرچند طی 10 سال گذشته، دولت افغانستان با حمایت تمویل کننده گان و شرکای انکشافی خویش در راستای مبارزه با فساد اداری در نظام معارف کشور تلاش های زیادی به خرج داده است، اما اینگونه مشکلات ریشه های عمیق داشته و دشوار به نظر میرسد تا آنها را متوقف سازند. علاوه بر آگاهی گسترده در میان منسویین وزارت معارف، تمویل کننده گان و شهروندان افغان، شواهدی اندکی در اختیار قرار دارند که تحقیقات، گزارشات و مقالات مربوط به فساد اداری در نظام معارف افغانستان که قبلاً بدست نشر رسیده است، بتوانند منجر به تغییرات قابل ملاحظه و یا پایدار مثبت و بهبود در این زمینه گردند.

نظر و تبصره سنت نر (Centner)، که در گزارش سال 2012 که در مورد فساد اداری در سیستم معارف افغانستان^{۱۳} بازتاب یافته اند، از آن در سال 2017 هم می توان استفاده کرد که چنین آمده است: "متأسفانه،

نظام ملی معارف افغانستان آلوده با فساد بوده و سبب شده است تا میلیون ها طفل از فرصت های آموزشی محروم گردند. شما خود تصور نمایید که یک تن از معلمین باشید و مجبور باشید تا برای دریافت معاش خویش، رشوه پرداخت نمایید. تصور نمایید که یک تن از والدین باشید و مجبور باشید تا برای اینکه فرزندتان بتواند از یک صنف به صنف دیگر ارتقاء نماید، رشوه بدهید. تصور نمایید که یک تن از مسوولین باشید و قادر به شناسایی تفاوت میان دیپلوم های معتبر و جعلی نباشید. بدون داشتن یک اراده قوی در راستای مبارزه با فساد گسترده که در حال حاضر

افغانستان را به تباہی می کشاند، عدم دستیابی به اهداف آموزشی در کشور ادامه خواهد یافت و این کشور از منابع که ارزش حیاتی دارد، یعنی اطفال تعلیم یافته، بی بهره خواهد ماند."

نمونه های دیگری از گزارشات و مقالات اخیر که مسائل مربوط به فساد اداری را در ارتباط با وزارت معارف افغانستان و تمویل کننده گان و شرکای انکشافی آن بیشتر برجسته می سازد عبارت اند از:

- گزارش ای که توسط شبکه ملی تحلیل گران افغان (AAN) در سال 2017 در رابطه به تفاوت های احصایوی^{۱۴} در چوکات وزارت معارف افغانستان پخش گردیده است، خاطر نشان می نماید که فساد گسترده در نظام معارف کشور وجود دارند. همچنان، کمیسیون موظف توسط دولت افغانستان در سال 2015 ادعا های فساد اداری در نظام معارف را مورد بررسی قرار داده است، که یافته های آن هیچگاه با مردم^{۱۵} در میان گذاشته نشد. همانگونه که در گزارش شبکه ملی تحلیل گران افغان (AAN) آمده است، "... بنابر یاس و نا امیدی از کمیسیون حقیقت یاب، هیچگونه اقدامات قابل ملاحظه ای در رابطه با اتهامات موجود رویدست گرفته نشده اند"¹⁶.

- ارزیابی که توسط اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا در سال (2016) در رابطه به تهیه و توزیع کتاب های درسی راه اندازی گردیده بود، نشان میدهد که از سال 2005 بدینسو فساد اداری گسترده به سطح وزارت معارف وجود دارد و چنین توصیه مینماید که "تمام کارمندان وزارت معارف، ریاست معارف ولایات و مدیریت معارف ولسوالی ها که در روند توزیع کتاب های درسی مکاتب دخیل اند، باید به عنوان بخشی از قرارداد های معمول استخدام خویش در پای مقررات امضاء نمایند که حاوی اقدامات جزایی در برابر اقدامات آلوده به فساد و یا هم تخطی از قوانین و پالیسی های^{۱۷} متذکره می باشند". در برابر اینگونه توصیه ها، همانند سایر توصیه ها و سفارشات که در ارزیابی های دیگر ارایه گردیده اند، هنوز هیچگونه توجه و اقدامی صورت نگرفته است.

- یک گزارش جامع ای که در سال 2016 در مورد کمک های انکشافی کشور ناروی برای افغانستان طی سالهای 2011 - 2014 ارایه گردیده است، خاطر نشان میسازد که "پیگیری و نظارت جدی از مساعدت های صندوق بازسازی و اعتماد افغانستان (ARTF) و مساعدت های برنامه بهبود کیفیت معارف (EQUIP) نیاز است، تا بتوان در برابر نگرانی هایی که در رابطه به فساد اداری و آمار نادرست شاگردان و مکاتب وجود دارند، مبارزه نمود و نیز از نظارت دوامدار در عرصه بهبود کیفیت معارف، اطمینان حاصل گردد"^{۱۸}. همچنان در این گزارش آمده است که "در سکتور معارف - در مورد واقعی بودن آمار/ارقام و اعداد ارائه شده از جانب وزارت معارف نگرانی های زیادی وجود دارند"^{۱۹}.

- یک بررسی ملی ای که طی سال 2015 در مورد آموزش برای همه توسط نهاد یونسکو انجام یافته است، نیز از نگرانی ها در مورد واقعی بودن آمار/ارقام معارف در کشور پرده برداشته است. در این بررسی آمده است: "در حالیکه در عرصه دسترسی به آمار/ارقام مرتبط به شاخص های عمده معارف مانند تناسب شمولیت، ترک آموزش، تکمیل آموزش های ابتدایی و میزان سواد، بهبود به ملاحظه میرسد، اما دقیق بودن آمار/ارقام جمع آوری شده هنوز هم پرسش برانگیز می باشد و اطلاعات متذکره در زمان متوقع و مطلوب آن قابل دسترس نمی باشند..."²⁰.

- در رابطه با استخدام معلمان، یک گزارش تحلیلی که در رابطه به سکتور معارف افغانستان در سال 2016 بدست نشر سپرده شده است، خاطر نشان میسازد که "نیوتیزم (استخدام جانبدارانه قومی) و مداخلات سیاسی در استخدام معلمان در سرتاسر کشور بگونه گسترده به ملاحظه می‌رسند"^{۲۱}.
- علاوه بر آن، دو گزارش قبلی آسیب پذیری در برابر فساد اداری کمیته نظارت و ارزیابی در رابطه به استخدام معلمان^{۲۲} و برنامه بهبود کیفیت معارف (EQUIP)^{۲۳}، به ترتیب گزارش می‌دهند که در این ساحات معارف فساد گسترده وجود داشته و از زمان انتشار این گزارشات تا کنون، هیچگونه بهبود قابل ملاحظه ای در ساحات متذکره رونما نگردیده است.

یقیناً که اتهام فساد در نظام معارف کشور نباید صرف به منسوبین وزارت معارف و یا رهبری فعلی و گذشته آن نسبت داده شود، زیرا پیچیده گی تمویل کننده گان و شرکای انکشافی سکتور متذکره نیز مطرح بحث می‌باشد. گزارش ای که در مورد کمک های انکشافی کشور ناروی برای افغانستان قبلاً یاد آوری گردیده (با ارایه ماخذ در رابطه به ارزیابی قبلی همکاری های انکشافی کشور ناروی در افغانستان طی سال های 2001 تا 2011) نیز در رابطه با ضعف در حکومتداری و موجودیت فساد اشاره نموده است:

"... تمویل کننده گان در مورد (مشکلات فساد اداری) آگاهی داشته اند، آنرا تحمل نمودند و در بسا موارد این مشکلات را برای سال های متمادی شدت بخشیده اند، البته با وجود تلاش های همزمان برای بهبود آن"²⁴.

تمویلکننده گان و شرکای انکشافی همچنین در راستای چالش های وزارت معارف در عرصه ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در نظام معارف کشور نقش داشته اند که از بعد دیگر این را میتوان به عنوان یک عامل تشدید کننده فساد اداری نیز تلقی نمود. به عنوان مثال، یک گزارش در مورد کمک های انکشافی کشور ناروی^{۲۵} و یک بررسی که از جانب اداره یونسف با حمایت کشور سویدن در رابطه به برنامه تعلیمات ابتدایی و تساوی جندر در افغانستان^{۲۶} انجام یافته است، هر دو در مورد فقدان سیستم ها و آمار مقدماتی در نزد تمویل کننده گان/شرکای انکشافی تاکید می‌ورزند، که زمینه را برای اندازه گیری تغییرات و پیشرفت ها در زمان معین آن، فراهم میسازد.

همانگونه که در بررسی اخیر خاطر نشان گردیده است، این بدان معناست که "... عواملی که منجر به تغییر می شوند نادیده گرفته و دروس آموخته شده مستند سازی و نهادینه نمی گردند"^{۲۷}. علاوه بر آن، در بررسی اشاره شده است که "... کارمندان و مسوولین در مورد شمار زیادی از نقاط ضعف، آگاهی داشته و در مورد چگونگی رسیدگی به برخی از چالش ها مفکوره های نیز دارند، اما یافته های اینگونه ارزیابی ها، هیچگاهی در سیستم نظارت، مدنظر گرفته نشده اند و نه هم با اعضای جوامع مربوطه، کارمندان تخریکی وزارت معارف، مدیریت مکاتب و یا معلمان در میان گذاشته شده اند"²⁸.

علاوه بر آن، همانطوریکه در بررسی که از جانب اداره یونسکو در سال 2015 در رابطه به «آموزش برای همه» راه اندازی گردیده بود، بازتاب یافته است که: "شرکای انکشافی هیچگاه در مورد پروژه های خارجی خویش اطلاعات کامل را با دیگران در میان نگذاشته و روند پلانگذاری مشترک میان وزارت معارف و شرکای انکشافی هنوز هم نادیده گرفته می شوند"²⁹.

یک ساحه مرتبط که مانع ارزیابی سیستماتیک و رسیده گی به فساد اداری در معارف گردیده است، عبارت از عدم موفقیت تمویل کننده گان در عرصه ارزیابی برنامه های خویش میباشد. در گزارش سال 2016 سیگار که در رابطه به حمایت های ایالات متحده از معارف در افغانستان تهیه گردیده، آمده است: "وزارت دفاع، دولت ایالات متحده امریکا و اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا، به اندازه کافی تلاش های حمایت خویش را از سکتور معارف افغانستان مورد ارزیابی قرار نداده اند."^{۳۰} گزارش متذکره همچنان در ادامه خاطر نشان میسازد که: بنابر اتکاء بالای آمار/ارقام اجرائات معارف افغانستان که بگونه کامل و مستقیم با هیچ یک از برنامه های ویژه اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا مربوط نمی شود و غیرقابل اطمینان نیز میباشد، ممکن اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا یک تصویر نادرستی را در مورد برنامه های که ایشان در سکتور معارف افغانستان همکاری نموده اند، را ارایه نمایند.^{۳۱}

همچنین در گزارش سیگار خاطر نشان گردیده است که مشکل عمده عبارت از نبود هماهنگی میان نهاد های مختلف ایالات متحده امریکا که از سکتور معارف افغانستان حمایت مینمایند، میباشد.^{۳۲} این عدم هماهنگی بوضاحت قابل دید بوده و در میان تمام تمویل کننده گان بزرگ و شرکای انکشافی و وزارت معارف افغانستان مشکل ایجاد نموده که منجر به مشکلات عدیده ای گردیده است که شامل: اختتام برنامه ها بگونه غیرضروری، پیام ها و مشوره های مختلط و احتمالاً متضاد و بالاخره عدم هماهنگی در روند پلانگذاری و برنامه ریزی، که تمام اینها را میتوان به عنوان موانع در برابر پاسخدهی، و عامل تقویت کننده فساد اداری تلقی نمود. شمار زیادی از اینگونه انتقادات، تقریباً کلمه به کلمه در سایر وزارت ها نیز به چشم می خورد، که ارایه کننده وسعت اینگونه مشکلات می باشد که رهبری دولت افغانستان با آن مواجه بوده و از جانب مردم کشور تحمل میگردند.

مسلماً، تحقیقات وسیع و متداوم در رابطه به فساد اداری در نظام معارف افغانستان (و مخصوصاً در مورد حمایت هاییکه در زمینه از جانب اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا، فراهم گردیده است) توسط سیگار انجام شده است. طیف وسیعی از گزارشات و مکاتبات ب سیگار، طی ساله های 2009 الی 2016، آسیب پذیری های کلیدی در برابر فساد اداری را برجسته نموده اند، که عبارت اند از: فقدان اطلاعات قابل اعتماد و تازه در وزارت معارف^{۳۳}، فقدان ارزیابی جامع توسط اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا از برنامه های مورد حمایت اش در عرصه آموزش عمومی افغانستان^{۳۴}، پلانگذاری نامناسب، مصونیت ضعیف، کنترل کیفیت ضعیف، ضایعات، تقلب و سوء استفاده از مساعدت های مالی و تخریب ساختمان ها بزودی پس از اعمار در پروژه های اعمار مکاتب^{۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹}، نقایص در اعمار تسهیلات تربیه معلم^{۴۰}، مکاتب خیالی، شاگردان و معلمین خیالی^{۴۱}، و غیابت معلمین و شاگردان^{۴۲}.

کمیته نظارت و ارزیابی، در نهایت، آنعده تفتیش هایی را که از جانب اداره عالی تفتیش طی سال های 1392 و 1393 خورشیدی در چهارچوب وزارت معارف انجام یافته اند، نیز مرور نموده اند. قابل یاد آورiest که نتایج تفتیش های متذکره در ضمیمه شماره پنجم ارایه گردیده اند. با این حال، میزان تحلیل به سطح تعاملات مفصل مالی بوده، از اینرو در مورد مسائل بزرگتر بحث بیشتر صورت نگرفته است، و از همین سبب نمیتوان تحلیل حاضر را بیشتر یاری رساند. نتایج تفتیش برای سال 1394 و 1395 هنوز هم قابل دسترس نمیشاند.

مطابقت با این مطالعه:

تحلیل در مورد بررسی های پیشین سیستم معارف افغانستان از چند نگاه برای تیم کمیته نظارت و ارزیابی سودمند بوده اند:

- این مطالعات، ارایه کننده شواهد قابل ملاحظه در مورد افزایش قابل ملاحظه تعداد اطفالی میباشند که از طریق سیستم معارف افغانستان طی 15 سال گذشته به مکتب میروند، البته با وجود مشکلات در عرصه سنجش ارقام توسط سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS).
- این مطالعات، ارایه کننده نگرانی های دوامدار در مورد فساد اداری، به شمول آگاهی از پیامد های نپوتیزمگسترده، می باشند. اما بدون آنکه در رابطه به این موضوع، مطالعات مستقیم انجام یافته باشند. تحلیل های متذکره نشان می دهند که از این گونه مسائل مربوط به فساد اداری، وزارت معارف و تمویل کننده گان آگاهی دارند.
- تحلیل های متذکره، نکاتی را در مورد مشکلات مداوم در عرصه ارتقاء کیفیت معارف یادآوری مینمایند.

این در حالست که تحلیل های متذکره ارتباط واضح میان فساد اداری و مشکلات کیفیت را در نظام معارف خاطر نشان نمی سازند، چیزیکه به عنوان یکی از مهمترین عناصر تحلیل حاضر پنداشته میشود.



بخش الف معلمین و شاگردان

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی
مبارزه علیه فساد اداری

4. فساد در تقرر معلمین:

فساد در تقرر معلمین موضوع اساسی بوده که توسط بیش از 90 درصد از مصاحبه شونده گانگزارش داده شده است. این نتیجه (فساد در تقرر معلمین) از جانب تمام ردیف های ششگانه مصاحبه شونده گان در تمام مکاتب و تمام ولایات خاطر نشان گردیده است. تمام تبصره هایی که در این راستا صورت گرفته اند، بر میگردند به نیپوتیزم (استخدام جانبدارانه قومی)، تمایل و طرفداری از جانب کارمندان وزارت معارف و افراد با نفوذ، به شمول اعضای شورای ملی.

بنابراین میتوان گفت که قلب مشکلات فساد اداری در وزارت معارف عمدتاً مسائلی چون فساد در روند تدارکات و یا موجودیت معلمین خیالی نمی باشند. بلکه این اطفال، خانواده ها، معلمین و سایر اعضای جامعه میباشند که چیز های زیادی را بنابر موجودیت یک سیستم آموزشی غیر موثر از دست میدهند که به طور مستقیم آنعده هموطنان ما را به چالش میکشانند که اراده آموزش در محل عرضه خدمات دارند. در نتیجه آن، جوامع به طور گسترده اعتماد خویش را بالای سیستم متذکره از دست میدهند.

ناکامی در فراهم ساختن تدریس مناسب به شهروندان کشور، که ناشی از تقرر معلمین ضعیف و غیر شایسته از طریق نیپوتیزم (استخدام قومی) می شوند و نیز رفتار ضعیف و نادرست اینگونه معلمین در مکاتب در این فصل با توجه به شیوه های مختلف ای که آنها تبارز نموده اند، مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرند:

- پست های معلمین به عنوان یک بازار مناسب برای معاملات پهنانی.
- خریداری پست ها توسط معلمین جدید.
- طرز العمل های آلوده با فساد و تداخل بیروکراتیک.
- عدم موجودیت اسناد معتبر در رابطه به تعداد معلمین و موجودیت یک سیستم ای که در آن تقلب به ساده گی صورت میگیرد.
- کندی در روند استخدام در پست های ارشد از طریق ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج (CBR).
- عدم شفافیت در پر نمودن پست های خالی.
- موجودیت معلمین ای که از شایستگی لازم برخوردار نمی باشند.
- پرداخت پول از جانب معلمین برای اینکه بیشتر از سن تقاعدی در پست های خویش باقی بمانند.
- تبعیض جنس و آزار و اذیت معلمین اناث.
- عدم موجودیت مدیریت ارزیابی اجراءات.
- گزارش ها در مورد کاهش تعداد معلمین متعهد.
- غیابت معلمین و جعل کاری در هویت.
- تقاضاء رشوه از جانب معلمین.
- سوء استفاده فزیکتی، لفظی و عاطفی
- دیدگاه های والدین و شاگردان.

4.1 وزارت معارف به یک بازار استخدام قومی (نیپوتیزم) مبدل گردیده است:

کارمندان وزارت معارف 68 درصد از تمام کارمندان دولت افغانستان را تشکیل می‌دهند. اکثر این کارمندان معلمان می‌باشند. بر مبنای معلومات ارایه شده از جانب ریاست عمومی منابع بشری وزارت معارف، در حال حاضر در سرتاسر افغانستان به تعداد 216000 (دو صد و شانزده هزار ۴۳) معلم در چارچوب وزارت استخدام گردیده‌اند. حالانکه، شعبه معاشات وزارت معارف قادر به ارائه معلومات دقیق در مورد تعداد افرادی که طی سه ماه گذشته به آنها معاش پرداخت گردیده‌اند، نمی‌باشد.

این بدان معناست که در میان تمام وزارت‌های افغانستان، در وزارت معارف این کشور زمینه بیشتر برای اعمال نفوذ بمنظور تقرر خویشاوندان و دوستان وجود دارند.

"من از تهدیدات طالبان هراس ندارم، اما از تهدیدات و فریبکاری‌های اعضای شورای ملی در هراس می‌باشم."

یکی از کارمندان ارشد وزارت معارف در معینیت آموزش‌های تخنیکی و حرفوی

مصاحبه‌های کمیته نظارت و ارزیابی نشان می‌دهند که در وزارت معارف، بمنظور استخدام اقارب، دوستان و افراد مورد علاقه، از سوی افراد دارای نفوذ فشارهای پیهم و گسترده وارد می‌گردند، و این مطلب دقیقاً از جانب صدها تن از مصاحبه‌شونده‌گان اظهار گردیده است. قابل یادآوریست که در خصوص استخدام، فشار بیشتر از جانب اعضای شورای ملی اعمال می‌گردند. مصاحبه‌شونده‌گان گزارش داده‌اند که اعضای شورای ملی در تمام سطوح استخدام، به شمول ارتقاء معلمان، تبدیلی معلمان در جایگاه‌های مطلوب، مداخله می‌نمایند.

از آنجاییکه ریاست عمومی منابع بشری تلاش می‌نماید تا در برابر اینگونه فشارها مقاومت نشان دهد، شواهدی در اختیار تیم کمیته نظارت و ارزیابی قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهند که اعضای شورای ملی مکاتیب تقرر و تبدیلی را بگونه مستقیم از وزیر یا معینان وزارت معارف بدست می‌آورند و در نتیجه، سلسله مراتب و قدمه‌های اجرائات در ریاست عمومی منابع بشری را نادیده می‌گیرند. زمانیکه اینگونه احکام صادر می‌گردند، امتناع آن از جانب ریاست عمومی منابع بشری ناممکن می‌باشد. در جریان جمع‌آوری ارقام، تیم ارزیابی آسیب‌پذیری در برابر فساد اداری به سطح وزارت (MVCA) شاهد دو مورد حضور اعضای شورای ملی در داخل ریاست منابع بشری بودند، که در پروسه‌های منابع بشری آشکارا دخالت می‌نمودند.

مصاحبه‌های که با مقامات وزارت معارف راه‌اندازی گردیده‌اند، نتایج مکرر را بدست می‌دهند که روند استخدام معلمان نه تنها اینکه بعضی اوقات آلوده با فساد می‌باشند، بلکه تقریباً 100 درصد توأم با فساد می‌باشد. چند تن از مسوولین شعبات منابع بشری اظهار داشته‌اند که در حقیقت امر، هر کارمند در ساحه مسئولیت خویش، بر مبنای نیپوتیزم تقرر می‌کند، البته بدون در نظر داشت اینکه طرزالعمل‌های رسمی بالای آنها تطبیق گردند یا خیر.

"روند استخدام معلمان 100 درصد آلوده با فساد می باشد. در مدت زمانیکه من در ریاست منابع بشری خدمت مینمایم، هیچ شخص واجد شرایط به وظیفه مقدس معلمی دست نیافته است، بلکه ایشان توسط سفارشات مقامات عالیرتبه استخدام میگرددند و من هیچ انتخابی ندارم جزء اینکه آنرا تایید نمایم و بلاخره جزء از این سیستم آلوده با فساد باشم".

یک تن از منسویین وزارت معارف

بسیاری از مقامات اظهار داشته اند که کارمندان ارشد وزارت معارف خود را در دام این زنجیره حمایت و فریبکاری گیر افتاده فکر می کنند. از این جهت، آنها اجتناب ناپذیر می نمایند، با وجود اینکه ممکن نیت خوب و بهتر داشته باشند. این بدان معنی نمی باشند که نقش چنین بازیگران را نادیده بگیریم، بلکه باید شیوه های را خاطر نشان نمود که بر مبنای آن اینگونه افراد و حتی افرادی که از قدرت نسبی برخوردار می باشند در سیستم موجوده، بتوانند بدون آنکه در فساد آغشته باشند، به کار های خویش رسیده گی نمایند، اگرچه این موضوع نیز چالش برانگیز به نظر می رسند

4.2 پرداخت برای دریافت وظیفه معلمی بسیار گسترده می باشد.

تقرر معلمان از بزرگترین بخش استخدام در وزارت معارف نماینده گی می باشد. بر مبنای اظهارات صدها تن از مصاحبه شونده گان، کسانی که از نهاد های آموزشی تربیه معلم فارغ میگرددند، تا زمانی که رشوه نپردازند نمیتوانند به عنوان معلم وظیفه دریافت نمایند. در حال حاضر پرداخت رشوه در استخدام به یک امر معمول مبدل گردیده است و از متقاضیان در حدود 50000 تا 700000 افغانی (معدل 800 تا 1000 دالر امریکایی) مطالبه می شوند. قابل یاد آوریست که این مقدار با در نظر داشت جذابیت و اهمیت پست، متفاوت میباشد.

همچنان این بدان معناست که برخی از معلمان ناگزیر اند تا برای امرار معیشت خود و خانواده های شان به دنبال کار های اضافی خارج از مکتب باشند، زیرا آنها مجبور به پرداخت معادل معاش یک یا دو ساله برای حفظ پست تدریس میباشند.

حتی خانم های که به منظور اشتراک در برنامه های آموزشی تربیه معلم امتیازات تشویقی دریافت مینمایند، شکایت دارند که ناگزیر اند تا قسمت اعظم این امتیازات را پس انداز نمایند تا آنرا برای دستیابی به نخستین وظیفه معلمی رشوه پردازند.

در جریان مصاحبه ها در ولایات، بسیاری از مصاحبه شونده گان گزارش داده اند که عوایدی که توسط معلمان بدست می آیند در میان مدیر مکتب، مدیر معارف و لیسوالی و رییس معارف ولایت تقسیم می شوند.

4.3 طرز العمل های آلوده به فساد استخدام:

وزارت معارف، از انواع مختلف مقررات استخدام پیروی می نماید. در حقیقت امر، باید تمام مقرری ها در مطابقت به قانون خدمات ملکی افغانستان انجام یابند. تیم ارزیابی آسیب پذیری های فساد اداری به سطح وزارت معارف، موارد متعددی را ملاحظه نموده اند که قانون خدمات ملکی افغانستان در آن نادیده گرفته شده، یا از آن عدول صورت گرفته است و یا هم به طور کامل آنها هیچ در نظر گرفته نشده است.

حتی، در وقتی که پست ها به اعلان سپرده می شوند، که حتی اعلان پست ها نیز نادر می باشند، متقاضیانی که از وابستگی های خاص (خانواده گي، قبیله، سیاسی) برخوردار نمی باشند، بصورت عموم موفق نمی شوند تا بگونه ای واقعی به یک مقرری شفاف و واقعی دست یابند. بر خلاف سیستم ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج (CBR) برای مقرری های ارشد، نظارت مستقل در مورد روند استخدام معلمین وجود ندارند. ارزیابی آسیب پذیری های فساد اداری به سطح وزارت معارف، تا کنون هیچگونه مواردی را مشاهده نه نموده اند که بنابر نقض پالیسی های استخدام و یا سوء استفاده از سیستم، مسوولین مربوطه مورد پیگرد قانونی قرار گرفته باشند.

در ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری که در سال 2015، بدست نشر سپرده شده است، کمیته نظارت و ارزیابی به تفصیل در مورد عملکرد های فساد اداری در روند استخدام معلمین از نقطه نظر پرداخت رشوه های منظم توسط معلمین برای دریافت پست های مربوطه و فقدان کامل شفافیت در روند استخدام^{۴۴} گزارش ارایه نموده است. یافته های ارزیابی حاضر نیز نشان میدهد که در این عرصه تغییرات اندکی به ملاحظه می رسند.

علاوه بر معضل فساد اداری، مشکل استخدام با تداخل وظیفوی و تضاعف کاری در وزارت معارف، شدت بیشتر پیدا کرده است. چنانچه، امور منابع بشری از جانب دو دپارتمنت مختلف منابع بشری اداره می گردند:

1. ریاست عمومی منابع بشری وزارت معارف عبارت از نهادی است که امور مربوط به منابع بشری در وزارت متذکره را مدیریت می نماید. این یک ریاست عمومی بوده و دارای دو ریاست فرعی می باشند که عبارتند از ریاست استخدام و ریاست انکشاف و نظارت می باشند.

2. ریاست منابع بشری بودجه انکشافی وزارت معارف که مسئولیت مدیریت منابع بشری پروژه های انکشافی را که از جانب شرکای انکشافی مانند بانک جهانی و سایر شرکای بزرگ تمویل میگردند، را به عهد دارد.

ریاست عمومی منابع بشری و ریاست منابع بشری بودجه انکشافی جدا از همدیگر کار می نمایند و به نظر میرسند که میان این دو نهاد هیچگونه هماهنگی وجود ندارند و یا هم اگر وجود داشته باشند، خیلی ناچیز می باشند. به گفته ریس منابع بشری بودجه انکشافی، وظایف این ریاست بیشتر به یک نهاد بین المللی شباهت دارد، چون بودجه آن بیشتر از جانب شرکای انکشافی تامین میشود.

به همین ترتیب انواع دیگر کارمندان نیز وجود دارند که در چوکات وزارت معارف کار می نمایند، که در این زمینه میتوان از دستیاران تخنیکي نام برد. معاشات کارمندان متذکره به طور مستقیم از جانب نهاد های تطبیق کننده شامل در مورد انکشافی منابع بشری (و سایر بخش های موجود در وزارت مربوطه) پرداخت می شوند.

4.4 هیچگونه اسناد معتبر در مورد شمار معلمین و سهولت تقلب در سیستم

وجود ندارد:

گزارش های ضد و نقیض در مورد وضعیت سیستم مدیریت معلومات منابع بشری (HRMIS) در وزارت معارف وجود دارند. از یک نگاه، سیستم مدیریت معلومات منابع بشری (HRMIS) عبارت از یک مدل ایست که توسط سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) انکشاف یافته است، و از جنبه دیگر، اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا پذیرفته است تا یک دیتابیس منابع بشری را برای وزارت مذکور ایجاد نماید. گزارش هایی در اختیار کمیته نظارت و ارزیابی قرار گرفته اند خاطر نشان می سازند که مشاوره که در این عرصه استخدام گردیده بود، استعفا داده است و روند متذکره بکلی متوقف گردیده است. در صورت عدم موجودیت یک سیستم فعال و قابل اطمینان مدیریت معلومات منابع بشری (HRMIS) روند طی مراحل معاشات و سایر بخش های منابع بشری، مانند حقوق کارمندان، ترفیعات، افزایش/کاهش در معاشات، همه در روی کاغذ باقی می ماند.

تیم ارزیابی آسیب پذیری های فساد اداری به سطح وزارت معارف، دریافته است که بخش منابع بشری در ریاست معارف شهر کابل دارای هیچگونه سوابق/ریکارد کمپیوتری در مورد کارمندان خویش نمی باشد. و قراریکه چند تن از مصاحبه شونده گان اظهار داشته اند، هیچگونه تمایل برای ایجاد اینگونه سوابق نیز وجود ندارد. فقدان یک سیستم شفاف و قابل اعتماد برای استخدام و افزایش در معاش سبب شده است تا زمینه برای فساد اداری گسترش یابد.

در سطح مکاتب محلی، پرداخت معاشات از طریق مراجعه به حاضری عمومی صورت می گیرد. هیچگونه حاضری معیاری برای استفاده کارمندان وزارت معارف وجود ندارد. ارقام/آمار حاضری توسط دست در "فورم 41" درج میگردند. نسخه های هارد کاپی "فورم 41" در هر ولسوالی برای منظوری به مدیر معارف ولسوالی فرستاده میشوند. از آنجا تمام آنها به مرکز ولایات متذکر فرستاده میشوند تا به کابل منتقل گردند. سپس در ولایت کابل آنها با سیستم موجوده بطور مقایسوی بررسی و چیک میگردند و در صورتیکه در آنه تفاوت وجود داشته باشند، در آن تغییرات لازم وارد می شوند. این آمار/ارقام مجدداً به مرکز هر ولایت فرستاده می شوند تا طی مراحل گردند. سپس معاشات توسط شعبه مالی ریاست معارف در هر ولایت تهیه گردیده و بمنظور تخصیص بودجه به مستوفیت ولایت (دفتر عواید) ارسال می گردند. این سیستم پیچیده زمینه را برای بی کفایتی و فساد اداری سیستماتیک در سطوح مختلف؛ از آغاز پروسه که همانا زمان ثبت آمار/ارقام مقدماتی حاضری میباشد الی طی مراحل معاشات، بررسی و تاییدی مجدد و منظوری پرداخت معاشات که آخرین مراحل پروسه متذکره را تشکیل میدهند، فراهم میسازد.

مصاحبه های کمیته نظارت و ارزیابی نشان میدهند که این یک امر پذیرفته شده می باشند که تقلب در سیستم و جعل کاری در هویت، یک کار نسبتاً ساده می باشد، چون هیچگونه بررسی بایومتریک منظم در زمینه وجود ندارد. بگونه مثال، در عرصه حاضری معلمین، استفاده از حاضری الکترونیکی و گذاشتن شصت توسط کارمندان در سایر وزارت ها و نهاد های حکومتی یک امر معمول پنداشته میشود.

4.5 پیشرفت های بطنی در روند مقرری های ارشد از طریق برنامه ارتقاء

ظرفیت مبتنی بر نتایج (CBR):

ابتکار برنامه ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج (CBR) یک پروسه ای را روی دست گرفته است، تا بر مبنای آن اطمینان حاصل گردد که تمام مقرری های ارشد توسط یک نهاد ثالث مورد نظارت قرار می گیرند. نقش ای که در حال حاضر توسط یکی از شرکای بین المللی ایفاء می گردد. اینگونه روند، تأیید کننده عملکرد های عادلانه توسط نهاد ثالث، تضمین مینماید که پروسه متذکره عاری از عملکرد های فساد اداری می باشد و از پروتوکول ها و سیستم هایی پیروی می نماید که قبلاً پذیرفته شده و بدست نشر سپرده شده است. مانند: مطالبه خلص سوانح (CV) های دقیق و معتبر از نامزدان، یک پروسه آزاد و شفاف شارت لست، یک پروسه عادلانه و شفاف اخذ مصاحبه و در برخی موارد اخذ امتحان تحریری.

هدف برنامه ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج (CBR) به طور قابل ملاحظه عبارت از افزایش ظرفیت دولت در عرصه ارائه خدمات مورد نیاز و تطبیق برنامه های دارای اولویت ملی میباشد تا در نتیجه بتواند به مساله اتکاء بیش از حد به مساعدت های تخریکی خارجی، رسیده گی صورت گیرد. سهمیه وزارت معارف در پست های اختصاص داده شده به 100 پست ارشد میرسد. تا کنون وزارت معارف توانسته است تا از جمله این 100 پست یاد شده، صرف چند پست انگشت شمار را از طریق سیستم ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج (CBR) پر نمایند. اصولاً، تمام پست های ریاست های عمومی و روسای معارف ولایات باید از طریق پروسه ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج پر گردند، اما کمیته نظارت و ارزیابی به اطلاعاتی در زمینه دست یافته اند که نشان میدهند که مقاومت از جانب سیاسیون و از جانب مقامات فعلی، در برابر روند متذکره، وجود دارد که آنرا به کندی مواجه ساخته است^{۴۵}.

4.6 عدم شفافیت در پر نمودن بست های خالی:

با وجود داشتن نیروی بشری بیش از حد، هنوز هم میزان ترک وظایف در وزارت متذکره بلند بوده و نیاز مکرر وجود دارد تا بست های خالی پر گردند. هرچند در سالهای اخیر تغییرات بزرگی در تشکیل وزارت رونما نگردیده است، اما بست ها بخاطر این خالی می باشند که کارمندان یا به تقاعد سوق داده می شوند و یا هم ترک وظیفه، هجرت و یا فوت می نمایند. با در نظر داشت اطلاعات جمع آوری شده در این ارزیابی، استخدام بست های خالی بسیار به ندرت بطور شفاف و آزاد صورت می گیرند.

در برخی موارد، معلمین بدون آنکه برایشان معاش پرداخت شود، برای دریافت بست رسمی پیش از پیش به عنوان داوطلب به کار گماشته می شوند. به عنوان مثال، اعضای یکی از شورای های مکتب گزارش داده اند که یک تن از معلمین در قریه آنها از نتیجه امتحان استخدام اش خیلی ها راضی بوده، چنانچه در ابتدا به مدت چندین سال به عنوان معلم در مکتب بدون دریافت هیچگونه امتیازی بگونه داوطلب ایفای وظیفه نموده است. او در نهایت مجبور می شود تا بست خویش را ترک نماید، زیرا او نمی توانسته است مبلغ لازم را برای دستیابی به آن موقف رسمی معلمی در مکتب، پرداخت نماید.



لیسه عالی نکور، بدخشان

"شمار زیادی از معلمان در مکتب ما از شایستگی لازم برخوردار نمی باشند. ما برای برخی از مضامین معلمان مسلکی نداریم، مثلاً ما معلم زبان انگلیسی نداریم. معلم ما برای ما از یک کتاب ابتدایی تدریس می نماید، نه از یک کتاب درسی وزارت معارف. و معلم زبان عربی ما تدریس کرده نمی تواند. از آغاز سال تعلیمی تا کنون ما صرف دو صفحه درس خواندیم. زمانیکه معلمان آگاهی حاصل مینمایند که تفتیش و لسوالی وارد مکتب میشود، آنها برای ما خوب تدریس می نمایند، اما در سایر روزها در صنف هیچ تدریس صورت نمی گیرند. سوپروایزر معارف و لسوالی هیچگاه روند تدریس معلمان را بررسی نمی نماید".

یک تن از شاگردان مکتب متوسطه ذکور

4.7 معلمان از شایستگی لازم برخوردار نمی باشند:

بر مبنای یافته های کمیته نظارت و ارزیابی، طوری به نظر میرسد که تقریباً هیچگونه ارتباطی میان نیازمندیهای محلی برای یک معلم متخصص در یک عرصه خاص و اشخاصی را که ریاست های معارف ولایت در واقع به مکاتب ارسال مینماید، وجود ندارد. تیم های کمیته نظارت و ارزیابی در بسیاری از موارد اطلاع دریافت نموده اند که مکاتب به یک معلم اختصاصی مانند رشته ریاضیات نیاز داشته، اما در عوض به آنها معلم علوم اسلامی فرستاده شده است. مدیران مکاتب، در مورد بست های جدیدی که از ریاست معارف ولایت درخواست می کردند، نقش ناچیز دارند. از این رو گفته می توانیم که میان نیازمندیهای واقعی شاگردان در مکاتب و کارمندان که از جانب وزارت معارف به آنها فرستاده می شوند، هیچگونه رابطه منطقی وجود ندارند.

علاوه بر این، مدیران می توانند در جریان یک سال تعلیمی با استفاده از رابطه های شخصی و جانبدارانه خویش بست های خالی را پر نمایند که این امر به مدیر اجازه میدهد تا یک جاگزینی را دریافت نماید که بتواند به آسانی از وی پول بدست آورد. همانند بسیاری عرصه های دیگر وزارت، تقرر معلمین نیز بر مبنای تقاضاء صورت نگرفته، بلکه بر بنیاد منافع شخصی کسانی صورت می گیرند که بالای بخش های مختلف زنجیره عرضه خدمات، کنترل دارند.

وجود افراد نامناسب و غیرشایسته که در مکاتب ایفای وظیفه می نمایند، صرف محدود به معلمین نمی باشند. بسیاری از مدیران مکاتب شخصا دارای اسناد لازم تحصیلی نمی باشند، همانگونه که شماری زیادی از والدین در جریان مصاحبه های گروهی، این موضوع را خاطر نشان نموده اند.

"برای بیشتر از 10 سال است که یک مرد با داشتن صرف سند صنف دوازدهم، به عنوان مدیر، یکی از این مکاتب را، رهبری می نماید"
یک تن از اشتراک کننده گان مصاحبه گروهی والدین

4.8 معلمین برای اینکه بیشتر از سن تقاعد شان در سمت هایشان باقی بمانند، پول پرداخت مینمایند:

معلمین ای که صنف های بلندتری را تدریس مینمایند، اکثرآ فراتر از سن تقاعد ایفای وظیفه می نمایند و تعداد قابل ملاحظه آنها هیچ تحصیلی فراتر از صنف 12 را تکمیل نه نموده اند.

تیم کمیته نظارت و ارزیابی دریافته است که شمار زیادی از معلمین که سن تقاعد را تکمیل نموده اند، به دنبال این اند تا موقف معلمی خویش را عمدتا از طریق پرداخت رشوت و نیپوتیزم، حفظ نمایند. این امر سبب خواهد شد تا معلمین جدید از دسترسی به پست های متذکره محروم گردند. طوریکه یک مدیر مکتب توضیح داده است: "اکثر معلمین طوری فکر می نمایند که گویا سوق شدن به تقاعد به عنوان تجلیل از "مراسم مرگ" ایشان می باشد، زیرا معاش آنها پس از تقاعدی بسیار ناچیز است. این مبلغ برای اینکه مصارف یومیه شان را تکافو نمایند، کافی نمی باشند و مشکل دیگر این است که سکتور دولتی، معاش تقاعدی آن ها را به وقت و زمان معین اش و آنهم بدون پرداخت رشوه، نمی پردازند. این امر سبب می شود تا معلمین ای که دارای سنین بلند می باشند و یا هم از توانایی های لازم برخوردار نمی باشند در صنوف درسی باقی بمانند، این در حالیست که همتایان جدید واجد شرایط آنها از وظیفه مقدس معلمی بی بهره باقی می مانند.

سر معلمین متعهد گزارش داده اند که آنها نمی توانند از معلمین که سن تقاعدی را تکمیل نموده و مهارت های محدود و علاقه اندکی به تدریس دارند، رهایی یابند. این امر سبب می شود تا آنها قادر به آوردن تغییرات و بهبود در روند تدریس و آموزش در مکاتب از طریق استخدام معلمین جدید که دارای انگیزه و شایسته گی باشند، نشوند.

4.9 تبعیض جندر و آزار و اذیت معلمین اناث:

دولت جدید افغانستان با ارث گرفتن وضعیتی که در آن عدم تساوی جندر خیلی گسترده بود، در کنفرانس بن سال (2001)، توجه ویژه ای را در مورد نقش زنان در جامعه تعهد نموده است. برای دستیابی به این هدف، دولت نهاد اختصاصی را تحت عنوان وزارت امور زنان ایجاد نموده است. این وزارت به موفقیت های زیادی دست یافته است و به روند بهبود وضعیت زنان و دختران کارهای قابل ملاحظه را اجرا نموده است. از سال 2002 بدینسو نمونه های فراوانی در زمینه افزایش فرصت ها برای زنان و دختران در فعالیت های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بوجود آمده اند. با این حال، زنان در مناطق شهری بصورت عموم در مقایسه با زنان مناطق روستایی و دور دست، از این فرصت ها استفاده بیشتر نموده اند.

در داخل معینیت ها و ریاست های وزارت معارف، هم در کابل و هم در ولایات، هنوز هم موانع و پیش داوری های زیادی وجود دارند که از دستیابی زنان به حقوق مساوی جلوگیری می نمایند. به عنوان مثال، در وزارت معارف در حال حاضر تنها یک زن در سمت رهبری یکی از ریاست ها قرار دارد. از مصاحبه های انجام شده توسط تیم ارزیابی آسیب پذیری های فساد اداری به سطح وزارت معارف، از جمع بیش از 100 مصاحبه، صرف هشت مصاحبه آن با زنان صورت گرفته است.

از یک ولایت تا ولایت دیگر، فرصت های زیادی برای زنان وجود دارند تا بعنوان معلم ایفای وظیفه نمایند. در شهر کابل، نسبت معلمین اناث با نورم های بین المللی مطابقت دارد: این تفاوت تقریباً سه به نسبت یک می باشد که سه آن برای زنان و یک آن برای مردان میباشد (19284 تن زنان، در مقایسه با 7,511 تن مردان). این در حالیست که در میان جوامع دوردست ولایت کابل، عکس این قضیه میباشد، یعنی صرف 1766 تن معلمین اناث در مقایسه با 3989 تن معلمین ذکور در جوامع دورافتاده ولایت کابل مصروف تدریس می باشند. اینگونه تفاوت ها در سرتاسر کشور گسترده تر میباشد، طوریکه تعداد معلمین ذکور در مقایسه به تعداد معلمین اناث خیلی ها بیشتر می باشند و به این اساس می توان گفت که در شش ولایت کشور زنان کمتر از 10 درصد نیروی کاری معارف را تشکیل میدهند: در ولایت پکتیکا کمتر از 2 درصد معلمین از قشر اناث می باشند، در ولایت ارزگان 3 درصد، در ولایت خوست 4 درصد، در ولایت پکتیا 5 درصد و در ولایت میدان وردگ 6 درصد معلمین را استادان اناث تشکیل میدهند. این در حالیست که در مراکز شهر های بزرگ کشور مانند هرات و بلخ تعداد معلمین اناث و ذکور تقریباً مساوی می باشند، حتی تعداد معلمین زن در مقایسه به معلمین مرد اندکی بیشتر به نظر میرسند: در شهر هرات 8,407 تن معلمین اناث و 7,930 تن معلمین ذکور، در ولایت بلخ 6,595 تن معلمین اناث و 5381 تن معلمین ذکور وجود دارند. این ارقام بازتاب دهنده تقسیمات شهری و روستایی ای می باشند که برای بسیاری عرصه های زنده گی و فرصت های اشتغال برای زنان در افغانستان وصفی میباشد. با وجود آن، تصویر مذکور در برخی از

ولایات دوردست نیز در مجموع مردسالار پنداشته نمی شود: مثلاً حتی در ولایت کم جمعیت نیمروز نیز تعداد معلمان اناث به 911 تن و تعداد معلمان ذکور به 629 تن میرسند^{۴۶}.



مکتب ابتدایی مختلط در ولایت خوست

شایان ذکر است که بخش بزرگی از معلمان قشر ذکور، ملا امامان می باشند که مدارک تحصیلی خویش را از طریق مراکز تعلیمات اسلامی بدست آورده اند. تیم کمیته نظارت و ارزیابی در یکی از ولسوالی های کشور دریافت نموده اند که از جمله 450 تن معلمان 350 تن آنها را ملا امامان تشکیل میدهند. این مساله معقول به نظر میرسد که فرض نماییم که معلمان متذکره در مضامین اسلامی از ظرفیت بلندی برخوردار خواهند بود، اما توانایی های شان در سایر رشته ها مانند ساینس و ریاضیات ممکن خیلی ها محدود باشند.

زنان در سطوح بلندتر مدیریتی در ولایت ها و به سطح وزارت در کابل، با چالش های متعددی مواجه اند:

"وزارت معارف، فاقد زنان شایسته میباشد."
یک تن از مدیران آموزش در یکی از نهاد های غیردولتی بین المللی

- زنان قادر به دریافت پست های ارشد نمی باشند، زیرا آنها نمی توانند به تحصیلات عالی دست یابند.
- پست های مدیریتی بگونه آشکار به فروش میرسند. از این جهت، زنان ممکن به منابع دسترسی نداشته باشند که قادر به پرداخت رشوه برای دستیابی به چنین پست ها باشند.
- برخورد انعطاف ناپذیر در برابر تعهدات خانواده گوی زنان از آنها مطالبه می نمایند تا نقش دوگانه را به عنوان زنان کارگر و خانم های خانه بازی نمایند.

- برای زنان فرصت های مناسب ارتقاء ظرفیت که بتوانند با مردان واجدالشرايط رقابت نمایند، فراهم نمی گردند.
- وضعیت امنیتی برای بسیاری از زنان اجازه نداده است تا در پست های بلندتر ایفای وظیفه نمایند.
- زنان همانند مردان از شبکه های حمایت مسلکی، برخوردار نمی باشند.

دیدگاه های شماری زیادی از خانواده ها طوری است که تدریس برای زنان یک وظیفه جذاب و مناسب می باشد، خانواده ها تدریس را به عنوان یک فرصت نسبتاً مصوون عنوان می نمایند. برنامه های مختلفی ایجاد گردیده اند تا در این عرصه سرمایه گذاری صورت گیرد، مانند یکی از برنامه های که از جانب کمیته ناروی برای افغانستان تمویل و حمایت میگردد. این برنامه توانسته است تا برای معلمین اناث فرصت های آموزش عالی مانند سکالرشپ فراهم نمایند، به ویژه برای زنانیکه صرف سند فراغت صنف دوازدهم دارند تا آن ها بتوانند در جریان وقفه های زمستانی در مراکز تربیه معلم (TTC) آموزش ببینند و دیپلوم بدست آورند و دوباره با تحصیلات عالی به قریه های خویش بازگردند و در جریان سال تعلیمی، به تدریس خویش ادامه دهند. برنامه های دیگر، مانند برنامه آموزش معلمین اناث (FTEP) که توسط نهادهای بنام ماموریت کمک های بین المللی (IAM) راه اندازی می گردند و دخترانی را که در صنف 8 تا 10 مصروف آموزش اند مورد حمایت قرار میدهند، تا آنها بتوانند پس از آنکه از صنف دوازدهم فارغ می گردند، در جوامع خویش به عنوان معلم ایفای وظیفه نمایند.

با وجود آن، کمبود معلمین اناث در اکثر از گوشه های کشور چانس دسترسی به معارف را نزد شماری از دختران به طور قابل ملاحظه محدود ساخته است. گزارش هایی وجود دارند که شمار زیادی از خانواده ها در مکاتب ای که تنها معلمین ذکور وجود داشته باشند، از آموزش دختران خویش خودداری می نمایند. در میان شاگردان، سن مکتب، عدم تساوی جندر بگونه چشمگیر محسوس می باشد، که بصورت عموم شاخص تساوی جندر (GPI) به (0.66) میرسد. در سرتاسر کشور، تغییرات قابل ملاحظه ای حوزوی نیز به چشم می خوردند و مناطقی وجود دارند که نیازمند توجه خاصی در راستای بهبود شمولیت دختران می باشند. به عنوان مثال، در حالیکه شاخص تساوی جندر (GPI) در ولایت های هرات و بدخشان 0.9 (9 تن دختر در برابر 10 تن پسر) می باشد، همین شاخص تساوی جندر در ولایت های زابل و ارزگان 0.1 (1 تن دختر در برابر 10 تن پسر) می باشد^{۴۷}.

علی الرغم این واقعیت، که 42 مرکز آموزشی تربیه معلم (TTCs) دارای شاگردانی می باشند که اکثراً آنها را دختران و زنانی تشکیل می دهند که تلاش می ورزند تا به موقف های خوب تدریس و معلمی دست یابند. به طور معمول، تنها 25 درصد از فارغ التحصیلان مراکز تربیه معلم می توانند به دریافت وظیفه مناسب معلمی موفق گردند. همچنان تیم کمیته نظارت و ارزیابی داستان های متعددی را در مورد آزار و اذیت جنسی زنان در مراکز تربیه معلم، ریاست های معارف ولایات، مکاتب و بالاخره جاهای که آنها وظیفه بدست می آورند، حکایه و درج نموده اند.

4.10 عدم موجودیت ارزیابی اجراءات:

ظرفیت های مسلکی مدیران وزارت معارف در عرصه تطبیق ارزیابی اجراءات بصورت عموم پایین تلقی میگردد که توام وابسته به کمک دستیاران/همکاران تخنیک (TA) می باشند که از جانب شرکای انکشافی استخدام و تمویل

می گردند. پروسه مدیریت ارزیابی اجرائات در وزارت معارف عمدتاً به صورت ذهنی باقی مانده و هیچگونه جنبه عملی و واقعی ندارد. در سطح مکتب، نظارت کننده گانی که معلمین را مورد ارزیابی قرار می دهند معمولاً از صنف های اندک، بازدید بعمل می آورند. مدیران مکاتب بدون آنکه مسئولیت های سلسله مراتب مدیریتی خویش را مدنظر داشته باشند، خود از توانایی های اندک در مورد ارزیابی اجرائات برخوردار می باشند تا آن را بالای معلمین پایین تر از خود تطبیق نمایند و یا هم به آنها در زمینه، راهنمایی های لازم را نمایند. با وجود مطالبات ویژه در مورد اینگونه عملکردها، هنوز هم در اسناد معتبر وزارت معارف، مانند پلان های استراتژیک معارف (NESP II) و (NESP III)، در اولویت قرار ندارند.

4.11 گزارشاتی وجود دارند که میزان معلمین متعهد در حال کاهش می باشند:

در سرتاسر جهان، در سیستم های معارف همیشه افرادی وجود دارند که از طریق انگیزه های شخصی نیرومند خویش به وظیفه مقدس معلمی رو می آورند. دشوار به نظر میرسد که از یک مکتب در هر نقطه کشور بازدید نمایند و حداقل یک یا دو تن معلمین را دریافت نه نمایند که در برابر مسلک خویش متعهد نه باشند و یا در برابر شاگردانی که تحت مراقبت آنها قرار دارند، تشویق کننده و الهام بخش قرار نگرفته باشند. این افراد در عرصه تدریس به عنوان یک حرفه شخصی رو آورده و برای تمام کسانی که در ماحول شان قرار دارند، حیثیت یک الگو را دارند. به قطع، شماری زیادی از این گونه معلمین در افغانستان نیز وجود دارند که تیم ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی، روند تدریس آن ها را مشاهده نموده و با آنها در مورد شوق و علاقه شان به مسلک مقدس معلمی صحبت هایی داشته اند.

با این حال، از یک مصاحبه تا مصاحبه دیگر، میزان، حجم و جدیت پاسخ های منفی در مورد معلمینی که در مصاحبه ها و مصاحبه های گروهی تیم ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی توحید گردیده اند به مراتب بیشتر از هر گونه نظریات مثبت در این زمینه، می باشند.

پاسخ معمول و مشترک از جانب همه مصاحبه شونده گان این است که تعداد آموزگاران مسلکی و اختصاصی عرصه معارف در افغانستان خیلی ها اندک می باشند.

4.12 غیابت و جعل هویت معلمین:

غیابت معلمین به دلیل مدیریت ضعیف، آلوده با فساد و غیرموثر در مکاتب، که توأم با نظارت ضعیف منسوبین ولایتی، می باشند، در سرتاسر نظام معارف بسیار وسیع و نگران کننده می باشد.

"نخست اینکه شماری زیادی از معلمان از آماده گی لازم برخوردار نمی باشند تا به شاگردان خویش تدریس نمایند. زیرا آنها در خانه کار های زیادی برای انجام دادن دارند و از خانواده های بزرگ حمایت می نمایند. در قدم دوم، معلمان متذکره از شایستگی لازم نیز برخوردار نمی باشند، و شمار زیادی از آنها بر بنیاد روابط خانواده گی و یا ارتباطات آنها با مقامات، استخدام گردیده اند. از اینرو کیفیت معارف در مکاتب قناعت بخش نمی باشند".

یک تن از اشتراک کننده کان مصاحبه گروهی والدین

در حال حاضر، در بسیاری از نهاد های سکتور های دولتی و خصوصی در افغانستان، حاضری در محل کار با استفاده از سیستم ورود/خروج بایومتریک صورت می گیرد که موارد استفاده آن برای بررسی نمودن زمان ورود و خروج یک کارمند می باشد. این تکنالوژی مورد آزمایش قرار گرفته و قیمت نیز نمی باشد و تقلب و فساد نیز در آن دشوار می باشد. ارقام/آمار را میتوان در محل کار حفظ نمود و یا هم در عین زمان آنها را با استفاده از شبکه های تلفن همراه به دیتابیس ملی وارد و حفظ نمود. استفاده از اینگونه سیستم ها نیازمند داشتن شبکه های الکترونیکی پیچیده و یا مهارت های تکنالوژی معلوماتی پیچیده نیز نمی باشند. حتی در محلاتیکه در آنها محدودیت جریان برق وجود دارند و یا هم از سایر دستگاه های تکنالوژی استفاده اندک صورت می گیرند، نیز میتوان از اینگونه سیستم ها استفاده نمود و روند نظارت و مدیریت حاضری معلمان و کارمندان را تقویت نمود.

از چنین سیستم در مکاتب دولتی افغانستان استفاده نمی شوند، هرچند در سایر نقاط جهان غیرمعمول نمی باشد. در عوض، برای معلمان کتاب حاضری (راجستر ورود و خروج از مکتب) وجود دارند. این به ذات خویش یک سیستم غیرمصوون بوده و به راحتی میتوان در آن دستبرد زد که در نتیجه می توان آمار را به صورت نادرست درج کرد.

"بسیاری این معلمان به روز های پنجشنبه رقعہ های عذرخواهی ارسال مینمایند و به عوض اینکه در مکاتب تدریس نمایند، به کار های شخصی خویش در منزل میپردازند".

یک تن از اشتراک کننده کان مصاحبه گروهی والدین

از آنجاییکه اینگونه بررسی ها ناچیز می باشند، تعداد اندک مردم بطور واقعی می دانند که در صنوف درسی چه میگذرد. از این رو معلمان به بسیار ساده گی می توانند استراحت نمایند و به عوض خویش یک شخص ای را بفرستند که به هیچ عنوان یک جاگزین مناسب و شایسته پنداشته نمی شود.

"... در اینجا در بسا موارد طوری اتفاق می افتد که زمانیکه معلمین نتوانند برای مدت یک هفته به تدریس حاضر گردند، آنها به عوض خود، اقارب خویش را جهت تدریس به مکتب می فرستند. به عنوان مثال، یکی از معلمین اناث ما یک مرتبه برای یک مدت، رخصتی گرفت و شوهر موصوف در عوض او به ما تدریس نمود".

یک تن از اشتراک کننده کان مصاحبه گروپی والدین

تیم کمیته نظارت و ارزیابی در مورد شماری از معلمینی که بیمار شده اند، یا کوچ نموده اند و یا هم وفات نموده اند، دریافته است که معاشات آن ها هنوز در غیابت شان اجرا می گردند. در موارد دیگر، تیم متذکره به اطلاعاتی در رابطه به موجودیت مکتب های کاملاً فریبده و یا "خیالی" در ولسوالی های که ناامن بوده و یا تحت کنترل شورشیان قرار دارند و یا هم اینکه وزارت معارف قادر به تصدیق و تایید ارقام/آمار آنها نمی باشد، نیز دست یافته اند.

4.13 مطالبه رشوه توسط معلمین:

والدین در ولایات مختلف کشور اظهار داشتند که معمولاً شاگردان تحت فشار قرار دارند تا برای شمولیت در "مراکز" آموزشی خصوصی معلمین در خارج از ساعات مکتب، پول بی پردازند. شاگردانی که این کار را انجام میدهند، در مکتب دولتی با برخورد بهتر استادان مواجه گردیده، و نمرات بلندتری دریافت می نمایند.

"در پروسه امتحانات مکاتب شفافیت کامل وجود ندارند. به عنوان مثال، یک مرتبه یکی از معلمین سوالات امتحان را در بازار چاپ می کند و قبل از روز امتحان، شماری از شاگردان سوالات مذکور را از بازار خریداری می کنند".

یک تن از اشتراک کننده کان مصاحبه گروپی شاگردان

به تیم ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی، بارها گفته شده است که معلمین از شاگردان و خانواده هایشان در برخی موارد جهت فراهم ساختن مواد ساده، مانند تباشیر و غیره پول مطالبه می نمایند. و نیز گفته شده است که سوالات و جوابات امتحان توسط معلمین به فروش رسانیده می شوند. شماری از شاگردان گزارش داده اند که آنها از جانب معلمین خویش برای کار های شخصی، مانند کار کردن در زمین و زراعت و یا هم رسیده گی به امور منازل معلمین نیز گماشته می شوند.

"معلمین شاگردان را متقاعد می سازند که از برای اینکه از غیابت آنها در صنف چشم پوشی صورت بگیرند، باید به معلمین خویش پول پردازند. همچنین شاگردان برای محفل و مناسبت های مختلف ای که در مکتب راه اندازی میگردند و یا هم برای مصارف قرطاسیه، به اداره مکتب پول می پردازند. همچنین مواردی به ملاحظه رسیده اند که شاگردان برای سایر اهداف مکتب، مانند چاپ و فوتوکاپی، خریداری کتب درسی، بسته های انترنت و پارچه های امتحانات و معاشات معلمین برای نان چاشت معلمین و شماری از مساعدت ها در راستای حفظ و مراقبت مکتب، نیز پول هنگفتی بی پردازند."

یک تن از اشتراک کننده گان مصاحبه گروهی شاگردان

4.14 سوء استفاده - فزیک، لفظی، عاطفی:

تیم ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی، دریافته است که بر خلاف ولایت کابل، تعداد بیشتر از معلمین در ولایات راه، معلمین ذکور تشکیل میدهند. بسیاری از اینها نسل پیشین بوده که حقوق معاصر کودکان را درک نه نموده اند و یا هم با دسپلین و انضباط مثبت و مدیریت صنف درسی هیچگونه آشنایی ندارند. ممکن برخی از آنها در مورد اینکه، لت و کوب شاگردان غیرقانونی پنداشته میشود، بگونه نظری معلومات داشته باشند، اما در عمل، روش های تمام دوره تدریس را نمیتوان طی یک شبانه روز در مطابقت با و تفکر معاصر، تغییر داد. در این خصوص، به ویژه برای این معلمین دشوار است تا از یک نظام مجازات بدنی به سمت یک انضباط و دسپلین مثبت گام بردارند، چون آنها صرف مجازات فزیک را به عنوان تامین انضباط شاگردان در تمام دوره تدریس خویش، تجربه نموده اند.

برای معلمین این یک امر معمول می باشد تا از شاگردان خویش به شیوه های دیگر سوء استفاده نمایند. نظریات در قسمت ذیل گنجانیده شده اند ارایه کننده مواردی است که بگونه مکرر از جانب شاگردان در مکاتب ولایات هفتگانه طی، مصاحبه های گروهی خاطر نشان گردیده اند.

"ما جرأت اینرا نداریم تا از معلمین خویش شکایت نماییم، آنها ما را تهدید نموده و توسط کتاب ها، خطکشی های آهنی و چوب لت و کوب می نمایند. معلمین ما همیشه ما را مجازات می نمایند و آنعه شاگردانی که لایق هستند را تشویق می نمایند و شاگردانی را که در فراگیری دروس مشکل دارند، سرزنش می مینمایند. و شماری از معلمین صرف شاگردانی را دوست دارند که سرمایه دار باشند: آنها همچو شاگردان را در درس هایشان کمک نموده و به آنها بر مبنای نیوتیزم و سایر گرایشات نمره و درجه می دهند."

اشتراک کننده گان مصاحبه گروهی شاگردان

4.15 جندر:

در خصوص جندر، یک تفاوت جدی و آشکار شهری و روستایی وجود دارد. زنان در مناطق شهری در مقایسه با همتایان مناطق روستایی شان در کشور و مناطقی که رسیده گی به آن دشوار می باشند، به فرصت ها دسترسی بیشتری دارند.

شاگردان اناث (دختران در مکاتب و زنان در مراکز تربیه معلم)، معلمین اناث، مدیران معارف و مدیران مکاتب اناث، هنوز هم با میزان بلند تبعیض و آزار و اذیت جنسی در جریان تحصیل و محل کار مواجه می باشند. به عنوان مثال، کمیته نظارت و ارزیابیدر مورد قضایای زیادی شنیده است که طی آنها تلاش های زیادی صورت گرفته تا بالای دانش آموزان (در مکاتب متوسطه و مراکز تربیه معلم) فشار وارد گردند تا در برابر دریافت نمرات بلندتر در امتحانات و یا سایر منفعت ها به روابط جنسی تن دهند. در برخی موارد، تلاش ها صورت گرفته اند تا معلمین اناث را در برابر دسترسی به رشد مسلکی و دریافت وظایف دلخواه آنها، به روابط جنسی وادار نمایند، حتی در برخی موارد تلاش بخرچ داده شده است تا معلمین اناث را به ازدواج وادار نمایند.

4.16 معلمین به عنوان "قربانیان":

اهالی و مردم های همجوار مکاتب که کمیته نظارت و ارزیابی در جریان این تحلیل با آنها مشورت و صحبت نموده است، خاطر نشان ساخته اند که برای معلمین معاشات اندک پرداخته می شوند. از این جهت، معلمین نیاز به انجام کار های نیم روزه در خارج از مکتب دارند که این مشکل نگران کننده می باشند. طوری که مردم محل یکی از مکاتب اظهار داشته اند که زمانی معلمین نیاز به انجام کار اضافی در خارج از مکاتب داشته باشند، این مساله بالای تمرکز آنها، پلانگذاری و آماده گی های تدریس آنها و بالاخره بالای انرژی تدریس آنها، تاثیرات منفی از خود بر جای می گذارند.

از آنجاییکه، معلمین نیاز دارند تا معاش تقریباً یک ساله خویش را برای دریافت یک موقف مناسب، رشوه پردازد، ضرورت دارند که وظایف دومی را نیز انجام دهند تا همچو «هزینه» را از طریق وظیفه خصوصی جبران نمایند. بدین ترتیب، معلمین متذکره به شیوه هایی دستمزد و معاش اندک خود را نیز از دست میدهند. در جریان ارزیابی، یکی از مدیران معارف ولسولی ها یادآوری نموده است که فرماندهان مخالفین مسلح در برابر اجازه تدریس به معلمین در مکاتب، از آنها پول دریافت می نمایند و حتی در برخی موارد آنها تلاش به خرچ داده اند تا از مدیریت معارف ولسوالی ها نیز پول بدست آورند.

4.17 دیدگاه های والدین و شاگردان:

علاوه بر مواردی که در فوق تذکر داده شدند، والدین و شاگردان در مورد فساد اداری در نظام معارف کشور دیدگاه های ذیل را ارایه نمودند:

والدین:

- والدین شاگردان اعتماد خود را بالای سیستم معارف از دست داده اند، که بسیاری از آنها از آرایه خدمات ضعیف از جانب دولت، کمبود کتب درسی و مواد آموزشی ساده، حتی تباشیر برای نوشتن روی تخته و مقادیر پول ای را که باید بعنوان رشوه برای آموزش ابتدایی پسران و دختران شان پرداخت نمایند، اظهار ناامیدی نمودند. اظهارات ذیل آرایه کننده یاس، ناامیدی و نگرانی های شماری زیادی از والدین می باشند.
- والدین، خانواده ها و شوراها به طور گسترده از غیبت معلمان در مکاتب و اشتراک آنها در صنوف درسی، نگران کننده و مایوس کننده می باشند. والدین در بسیاری از مناطق دوردست، از معلمینی که در واقع در شهر زنده گی می نمایند، اما در ولسوالی ها ایفای وظیفه می نمایند، شکایت دارند. والدین مذکور خاطر نشان نموده اند که معلمان مذکور یک قسمتی از معاش خویش را به مدیریت معارف ولسوالی می پردازند تا از این طریق بتوانند به ولسوالی ها برای تدریس سفر نکنند. یا اینکه برای یک تعداد اقارب خویش که از مهارت ها و شایستگی لازم برخوردار نمی باشند، پول پرداخت می نمایند تا به عوض آنها در مکاتب، تدریس نمایند.
- به همین ترتیب والدین و خانواده ها در مورد نگرانی هایی که در رابطه به خشونت های غیرقابل کنترل و سایر انواع سوءاستفاده که توسط معلمان در مکاتب وجود دارند، نیز گزارش داده اند.
- باوجود آنکه همواره گفته می شود که تعلیم در کشور رایگان می باشد، والدین و خانواده ها همیشه تلاش می ورزند تا هزینه های کتب درسی، فرنیچر و در برخی موارد حتی مساعدت به معاشات معلمان را، پرداخت نمایند.
- مردم قادر به آموزش دختران شان نمی باشند، زیرا مکاتب و ادارات معارف توانایی آن را ندارند تا معلمان اناث را استخدام نمایند. حتی اگر صدها و یا هزاران معلمان اناث در عین زمان بیکار هم باقی بمانند.

"فرهنگ خشونت و سوءاستفاده هنوز هم در مکاتب پابرجا باقی مانده است. معلمان در بدل دریافت نمرات عالی در امتحان، از شاگردان خویش تقاضا می نمایند تا در منازل آنها کار نمایند."

اشتراک کننده گان مصاحبه گروهی شاگردان

شاگردان:

- به منظور درک بهتر پیامد های ناگوار فساد اداری، مهم است تا این مساله را شناسایی نماییم که چرا شاگردان، بصورت خاص، امید خویش را در برابر نظام معارف کشور با گذشت هر روز از دست میدهند. در قسمت ذیل نظریات عمده یی که از جانب شاگردان آرایه گردیده اند به تفصیل مورد بحث قرار میگیرند:
- شماری زیادی از معلمان به صنوف درسی حاضر نمی شوند. بعضی از آنها حتی به مکتب نیز نمی آیند. در حالیکه تعداد انگشت شماری معلمینی که در مکتب حضور دارند، مشارکت محدودی با شاگردان خویش دارند. اکثریت ساعت درسی که در حقیقت امر برای 45 دقیقه تدریس پلانگذاری گردیده اند کوتاه ساخته

می شوند و معلمین صرف نصف این زمان را تدریس می نمایند. بعضی از معلمین، آئنده اقارب خویش را که از شایستگی لازم برخوردار نمی باشند در عوض خویش برای تدریس به صنوف درسی می فرستند.

- آئنده شاگردانی که از اقتصاد خوب برخوردار می باشند، اکثر آ می توانند نتیجه امتحان را با پرداخت پول خریداری نمایند (پرداخت 500 - 1000 افغانی برای نمرات بالاتر، در چندین ولایت کشور گزارش داده شده اند). در یک مورد یک تن از معلمین توضیح داده است که بسیاری از شاگردان در مکتب آنها بگونه حیران کننده نمرات کامیاب حاصل می نمایند که هرگز امتحانات متذکره را بخوبی نتوانسته سپری نمایند. بعضی از شاگردان بنابر جانبداری و اقارب پروری، در امتحانات نتایج عالی دریافت می نمایند. در مقابل، در برابر شاگردانی که کوشش می کنند و وقت خویش را وقف فراگیری دروس می نمایند، بی عدالتی قابل ملاحظه یی صورت می گیرند، حالانکه شاگردانی که رشوه پرداخت می نمایند از آنها پیشی میگیرند و افزون بر نمرات خوب، رضایت معلمین را نیز بدست می آورند. این امر سبب می شود تا بالای سلامتی اجتماعی و عاطفی آنها و بالاخره اشتیاق و علاقه آنها پیامد ها و تاثیرات منفی برجای گذارند. چنانچه، یکی از شاگردان اناث گزارش داده است که به علت افسرده گی ناشی از چنین تجارب تلخ، مدتی مکتب را ترک نمود. پس از آن اما با حمایت پدرش و مداخله یک تن از داکتران طب، دوباره به مکتب بازگشته است. برخی از شاگردان حتی در مکتب حاضری ندارند (شماری از آنها در واقع در کشور های دیگر زنده گی می نمایند)، اما خانواده هایشان با پرداخت هزینه یی قادر به دستیابی به مدارک تحصیلی جعلی می باشند.

- به صورت عموم، شاگردانی که پول می پردازند و یا ارتباطات قومی مناسب دارند، به ساده گی می توانند صنوف درسی را ترک کنند و در مقابل در حاضری صنف "حاضر" معامله گردند. اما برعکس، شاگردانی که توان پرداخت پول را ندارند و یا هم با معلمین و مسوولین مکتب ارتباطات خوب ندارند، حتی با عذر موجه مانند مریضی و یا شرایط اضطراری خانواده گی، نیز نمی توانند رخصتی بگیرند. آئنده شاگردانی که پولدار می باشند، میتوانند تصدیق صحی جعلی را خریداری نمایند و بر مبنای آن در حاضری صنف "حاضر" معامله گردند.

- شاگردان در تمام ولایات و ولسوالی هایی که تیم ارزیابی آسیب پذیری های فساد اداری به سطح وزارت معارف، از آنها بازدید نموده، گزارش داده اند که آنها تحت فشار قرار دارند تا برای معلمین خویش پول و یا تحفه بدهند و یا برای آنها در بدل رویه مناسب در خارج از مکتب کار نمایند. مانند کار های خانه و زراعت. اینگونه فشار های مالی که شاگردان و خانواده های آنها با آن روبرو هستند، مانند پرداخت هزینه های حفظ و مراقبت مکاتب، مواد آموزشی، کتب درسی و یا معاش معلمین، سبب شده اند تا شمار زیادی از شاگردان مذکور، مکتب را به طور کامل ترک نمایند.

- شاگردان، والدین و خانواده ها در مورد فروش شهادتنامه های مکاتب به شاگردانی که در خارج از افغانستان زنده گی می نمایند، به عنوان یکی از ابعاد پدیده "شاگردان خیالی"، نگرانی زیادی دارند.

- بسیاری از معلمین در مضامین ای که تدریس می نمایند، فاقد دانش بوده و قادر به راهنمایی و حمایت از شاگردان خویش در مضامین مربوطه نمی باشند.

- حتی شماری از معلمین حاضر به این نیستند تا شاگردان را در دروسی که آنها غیبت داشته اند، کمک نمایند.

- فساد اداری در تدریس، ناشی از یک نصاب تعلیمی درسی دارای حجم زیاد می باشد. یک تن از شاگردان در یکی از لیسه های نسوان اظهار نموده که شاگردان در مکاتب ابتداییه محلی در جریان یک روز درسی مکلف به فراگرفتن شش مضمون می باشند، که این کار را برای کودکان بسیار دشوار توصیف نموده است. همچنین یکی از مشکلات عبارت از اینست که شاگردان مکاتب ابتدایی باید بار سنگین کتابهای مربوطه را در مسیر و راه های دور، حمل نمایند

4.18 پیامد ها – مردم بنابر موجودیت فساد اداری، اعتماد خویش را در مورد نظام معارف کشور از دست داده اند:

اهالی و مردم محل که از مستفیدین مکاتب هستند، به این باور اند که فساد اداری سبب میشود تا فرصت های دسترسی به آموزش باکیفیت از دست بروند. بدتر از آن اینست که با موجودیت این نمونه های فساد اداری، کودکان می آموزند تا برای موفقیت در عرصه آموزش، باید پول بی پردازند. این یک نمونه آشکار از اشتباهات در عرصه آموزش شهروندان کشور پنداشته میشود و به اعتماد نسل های آینده افغانها صدمه میزند.

5. فساد اداری در روند مدیریت مکاتب:

"مدت چند ماه تلاش نمودم تا بنابر مشکلات خانواده گی منظوری تبدیلی ام را در یکی از ولسوالی های دیگر کشور بدست آورم. تمام فورمه های مورد نیاز را تکمیل نمودم، اما هیچ اتفاقی رخ نداد. یکی از روز ها در دفتر مدیر نشسته بودم که او گفت: «انگشتر را که در دست داری، برای من بده، تا برایت موافقه تبدیلی بدهم»."

یکی از معلمین مکتب

5.1 استخدام و تقرر:

مدیران/آمران مکاتب بنابر نفوذ گسترده خویش می توانند از قدرت زیادی برخوردار باشند. وقتی پست ها خالی میشوند، آنها میتوانند فرصت های موجود را به تقرر وابستگان خویش محدود سازند و یا از اینگونه مقرر ها مقدار پولی را به جیب های ایشان بریزند. به عبارت دیگر، از مقرر ها منفعت شخصی بدست آورند. در حالیکه، فقدان معلمین شایسته و واجد شرایط اغلب در مصاحبه های گروهی کمیته نظارت و ارزیابی مطرح گردیده اند. به همین قیاس، فقدان مدیران و سرمعلمین شایسته و واجد شرایط نیز مطرح بحث بوده اند. به عنوان مثال، یکی از اعضای شورای مکتب گزارش داده است که یکپاز مدیران غیرواجدالشرایط، یکی از مکاتب محلی را بنابر پشتیبانی و حمایت یکی از احزاب سیاسی، برای سالهای متمادی رهبری و مدیریت می نمود. و به همین ترتیب، در استخدام افراد و گروه های خاص در پست های خدماتی، دست بلند داشته است.

"زمانیکه یک پست در مکتب اعلان میشود، افراد قانونشکن در آن اقارب و اعضای خانواده های خویشرا پیشنهاد مینمایند، هرچند آنها واجد شرایط پست اعلام شده نیز نباشند."

یکی از معلمین مکتب

افزون بر آن، گزارش های وجود دارند که افراد زورگوی محلی، جنگ سالاران و اعضای شورای ملی بگونه عادی با مدیران مکاتب ارتباط داشته و در امور مکاتب بطور صریح مداخله می نمایند. در برخی موارد، گزارش داده شده اند که حتی این مداخلات تا سطح استخدام صفاکاران مکتب نیز صورت می گیرند. همچنان، اکثریت معلمین از طریق این افراد قدرتمند که در جامعه وجود دارند، استخدام می گردند. شمار زیادی از مدیران مکاتب، از جانب معلمین و سایر اعضای جامعه معرفی می گردند. از این جهت، نگرانی زیاد وجود دارند که اشخاص بانفوذ (معلمین با نفوذ)، افراد مورد نظر خویش را با حمایت شبکه های موجود، به رهبری مکتب بگمارند تا حین بررسی و نظارت از امور یومیه، آنها بتوانند موقف رسمی خویش را برای مدتهای طولانی حفظ نمایند. در چنین وضعیت، سایر معلمین از دلسردی حکایت می نمایند، زیرا در این رابطه شبکه یی هیچ گونه پاسخدهی وجود نداشته و نتایج آن این است که کیفیت آموزش در پایین ترین سطح قرار گیرد.

"... در مکتب ما هشت تن از معلمین با همدیگر رابطه خواهری و برادری دارند و یا هم اینکه

مادران و پسران می باشند".

یکی از معلمین شرکت کننده در مصاحبه گروهی

مسئله دیگری که به طور مکرر در مصاحبه های گروهی معلمین مطرح گردیده است، فقدان شفافیت در توزیع اضافه کاری می باشند. فرصت های متذکره پنهان نگهداشته می شوند و گزارش های زیادی وجود دارند که صرف معلمین محدود و دلخواه می توانند دو یا حتی سه دوره کاری در جریان یک روز تعلیمی تدریس نمایند. در حالیکه در عین زمان ممکن معلمین دیگر ساعات درسی اندکی داشته باشند. متأسفانه زمان کافی در اختیار تیم ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی نبود تا این مساله بگونه عمیق تر مورد بررسی قرار می گرفت. این مساله تا حدودی با ادعاهای وزارت معارف در تناقض قرار دارد که خاطر نشان می سازد: "به ندرت به ملاحظه می رسد که معلمین با فقدان ساعات درسی مواجه باشند و اکثریت آنها بیشتر از زمان تعیین شده، تدریس می نمایند".

5.2 رشوت، نیپوتیزم (استخدام قومی) و اخاذی:

تیم ارزیابی آسیب پذیری های فساد اداری به سطح وزارت معارف، در تمام ولایاتی که (با والدین و معلمین مصاحبه های گروهی انجام داده اند، دریافته است که رشوت و نیپوتیزم (استخدام جانبدارانه قومی) به عنوان مشکلات فراگیر و گسترده از سوی آنها عنوان گردیده است. در خصوص معلمین، این موضوع بخاطر دسترسی به نتایج دلخواه و مطلوب در ارزیابی اجرائات که درج سوانح منابع بشری شان می گردند، صدق می کنند. همچنان، در مورد معلمین ای که میخواهند خود را به بست های دیگر تبدیل نمایند، از جانب مدیران مکاتب، پول مطالبه میگردند.

"در صورتیکه معلمین بخواهند ارتقا نمایند، مدیران مکاتب از آنها رشوه مطالبه می نمایند".

یکی از معلمین در مصاحبه گروهی

یافته های نشان میدهند که هیچگونه محدودیت در برابر پرداخت رشوت به معلمین وجود ندارند. از این جهت، خانواده ها برای معلمین به عنوان یک منبع موثر درآمد پنداشته می شوند. چنانچه، یکی از مدیران در مکتبی که در یکی از مناطق ولایت کابل که مردم آن نسبتاً ثروتمند می باشند، بگونه مکرر از آنعده والدین ای که از سوابق خوب تحصیلی و حرفوی برخوردار اند، مانند دو کتوران و یا انجنیران، بدون هیچگونه دلیل مشخص و هیچگونه حسابدهی، سالانه 5000 افغانی مطالبه و دریافت می نماید. در موارد دیگر، تیم ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی، با عملکرد های مواجه گردیده که طی آن در حضری شاگردان دستبرد صورت گرفته است و شاگردان غیرحاضر در

بدل پرداخت 5000 افغانی حاضر محاسبه گردیده اند. قابل یاد آوری است که پرداخت عین مقدار پول به عنوان قیمت تعیین شده برای نمرات کامیابی نیز گزارش داده شده اند که به شاگردان اجازه میدهند تا به صنف بالاتر ارتقاء نمایند.

5.3 فقدان پاسخگویی، و نظارت بر عملکردهای معلمین در محل:

در اکثریت مکاتب موفق، مدیران از شناخت دقیق شاگردان و خانواده های شان بهره برداری می نمایند تا نیازمندیهای فراگیر شاگردان درک شوند و همچنان از آنها قدردانی بعمل آیند. از سویی، از فعالیت های معلمین نظارت دقیق صورت گیرند. با در نظر داشت اظهارات پاسخ دهندگان در مصاحبه های گروهی معلمین، والدین و شاگردان، متأسفانه تعداد چنین مدیران خیلی ناچیز به نظر می رسند.

بصورت معمول، لازم است تا مدیریت مکاتب و تیم های اداری آن، با شورا های مکاتب و شورا های اجتماعی قریه روابط باز و مثبت داشته باشند تا مکاتب متذکره به مراجع بازتاب دهنده نیازمندیهای جامعه محلی ایشان مبدل گردند. در این راستا، می توان گفت که برخی از نمونه های خوبی از شورا های مکاتب وجود دارند که مکاتب را در برابر جوامع ایکه برای آنها عرضه خدمات مینمایند، پاسخگو ساخته اند که این موضوع از سوی رهبری مکاتب نیز مورد استقبال قرار گرفته است. متأسفانه اما تعداد چنین نمونه ها بسیار به ندرت به چشم می خورد. .

طوریکه در این تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی بررسی گردیده است، بسیاری از مدیران مکاتب تلاش می ورزند تا با جوامع محلی خویش ارتباط برقرار نمایند. اما طبق اظهارات شماری از معلمین، مدیران مکاتب برای معلمین راهنمایی اندک فراهم می نمایند و از آنها کمتر حمایت می نمایند. در عوض همکاری با ناظرین محلی در ولسوالی ها به منظور بهبود کیفیت معارف، فرصت هایی را برای معاملات غیراخلاقی فراهم می نمایند. نظارت کنندگان مطالبه پول می نمایند که گویا گزارش بازدید خویش را بگونه یی که مطلوب و دلخواه مدیران مکاتب باشند، تهیه خواهند نمود. به همین ترتیب، از مدیران مکاتب به خاطر پنهان نمودن مداخلات، نیپوتیزم و اخذ رشوه از معلمین، پول مطالبه می گردند.

"شاگردان مکاتب را یک ساعت قبل از وقت رسمی رخصت می کنند تا در کورس های آماده

گی کانکور که در بازار محلی موقعیت دارند، تدریس نمایند."

یکی از شاگردان اشتراک کننده در مصاحبه گروهی

در برخی موارد، معلمین از جانب مدیران مکاتب، مدیران معارف ولسوالی و یا روسای معارف ولایات بنابر فساد اداری و بی کفایتی و سایر اشکال فساداداری، تحت فشار قرار می گیرند. به عنوان مثال، معلمین وادار می گردند تا نمرات امتحانات شاگردانی که به درجات و یا نمرات بلندتر دست یافتند، مجدداً بررسی شوند. . از سویی، برای معلمین فرصت اندک فراهم می شوند تا در مورد رفتار غیرعادلانه سایر معلمین، شاگردان و یا مدیران مکاتب

شکایت نمایند و یا هم به آنها رسیدگی نمایند، مخصوصاً زمانی که این افراد قدرتمند باشند و یا اینکه با همدیگر رابطه خوب داشته باشند.

5.4 رهبری و مدیریت ضعیف منابع:

طوریکه بعداً در فصل نهم، که در مورد کتب درسی و منابع آموزشی اختصاص یافته است، تصریح خواهد گردید که یک زنجیره و پروسه طولانی در عرصه فراهم ساختن کتب درسی به مکاتب وجود دارند. نقطه آخر آن عبارت از مدیران مکاتب می باشند که در تعیین منابع کتب درسی برای مکاتب شان از نقش عمده یی برخوردار می باشند. در برخی موارد، مدیران مکاتب به طور چشم گیری کمک می نمایند تا یک بازار پررونق، شگوفان و سالم را برای کتاب هایی که از جانب دولت بدست نشر سپرده می شوند، فراهم نمایند، تا برای شاگردان بطور رایگان توزیع گردند.

گزارشات تفتیش روند توزیع کتب درسی نشان میدهند که از انبار های کتب که در شهر کابل موقعیت دارند الی انتقال آن به مکاتب، ضایعات زیادی وجود دارند. شماری زیادی از پاسخ دهنده گان در مکاتب به تیم های ساحوی کمیته نظارت و ارزیابی، اظهار داشته اند که مدیران مکاتب توزیع کتب درسی به شاگردان را طوری وانمود می سازند که آنرا به عنوان هدیه تلقی نمایند. بسیاری از پاسخ دهنده گان منجمله والدین، شاگردان و معلمین اظهار داشته اند که صرف تعداد کمی از شاگردان مجموعه ای کامل از کتاب های مذکور را دریافت می نمایند و تعداد بیشتر از آنها هیچگونه کتابی دریافت نمی کنند. بنابراین، آنها مکلف اند برای خریداری کتاب هایی که از جانب دولت چاپ گردیده اند، به بازار های محلی مراجعه کرده که در اکثر موارد فوتوکاپی های ارزاتر اما دارای کیفیت پایین تر آن بدست می آورند.

وضعیت مشابهی در مورد سایر منابع آموزشی، مانند کمپیوتر نیز به چشم می خورد. خیلی نادر به نظر میرسد که حتی در شهر کابل، مکتب ای را پیدا نمود که از یک بسته کامل و فعال کمپیوتر برخوردار باشد. اغلب کمپیوتر ها را هنوز هم میتوان در کارتن هایش در الماری های خاکی دریافت نمود. همچنین شایان ذکر است که بسیاری از مکاتب، به ویژه در جوامع دوردست و جوامع ای که رسیده گی به آنها دشوار می باشند، به برق دسترسی ندارند و حتی زمانی که آنها خواسته باشند از کمپیوتر ها استفاده نمایند، استفاده از آن ناممکن بنظر میرسند. همچنان مدیران مکاتب خاطر نشان می سازند که مکاتب، فاقد معلمین کمپیوتر می باشند. بنابر این، تدریس مضمون کمپیوتر امکان پذیر نمی باشند. هرچند تیم های ساحوی ارزیابی، دریافته اند که این موارد به عنوان دلایل اصلی پنداشته نمی شوند. کمیته نظارت و ارزیابی، دریافته است که در صورت عدم موجودیت معلم واجد شرایط مضمون کمپیوتر، استدلال مدیر مکتب این خواهد بود که بهتر است تا تجهیزات مذکور همانگونه که تحویل داده شده اند، در کارتن نگهداری گردند. که با گذشت زمان، این کمپیوتر ها و تجهیزات دست ناخورده به نوبه خود به بازار سیاه محلی راه پیدا می نمایند.

6. مراکز تربیه معلم:

در افغانستان 42 مرکز تربیه معلم وجود دارند که حداقل در هر ولایت یک مرکز تربیه معلم موجود می باشد. مراکز تربیه معلم توسط ریاست تربیه معلم در کابل رهبری و مدیریت می گردند. مراکز تربیه معلم در هر ولایات، دارای شعبه های مختلف در سطح ولسوالی می باشند که بشکل مراکز فرعی آن فعالیت نموده و به عنوان مراکز حمایتی یا (SCS) شناخته می شوند. مراکز تربیه معلم برنامه های آموزشی داخل خدمت را برای معلمینی که حین اجرای وظیفه می باشند نیز فراهم می نمایند.

" برنامه های آموزشی تربیه معلم نه تنها تحت کنترل مراکز تربیه معلم می باشند، بلکه امتحان شمولیت معلمین در این مراکز نیز توسط آنها صورت می گیرند، به ویژه برنامه های آموزش داخل خدمت. افراد قدرتمند در جامعه، در امور مراکز متذکره مداخله نموده و این مراکز را وادار می سازند تا شاگردان که واجد شرایط نباشند را نیز بپذیرند. برخی از دانش آموزان در برنامه های آموزشی داخل خدمت تربیه معلم، حتی وظیفه معلمی ندارند. همچنین، برخی از کسانی وجود دارند که صرف در مدارس دینی آموزش فرا گرفته اند و هیچگونه سند فراغت از مکاتب عادی ندارند."

یکی از مسوولین مرکز تربیه معلم

شاگردان بر مبنای نتایج کانکور^{۴۸} در مراکز تربیه معلم شمولیت حاصل می نمایند. کمیته نظارت و ارزیابی؛ مکرراً از پاسخ دهندگان شنیده اند که جوانانی که در امتحان کانکور نمرات پایین اخذ می نمایند، معمولاً به وظیفه تدریس (یعنی به مراکز تربیه معلم) سوق داده می شوند. بر خلاف، کسانی که بلندترین نمرات را در کانکور بدست می آورند به پوهنتون ها راه میابند. تاسف آورتر از داشتن نمرات پایین در امتحان کانکور که به طور رسمی برای ورود به مراکز تربیه معلم معیار است، گزارش های موجود اند که روند شمولیت در مراکز تربیه معلم خیلی ساده بوده و اغلباً بنا بر فشار های رهبران جامعه و یا مداخلات مقامات عالی رتبه وزارت معارف صورت می گیرند.

6.1 نصاب تعلیمی مراکز تربیه معلم:

مراکز تربیه معلم، یک برنامه دو ساله را طی چهار سمستر فراهم می نمایند که دارای نصاب تعلیمی جداگانه خود می باشند که از جانب ریاست تربیه معلم وزارت معارف، انکشاف و تدوین یافته است. محصلین که مایل به ادامه تحصیل تا مقطع لیسانس باشند، در صورتیکه درخواست آنها موفقیت آمیز باشد، می توانند دو سال دیگر تحصیلات

خویش را در فاکولته تعلیم و تربیه یکی از پوهنتون های کشور به پایه اکمال برسانند. محصلین می توانند در جریان سمستر اخیر خویش در مراکز تربیه معلم درخواست بدهند و در امتحان ورودی شرکت ورزند.

یک نگرانی عمده در مورد نصاب تعلیمی در مراکز تربیه معلم، این می باشد که نصاب متذکره با نصاب تعلیمی مکاتب همخوانی ندارد که بعدا فارغان آن به عنوان معلم تقاضا ها برای نصاب تعلیمی صنف دوازدهم را تکافو کرده نمی توانند. به عنوان مثال، گفته می توانیم که نصاب درسی دوره لیسه در مقایسه به چیز هایی که در مراکز تربیه معلم تدریس میگردند گسترده تر به نظر می رسند. حالانکه، از نظر تیوری، فارغ التحصیلان مراکز تربیه معلم نباید به صنف 12 تدریس نمایند، اما این موارد در عمل به چشم میخورند. هنگامیکه دانش آموزان مراکز تربیه معلم، از مراکز متذکره فارغ میگردند، آنها بگونه رسمی برای تدریس، الی صنف 9 راجستر می گردند. اما در عمل به مشاهده رسیده است که شماری از این فارغ التحصیلان، برای شاگردان مکاتب الی صنف های 12 تدریس می کنند.

"معادله انتیگرا" در حال حاضر یک موضوع مهم در صنف 12 میباشد، اما در مراکز تربیه معلم ما آنرا برای شاگردان خویش تدریس نمی نمایم".
یک تن از اساتید در مرکز تربیه معلم

در یک مرکز اختصاصی تربیه معلم، تنها حدود 25 درصد محصلین/فارغان پس از اتمام برنامه، موفق به دریافت وظیفه تدریس می شوند. همانطوریکه قبلا تذکر گردید، برخی از فارغ التحصیلان مراکز تربیه معلم سعی می نمایند تا به فاکولته تعلیم و تربیه یکی از پوهنتون های کشور برای دو سال دیگر راه یابند تا سند لیسانس بدست آورند. این در حالیست که گزارشات گسترده ای از جانب فارغ التحصیلان مراکز تربیه معلم وجود دارند، که این کرسی ها در پوهنتون ها با در نظر داشت اصل شایستگی بدست نمی آیند. کسانی که بلندترین نمرات را بدست می آورند همیشه موفق نمی شوند تا به این فرصت دست یابند، در حالیکه افرادی که از نتایج ضعیف برخوردار می باشند، از طریق ارتباطات و سایر اشکال نفوذ، قادر می شوند تا به پوهنتون های متذکره راه یابند.

6.2 استخدام و مقررات رفتار اساتید:

طرز العمل ها به منظور استخدام یک استاد در مراکز تربیه معلم خیلی ها وابسته به مرکز میباشد. تصمیم نهایی در مورد تمام مقرری ها توسط رئیس ریاست تربیه معلم در وزارت معارف گرفته میشود. بر مبنای گزارشات، این پروسه زمانی شفاف خواهد بود که در راس ریاست مذکور یک شخص قابل اعتماد و توانا قرار داشته باشد. سیستم متذکره در برابر تقلب آسیب پذیر بوده و نهایت متمرکز میباشد و نیازسنجی و تحلیل دقیق در مورد نیازمندیهای مراکز تربیه معلم مدنظر گرفته نمیشوند. یکی از مراکز تربیه معلم ولایت که اعضای تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری از آن بازدید بعمل آورده است، دارای 28 تن استادان میباشد، در حالیکه 200 تن محصلین در آن شمولیت حاصل نموده اند. گزارشات حاکی از آن اند، که با استفاده از زمان فراغت، شماری از استادان درآمد

خویشرا از طریق تدریس خصوصی افزایش میبخشند و خانواده های دانش آموزان مستقیماً برای اینگونه تدریس خصوصی پول میپردازند.

"... استادان ما در جا های دیگر کار مینمایند، زیرا ما در مرکز تربیه معلم صنوف درسی کافی نداریم."
یک تن از اساتید در مرکز تربیه معلم

6.3 رهبری، مدیریت و نظارت:

مسئولین مراکز تربیه معلم اظهار داشته اند که آنها یا صلاحیت های اندک دارند و یا هم هیچگونه صلاحیتی در اختیار ندارند و آنها در برابر دو مرجع پاسخگو میباشند: که یکی آن عبارت از ریاست معارف ولایت میباشد که مرکز متذکره در آن موقعیت دارد و دیگر آن عبارت از ریاست تربیه معلم در وزارت معارف در شهر کابل میباشد. سران مراکز تربیه معلم ابراز ناامیدی نموده و اظهار داشته اند که آنها خیلی ها ناتوان میباشند، زیرا عملاً مشاهده مینمایند که متأسفانه مقرری ها بگونه مستقیم بر مبنای روابط خانواده گی و یا قومی صورت میگیرند.

".... نتایج امتحانات بسیار زمانگیر میباشد، معمولاً پس از 3 یا 4 روز بعضی از استادان نمرات را اعلان نمی نمایند و از دانش آموزان میخواهند تا نتایج خویشرا از اداره دریافت نمایند. من مطمئن هستم که در جریان این روزها فساد اداری صورت میگیرد و کسانی که پولدار هستند، برای افزایش نمرات خویش پول میپردازند."
یک تن از دانش آموزان در مرکز تربیه معلم

"حین استخدام کیفیت مدنظر گرفته نمیشود بلکه در عوض به روابط اهمیت بیشتر میدهند."
یک تن از مسؤولین مرکز تربیه معلم

یک تن از استادان در بحث گروهی کمیته نظارت و ارزیابی اظهار داشته است: "از زمانیکه مرکز تربیه معلم در ولسوالی آنها ایجاد گردیده است، هیچ فردی به نمایندگی از ریاست تربیه معلم مرکز از اینجا بازدید بعمل

نیاورده و از تطبیق طرز العمل ها هیچگونه نظارتی صورت نگرفته است" یک تن از دانش آموزان میافزاید "هیچگامی نظارت کننده گان از خارج به مرکز تربیه معلم مراجعه نه نموده اند تا از وضعیت نظارت نمایند". همچنین موصوف در مورد حالت فزیک لیل و تسهیلات آن شکایت داشته و علاوه مینماید "هشت تن دانش آموزان در داخل یک اتاق کوچک زنده گی مینمایند که غذا نیز در آن آماده میگردد، هیچگونه تسهیلات ورزشی وجود ندارد و دروازه ها، کلکین ها و فرش نیاز به ترمیمات فوری دارند".

"نظارت از فعالیت های استادان در مرکز تربیه معلم توسط آنعده کارمندان جوان مدیریت معارف ولسوالی انجام مییابد که صرفاً دارای اسناد تحصیلی فراغت از صنف 12 یا 14 میباشند، چگونه میتوان از آنها برای قضاوت در مورد استادانیکه دارنده اسناد تحصیلی لیسانس میباشند، استفاده نمود؟"

یک تن از مسوولین مرکز تربیه معلم

در آنعده مراکز تربیه معلم که از آنها نظارت صورت گرفته ، شکایات زیادی در مورد کیفیت نظارت وجود دارد، به ویژه در مورد اینکه اینگونه نظارت معمولاً توسط کارمندان پایین رتبه مدیریت معارف ولسوالی صورت میگردد.

"اکنون ما در مرکز تربیه معلم خویش دانش آموزانی داریم که در سال 1395 (2016) فارغ التحصیل گردیده اند اما تا کنون اسناد فراغت خویشرا بدست نیاورده اند، حتی آنها برای پروسه راجستر خویش و سایر مسائل مربوط مبلغ 300 افغانی پرداخت نموده اند، اما زمانیکه آنها برای تعقیب آن به وزارت معارف مراجعه مینمایند، مشاهده مینمایند که هنوز هم اسناد تحصیلی ایشان برای ثبت نام و منظوری به وزارت معارف ارایه نگردیده اند".

یک تن از مسوولین مرکز تربیه معلم

از مسائل مربوط به هماهنگی ضعیف میان ریاست تربیه معلم و مراکز تربیه معلم نیز در بحث گروهی یاد آوری بعمل آمده است: از نقطه نظر اسناد فراغت، روند شمولیت به درازا میکشد، تا توسط وزارت معارف در کابل نهایی گردد.

همچنین گزارش های زیادی در مورد آنعده دانش آموزانی وجود دارد که در درس حضور نداشته ولی با وجود آن، برای اینکه سند فراغت بدست بیاورند رشوه پرداخته اند.

"من در مورد برخی از ولسوالی های این ولایت آگاهی دارم که در آن تمام شاگردان در جریان هر دو سال تحصیلی کاملاً غیرحاضر بوده اند، اما با وجود آن هم از مراکز تربیه معلم سند فراغت دریافت مینمایند، البته بدون آنکه در صنوف درسی اشتراک نمایند."

یک تن از استادان مرکز تربیه معلم

6.4 فرصت های پیشرفت برای معلمان جدید:

بسیاری مصاحبه شونده گان بیان داشته اند که فرصت های موجود برای ارتقا مسلکی معلمان غیر منظم و مقطع بی بوده و معمولاً فاقد کیفیت میباشند و اغلباً برای اکثریت معلمان قابل دسترس نمیشاند و اکثر اوقات برای معلمان به عنوان یک امتیاز به اساس خویش خوری فراهم می گردد. در حال حاضر هیچگونه اقدامی صورت نگرفته است تا اطمینان دهد که فرصت های انکشاف مسلکی هماهنگ گردیده و با نیازمندیهای معلمان و سیستم عمومی آموزشی مرتبط باشند. به عنوان بخشی از رویکرد سیستماتیک ارتقاء ظرفیت معلمان (در عرصه تدریس، مدیریت صنف درسی، ارزیابی و غیره) باشد، بگونه عادلانه و منظم برای همه معلمان قابل دسترس باشند و بالاخره با فرصت های انکشاف مسلکی و معاشات بلندتر رابطه بی داشته باشند. که همه اینها نشانه های سیستم های موثر مسلکی ساختن معلمان میباشند. به اساس اظهارات وزارت معارف، سیستم متذکره نسبت به آنچه که مصاحبه شونده گان در اینجا شرح داده اند، بهتر میباشد^{۴۹}.

مسلکی سازی معلمان که آنها را مکلف به دریافت درجه های تحصیلات عالی میسازد، ممکن به عنوان یک آرزوی بزرگ برای آینده کشور سودمند باشد، اما در حال حاضر سیستم تحصیلات عالی افغانستان ظرفیت و کیفیت فراهم ساختن تحصیلات عالی برای معلمان را ندارد تا بتواند به طور پررنگ بر روند تدریس/فراگیری آنها در مکاتب و صنوف درسی اثرگذار باشد و زمینه را برای اصلاحات مورد نیاز در نظام معارف کشور فراهم نماید. همچنان نمیتواند به نیازمندیهای رسیده گی نماید و با معلمان موجود کار نماید، تا ظرفیت های خویشرا انکشاف دهند و آنها را در عرصه دستیابی به درجات بلند مسلکی، بدون آنکه از آنها خواسته شود که صنف های خویشرا ترک نمایند، همکاری نماید.

6.5 نقاط ضعف در کنترل:

حسابدهی دوگانه مراکز تربیه معلم یا (TTCS) به ریاست معارف ولایت و ریاست تربیه معلم کابل فرصت را برای کسانی که به دنبال بهره برداری از نقاط ضعف میباشند، فراهم می نماید.

"بانک جهانی بین سالهای 1393-1396 برای هر سال به مقدار 16000 دالر را برای ارتقاء ظرفیت اختصاص داده است. در یک جلسه عمومی به سطح ولایت آنها از تمام مراکز تربیه معلم مطالبه نمودند تا پروپوزلی را بر مبنای نیازمندی های خویش تهیه نمایند. ما تمام نیازمندی ها خویش را لست نموده و آنرا به ولایت فرستادیم که مجموعه آن به 48000 دالر امریکایی میرسید. مرکز تربیه معلم ولایت، ریاست معارف ولایت و دفتر والی 300000 افغانی را بگونه اقلام مورد نیاز، نه بگونه نقدی پرداخت نمود و تجهیزاتی را فراهم ساختند که ما هرگز از آنها در پروپوزل خویش تذکر نداده بودیم. در عین حال آنها هزینه اقلام مذکور را بیشتر از دو مرتبه هزینه واقعی آنها محاسبه نموده بودند، مانند یک بالون گاز که قیمت آن 500 افغانی میباشد، را به مبلغ 3000 افغانی محاسبه نموده بودند، آنها یک موتور سایلکل را نیز برای ما تهیه نمودند که هزینه واقعی آن 48000 افغانی میباشد اما هزینه آن 95000 افغانی محاسبه گردیده بود. بقیه این مقدار به جیب های مقامات عالی رتبه ولایت رفته است."

یک تن از روسای مرکز تربیه معلم

مراکز تربیه معلم در مورد بودجه سالانه برای فراهم ساختن لوازم، خدمات و مواد مصرفی در ساحه برنامه خویش هیچگونه اطلاعی ندارند. یک تن از روسای مرکز تربیه معلم از موجودیت یک سیستم فاسد که صرف نیازمندی های چندین تن افراد آلوده به فاسد را برآورده میسازد و به شاگردان مشکلات ایجاد مینماید، به ستوه آمده بود. او بگونه مفصل شرح نمود که فقدان شفافیت و سیستم کنترل ضعیف چگونه میتواند تهدیدات فساد اداری را تقویت بیشتر بخشد:

6.6 جندر:

در عرصه آموزش و تدریس معلم، با وجود آنکه 42 مرکز تربیه معلم وزارت معارف در حال حاضر دارای تعداد زیادی از دانش آموزان (در حال افزایش) میباشد و تعداد زنان نسبت به مردان در آن بیشتر میباشد، اما صرف 25 درصد از هر دسته فارغان قادر اند تا به مسلک مقدس معلمی استخدام گردند و زنان به ویژه از این نعمت بی بهره باقی مینمانند.

همچنان موانعی در برابر زنان وجود دارند تا بتوانند منحیث معلم ایفای وظیفه نمایند، به ویژه در مناطق روستایی و آنعده مناطق کشور که دسترسی به آنها دشوار میباشد. این امر منجر به کمبود شدید معلمان طبقه اناث میگردد. هیچگونه احصاییه واضح در مورد جندر در میان 215000 تن معلمان افغان وجود ندارد، با این حال مدارک نشان میدهند که کمتر از 20 درصد معلمان افغانستان را زنان تشکیل میدهند. به عنوان یک مقایسه منطقه ای، در کشور ایران 60 درصد معلمان را زنان تشکیل میدهند. علی الرغم این واقعیت که بانک جهانی میلیارد ها دالر را در برنامه های سکالرشپ دختران در ولایاتیکه در آنها زنان دسترسی اندک به تحصیل و اشتغال دارند پرداخت می نماید هنوز هم ناتوانی قابل ملاحظه ای در عرصه جابجایی حد اقل 40 درصد اینگونه زنان در سکالرشپ ها و پست های معلمی در ولایات ایشان به چشم میخورد.

کمبود مداوم معلمان اناث در اکثر مناطق کشور فرصت های دسترسی دختران برای آموزش را به طور قابل ملاحظه ای محدود ساخته است.

7. فساد اداری ناشی از نصاب تعلیمی و سال های تعلیمی کوتاه مدت:

یک نصاب تعلیمی ملی بازتاب دهنده پاسخ به نیازمندی های یک کشور میباشد که از نظام معارف انتظار میرود و فراتر از یک لست مضامین و سلسله ای از واقعیت های اند که قرار است فراگرفته شوند. نصاب تعلیمی رسمی نه تنها دربر گیرنده آنچه که تدریس میشود میباشد، بلکه دربر گیرند اصول و ساختار های عمده نیز میباشد. اینها ارایه کننده چگونگی تدریس و چیز هایکه در صنف درسی بوقوع میبندد میباشد. به مرور زمان، نه تنها محتویات بلکه مرام نصاب تعلیمی، نیز به دانش آموزان منتقل میگردد. هدف نصاب تعلیمی ملی این است تا به کسانی که توسط آن تدریس میگردند، خدمات آموزشی فراهم نماید، تا آنها قادر به این گردند تا به شهروندان باهوش و فعال مبدل گردیده و از لحاظ اقتصادی از توانایی های لازم برخوردار گردند و برای جوامع خویش سودمند تمام شوند.

به سطح جهان، نصاب تعلیمی برای این طرح ریزی میگردد تا شاگردان بتوانند به اهداف ذیل نایل آیند:

- از مهارت های ابتدایی حساب و خوانش و نوشتن برخوردار گردند.
- ماهیت جامعه و نقش خویش را در آن بدانند و به همین ترتیب حقوق و مسئولیت های خویش را درک نمایند.
- مهارت های کلیدی را در عرصه کارآفرینی از خود به نمایش بگذارند، تا بر مبنای آن بتوانند به نیروی کار بپیوندند، از خانواده های خویش حمایت نمایند و به نقش آفرینان فعال در عرصه رشد اقتصادی کشور مبدل گردند.

با در نظر داشت دستیابی به هر یک از این عناصر بنیادی سه گانه، از جانب افرادیکه با آنها مصاحبه صورت گرفته اند، طوری خاطر نشان گردیده است که نصاب تعلیمی وزارت معارف افغانستان در این عرصه ها از موفقیت های چندانی برخوردار نمیشد.

بر اساس یافته های کمیته نظارت و ارزیابی مشکل متذکره ناشی از موارد ذیل میباشد:

- نصاب تعلیمی با داشتن مضامین بیشمار، از حجم بیش از حد برخوردار میباشد.^{۵۰}
- سال تعلیمی کوتاه مدت، دوره های تدریس کوتاه مدت و روز های کوتاه تدریس مشکل متذکره را چندین مرتبه بیشتر ساخته است.
- این حجم بیش از حد نصاب تعلیمی به مسائل متعدد فساد اداری منجر میگردد:
 - معلمین قادر به تدریس کامل نصاب تعلیمی نمیشوند، بنابراین آنچه را که آموزش میدهند، انتخاب مینمایند.
 - معلمین و سر معلمین سؤالات و جوابات را بالای شاگردان خویش به فروش میرسانند، تا آنها بتوانند امتحانات خویش را سپری نمایند.
 - این مساله توأم با فشار و فساد در روند امتحان کانکور میباشد.

7.1 حجم بیش از حد نصاب تعلیمی:

نصاب تعلیمی صنوف 1-12 به 8 ساحه دسته بندی میگردد:^{۵۱}

(i) تعلیمات اسلامی

(ii) زبان ها

(iii) ریاضیات

(iv) علوم طبیعی

(v) علوم اجتماعی

(vi) مهارت های زنده گی

(vii) هنر، کار عملی و تعلیمات تکنولوژیک

(viii) تعلیمات فزیک

هر یک از این ساحات هشت گانه به نوبه خود به مضامین خاصی برای صنوف معین تقسیم میگردند. شاگردان صنوف 1-3 به تعداد 8 مضمون صنوف 4-6 به تعداد 11 مضمون، صنوف 7-10 به تعداد 17 مضمون و بالاخره در صنوف 11 و 12 به تعداد 16 مضمون تدریس میگردد.

در زمان تعیین شده از لحاظ فزیک غیرممکن میباشد که تمامی محتویات توصیه شده را در هر یک از مضامین متذکره تحت پوشش قرار دهیم، این در حالیست که متخصصین مضامین و گروه هایکه دارای اهداف خاص میباشند، در برابر هر گونه تلاش ها در عرصه کم نمودن و تخصصی ساختن آنها مقاومت مینمایند، چون آشکارا هراس دارند که عرصه نفوذ ایشان محدود خواهد گردید. در این مورد، همانند سایر عرصه های آموزشی در افغانستان (مانند کمیت شاگردان شامل شده در برابر کیفیت آموزش ایکه آنها فرا میگیرند)، در مقایسه با کیفیت آموزش، بالای کمیت آموزش تاکید بیشتر صورت میگیرد.

در حال حاضر یک بررسی جامع نصاب تعلیمی در معرض اجرا قرار دارد که از جانب وزارت معارف با حمایت یونسکو رهبری میگردد. در جریان مرحله آغازین پروسه بازنگری، مشورت های گسترده با مردم صورت گرفته است. آوردن اصلاحات در نصاب تعلیمی یکی از اولویت های مهم دولت افغانستان پنداشته میشود. گمانه زنی های وجود دارد که کتب درسی جدید بر مبنای نصاب تعلیمی تجدید نظر شده به زودی ممکن، ترجیحاً قبل از سال 2020 در صنوف درسی مورد استفاده قرار گیرند.

بررسی نصاب تعلیمی نشان میدهد که وزارت معارف نیازمندیهای را شناسایی نموده اند که بر مبنای آن باید زمانی را که در حال حاضر به مضامین اختصاص داده شده اند، مورد بررسی قرار دهند و در پهلوی آن مضامین و یا موضوعات مشابه را با همدیگر بیشتر مدغم سازند و حجم هر یک از ساحات آموزشی را کاهش بخشند. شماری زیادی از دست اندرکاران اظهار داشته اند که اینها عبارت از نیازمندیهای فوری میباشند. روند بررسی نصاب تعلیمی

به کندی پیش می‌رود و در این زمان جوانان از تحصیلات رسمی محروم باقی مانده و در جریان 9 یا 12 سال تحصیل خویش، از دست آورد های اندک برخوردار می‌گردند.

به باور کمیته نظارت و ارزیابی بعید به نظر می‌رسد تا بررسی و بازنگری متذکره بتواند تاثیرات مثبتی بالای مشکلات ناشی از فساد اداری داشته باشد، مگر اینکه بررسی طوری انجام یابد که بتواند به کاهش قابل ملاحظه محتویات نصاب آموزشی بیانجامد. هرچند این وظیفه کمیته نظارت و ارزیابی نمیباشد تا در مورد محتویات نصاب تعلیمی صحبت نماید، اما باور مان اینست که تمام محتویات نصاب تعلیمی باید از نظر حجم 50 درصد حجم کنونی آن باشد، البته بنا بر محدودیت های زمانی قابل ملاحظه که در برابر نظام تعلیمی فعلی در افغانستان وجود دارد.

7.2 محدودیت های زمانی:

نصاب تعلیمی حامل محتویات زیاد طی یک سال تعلیمی که کوتاه ترین سال تعلیمی به سطح جهان پنداشته می‌شود، باید تطبیق گردد. یک سالی که دارای اینگونه تعطیلات میباشد: رخصتی های زمستانی حداقل 90 روزه، تعطیلات تابستانی 15 روزه یا بیشتر از آن، وقفه های 52 روزه اضافی در جریان امتحانات و غیره. همه اینها سبب شده اند تا از موثریت دوره آموزش کاسته شود و میزان دقیق آن به کمتر از 20 هفته برسد، آنهم توام با یک حاضری کمتر از 20 ساعت در هفته و یا حاضری صرف 400 ساعت در جریان یک سال تعلیمی، برای اکثریت شاگردان میباشد. نتیجه آن این است که مضامین متعدد با حداقل زمان و توام با موضوعات جدا از همدیگر تدریس گردند.^{۵۲}

"از ساعت 08:00 الی ساعت 10:00 قبل از ظهر را شاگردان در راه رسیدن به مکتب سپری مینمایند و از ساعت 10:00 قبل از ظهر الی ساعت 12:00 ظهر را آنها در راه رسیدن به منزل سپری مینمایند."

یک تن از اعضای شورای مکتب

شماری زیادی از پاسخ دهنده گان در مورد سال تعلیمی کوتاه مدت و معمولاً وقت کمی که شاگردان روزانه در مکتب بسر می‌برند، نگرانی داشتند. به عنوان مثال، اعضای یکی از شورا های مکتب اظهار داشته اند که در ساحه آنها مدیریت مکاتب ضعیف بوده و ساعات درسی مکتب برای آنها قابل قبول نمیباشد. به همین ترتیب گزارش شده است که برخی از معلمین دوره های قبلاً کوتاه شده درسی را از 45 دقیقه به 30 دقیقه کاهش میدهند. این یک مساله فراگیر بوده و از جانب شماری زیادی از دست اندرکاران در سایر ولایات نیز شناسایی گردیده است. شاگردان در یکی از ولایت این مساله را به عنوان یک مشکل می‌پندارند و اظهار میدارند که برخی از معلمین تدریس خویش را تا 25 یا حتی 20 دقیقه کاهش بخشیده اند. یک تن از مفتشین مکاتب در همان ولایت نیز کاهش در ساعات درسی مکتب را یک مشکل عمده میداند.

سال تعلیمی کوتاه مدت و زمان تقلیل یافته تدریس، بگونه مقایسوی تقریباً کمتر از نصف زمانی میباشد که در سیستم تعلیمی منطقوی بالای آن تاکید میشود. به عنوان مثال، گفته میشود که در کشور پاکستان که مکاتب سالانه برای 34 هفته باز میباشند، مدت زمان تدریس در یک هفته 34 ساعت میباشد (که مجموعاً در هر سال تعلیمی 1156 ساعت میشود)؛ در کشور ایران در جریان یک سال تعلیمی 37 هفته تعلیمی وجود دارد و هر هفته متشکل از 22.5 ساعت درسی میباشد (مجموعاً 833 ساعت درسی در سال تعلیمی)^{۵۳}.

7.3 دستاورد های اندک و فروش اوراق امتحان:

میزان حاضری در مکتب پایین میباشد، که این رقم حد اکثر 50 درصد در مناطق شهری و کمتر از 30 درصد در مناطق روستایی تخمین گردیده است. میزان سواد بزرگسالان افغانستان در سطح جهان در پایین ترین رده قرار دارد^{۵۴}، در عین حال، تغییرات مشهود در عرصه تساوی جندر در سرتاسر کشور به چشم میخورد. در افغانستان در میان هر 5 تن از زنان، صرف یک تن آنها از نعمت سواد برخوردار میباشد و میزان سواد زنان در مناطق روستایی سه برابر کمتر از مناطق شهری میباشد. با چنین سطح پایین مشارکت، بصورت عموم میزان آموزش در سرتاسر افغانستان شدیداً پائین به نظر میرسد.

میزان تخمینی سواد نزد بزرگسالان در کشور 38 درصد میباشد (بر مبنای گزارش سال 2015 یونسکو در مورد افغانستان)^{۵۵}، این گزارش نشان میدهد که میزان سواد بزرگسالان به طور قابل ملاحظه ای کمتر از اوسط بین المللی 84 درصد و میزان کشور های همسایه مانند کشور پاکستان (56 درصد) و کشور ایران (87 درصد) میباشد. سطح شرکت در آموزش ابتدایی و متوسطه بسیار پایین میباشد. در سال 2015، سازمان همکاری بین المللی برای تحصیلات عالی کشور هالند یا (NUFFIC) گزارش داده است: "کمتر از یک چهارم حصه شاگردان تعلیمات خویشرا تا صنف نهم ادامه میدهند، در حالیکه کمتر از 10 درصد شاگردان تعلیمات خویشرا تا صنف دوازدهم ادامه میدهند"^{۵۶}. در یک کشوری که در آن 41.8 درصد جمعیت آن کمتر از 15 سال عمر^{۵۷} دارند، کیفیت آموزش، تامین عدالت و دسترسی به آموزش، به همین دلیل، به عنوان نگرانی های فوری انکشاف ملی پا بر جا باقی مانده اند.

نتایج یک مطالعه ارزیابی آموزش شاگردان صنوف ششم^{۵۸} نشان میدهد که:

- 10 درصد شاگردان نمیتوانند کلمات ساده را بخوانش بگیرند.
- 14 درصد شاگردان نمیتوانند در ریاضیات اشکال ساده را نامگذاری نمایند.
- 31 درصد شاگردان نمیتوانند یک کلمه ساده را بنویسند.

هنوز هم آزمون های معیاری و عادی برای اجراات و امتحانات ملی در مکاتب ابتدایه یا متوسطه در افغانستان وجود ندارد. این خلاء میتواند در برابر روند ارزیابی نتایج آموزش به عنوان یک چالش تلقی گردد. هر مکتب امتحانات و روش های آزمایش منحصر به خود را تعیین مینماید، که این امر به نوبه خویش معیاری پنداشته نمیشود و بستگی دارد به تغییرات گسترده در محتویات و کیفیت آموزش.

این امتحانات مکتب، با توجه به ماهیت آن، میتوانند به ساده گویی زمینه را برای فساد اداری مساعد سازد. بسیاری از اشتراک کننده گان در بحث گروپی، نگرانی خویشرا در مورد عدم موجودیت عدالت، آزادی و شفافیت در روش های امتحانات مکاتب اظهار داشته اند. شاگردان به طور آشکار و مکرر در مورد اوراق امتحان و پاسخ های نمونه وی که قبل از امتحانات برای فروش قابل دسترس میباشند صحبت مینمودند.

7.4 امتحان کانکور:

امتحانات سالانه مهم میباشند، زیرا ناکامی بدین معناست که شاگردان اجازه ندارند تا در سال تعلیمی بعدی پا نهند و مکلف اند تا صنف را مکرراً ادامه دهند. این عبارت از یک سیستم خیلی ها مایوس کننده میباشد تا بتواند به ندرت در سال تکراری سبب موفقیت شاگرد در امتحانات سالانه گردد. ناکامی تکراری در امتحانات نهایی سالانه زمینه را برای ترک نمودن مکتب بدون تکمیل نمودن نصاب تعلیمی فراهم میسازد و عامل اصلی این ناکامی سیستم آموزشی پنداشته میشود. یگانه امتحان شاگردان که به سطح ملی معیاری میباشد، عبارت از امتحان کانکور میباشد که در پایان صنف 12 توسط آنعه فارغ التحصیلان مکتب که خواهان ورود به پوهنتون ها میباشند و یا خواهان ادامه تحصیلات عالی پس از تکمیل نمودن دوره مکتب میباشند، سپری میگردد.

امتحان کانکور به سطح ملی مدیریت میگردد و فارغ التحصیلان مکاتب این امتحان را طی پنج ماه در پایان سال تعلیمی رسمی سپری مینمایند. این امر نشان دهنده اهمیت امتحان کانکور میباشد چنانچه صنعت بزرگی جهت آماده گویی کانکور شکل گرفته است.

در سال اخیر مکتب، نصاب تعلیمی توصیه شده در مکاتب موجود بوده، اما بگونه محدود و یا هم به اندازه اندک در مکاتب و صنوف خصوصی تطبیق میگردد، البته بگونه مجزا از آماده گویی برای این آزمون بزرگ ملی. از آنجاییکه در عمل اکثریت شاگردان در پایان صنف 9 مکتب را ترک مینمایند، صرف 10 درصد از تمام گروه های سنی دوره تعلیمات مکتب خویشرا به پایان میرسانند. این امر سبب میشود تا به انکشاف یک نصاب تعلیمی منسجم برای صنوف 1-9 اهمیت زیادی ب قایل گردید. به همین ترتیب میتوان نیازمندی ها برای فرصت های موجود را از طریق ایجاد یک نصاب تعلیمی مسلکی مشخص ساخت، که اکثریت افراد دارای سن 14 سال و یا بالاتر از آن بتوانند از طریق آن مهارت های مورد نیاز را برای دریافت اشتغال بدست آورند. یافته های کار ساحوی کمیته نظارت و ارزیابی در مکاتب بیانگر موجودیت گزارش های بسیاری است که نشان دهنده آن اند که معلمین برای فروش اوراق امتحانات قبل از آغاز امتحانات رشوه مطالبه مینمایند و یا هم در برابر پول درجه صنفی را طوری در اطلاعات درج مینمایند که برای شاگردان و خانواده های ایشان قابل قبول باشد.

این بدان معناست که یک بازار بزرگ و رو به توسعه برای آموزش های خصوصی وجود دارد، به خصوص در زمان امتحان ملی سالانه کانکور برای شاگردانی که توانسته اند الی صنف دوازدهم به تعلیمات خویش ادامه دهند. برای آماده گویی امتحان کانکور یک صنعت بزرگ شکل گرفته است و اهمیت آن به حدی بوده که از توجه به

تمام آموزش های دیگر در آن سال سبقت میجوید. بر علاوه سایر عملکرد های آلوده به فساد، این به نوبه خود خطر فساد اداری را افزایش میدهد.

7.5 نتایج – کیفیت پایین قابل ملاحظه و موجودیت فساد اداری:

با توجه به حجم زیاد نصاب تعلیمی و کوتاه شدن روز های مکتب، تحت پوشش قرار دادن تمام محتویات مورد نیاز در زمانیکه در اختیار قرار دارد، غیرممکن خواهد بود^{۹۹}. این امر خود سبب به میان آمدن مشکلات متعدد و فساد اداری میگردد:

- معلمین از موضوعات نصاب تعلیمی موضوعات را بگونه سلیقوی انتخاب می نمایند و سپس خود را مطمئن میسازند تا محتویات امتحان مضمون متذکره به آنچه که آنها تدریس نموده اند، مطابقت داشته باشند.
- در شرایط مذکور، تدریس بگونه سطحی صورت گرفته و بالای امتحانات سالانه به عنوان مهمترین اولویت تمرکز اندک صورت میگیرد. اکثر این امتحانات نهایی بر مبنای دستورالعمل ها و مدیریت از مرکز صورت نمیگیرند، بنابراین بعید به نظر میرسد تا ساحتی تحت پوشش نصاب تعلیمی مورد ارزیابی قرار گیرد.
- به همین دلیل، نگرانی های زیادی در رابطه با جعل کاری در آمار/ارقام و گزارشدهی در مورد پوشش نصاب تعلیمی وجود دارد که امکان رسیده گی به آن در زمان تعیین شده غیرممکن میباشد.
- ماهیت نامطمئن و غیرقابل پیش بینی پروسه انتخاب به این معناست که امتحان میتواند به طور دلخواه و اختیاری اخذ گردد. شاگردان مکلف پنداشته میشوند تا حقایق را درک نمایند که روی آن تمرکز قابل ملاحظه صورت نگرفته است، البته با در نظر داشت برداشت های اندک و یا هم هیچگونه درک از مفاهیم و ارتباط آنها.

در شرایط کنونی که نصاب تعلیمی موضوعات زیادی را تحت پوشش قرار میدهد، با داشتن یک نظام فاسد امتحانات، و فرصت های اندک برای پیشرفت فراتر از تعلیمات مکتب، فساد اداری قابل ملاحظه و خیلی ها زمینه ساز در عرصه معارف به چشم میخورد. اداره مکاتب روز تا روز در میان مردم ماهیت خویشرا از دست میدهد، و به آن به عنوان محلی دیده میشود که در آن مهارت های اجتماعی شدن از اولویت های پایین برخوردار میباشد و یا هم محلی که در آن فعالیت های فریبکارانه بگونه عادی به چشم میخورد، و در میان نسل آینده کشور فساد اداری تقویت بیشتر پیدا نموده و به عنوان یک پدیده یی تلقی میگردد که هرگز نمیتوان در افغانستان از آن اجتناب ورزید.

8. آموزش های تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) و برنامه های سواد آموزي بزرگسالان:

مشکلات عمده:

- نصاب تعليمي آموزش های تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) فرسوده بوده و ارتباطي با بازار کار ندارد.
- در میان معلمان نهاد های آموزشی تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) نیز مشکلات مشابه فساد اداری و عدم شایستگی به چشم میخورد.
- روند فراهم آوري برنامه های آموزشی تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) نهاد های غیردولتي ملی و بین المللی در مقایسه به برنامه های وزارت معارف از کیفیت بلند برخوردار میباشند.
- برنامه سواد آموزي بزرگسالان به طور قابل ملاحظه آلوده با فساد، ناکارآ و غیرموثر میباشند.

یکی از مهمترین وظایف سیستم آموزشی موثر، عبارت از فراهم ساختن مهارت های لازم برای شاگردان جهت دریافت اشتغال میباشد. یک سیستم آموزش های تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) جامع و سازمان یافته از پوتانشیل ای برخوردار میباشد که بر مبنای آن مهارت های لازم برای دریافت اشتغال را فراهم نماید، چیزیکه جوانان جهت ایجاد نیروی کار آینده به آن نیاز دارند. با این حال، مصاحبه شونده گان به این باور اند که سیستم آموزش های تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) دولت افغانستان به اندازه کافی در برابر نیازمندی های تقریباً 40 درصد نیروی کار که یا بیکار اند و یا برای مدت کوتاه کار مینمایند، پاسخگو نمیشد.

"سیستم رسمی آموزش های تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) دارای 3 نقیصه جدی میباشد: گروه های مورد هدف آموزش های تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) در داخل سیستم نمیشاند، حدود 85٪ استادان از شایستگی لازم برخوردار نمیشاند و بالاخره برخورد نادرست در تمام سطوح سیستم. نتیجه: تقریباً صفر میباشد."

یک تن از مسئولین ارشد در یکی از نهاد های شرکای انکشافی

یکی از بزرگترین خطرات عدم فراهم ساختن برنامه های آموزشی مؤثر، یکپارچه و هدفمند برای جوانانی که بیشتر از 14 سال عمر دارند این است که بیکاری و نارضایتی آنها توسط نیرو های مخالف دولت شناسایی گردیده و از آنها بهره برداری صورت میگیرد و آنها را در پیوستن به صفوف جنگجویان ناشناخته بیشتر آسیب پذیر و مساعد میسازد. در حال حاضر، کسانی که آرزو آموزش های تخنیکي و فني حرفوي يا (TVET) را دارند، خود را در مکاتب حرفه یی میابند، جاییکه ممکن در آنجا تجهیزات برای انکشاف مهارت های عملی آنها به اندازه کم موجود

است و یا هم هیچ وجود ندارد^{۶۰}، جایگاه نصاب تعلیمی آن برای سال های متمادی تجدید نظر نگردیده است و یا هم جایگاه معلمین آن در مورد فعالیت های مورد نیاز و تخصصی آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) آشنایی لازم ندارند و این به عنوان یگانه چیزی پنداشته میشود که مکاتب متذکره برای اینکه شاگردان خود را آماده سازند، به آن نیاز دارند.

قابل یاد آوریست که وزارت معارف اخیراً اقداماتی را برای حل این مشکلات رویدست گرفته است^{۶۱}.

8.1 نصاب تعلیمی آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET):

هیچگونه نصاب تعلیمی معیاری برای آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) وجود ندارد، بلکه در عوض آن از جانب عرضه کننده گان خدمات مختلف در سراسر افغانستان نصاب های تعلیمی مختلف مورد استفاده قرار میگیرد. وزارت معارف برای مکاتب آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) خویش نصاب تعلیمی اختصاصی دارد، در حالیکه وزارت کار امور اجتماعی، شهدا و معلولین در مراکز آموزش های فنی حرفوی یا (VTCS) خویش از نصاب تعلیمی متفاوت استفاده مینماید، که عمدتاً از دوره های آموزشی کوتاه تر برخوردار میباشد. عرضه کننده گان خدمات خصوصی، نهاد های غیردولتی ملی و بین المللی میتوانند از مواد آموزشی هر دو وزارت یاد شده استفاده نمایند، اما اینگونه عملکرد ها واحد پنداشته نمیشوند. تا همین تازه گی ها، برنامه ملی انکشاف مهارت ها یا (NSDP) با معینیت آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی مشترکاً کار نموده است، که از آن جمله میتوان از کار بالای ایجاد ستندرد های ملی مهارت های شغلی یا (NOSS)، که به نوبه خویش زمینه را برای کار روی انکشاف نصاب تعلیمی فراهم میسازد، نام برد. با وجود آن، استفاده از مواد آموزشی متذکره تا هنوز بصورت جامع صورت نمیگیرد. اداره یونسکو در حال حاضر از دولت در بخش بازنگری نصاب تعلیمی آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) حمایت مینماید، هرچند هنوز هم روشن نیست که روند بازنگری نصاب تعلیمی با آموزش های عمومی تا چه حد سازگاری دارد.

"ما از یک مکتب آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) که توسط برنامه های انکشاف مهارت های افغانستان یا (ASDP) تمویل میگردد، بازدید نمودیم و دریافتیم که تمام کارمندان از جمله اقارب مدیر مکتب متذکره بودند."

یک تن از منسویین ارشد در یکی از نهاد های غیردولتی

بانک جهانی دو برنامه موفقیت آمیز را در چهارچوب برنامه های انکشاف مهارت های افغانستان یا (ASDP I) و (ASDP II)، تمویل مینماید. اکثر دانش آموزان در برنامه های آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) از صنوف 10، 11، 12 و معادل صنوف 13 و 14 نصاب تعلیمی را تعقیب مینمایند که در حدود 240 مکاتب فنی و

حرفه ای مورد استفاده قرار میگیرند. مصاحبه شونده گان گزارش داده اند که اینها مسایل تازه و جدید را تحت پوشش قرار نداده، تدریس آن ضعیف بوده و بالاخره اینکه نصاب تعلیمی متذکره نه در برابر نیازمندی های دانش آموزان پاسخگو میباشد و نه هم در برابر نیازمندی های اقتصاد ملی کشور.

نصاب تعلیمی آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) در روند بازنگری نصاب تعلیمی که در حال حاضر از جانب وزارت معارف و نهاد یونسکو جریان دارد، شامل نمیشد.

8.2 فراهم ساختن آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی بدیل یا (TVET) از جانب شرکای انکشافی و نهاد های غیردولتی:

شاگردان و جوانب ذیدخل در پایان برنامه آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) اظهار داشته اند که آنها از مهارت های عملی اندکی برخوردار میباشند تا از آن در محل کار استفاده نمایند. به عنوان مثال، شاگردانیکه از رشته میخانیک موتر فارغ گردیده اند، در مورد وسایط نقلیه مدرن و مجهز با سیستم های کمپیوتری، خیلی کم میدانند. در مقابل، اقتصاد غیررسمی ارایه کننده شمار زیادی از فرصت های واقعی و قابل دسترس اشتغال میباشد، اما متأسفانه تا کنون توسط سیستم رسمی آموزش های تکنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) به طور گسترده تحت پوشش قرار نگرفته است.

با درک این فرصت، یکی از شرکای انکشافی آلمانی بنام (GIZ) در این اواخر یک طرح کاملاً جدیدی را برای برنامه های آموزشی فنی حرفوی یا (TVET) معرفی نموده است که اقتصاد غیررسمی را بگونه کامل تحت پوشش قرار میدهد و فراهم کننده آموزش های داخل خدمت بوده و به همین ترتیب (زمینه های آموزش کالج) را برای جوانانی که در حال حاضر در سکتور غیررسمی کار می نمایند، ارائه می نماید. طرح متذکره بر مبنای سیستم سنتی استاد - شاگردی طرح ریزی گردیده است که در آن شاگردان طی چند نسل "به صنعتگران زانو زده اند" و به این ترتیب دانش و مهارت های لازم را فرا گرفته اند.

این ابتکار نهاد (GIZ)، در میان سایر فعالیت هایکه از جانب نهاد های غیردولتی ملی و بین المللی انجام میابند، میتواند فرصت های آموزش عملی را از نقطه نظر ارتباط آن با صنایع و تعداد شاگردانی که برنامه های متذکره را به پایان میرسانند، در مقایسه با سیستم رسمی آموزش تکنیکی و فنی حرفوی وزارت معارف یا (TVET)، فراهم سازد. برنامه های آموزشی متذکره بالای دستیابی به نتایج عملی، توانایی های اشتغال و یا "بلند بردن سطح مهارت ها" بمنظور افزایش درآمد ها تمرکز خواهند داشت.

" سنت استاد - شاگردی از 500 سال بدینسو خودکفا بوده، توام با مشکلات بوده، درآمد های

خوبی در قبال داشته، اما تا یک حد معین مورد استفاده قرار میگرفت."

یک تن از مدیران ارشد در یکی از نهای های شرکای انکشافی



مکتب نکور، ولسوالی کشم، ولایت بدخشان

8.3 عرضه کنندگان جاگزین آموزش های تخیکی و فنی حرفوی یا (TVET)، که جواز وزارت معارف را در اختیار دارند:

طی سال های اخیر، مدل های جاگزین برای آموزش های تخیکی و فنی حرفوی یا (TVET) توسط وزارت معارف بمنظور احیای مجدد سکتور متذکره به تصویب رسیده اند.

- تخمین زده شده است که حدود 90 درصد فعالیت های اقتصادی در افغانستان را اقتصاد غیررسمی^{۶۲} تشکیل میدهد. بدین ملحوظ، نهاد (GIZ) برنامه کارآموزی (OS2) را مطابق سیستم ردیابی بررسی دوگانه آلمان تطبیق نموده است. این امر کارآموزان را قادر خواهد ساخت تا یک وظیفه دارای معاش را در حالیکه همزمان با آن یک برنامه آموزشی حرفوی را نیز دنبال خواهند نمود، بدست آورند. عملاً، اشتراک کنندگان در جریان نیمه اول هفته کاری از طریق برنامه آموزش های تخیکی و فنی حرفوی یا (TVET) آموزش فرا میگیرند و در نیمه دوم هفته کاری، وظیفه دارای معاش را برای کسب مهارت های ضمیمی و یا به هدف کاروبار انجام میدهند.
- انستیتوت آموزش های تخیکی و فنی حرفوی افغانستان یا (ATVI) در چهارچوب مشارکت عامه و خصوصی، میان وزارت معارف و یک شرکت امریکایی ایجاد گردیده است. انستیتوت متذکره در سال 2012، بیش از 1200 تن محصل داشت. اتکاء بالای تمویل از جانب شرکای انکشافی سبب گردیده است تا برای اشتراک کنندگان فیس تدریس وضع گردد، که در نتیجه میزان شمولیت در آن شدیداً در سال 2014 کاهش یافت.
- انستیتوت فیروزکوه یا (TMI) برای انکشاف سنت استاد - شاگردی تاسیس گردیده است که کارآموزان را در چهارچوب آموزش های همتایی با استادان مجرب حرفه های نجاری، جواهرات، سرامیک و هنر خطاطی پیوند داده است. کارآموزان متذکره نصف وقت خویش را برای کارآموزی و نصف وقت خود را برای تعقیب نصاب تعلیمی وزارت معارف صرف مینمایند. انستیتوت فیروزکوه یا (TMI) یک طرح ارتقاء تجارت را بمنظور کمک به اشتراک کنندگان

جدید و کم تجربه آغاز نموده است، البته در تباری با انستیتوت های آموزش های تخنیک و فنی حرفوی یا (TVET) که از جانب وزارت معارف به پیش برده میشوند و به فقدان ارتباط با بازار های در حال رشد، مواجهه میباشد.

"کارآموزان شامل در پروژه های ما، به مهارت ها و ابزار بیشتر نیاز دارند: آنها به افتخار، عزت و اعتماد نیاز دارند. نهاد های متذکره از هیچگونه صلاحیتی در گسترش نصاب تعلیمی برخوردار نمیشوند. ما دریافته ایم که این یکی از خلاء های دیگری میباشد که بالای پیشینه کارآموزان ما اثرگذار میباشد. ما نمی توانیم صرف مهارت های تخنیک را آموزش دهیم و توقع داشته باشیم که آنها میتوانند پس از راه اندازی مراسم تصدیقنامه های خویشرا بدست آورند و بخشی از اقتصاد... را تشکیل دهند."

یک تن از مدیران برنامه های آموزشی در یکی از نهاد های غیردولتی بین المللی

در ذیل نمونه های متعددی از برنامه های آموزشی موثر حرفوی وجود دارند که توسط نهاد های غیردولتی داخلی و بین المللی در ولایات مختلف به شمول شهر کابل فراهم میگردد. یکی از ویژه گی های مشترک اینگونه برنامه ها عبارت از ارتباط مستقیم آنها، ماهیت بسیار عملی و تقرب آنها به موقعیت های بازار میباشد، که فارغ التحصیلان برنامه میتوانند توسط آنها به اشتغال دست یابند.

تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری تجارب فراهم ساختن و دریافت خدمات آموزش های تخنیک و فنی حرفوی یا (TVET) در بیش از 40 نوع برنامه را که 16 ولایت کشور را تحت پوشش قرار میدهد، ملاحظه نموده اند. هیات مدیره و کارمندان پنج نهاد غیردولتی افغانی و سه نهاد غیردولتی بین المللی با این بخش ارزیابی از طریق اشتراک در مصاحبه های انفرادی یا یک به یک همکاری نمود اند. هشت تن اشتراک کننده گان برنامه آموزش های تخنیک و فنی حرفوی یا (TVET) در مصاحبه های گروهی و مصاحبه های یک به یک حضور رسانیده اند. بسیاری از این پروژه ها در آن گوشه های از کشور راه اندازی میگردد که از تهدیدات نا امنی بلند برخوردار میباشند، بمنظور تامین مصوونیت و امنیت اشتراک کننده گان سهم گیری در این بخش بشکل ناشناس بوده است.

1. انتخاب مهارت/ موضوع درسی:

تعیین نمودن مهارت های که در برنامه های آموزش های تخنیک و فنی حرفوی یا (TVET) روی آن تمرکز صورت میگیرد، عمدتاً مسوولیت تطبیق کننده گان میباشد. روش های رسیده گی بر موضوعاتی که قرار است به اشتراک کننده گان ارائه گردد، از تحقیقات رسمی سروی بازار و نیازسنجی ها گرفته الی ارزیابی بازار کار، جلسات آگاهی دهی جامعه، مشوره با بزرگان، مصاحبه های گروهی با دست اندرکران و نیازسنجی های غیر رسمی، را احتواء مینماید.

"مردم ما به چه نوع مهارت ها نیاز دارند؟ این چیز است که ما باید در مورد آن بپرسیم. کدام نوع مهارت ها سبب خواهند شد تا بر مبنای آن دانش آموزان ما بتوانند به آینده بهتر دست یابند و از فرصت بیشتری برای حمایت از خانواده های خویش استفاده نمایند؟ این ها نیازمندیهای مبرم پنداشته میشوند و زمانیکه ما پلان های درسی را آماده میسازیم باید روی آنها تمرکز صورت گیرد... در نهاد های ما، تصمیم گیری بر مبنای نیازمندیهای جامعه صورت میگیرد، البته با در نظر داشت آنچه ما مشاهده مینماییم و یا از مردم محل میشنوم."

یک تن از مدیران در برنامه آموزشی تخنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) که از جانب یک نهاد غیردولتی داخلی به پیش برده میشود

نکاتی چند از مصاحبه هایکه با هیات مدیره نهاد های غیردولتی افغانی و بین المللی راه اندازی گردیده اند:

- **نهاد غیردولتی افغانی اول:** نهاد متذکره در 10 ولایت کشور در عرصه آموزش های تخنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) فعالیت می نمایند. انتخاب مهارت/موضوع درسی آنها، دربر گیرنده مسایل ذیل میباشد: اولویت های شرکای انکشافی، جلسات آگاهی دهی ساختار یافته برای جامعه بمنظور ارائه معلومات و شناسایی اولویت ها، نیازسنجی های بازار های محلی ساحات تحت پوشش و تخنیک های ارزیابی روستایی مشارکتی بمنظور ارزیابی منفعت ها و اولویت های جامعه.
- **نهاد غیردولتی افغانی دوم:** نهاد متذکره در شش ولایت کشور آموزش های حرفوی را عمدتاً برای گروپ های آسیب پذیر فراهم میسازد. رویکرد آنها در مورد انتخاب مهارت/موضوع درسی بالای مسایل ذیل تمرکز مینماید: ارزیابی های غیررسمی، مشوره با بزرگان، رهنمود های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و وزارت معارف، و در صورتیکه آموزش های تخنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) مبتنی بر معلولیت مطرح بحث باشد رهنمود های وزارت صحت عامه. همچنان نهاد متذکره نیازمندی های بازار های محلی را نیز مورد ارزیابی قرار میدهد که به آنها رسیده گی صورت نگرفته است. همچنان ایشان زمانیکه با تجارب توقعات غیرواقعبینانه ناشی از یاس و ناامیدی مسوولین محلی برمیخورند، در اینصورت آزمایشاتی را در مورد ردیف های درجه دومی که در رویکرد مهارت/موضوع شارت لست گردیده اند، نیز انجام میدهند. اینگونه "آزمایشات" دربر گیرنده دسترسی محلی به مواد خام و ارتباطات با زنجیره موجود یا بالقوه در بازار ها میباشند.
- **نهاد غیردولتی افغانی سوم:** این نهاد روی فراهم ساختن برنامه های آموزش های تخنیکی و فنی حرفوی یا (TVET) برای اشخاص دارای معلولیت و سایر گروه هایکه از نظر اجتماعی و اقتصادی آسیب پذیر میباشند، از طریق یک رویکرد ارتباطی انتخاب مهارت ها/موضوعات درسی برای آموزش آنها تمرکز مینماید: ارزیابی غیر رسمی شرایط در بازار محلی توأم با یافته های ناشی از مشوره ها با نهاد هایکه در عرصه اشخاص دارای معلولیت خدمات عرضه میدارند و مشوره هایکه از بزرگان جامعه دریافت مینمایند، رابطه ها میان مشاهدات و نظریات بمنظور اینکه اطمینان حاصل گردد تا مناسب ترین مهارت ه/موضوعات درسی انتخاب گردند.

- **نهاد غیردولتی افغانی چهارم:** این نهاد کارآموزی و آموزش های فنی را بمنظور حمایت از رشد شرکت های کوچک و متوسط فراهم می نماید. رویکرد انتخاب مهارت ها / موضوعات درسی برنامه های آموزشی دربر گیرنده موارد ذیل میباشند: اهداف پلان های انکشافی ولسوالی با مشوره با مفتشین اجتماعی که خود آنها در تشکیل خویش دارند (تمرکز بر مشاهدات محلی بازارها)، بزرگان جامعه، و مستفیدین جوان ذکور و اناث برنامه های آموزشی.
- **نهاد غیردولتی بین المللی اول:** رویکرد انتخاب مهارت ها / موضوعات درسی برای برنامه های آنها بر مبنای ارزیابی جامع سالانه بازار کار در سکتور های دولتی و خصوصی میباشد و تاکید زیادی بالای فرصت های سکتور خصوصی دارند. قابل یاد آور است که از جوانان نیز پرسش های مطرح گردیده اند، زیرا آنها مستفیدین مورد نظر اینگونه برنامه ها پنداشته میشوند. علاوه بر این، نهاد متذکره در حال حاضر بطور عادی مسایل آتی را در برنامه های خویش مدغم نموده اند: ارزیابی ارتباطات موجود و احتمالی با بازار در جامعه تحت پوشش بمنظور افزایش فرصت موفقیت مستفیدین اناث که دارای تجربه اندک میباشند و یا هم از هیچگونه تجارب برخوردار نمیباشند در زنجیره منابع بازار های در حال انکشاف.
- **نهاد غیردولتی بین المللی دوم:** نهاد متذکره مهارت ها / موضوعات درسی را بر مبنای ترکیبی از ارزیابی های غیررسمی جوامع محلی و درخواست های مشخص اعضای جامعه انتخاب مینماید. این نهاد ارزیابی زنجیره ارزش را انجام میدهد و هنگام تصمیم گیری دسترسی به بازار را بررسی می نماید. هدف اصلی برنامه های آموزش های تخیلی و فنی حرفوی یا (TVET) آنها عبارت از شناسایی کارگران فاقد مهارت و انکشاف مهارت های ایشان میباشد. این مساله سبب میشود تا اطمینان حاصل گردد که فارغ التحصیلان به احتمال زیاد با در نظر داشت تجارب قبلی، به عوض اینکه صرف چشم به راه باشند به موفقیت های چشمگیری دست خواهند یافت.
- **نهاد غیردولتی بین المللی سوم:** این نهاد روی تعادل میان سروی های بازار در سطح ولسوالی با نظریات و دیدگاه های جامعه محلی در رابطه به اولویت های آنها در برنامه های آموزش های تخیلی و فنی حرفوی یا (TVET) تاکید میورزد.

2. گزینش اشتراک کننده گان/دانش آموزان:

روند شناسایی و انتخاب کارآموزان مناسب در میان تطبیق کننده گان متفاوت میباشد. طوری وانمود گردیده است که روش انتخاب و یا عدم انتخاب با اهداف و مقاصد نهاد های تطبیق کننده و شرکای انکشافی بستگی دارد، که برخی گروه های آسیب پذیر و محروم را در میان جمعیت فرعی تحت پوشش قرار میدهند که بمنظور شمولیت از جانب شرکای انکشافی مشخص میگرددند.

مربیان ما روی این تمرکز مینمایند تا هر یک از کارآموزان را برای زنده گی آماده سازند، البته پس از آنکه امتحانات مهارت ها را تکمیل نمودند، هرچند اشتراک کننده گان شخصاً اینرا به ما نمی گویند "اما من به خود افتخار میکنم. من به خود میبالم". اما از سال های متمادی که ما اینگونه برنامه های آموزشی را راه اندازی مینماییم، اینرا درک مینماییم که چگونه میتوانند دانش آموزان را برای دستیابی به موفقیت حمایت نمایند. ما به دنبال کارآموزانی هستیم که نیاز به فراگیری مهارت ها داشته باشند و آرزو دارند تا به هر شیوه که باشد، از حمایت های مان مستفید گردند."

رییس یکی از نهاد های غیردولتی افغانی

نهاد های غیردولتی افغانی: ستراتیژی ها برای شناسایی و انتخاب نمودن کارآموزان شامل برقراری ارتباط با افراد از طریق راجستر های موجود (مانند وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین)، مشوره اجتماعی در سطح قریه، لست دریافت کننده گان خدمات قبلی و کمپاین های استخدام میگردد.

نهاد های غیر دولتی بین المللی: ستراتیژی هایکه از جانب نهاد های غیر دولتی بین المللی ارایه گردیده اند دربر گیرنده مسایل ذیل میباشند: راه اندازی اعلانات برای اطلاع رسانی به جامعه در مورد فرصت های آموزشی، انتخاب کارآموزان بر مبنای اشتراک ایشان در دوره های برنامه های آموزشی قبلی و انتخاب نامزدان توسط جامعه توام با بررسی خارجی برای حصول اطمینان از رقابت و شایستگی.

3. نتایج، پیامد ها و بررسی "ابقاء در قدرت" ناشی از مداخلات:

فعالیت های مستند سازی نتایج و پیامد ها در تمام نهاد های افغانی و بین المللی همسان به نظر میرسد.

نتایج موجوده شامل موارد ذیل بوده اند: تعداد اشتراک کننده گان در یک برنامه آموزشی، اهداف تعیین شده برای ثبت نام گروه های مشخص و یا جمعیت های فرعی، نوع برنامه های آموزشی که کارآموزان آنها آغاز می نمایند، مدت زمانی را که هریک از دانش آموزان در دروه آموزشی سپری مینمایند (مانند تعداد و فیصدی روز ها در حاضری)، و میزان تکمیل دوره های آموزشی.

نتایج متذکره ارایه کننده یک طیف وسیعی شاخص های مورد نظر میباشند، به شمول تغییرات متوقع به عنوان نتایج برنامه آموزشی و یا اشتراک در برنامه آموزشی (مانند مهارت های جدید و یا مهارت های بهبود یافته)، ایجاد و یا افزایش ارتباطات با بازار ها، سوادی که جدیدآ فرا گرفته شده است و یا هم بهبود سطح سواد قبلی، حساب/ریاضی که جدیدآ فرا گرفته شده باشد و یا هم بهبود یافته باشد، دسترسی به اشتغال، ایجاد یک شرکت جدید، بهبود حالت اجتماعی-اقتصادی ناشی از بهره برداری از مهارت های جدید و یا مهارت های بهبود یافته، و توانمند سازی آنها برای بلند نمودن "صدا" و نفوذ خویش در میان خانواده ها.

• **نهاد غیردولتی افغانی اول:** نهاد متذکره ستراتیژی ها متعدد را برای دستیابی به اهداف ذیل تطبیق مینماید: تقویت نتایج موفقیت آمیز، به شمول تامین ارتباطات فعال دانش آموزان با بازار های داخلی و منطقوی، سواد و حساب/ریاضی، بازدید ها و سفر های آموزشی برای گسترش تفکر به شیوه های مناسب جهت ایجاد فرصت ها، نمونه های پلانگذاری تجارت به عنوان یک بخش برنامه های آموزشی، لوحه ها و کارت های شناسایی تجارت و مهارت های نرم افزار مورد نیاز در عرصه انکشاف تجارت، خدمات مشتریان، نگهداری کتب و اسناد و بازاریابی.

• **نهاد غیردولتی افغانی دوم:** نهاد متذکره به طور معمول سواد آموزی و حساب/ریاضی را (با در نظر داشت اینکه آیا از جانب شرکای انکشافی نیاز است یا خیر) در آموزش های فنی خویش ادغام نموده است، تا بتواند به اهداف سازمانی خویش که عبارت از تقویت افتخارات، عزت و اعتماد به نفس به عنوان نتایج متوقعه میباشند، دست یابد. همچنین نهاد متذکره تأکید مینماید که آنها در مورد بسیاری از آموزش ها به این باور اند که میزان دقیق موضوعات درسی باید تعیین

کننده دوره آموزشی باشد، بصورت عموم این امر در مورد تمام برنامه های آموزشی که مهارت ها، سواد و حساب/ریاضی و بالاخره ترمیمات را تحت پوشش قرار میدهد، صدق مینماید.

- **نهاد غیردولتی افغانی سوم:** نهاد متذکره روی توانمند سازی اجتماعی-اقتصادی به عنوان نتایج برنامه های آموزشی خویش، تمرکز مینماید. این مساله حین تمرکز اداره روی فرصت های دسترسی به اشتغال مناسب برای تمام فارغ التحصیلان، عمیقاً درک شده است. دسترسی به اشتغال مناسب، تعیین کننده اهداف استخدام اداره و نتایج متوقعه برای تمام اشتراک کننده گان دوره های آموزشی میباشد.

- **نهاد غیردولتی افغانی چهارم:** هدف فعالیت های این نهاد عبارت از حمایت از دست آورد های پلان های انکشافی و لیسوالی و تعیین نتایج مورد نظر میباشد. این نهاد علاوه بر مهارت اصلی ای که در برنامه آموزشی تحت پوشش قرار میگیرد، انواع متعدد رهنمایی ها را تحت پوشش قرار میدهد، که عبارت از سواد و حساب/ریاضی، توان بخشی در دسترسی به اشتغال، مهارت های نرم افزاری در عرصه تجارت های کوچک و متوسط و کارآموزی رسمی، میباشد.

- **نهاد غیردولتی بین المللی اول:** نهاد متذکره ارایه کننده شرایط برای مشخص ساختن نتایج فوری و موفقیت آمیز میباشد، به شمول محدود ساختن روند توزیع «بسته ها» برای آنعده فارغ التحصیلان ای که 90-95 جلسات آموزشی پلان شده را تکمیل نموده اند، و نتایج درازمدت برای دریافت وظیفه در یکی از فروشگاه ها معتبر (50 درصد) در مقایسه با ایجاد فروشگاه جدید شخصی میباشد. همچنان نهاد متذکره توضیح داده است که در روند ارزیابی حالت فارغ التحصیلان در میان مدت و درازمدت مشکلات زیادی وجود دارند که در برابر بررسی پیامد ها و نتایج چالش برانگیز میباشند.

- **نهاد غیردولتی بین المللی دوم:** این نهاد بالای معیارات معمولی اندازه گیری نتایج برنامه های آموزشی خویش اتکاء نموده است، اما مساله تقویت بلند نمودن "آواز" و / یا نفوذ را در میان خانواده ها شامل برنامه های خویش ساخته است، تا اینکه صرف در برابر دستیابی به مهارت های جدید و یا بهبود یافته در جریان برنامه های آموزشی خویش پاسخگو باشند.

- **نهاد غیردولتی بین المللی سوم:** این نهاد مانند سایر نهاد های غیرولتی افغانی و بین المللی نتایج و پیامد های مشابه را مورد بررسی و اندازه گیری قرار میدهد که دربرگیرنده فعالیت های چون دستیابی به اشتغال در تجارت موجود، ایجاد تجارت جدید، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش توانایی خانواده میباشد. این نهاد تاکید مینماید که برای تعیین "شاخص های واقعینانه برای دستیابی به نتایج واحد" نیاز مبرم وجود دارد.

8.4 برنامه سوادآموزی بزرگسالان:

"شمار زیادی از مردم تصور مینمایند که حدود 50 درصد برنامه های سوادآموزی برنامه های خیالی میباشد".

یک تن از مسوولین ارشد موظف در ریاست های معارف یکی از ولایات

برنامه سوادآموزی عبارت از یک ابتکار است که به مساله میزان پایین سواد بزرگسالان از طریق برنامه های آموزشی معین و کورس های کوتاه مدت رسیده گی مینماید و در سطح جامعه در تمام ولایات تطبیق میگردد. انتظار میرود تا از برنامه متذکره در آغاز، در زمان تطبیق و در پایان آن نظارت بعمل آید. این در حال است که

منسوبین برنامه مذکور گزارش می‌دهند که آنها بودجه نظارت را "خیلی دیر" دریافت نموده اند و قادر به این نبوده اند تا از بسیاری از برنامه هایکه در سطح جامعه راه اندازی گردیده اند، بگونه مستقیم نظارت نمایند.

شمار زیادی از مصاحبه شونده گان اظهار داشته اند که این برنامه ها معمولاً در ولایات وجود ندارند. منسوبین معینیت سوادآموزی وزارت معارف خود از نزدیک چالش ها و آسیب پذیری های فراوانی را در جریان تطبیق برنامه ها مشاهده نموده اند و از هماهنگی ضعیف میان وزارت معارف و وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین شکایت دارند. نظارت ضعیف سبب شده است تا در مناطق مختلف مشکلات متعددی تبارز نماید، مانند تطبیق نامناسب برنامه ها، سازش ها در پنهان کاری عدم تطبیق برنامه ها، اشتراک کننده گان نامناسب و تقلبی و بالاخره مراکز آموزشی "خیالی" متعدد.

9. کتب درسی و منابع آموزشی:

"تمام شرکای انکشافی به استثنای اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا یا (USAID) از فراهم نمودن کتب درسی به دلیل مشکلات و تصور فساد اداری امتناع ورزیده اند."

یک تن از منسویین ارشد در اداره انکشاف بین المللی ایالت متحده امریکا یا (USAID)



لیسه عالی نسوان، در ولایت فاریاب

9.1 کتب درسی:

وزارت معارف به طور کامل بر حمایت شرکای انکشافی در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی به مکاتب در سراسر افغانستان اتکاء نموده است. از سال 2002 بدینسو اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا یا (USAID) بیش از 130 میلیون جلد کتاب های ابتدایی و متوسطه را برای شاگردان افغانستان چاپ و توزیع نموده اند. قابل یاد آورست که عین مقدار کتب درسی توسط اداره انکشاف بین المللی دنمارک یا (DANIDA) نیز فراهم گردیده است زیرا در بعضی از بخش های نصاب تعلیمی تجدید نظر صورت گرفته است و هر تجدید نظر به مشخصات جدید کتب درسی نیاز داشت.

در سال 2009، وزارت معارف، ابتکاری را رویدست گرفت که طی آن نصاب تعلیمی تجدید نظر شده را برای تعلیمات عمومی و اسلامی به شمول رهنمود معلمین برای صنوف 1-9 معرفی نمود. بر اساس این چهارچوب، کتاب های درسی جدید برای تعلیمات ابتدایی با حمایت اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا یا (USAID) و سایر شرکای انکشافی مانند اداره انکشاف بین المللی دنمارک یا (DANIDA) و بانک جهانی چاپ و توزیع گردیدند. کتب درسی متذکره در چهارچوب پروژه آموزش و فراگیری تعلیمات ابتدایی اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا یا (USAID) طرح ریزی گردیده اند تا تازه ترین نسخه های آن ارایه گردد. باوجود بهبود قابل ملاحظه در نصاب تعلیمی قبلی، پیش نویس/مسوده پلان ستراتیژیک ملی معارف (NESP III 2014) نظریات حیاتی نهاد یونسکو را مطالبه نمود که یک مثال آن اینطور است "در محتویات کتب متذکره مشکلاتی وجود داشته و خطاهای تایپی نیز در آن به چشم میخورند، به معلمین در رابطه به آماده گئی های لازم برای تدریس نصاب تعلیمی جدید هیچگونه رهنمایی مسلکی صورت نگرفته است، بسیاری از کتب درسی در شعبات معارف ولسوالی ذخیره میشوند و به دلیل کمبود بودجه در بین مکاتب توزیع نمی شوند. روند توزیع کتاب های درسی خیلی ها چالش برانگیز به نظر میرسد. با وجود آنکه کتب درسی به اندازه کافی چاپ میشوند، بسیاری از شاگردان تا کنون آنرا دریافت ننموده اند و یا هم اینکه نسخه های کاپی کتب درسی را از بازار خریداری نموده اند"^{۶۳}.

والدین اظهار داشته اند که کتاب های درسی دولتی توسط مقامات ریاست معارف ولایت، استادان و شاگردان به فروش میرسند. یکی از شورا های مکاتب مواردی را دریافت نموده که نشان دهنده این میباشد که وزارت معارف به مکاتبی که در آن نسبت به سایر مکاتب ارتباطات و روابط خوبی دارند کتاب های درسی بیشتر فراهم مینمایند.

"شاگردانی وجود دارند که به وقت و زمان معین آن به مکتب نمی آیند، دلیل عمده آن فقدان کتب درسی و منابع آموزشی مکاتب میباشد. اطفالیکه از خانواده های فقیر مراجعه مینمایند، توان پرداخت 500-800 افغانی را برای خریداری کتاب ها از بازار ندارند".

یک تن از والدین شرکت کننده در بحث گروهی

یکی از واقعیت های آشکار که اعضای تیم های ساحوی ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری آنرا بگونه ثابت به عنوان چالش دریافت نموده اند همانا فقدان کتب درسی در صنوف درسی میباشد. بصورت عموم آنها تعداد اندک کتاب های درسی را مشاهده نموده اند که معمولاً از کیفیت پایین برخوردار بوده اند و یا هم کهنه و فرسوده بوده و یا هم اینکه بشکل فوتوکاپی ضعیف از کتابهای قدیمی و اصلی تهیه گردیده اند. از طرف دیگر، بسیاری از این کتاب ها با نصاب تعلیمی تجدید نظر شده سازگاری نداشته و مکرراً دیده شده است که در مورد بسیاری از مضامین، صرف یک جلد کتاب میان سه تن از شاگردان بگونه مشترک مورد استفاده قرار میگیرند.

پاسخ وزارت معارف در برابر مشاهدات مذکور چنین بوده است: "کتاب ها در مکاتب ذخیره میشوند که توسط معتمد مکتب ثبت گردیده و صرف به شاگردان توزیع میگردد، نه به معلمین. بنابراین غیر ممکن است که کتاب ها توسط استادان به فروش برسند". و زمانیکه نظریات شرکت کننده گان مصاحبه ها در رابطه مطالبه گردید، مساله



مذکور مورد تایید چندین تن از مصاحبه شونده گان قرار نگرفت.

فقدان کتب درسی معتبر (و استفاده از کتاب های فوتوکاپی شده در بازار) توسط اعضای تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری در تمام نقاط کشور از نزدیک مشاهده گردیده است.

".... در سال جاری، من صرف پنج جلد کتاب را از مکتب دریافت نموده ام و مجبور شدم تا کتاب های باقیمانده را از بازار خریداری نمایم".
یک تن از شاگردان صنف نهم

معمولاً کتاب های که شاگردان از مکتب دریافت مینمایند، نسخه های قدیمی سیاه و سفید هستند در حالیکه کتاب های جدید با کیفیت خوب و رنگه در بازار های محلی قابل دسترس میباشند. در برخی از مکاتب و یا در مناطقی که شاگردان با استادان و یا سرمعلم مکتب ارتباط نزدیک دارند، مجموعه کامل کتاب های درسی را دریافت می نمایند، در حالیکه سایر شاگردان در عین صنوف درسی و عین مکاتب ناگزیر اند تا کتاب های خویشرا از بازار خریداری نمایند.

"من مطمئن هستم که فساد اداری و جانبداری/اقارب پروری در پروسه توزیع کتب درسی در مدیریت معارف وجود دارد، زیرا من اطلاع دارم که برخی از مکاتب که در سایر قسمت های شهر موقعیت دارند، اکثر آ کتب درسی خویشرا دریافت نموده اند، در حالیکه ما هنوز در ساحه خویش کتاب های مذکور را دریافت نه نموده ایم و هر سال همینگونه میباشد".
یک تن از معلمین

در شهرها تمام کتاب ها معمولاً در بازار قابل دسترس اند اما در قریه جات و مناطق دوردست برخی از کتاب ها قابل دسترس نمیباشند بنابراین شاگردان از اداره مکتب میخواهند تا کتاب های مورد نیاز را برای آنها فراهم نمایند، اما گزارش های وجود دارد که هیچگونه توجه به تقاضا آنها مبذول نمیگردد.

"در سال جاری، ما 1000 افغانی به اداره مکتب پرداخت نمودیم تا از مرکز ولایت برای ما کتاب تهیه نمایند که این امر بطور قطعی زمینه را برای فساد اداری هموار میسازد. اما از سوی دیگر، اکثریت خانواده های که در مناطق دوردست زنده گی مینمایند، دارای فرزندان زیاد و اقتصاد ضعیف میباشند بنابراین شمار زیادی از این خانواده ها نمیتوانند هزینه های خرید کتاب های فرزندان خویشرا بپردازند و ناگزیر اند این شاگردان سال تعلیمی را بدون کتاب سپری نمایند، که بطور قطعی بالای کیفیت آموزش و علاقه آنها به تعلیم اثرگذار میباشد".

یک تن از شاگردان صنف دوازدهم

در این اواخر، مشکلات زیادی در عرصه تهیه و تدارکات کتب درسی به سطح مرکز در وزارت معارف وجود دارد. به عنوان مثال، یک شرکت واحد طباعتی افغانی میان سالهای 2004 تا 2010 از میان 6 قرارداد، برنده 5 قرارداد گردیده است این در حالیست که شرکت متذکره شرایط قرارداد را که روی چاپ کتاب در داخل کشور تاکید میورزد نیز تکمیل نه نموده است^{۶۴}. شرکای انکشافی یی که در تدارکات کتب درسی بیشتر نقش دارند عبارت از اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا یا (USAID) و اداره انکشاف بین المللی دنمارک یا (DANIDA) میباشند که توانسته اند اقدامات لازم را برای بهبود طرزاعمل های تدارکاتی و به حداقل رساندن عملکرد های آلوده با فساد را در بالاترین سطوح خدمات رویدست گیرند، اما دیده شده است که مشکلات بیشتری در قدمه های پایین تر عرضه عرض اندام نموده اند.

کتاب های که در مراحل مقدماتی به کابل تحویل داده می شوند، معمولاً بگونه موثر به انبار گاه های ولایتی و ولسوالی و سپس به مکاتب توزیع نمیگردند. چندین تن از پاسخ دهنده گان اظهار داشته اند که برای توزیع کتب هیچگونه بودجه ای اختصاص داده نشده است بنأ مدیران مکاتب مکلف می گردند تا خود آنها کتاب ها از محل توزیع دریافت نمایند و سپس آنها را به مکاتب خویش انتقال دهند. پس میتوان گفت که مرحله آخر عرضه کتب به صراحت و ساده گی میتواند آلوده با فساد باشد، چون بطور کامل بستگی دارد با خلایق و صداقت مدیران مکاتب. بازار های ثانوی و پرمفعت برای عرضه کتب درسی به شاگردان وجود دارند و خانواده های که قادر به خریداری کتاب از بازار میباشند، در مقایسه به خانواده های فقیر و روستایی که از منابع و دسترسی محدود برخوردار میباشند، از این مساله سود بیشتر میبرند.

در مورد کتب درسی زبان هایکه اقلیت های کشور با آنها صحبت مینمایند، کمبود وجود دارد. به عنوان مثال، در یک ولایتی که زبان اول شمار زیادی از مردم آن اوزبیک می باشد، کتاب های اندک به زبان اوزبیک وجود می باشد. یکی از شوراهای مکاتب خاطر نشان ساخته است که آنها به کتاب های درسی ای نیاز دارند که به زبان اوزبیک تهیه گردیده باشند، اما در مکتب آنها صرف یک کتاب به زبان اوزبیک وجود دارد که برای شاگردان صنوف 6 تا 12 تدریس میگردد.

موارد تبعیض آمیز نیز در ارتباط با برخی از ولایاتی که هیچگونه کتب درسی دریافت نه نموده اند، گزارش داده شده است. یک ولایت دور افتاده که در ارتفاعات مرکزی کشور موقعیت دارد گزارش داده است که در جریان پنج سال گذشته هیچگونه کتاب درسی دریافت نه نموده اند اما بر مبنای ادعا های وزارت معارف در مرکز، کتب درسی به طور منظم به این ولایت توزیع گردیده است.

9.2 تجهیزات و منابع آموزشی:

بی عدالتی در روند دسترسی به کتب درسی و سایر منابع آموزشی سبب میشود تا تفاوت ها میان ولایات، اقوام و قبایل بیشتر تقویت گردیده و اختلافات موجود میان گروه ها شدت بیشتر کسب نماید^{۶۵}. در هر دو عرصه یعنی در عرضه و قرارداد های مواد آموزشی فساد اداری گسترده به چشم میخورد. در برخی موارد، نهاد های غیردولتی و برنامه های آموزشی ایکه از جانب شرکای انکشافی تمویل میگرددند و عده سپرده اند تا تجهیزات مورد نیاز را برای

مکاتب تهیه نمایند، اما دیده میشود که عرضه تجهیزات به محیطی که از پایین ترین سطح نظارت برخوردار میباشد، خطرات فساد اداری قابل ملاحظه را بمیان میآورد. همانگونه که در قسمت ذیل نقل قول گردیده است:^{۶۶}

"اداره انکشافی بین المللی ایالت متحده امریکا یا (USAID) اصرار مینمود که ما به [مکاتب] تجهیزات تکنالوژی معلوماتی فراهم خواهیم نمود، از قبیل ماشین فوتوکاپی، کمپیوترها، پرینترها و سایر مواد مورد نیاز... [ما] یک تن از نظارت کننده گان را خارج از برنامه که هیچگونه ارتباطی با برنامه نداشت بمنظور بررسی برخی از مکاتب فرستادیم، تا اطمینان حاصل گردد که آیا چیزهای را که ما در برابر آنها پول پرداخته ایم، در آنجا حقیقتاً وجود دارند یا خیر... آیا در آنجا "سند دریافت اقلام متذکره" وجود دارد که توسط مدیر مکتب امضاء گردیده باشد و در آن ذکر گردیده باشد که تجهیزات را دریافت نموده ایم، اما دریافتیم که هیچ چیزی در آنجا وجود نداشت. این موارد در تعداد زیادی از مکاتب اتفاق افتاده، نه اینکه صرف در یکی از مکاتب بملاحظه رسیده باشد، بلکه احتمالاً در 8 یا 9 باب از مکاتب چنین حالتی دیده شده است."

ما با راننده یی تماس حاصل نمودیم، موصوف چنین اظهار داشت: "بلی، بلی، من تمام این چیزها را به مکتب تحویل دادم..." وی دو روز بعد از طریق تلفون تماس گرفت و افزود: "در حقیقت ماه مبارک رمضان است و ما باید راست بگوییم... و این زمانی است که باید ما به صداقت عمل نماییم، بلی حقیقت این است که من این وسایل را هرگز به مکتب تحویل نه نموده ام. آنها به من پول دادند تا به شما بگویم که گویا من وسایل متذکره را تحویل نموده ام، اما من هیچگاه این کار را انجام نداده ام". درست است، درست است، سپس ما از مدیر مکتب پرسیدم، پس چرا شما روی این "سند دریافت اقلام متذکره" امضاء نموده اید در صورتیکه آنها را دریافت نه نموده اید؟ موصوف پاسخ داد "آه، آنها به من پول دادند تا روی این سند امضاء نمایم. آنها به من یک مقدار پول دادند، تا فوراً متذکره را امضاء نمایم. حالا که این تجهیزات در کجا قرار دارند، من هیچ نوع آگاهی ندارم."

معلوم نیست که آیا مدیر مکتب وسایل متذکره را دریافت نموده و سپس آنها را به فروش رسانیده؟ آیا موصوف آنها را به منزل برای استفاده اعضای خانواده خویش انتقال داده است؟ آیا دوکان مذکور آنها را به شخصی دیگری به فروش رسانیده؟ هیچ کس نمیداند که تجهیزات مذکور در کجاست، اما در داخل مکاتب نیست که ما برای آن پرداخت نموده ایم. این خیلی مسخره است... که برای مردم در بین [یک ولایت] یک ماشین فوتوکاپی جدید و مدرن با کارتریجهای رنگه داده میشود. چی کسی از آن استفاده می نماید؟ آیا آنها برق کافی در اختیار دارند؟ می دانید، اگر آنها دریابند که یک ورق کاغذ در داخل پرینتر جام شده است و یا هم اینکه کارتریج آن خاتمه یافته باشد، این به عنوان پایان ماشین است."

9.2.1 لائبراتورهای ساینس:

بر مبنای مشاهدات تیم کمیته نظارت و ارزیابی و مصاحبه های که با مردم محل همان مکتب راه اندازی گردیده است، علاقه برای حمایت از علوم ساینسی وجود نداشته و دسترسی درست به منابع موجود نمیشد. در اکثر مکاتب، لائبراتورهای ساینس "صرف به نام" وجود دارند زیرا تسهیلات مذکور دارای تجهیزات و لوازم مورد نیاز

نمیباشند. این مشکل هم در شهر کابل و هم در ولایت های دوردست مشاهده گردیده و یا هم گزارش داده شده است.

معمولاً مواد آموزشی تدریس مضامین ساینسی در لابراتوار موجود نبوده و در مورد مکاتبی که یک مقدار منابع قابل مصرف را در اختیار نیز داشتند، یافته های ما نشان میدهد که تاریخ استفاده آنها منقضی گردیده بود. معلمان مضامین ساینسی تصدیق نمودند که آنها قادر به انجام (نمایش عملی) آزمایشات نمیباشند، زیرا آنها از مهارت ها و دانش تخیلی لازم برای اینگونه کار های عملی برخوردار نمیباشند. در نتیجه حتی اگر لابراتوار ها در مکاتب وجود هم داشته باشند، شاگردان به ندرت چانس دارند تا از آنها استفاده نمایند و یا هم در کار های عملی سهم گیرند.

تیم کمیته نظارت و ارزیابی از یک مرکز تربیه معلم بازدید نموده و تسهیلات لابراتوار را که توسط یکی از شرکای انکشافی برای شش باب لابراتوار (دوباب لابراتوار برای هریک از مضامین بیولوژی، کیمیا و فزیک) تهیه گردیده بود را مشاهده نموده است. این لابراتوار ها بمنظور کار عملی مضامین ساینسی تجهیز گردیده بودند و بگونه ایجاد گردیده بودند که از سطح محتویات نصاب تعلیمی بلندتر قرار داشته که مطابق آن به شاگردان این مرکز تربیه معلم تدریس صورت میگرفت، الی (صنف 9). هیچ یک از کارمندان مرکز تربیه معلم در علوم ساینسی آموزشی فرا نگرفته اند و اظهار داشته اند که آنها وادار گردیده اند تا نحوه تدریس آنرا از طریق ویدیو های یوتیوب جستجو نمایند. بناً میان علاقه به تدریس مضامین ساینسی مطابق نصاب تعلیمی، منابع آموزشی مناسب و شرایط محلی ارتباط واضح به چشم نمی خورد.

9.2.2 سیت های کمپیوتر:

از جمله 138 باب مکتب که بمنظور ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری به سطح وزارت یا (MVCA) از آنها بازدید بعمل آمده است، تعداد انگشت شماری از آنها صنوف کمپیوتر داشتند و تعداد اندکی از مکاتب که دارای صنوف کمپیوتر هم بودند، آنها را قفل نموده بودند و شاگردان از آنها استفاده نمی نمودند. زمانی که از یک تن از مدیران در این زمینه استجواب صورت گرفت، موصوف عدم موجودیت یک معلم مسلکی کمپیوتر را به عنوان دلیل غیر فعال بودن صنف کمپیوتر ارایه نمود. در حالیکه، تیم کمیته نظارت و ارزیابی مکاتبی دریافته که معلمان مضامین ریاضیات و یا مضامین ساینسی در آنها حضور داشتند و ظاهراً قادر به تدریس صنوف کمپیوتر بودند، اما از آنها چنین تقاضایی صورت نگرفته بود. به همین ترتیب تیم کمیته نظارت و ارزیابی به گزارشاتی دست یافته که اداره مکتب خود از کمپیوتر های مذکور استفاده مینماید و کمپیوتر ها تنها در اختیار استادان قرار دارند و یا هم اینکه مکتب قادر به تأمین جریان برق لازم برای استفاده از تجهیزات مذکور نبوده است.

در جریان جمع آوری معلومات، یافته های تیم نظارت و ارزیابی در مورد ولایات نشان میدهد که آموزش کمپیوتر یک عنصر پذیرفته شده نصاب تعلیمی میباشد، اما در مکاتب محلی هیچگونه صنف آموزش کمپیوتر وجود نداشت. بر مبنای اظهارات یک تن از مصاحبه شونده گان در وزارت معارف در کابل، حدود 7000 پایه کمپیوتر

در چهارچوب پروژه بهبود کیفیت معارف یا (EQUIP) خریداری گردیده، اما به محلاتی توزیع گردیدند که در آنها معلمین کمپیوتر، صنوف درسی کمپیوتر و / یا برق قابل اعتماد وجود ندارد. موصوف علاوه نمود که وی شخصاً از یک باب مکتب در یکی از ولسوالی ها بازدید نموده است که در آنجا کمپیوترها در یک اتاق مملو از خاک ذخیره گردیده بودند و هیچگاهی مورد استفاده قرار نگرفته بودند.

9.2.3 فرنیچر:

"... یک زمانی ما شاهد بودیم که تعداد زیادی از چوکی ها به مکتب ما انتقال گردید و برای مدتی در زیر خیمه نگهداری گردیدند، اما توزیع آنها را به چشم ندیدیم و ناگهان ناپدید شدند".
یک تن از معلمین در یکی از ولسوالی های دوردست

اکثریت مکاتب هم در شهرهای بزرگ و هم در ساحات دوردست بگونه دوامدار به کمبود میز و چوکی در صنوف درسی مواجه اند. تیم کمیته نظارت و ارزیابی مشاهده نموده است که یک پایه چوکی دو نفره توسط چهار تن شاگردان در عین زمان بگونه مشترک مورد استفاده قرار میگیرد که دلیل آنرا کمبود فرنیچر تشکیل میداد و در بعضی مناطق از شاگردان تقاضا صورت میگرفت تا بر روی زمین بنشینند.

اصولاً، فرنیچر باید صرف توسط وزارت ترمیم شود، بنابراین مکاتب هیچگونه بودجه اختصاص داده شده برای ترمیمات توسط کارگران حرفوی محلی را در اختیار ندارند که در نتیجه در برخی مناطق مدیریت مکتب از شاگردان برای ترمیم چوکی ها و میز ها پول مطالبه مینمایند، اما هیچگونه نظارتی بر نحوه استفاده از پول متذکره وجود ندارد و مکرراً دیده شده است که در بسیاری از موارد هیچگاه ترمیمات صورت نگرفته اند. همچنان به تیم کمیته نظارت و ارزیابی از جانب ساکنین قریه گفته شده است که در برخی موارد از چوکی ها و میز های مکتب برای رسیده گی به نیازمندی های شخصی یا خانواده گی اعضای اداره مکتب، استفاده صورت میگیرد.



لیسه عالی نسوان، ولسوالی جاغوری، ولایت غزنی

10. مکاتب جاگزین - آموزش های مبتنی بر جامعه و

مکاتب خصوصی:

10.1 آموزش های مبتنی بر جامعه:

"شماری زیادی از شرکای انکشافی علاقمند آموزش های مبتنی بر جامعه میباشند، اما نتایج آنها بسیار متفاوت بنظر میرسند و گاهی اوقات ما نمی دانیم که چه چیزی اتفاق خواهد افتاد، زیرا برنامه هایکه از جانب نهاد های غیردولتی تطبیق میگرددند به کمبود بودجه مواجه اند و از جانب دیگر خطر آن وجود دارد که آنها یک سیستم موازی با وزارت معارف را به میان خواهند آورد".

یک تن از کارمندان ارشد در وزارت معارف

آموزش های مبتنی بر جامعه یا (CBE) یک اصطلاح عمومی است که شامل تمام اشکال آموزش از قبیل آموزش ابتدایی و ثانوی (صنوف 1-9)، صنوف مربی گری برای دختران / زنان که از تعلیمات ثانوی محروم مانده اند و صنوف آموزشی کوچی ها، می باشد^{۶۷}. آموزش های مبتنی بر جامعه در حال حاضر برای حدود 68000 تن از شاگردان (62 درصد دختران) خدمات آموزشی فراهم مینماید، هرچند احتمال دارد از این تعداد بلندتر باشد^{۶۸}. اینگونه آموزش ها اطفال معلول را نیز تحت پوشش قرار میدهد، که تقریباً توسط 2500 تن از معلمین تدریس میگردد^{۶۹}. در مکاتب مبتنی بر قریه، به شاگردان مطابق نصاب تعلیمی ملی رسمی تدریس صورت میگیرد. مکاتب متذکره برای این طرح ریزی گردیده تا شاگردانی را تحت پوشش قرار دهند که در مسافتی بیش از 3 کیلومتر از نزدیک ترین مکتب وزارت معارف زنده گی مینمایند. شاگردان این مکاتب روزانه برای مدت حداقل 2.5 ساعت، برای شش روز در هفته (به استثنای روز های جمعه) آموزش فرا میگیرند.

"این مکتب برای مردم ما بسیار اهمیت دارد، زیرا در مکاتب دولتی معلمان آموزش دیده اناث وجود ندارند و آنها از قریه ما خیلی دور واقع اند و برای اطفال بسیار مشکل است تا آنجا بروند".

سر معلم، مکتب ابتداییه قریه

10.1.1 مدیریت مکتب - نهاد های غیردولتی و جوامع محلی:

مراکز آموزشی مبتنی بر جامعه عمدتاً از جانب نهاد های غیر دولتی ملی و بین المللی در مناطق روستایی و مناطقی که دسترسی به آنها دشوار میباشد، مورد حمایت قرار میگیرند، اینها شامل مناطقی اند که در آن مکاتب دولتی به

ویژه برای اطفال سنین پایین و دختران به راحتی قابل دسترس نمیباشد. مسئولیت نظارت این مکاتب بدوش مدیریت معارف ولسوالی مربوطه و نظارت کننده گان نهاد های تطبیق کننده، میباشد.

بر مبنای مصاحبه های انفرادی، مصاحبه های گروهی و مشاهدات تیم کمیته نظارت و ارزیابی، مراکز آموزشی مبتنی بر جامعه در جوامعی که ایجاد گردیده اند، نزد اعضای جامعه با ارزش و محترم شمرده میشوند. چون آنها در نزدیکی خانواده های قرار دارند که به آنها خدمت عرضه مینمایند، از اینرو در مقایسه با مکاتب دوردست وزارت معارف، از حس مالکیت بیشتر برخوردار میباشند. فعالیت ها و مدیریت مراکز متذکره بگونه موثر توصیف گردیده اند. علاوه بر آن، والدین می توانند بنابر نزدیک بودن این مراکز، از صنوف آموزشی مبتنی بر جامعه بازدید و نظارت بعمل آورند.

10.1.2 محیط آموزش:

تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری به سطح وزارت یا (MVCA) استنادانی را مشاهده نموده اند که از انگیزه خوبی برخوردار بودند و روش های تدریسی آموزش محور را بمنظور سهمگیری فعال شاگردان، به شمول کار گروهی مورد استفاده قرار میدادند.

"مدیره مکتب ما به طور منظم از صنوف درسی و محیط مکتب نظارت مینماید. موصوف با استادان و والدین شاگردان ملاقات های منظم انجام میدهد. ما دارای یک شورای فعال میباشیم و والدین به طور منظم از مراکز آموزش های مبتنی بر جامعه بازدید مینمایند".

سر معلم، مکتب ابتداییه قریه

طبق گزارش ها، از صنوف آموزش های مبتنی بر جامعه بطور منظم از جانب نهاد های غیردولتی ملی/بین المللی تمویل کننده و شورا های قریه نظارت بعمل میآید. طبق مشاهدات تیم کمیته نظارت و ارزیابی، میزان غیابت شاگردان در مراکز آموزش های مبتنی بر جامعه، در مقایسه با مکاتب دولتی بسیار پایین میباشد. علاوه بر آن، صنوف به طور قابل ملاحظه تمیز بوده و شاگردان از نظم و دسپلین خوب برخوردار بودند.

"... صنف آموزش های مبتنی بر جامعه از جانب شورای قریه نظارت میشود، به خصوص از نقطه نظر غیابت شاگردان و دیگر اینکه ما کتاب های درسی، قرطاسیه و سایر منابع آموزشی کافی را در اختیار داریم".

یک تن از معلمین آموزش های مبتنی بر جامعه

در مراکز آموزش های مبتنی بر جامعه که در آن مالکیت جامعه پررنگ میباشد و نظارت منظم از فعالیت ها هم توسط مدیر مرکز و هم توسط منسوبین نهاد های حمایت کننده صورت میگیرد، فرصت های اندکی برای استادان

وجود دارد، تا بدون دلیل غیرحاضری نمایند. بر مبنای یافته های ناشی از مصاحبه ها با مسئولین مراکز متذکره، احتمال کمتر وجود دارد تا منابع آموزشی بنابر چشم پوشی و یا هم عملکرد های آلوده با فساد، ضایع گردند. گزارش ها حاکی از آن است که منابع و تجهیزات مرکز آموزش های مبتنی بر جامعه به موقع و با کمیت و کیفیت لازم دریافت گردیده اند.

"[نهاد تطبیق کننده] در جریان هر سه سال یک مرتبه کتاب های جدید را در اختیار مکتب قرار میدهد. این کتاب ها یکی از مهم ترین مواد آموزشی برای شاگردان میباشد."

یک تن از معلمین مکتب آموزش های مبتنی بر جامعه

در این مراکز کوچک و غیررسمی (عمدتاً تعلیمات ابتدایی)، استادان باید توانایی این را داشته باشند تا در چندین رشته تدریس نمایند و با استفاده از تجهیزات و مواد آموزشی به ویژه در صنوف ساینسی، به تدریس بپردازند. این مساله در مغایرت با شمار زیادی از مکاتب دولتی قرار دارد که در آنها تسهیلات لابراتوار ساینس بنابر نیازمندی به تجهیزات و مواد مناسب، غیرفعال بنظر میرسند.

"... حاضری شاگردان خوب میباشد، زیرا مکتب متذکره در قلب قریه موقعیت دارد و من وقتاً فوقتاً از صنوف مذکور بازدید مینمایم و از جانب دیگر شاگردان با دریافت ابزار و تجهیزات مانند بکس ها، پسنل های رنگه و موادی که در محل ساخته میشوند، خیلی زیاد تشویق میشوند. این امر سبب میشود تا اطفال به وقت و زمان معین به دروس حاضر گردند و به همین ترتیب شورا در قریه فعال میباشد و اینگونه صنوف آموزش های مبتنی بر جامعه مکان خوب برای اطفال کوچک میباشد، به خصوص برای دختران، زیرا آنها می توانند بدون هیچگونه خطر به صنوف آموزش های مبتنی بر جامعه دسترسی داشته باشند."

یک تن از والدین شاگرد آموزش های مبتنی بر جامعه

10.1.3 نتایج و پیامد های آموزش:

تحقیقات مستقل تایید نموده که نتایج آموزش اطفالی که در مراکز آموزش های مبتنی بر جامعه آموزش فرا گرفته اند، به طور قابل ملاحظه یی بهتر از شاگردان مکاتب دولتی میباشد. مطالعه که توسط نهاد "نجات اطفال" انجام شده است، خاطر نشان میسازد که 73 درصد شاگردان صنوف سوم مراکز آموزش های مبتنی بر جامعه میتوانند مطالب را به خوانش بگیرند و آنها را درک نمایند، این رقم نزد شاگردان سنین مشابه در مکاتب دولتی به 43 درصد کاهش میابد.^{۷۰}

"من معلم کیمیا و فزیک هستم. برای برخی از دروس خویش، مواد محلی را تهیه می نمایم و با خود میآورم و گاهی اوقات از شاگردان میخواهم تا مواد ساده را با خود بیاورند و شاگردان با این کار رضایت نشان میدهند. من میخواهم جلسات تمرینی را در مورد استفاده از مواد محلی برای تمام استادان مکاتب دولتی اجرا نمایم، زیرا اکثریت استادان چگونگی استفاده از مواد محلی را نمیدانند."

یک تن از معلمین در مرکز آموزش های مبتنی بر جامعه قریه

در یک مطالعه جامع دیگر، خدمات آموزش های مبتنی بر جامعه در 31 قریه مورد بررسی قرار گرفته است که در آن 1490 تن از اطفال در جوامع دوردست مناطق شمال غربی افغانستان مشغول آموزش میباشند^{۷۱}. این مطالعه دریافته است که شمولیت بطور قابل ملاحظه افزایش یافته است و نمرات امتحانات در میان تمام شاگردان بهبود یافته است، البته در مقایسه با مکاتب ابتداییه دولتی. در مجموع 42 درصد افزایش در شمولیت به چشم میخورد و 21 درصد تفاوت جندر کاهش یافته است، نمرات امتحانات به طور قابل ملاحظه در مقایسه با مکاتب تحت کنترل افزایش یافته اند و بهره برداری از آموزش طوری بنظر میرسد که در مورد دختران قابل افزایش باشد.

10.2 مکاتب خصوصی:

تعداد مکاتب خصوصی اندک میباشند که این رقم کمتر از 10 درصد مکاتب کشور را تشکیل میدهد. این مکاتب کمتر از 2 درصد جمعیت سنین مکتب را آموزش میدهند. در مناطق بزرگ شهری مانند کابل و هرات، نسبت آموزش در مکاتب خصوصی به طور چشمگیری افزایش یافته است (ضمیمه سوم خلاصه تعداد و نوع مکاتب خصوصی در سراسر کشور را ارائه مینماید). در کابل، فیصدی شاگردانی که در مکاتب خصوصی آموزش فرا میگیرند تا 5 درصد افزایش یافته است، که یک رقم بیش از دو نیم برابر اوسط ملی را تشکیل میدهد، هر چند هنوز هم به طور قابل ملاحظه پایینتر از اوسط بین المللی در سیستم های آموزشی قابل مقایسه، میباشد. ارقام/آمار سیستم مدیریت معلومات آموزش یا (EMIS) نشان میدهند که شهر کابل بیشترین تعداد مکاتب خصوصی را دارا بوده که تعداد آن به 599 باب مکتب میرسد و به تعقیب آن ولایت هرات (142) باب مکتب، ولایت خوست (93) باب مکتب، ولایت ننگرهار (84) باب مکتب و ولایت بلخ (51) باب مکتب، دارند.

تیم کمیته نظارت و ارزیابی مشاهده نموده است که فیس نسبتاً کمتر (250 دالر سالانه) در مکاتب خصوصی غیر انتفاعی وجود دارد، و گزارش های وجود دارند که مکاتب متذکره میتوانند معاشات معلمین خویشرا با میزان نسبتاً بلندتر در مقایسه به معلمین مکاتب دولتی پردازند. والدین در مورد مکاتب خصوصی به تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری گزارش داده اند که کیفیت بلند تدریس و منابع موجود آنها، ایشان را متقاعد ساخته است تا فرزندان خویشرا از مکاتب دولتی به مکاتب خصوصی تبدیل نمایند.

یک عامل پیچیده در چندین مکتب خصوصی، عبارت از استفاده از "کتابهای درسی آکسفورد" برای حمایت از "نصاب تعلیمی آکسفورد" در کنار نصاب تعلیمی ستندرد ملی میباشد. والدین گزارش دادند که استفاده از این محتویات اضافی به زبان انگلیسی، ارایه کننده جذابیت آموزش مکاتب خصوصی میباشد. یکی از ویژه گی های تفکیک کننده دیگر مکاتب خصوصی عبارت از فقدان اخلال روند تدریس ناشی از وقفه های طویل زمستانی، در مقایسه با رخصتی های سه ماهه مکاتب دولتی میباشد.

در پهلوی مکاتب خصوصی، بازار های پر رونق ایجاد گردیده تا آموزش های مکتب را از طریق صنوف خصوصی عرضه نمایند. این صنوف مخصوصاً برای والدین کم درآمد دلچسپ میباشد، چون قادر به پرداخت هزینه های تعلیمی مکاتب خصوصی نمیشوند. صنوف خصوصی معمولاً توسط استادان مکاتب دولتی پس از زمان تدریس در مکاتب دولتی تدریس میگردند. موجودیت این صنوف به این معناست که ممکن به معلمین امتیاز داده شود تا در مکاتب دولتی بگونه مطلوب تدریس نه نمایند، تا بتوانند پوتانشیل جستجوی درآمد خویشرا از طریق مصئون ساختن تدریس بهتر در صنوف پس از ساعات درسی رسمی، افزایش بخشند. به هر ترتیبی که باشد، زمانیکه استادان مکاتب دولتی صنوف خصوصی را در کنار وظایف خویش تدریس می نمایند، تمرکز آنها کاهش یافته و انرژی آنها برای مسئولیت های تدریس در مکاتب دولتی نیز تقلیل میابد.

هنوز هم ظرفیت وزارت معارف در عرصه نظارت از کیفیت مکاتب خصوصی بصورت مکرر مورد پرسش قرار میگیرد. بعضی مواردی وجود دارند که گویا مکاتب متذکره تهدید و مسدود میشوند، به ویژه در شهر کابل، اما رویدست گرفتن اینگونه اقدامات از جانب وزارت معارف نسبتاً بعید به نظر میرسد (لطفاً به ضمیمه اول مراجعه نمائید). در ماه جنوری سال 2017، رسانه ها گزارشاتی را بدست نشر سپردند که گویا 52 باب مکتب خصوصی در شهر کابل به دلیل نداشتن جواز فعالیت، فرار از مالیات و یا هم کیفیت پایین آموزش مسدود گردیدند. مدیران و مالکین مکاتب خصوصی که با تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری مصاحبه انجام داده اند، چنین اظهار داشته اند که مسأله "مالیات غیرعادلانه و غیرمنصفانه" با تهدیدات وزارت معارف و مسدود شدن مکاتب آنها بستگی دارد.

10.2.1 انگیزه های شمولیت در مکاتب خصوصی:

والدین به تیم کمیته نظارت و ارزیابی از موجودیت دلایل متعدد در مورد تبدیلی فرزندان شان به مکاتب خصوصی حکایه نموده اند که برخی از دلایل قرار ذیل اند: ناامیدی از کیفیت پایین آموزش در مکاتب دولتی و غیابت دوامدار معلمین. در حالیکه تفاوت های زیادی در سکتور خصوصی به چشم میخورد، اما از مکاتب خصوصی ایکه در جریان ارزیابی توسط تیم نظارت و ارزیابی بازدید بعمل آمده به عنوان مکاتبی توصیف گردیده اند که در مقایسه با مکاتب دولتی، از نظر فیزیکی راحت تر به نظر میرسند و در آنها کتاب ها و منابع آموزشی دیگر در اختیار شاگردان قرار داده میشوند و از همه مهمتر اینکه معلمین در صنوف درسی حاضر میباشند. به همین ترتیب به اساس مشاهدات تیم متذکره مکاتب خصوصی زمان بیشتر را برای آموزش اختصاص میدهند و بطور اوسط روز تعلیمی

طولانی تر دارند و در بیشتر موارد، سال تعلیمی آنها نیز طولانی تر می باشد و به همین ترتیب یکی از ویژه گی های دیگر آنها اینست که در مقایسه به مکاتب دولتی دارای تعطیلات زمستانی کوتاه تر می باشند.

تفاوت های قابل ملاحظه ای در فیس مکاتب خصوصی وجود دارد، اما تعدادی از مکاتب غیر انتفاعی وجود دارند که فیس شان نسبتاً پایینتر می باشد، حداقل برای آنعده خانواده های که یک تن نان آور دارند. با توجه به جهت گیری بازار، مکاتب خصوصی از جانب والدین طوری توصیف گردیده اند که روی خدمات و رضایت تمرکز دارند؛ شکایات درج شده در مورد مدیران به طور جدی مورد توجه قرار گرفته و معمولاً به کاستی ها رسیده گی صورت میگیرد.

از دیدگاه معلم، با توجه به معلومات جمع آوری شده توسط تیم کمیته نظارت ارزیابی، بصورت عموم آنها از کار خویش در سکتور خصوصی به طور کامل رضایت دارند. برای بسیاری از فارغ التحصیلان جوان که قادر به دریافت اشتغال در مکاتب دولتی نمی باشند و یا مایل به پرداخت 1000 دالر رشوه برای دریافت وظیفه در سکتور دولتی نمی باشند، سکتور خصوصی برای آنها زمینه اشتغال را فراهم مینماید. یک مشکل ویژه را که تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری از معلمان مکاتب خصوصی استماع نموده اینست که در مکاتب خصوصی ساعت های طولانی تر درسی وجود دارد، اما این مشکل با پرداخت معاشات بلند، جبران میگردد.

10.2.2 خطرات فساد اداری در مکاتب خصوصی:

فساد اداری در مکاتب خصوصی در دو جهت گزارش داده شده است، مکاتبی که نصاب تعلیمی ملی را آلوده با فساد می سازند و جواز تدریس را از وزارت معارف دریافت مینماید و از طریق وارد نمودن فشار غیراخلاقی بالای والدین از آنها پول دریافت مینمایند و از طرف دیگر مقامات فاسد وزارت معارف از مالکین مکاتب رشوه درخواست مینمایند.

در مورد اول، مکاتبی وجود دارند که از کتب درسی غیرقانونی استفاده مینمایند، مثلاً از کتاب های پاکستانی، که محتویات مورد نیاز نصاب تعلیمی را تحت پوشش قرار نمیدهد و از محتویاتی که در نصاب تعلیمی وزارت معارف گنجانیده شده اند عدول مینمایند. علاوه بر آن، مثال های از مالکین غیر صادق مکاتب وجود دارد که از خانواده ها به دلیل حاضری ضعیف شاگردان و ناکامی آنها در امتحانات مکاتب پول درخواست مینمایند. تیم کمیته نظارت و ارزیابی گزارش های شماری از والدین را استماع نموده اند مثلاً: "... مکاتب خصوصی به نحوی به مراکز تجارتي مبدل گردیده اند، تا پول هنگفت بدست آورند".

مالکین مکاتب خصوصی نیز میتوانند قربانی فساد اداری باشند و مجبور به پرداخت رشوه به مقامات محلی باشند تا آمار/ارقام امتحانات مکتب ایشان را به وقت دلخواه پروسس نمایند نه اینکه ماه ها منتظر منظوری نتایج باشند. تیم کمیته نظارت و ارزیابی گزارشات متعددی را از جانب مالکین مکاتب در مورد فساد اداری و درخواست رشوه توسط مقامات وزارت معارف دریافت نموده اند. در یک مثال، یک تن از مالکین یکی از مکاتب خصوصی قوانین

مالیاتی مکاتب را به عنوان یک آسیب پذیری برای مکتب توصیف نمود: در ابتدا به مکتب آنها گفته شده بود که مبلغ 300000 افغانی مالیه پردازد، اما بعداً اطلاع یافتند که هرگاه آنها بگونه مستقیم به یکی از مقامات رسمی مبلغ 70000 افغانی پردازند سوابق آنها تصفیه خواهد شد.



بخش ب رهبری و مدیریت

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی
مبارزه علیه فساد اداری

11. رهبری و مدیریت در وزارت معارف:

تا این قسمت، گزارش کمیته نظارت و ارزیابی بالای "حلقه نهایی زنجیره عرضه" در سیستم معارف تمرکز نموده است: عرضه خدمات آموزشی به شاگردان از طرف معلمین. این عبارت از قسمتی است که در آن میتوان سیستم معارف را آزمایش نمود که نظریات مصاحبه شونده گان در زمینه از صراحت برخوردار میباشد: فساد اداری گسترده در روند استخدام معلمین وجود دارد، که در نتیجه آن کیفیت آموزش کاهش میابد و به نظر میرسد که وزارت معارف در دستیابی به هدف اصلی خویش که همانا فراهم ساختن زمینه آموزش واقعی برای جوانان کشور میباشد، از موفقیت چندانی برخوردار نمیشد.

این نکته اساسی بارها و بارها در مصاحبه ها، به ویژه از جانب والدین مطرح گردیده است. هنگامی که مفهوم والای تعلیم و تربیه آلوده با فساد باشد، واضح است که نسل های بعدی از ظرفیت های لازم در راستای ایفا نمودن نقش ارزنده در یک جامعه دموکراتیک و مردم سالار برخوردار نمیگردد، زیرا آنها فاقد مهارت های خوانش و حساب ابتدایی بوده و از مهارت های لازم برای کسب درآمد و بقا حیات در این جهان رقابتی برخوردار نمیشوند. شاید مهمتر از آن این باشد که آنها نتوانند مسایل درست را از نادرست تفکیک نموده و یا هم در حالآنکه لازم باشد مقامات را مورد سوال قرار دهند.

دلیل عمده را میتوان در موجودیت یک سیستم خیلی ها متمرکز عنوان نمود و راه های حل آن را میتوان در قلب سیستم جستجو نمود که شامل وزارت معارف و مقامات ذیربط در کابل میباشد. مشکلاتی چون خویش خوری به پیمانه وسیع، کنترل ضعیف، طرزالعمل ها و پالیسی های ناکارا و آلوده با فساد اداری همه بخوبی شناخته شده اند و از پیشینه دیرینه برخوردار میباشند که حداقل تا 15 سال میرسد.

با در نظر داشت این مسایل، کمیته نظارت و ارزیابی زمان قابل ملاحظه را برای مصاحبه با مسئولین و جوانب ذیدخل اختصاص داده است تا پیچیده گی کامل مشکلات موجود فساد اداری را به وضاحت درک نماید. کمیته نظارت و ارزیابی با 11 تن از مسئولین وزارت معارف در کابل و 127 تن از منسوبین دیگر در ریاست های معارف ولایات مصاحبه انجام داده است. کمیته نظارت و ارزیابی نظریات سودمند و خردمندانه را از مسئولین مذکور دریافت نموده است.

آنها یک مجموعه مشابه از نظریات و تبصره ها را در رابطه به موضوعاتی ارایه داشته اند که قبلاً در این گزارش توضیح داده شده اند:

مدیران فاقد صلاحیت میباشند: به عنوان مثال: "مدیران ادارات مرکزی صلاحیت ندارند تا از تیم های نظارتی ولایات و ولسوالی ها بگونه مستقیم کنترل نمایند؛" "ما دسترسی به سهولت ترانسپورت نداریم تا پروژه ها را نظارت نموده، کیفیت آنها را چیک نماییم." یا هم در مثال دیگر: "در زمان تهیه بودجه، هیچگونه هماهنگی میان بودجه انکشافی و بودجه عادی وجود ندارد"، و یا بعبارۀ دیگر: "هیچگونه سیستم واضح میان برنامه ها و شعبات ذیربط وجود ندارد، هیچگونه هماهنگی موثر میان شعبات پلانگذاری و تهیه بودجه وجود نداشته و در پهلوی آن

فشار های سیاسی زیادی به چشم میخورند و اعضای شورای ملی کشور، به صلاحیت های وزارت معارف هیچگونه حرمتی قابل نمیشاند."

فساد اداری در تدارکات: "اعلان، قرارداد و ارزیابی یک پروژه توسط یک اداره واحد تدارکات صورت میگیرد و این یک اشتباه بزرگ میباشد، زیرا خلا های متذکره زمینه را برای فساد اداری فراهم مینماید." "فساد گسترده از طریق پرداخت پول نقد در ولایات و فساد اداری در قرارداد ها و تدارکات"، "هنوز هم فساد اداری در تهیه و توزیع کتب درسی به چشم میخورد"، "موجودیت فساد اداری در چاپ کتب درسی، تدارکات، سند فراغت، امور ساختمانی، برنامه بهبود کیفیت آموزش یا EQUIP و برنامه های سواد آموزی بزرگسالان"، "میزان بلند اختلاس در تدارکات و قرارداد ها"، "موجودیت فساد اداری در تدارکات و قرارداد ها، به ویژه در ولایاتی که ناامن بوده، در مناطق دوردست قرار دارند و یا هم اینکه نظارت از آنها دشوار باشد". "انجیزانی که از سوی وزارت معارف مسئولیت نظارت از پروژه های ساختمانی مکاتب را بر عهده دارند، با شرکت های تطبیق کننده در اختلاس شریک می شوند." "اعضای پارلمان در تدارکات بسیار مداخله می کنند."

گزارش های متعدد در مورد مشکلات معلمان خیالی و مکاتب خیالی:

جعل کاری در آمار/ارقام: "در آمار/ارقام جعل کاری گسترده وجود دارد"، "معمول ترین چالش در این دیپارتمنت عبارت از اینست که تعداد پست های خالی در مکاتب دقیق نمیشاند، علاوه بر آن برای راجستر نمودن معلمان و کارمندان هیچگونه دیتابیس وجود ندارد"، "فقدان یک میکانیزم و سیستم واحد و یکپارچه جمع آوری اطلاعات، عدم سازگاری در ارقام جمع آوری شده توسط منابع مختلف، افراط در گزارشدهی ارقام/آمار مکاتب توسط مدیران و سرمعلمان مکاتب"، "هیچگونه سیستم جامع دیتابیس وجود ندارد تا بر مبنای آن بتوان وارد نمودن و تهیه آمار/ارقام به آسانی صورت گیرند و زمینه فساد اداری در آن محدود گردد"، "تعداد شاگردان در مناطق جنگ زده کاهش می یابد، اما اینگونه تغییرات در سیستم مدیریت معلومات آموزش یا EMIS ارایه نمیگردد"، "دیپارتمنت نظارت هیچگونه احصایه دقیق در مورد شاگردان و معلمان را در اختیار ندارد، زیرا فشار های سیاسی و روابط موجود به ما اجازه نمیدهند تا صلاحیت جمع آوری آمار دقیق شاگردان و معلمان را داشته باشیم" و بالاخره اینکه "روابط و فشار های سیاسی سبب میشوند تا تعادل در بودجه انکشافی در شمار زیادی از ولایات برهم بخورد".

کتب درسی: "از 15 سال بدینسو، قرارداد های چاپ کتب درسی نصاب تعلیمی مکاتب، صرف با یک شرکت طباعتی به نام بهیر صورت گرفته ۱ و میلیون ها افغانی به شرکت متذکره پرداخته شده است. اما هنوز هم کتاب های کافی در مکاتب وجود ندارد. شرکت بهیر چاپ کتب درسی را با دو شرکت طباعتی خارجی در کشور های هندوستان و مالیزیا بشکل فرعی قرارداد نموده است، که در نتیجه نصف کتاب ها به چاپ میرسند و پول نصف کتاب های دیگر میان شرکت بهیر و دو شرکت طباعتی خارجی تقسیم میشود"، "در برخی از ولسوالی ها، مکاتب مسدود و غیرفعال میباشند، اما گزارش های وجود دارد که هنوز هم به آنها کتب درسی ارسال میگردد، در حقیقت

پول اختصاص یافته برای چاپ این کتاب ها قبلاً به جیب شرکت طباعتی میریزد." و بالاخره اینکه "مکاتب فعال کتاب های کافی در اختیار ندارند و بر مبنای گزارش تیم نظارت و ارزیابی، این یک مشکل بزرگ میباشد."

خویش خوری: "مقامات برجسته دولتی و اعضای شورای ملی، از صلاحیت های وظیفوی خویش سوء استفاده نموده و تلاش میورزند تا با وارد نمودن فشار بخاطر تقرر اقارب خویش روند استخدام را اخلاص نمایند"، "ملاقات ها بر مبنای همین اصل اقارب پروری و جانبداري صورت میگیرند"، "برای افرادی که واجد شرایط نمیباشند، قبل از برگزاری امتحانات در روند استخدام، سوالات امتحان داده میشود"، "در روند استخدام معلمین جانبداري و اقارب پروری در برابر استعداد و تخصص ترجیح داده میشود"، "در حوزه ما در عرصه آموزش های تخنیکي و فنی حرفوی، انتخاب سیاسی در مقایسه به سایر ملاحظات مانند مدنظر گرفتن مدارک و استعداد، از اهمیت بیشتر برخوردار میباشد"، "بیشتر اوقات مدیران مکاتب، اقارب خویش را در این برنامه ها معرفی می نمایند"، "ما از حاضری معلمین در مکاتب نظارت مینماییم، اما مدیران مکاتب با ما موافق نمیباشند تا حاضری معلمین را بگونه درست بررسی نماییم" و بالاخره اینکه "معلمین اضافه کاری خویش را بطور مکمل دریافت نمی نمایند، زیرا مقدار زیادی پول به جیب مدیران مکاتب میریزد، این همه به این دلیل است که مدیران مکاتب با وزارت معارف روابط نزدیک دارند".

در میان مقاماتی که در مورد مسائل فساد اداری پاسخ های دقیق و کامل ارایه نموده اند، چهار مساله اصلی مطرح گردیده اند که قرار ذیل میباشد:

مسائل عمده فساد اداری که توسط مقامات مطرح گردیده اند:

کنترول ضعیف مالی / بودجه و / یا کنترول ناکافی.

پالیسی ها و طرز العمل های ضعیف، کهنه و گیج کننده.

جعل کاری در آمار/ارقام.

خویش خوری.

قابل یاد آور است که مقامات یک تعداد نکات عملی را نیز مطرح نموده اند:

- مشکل اصلی در معینیت ما این است که رهبری سیاسی همواره در حال تغییر میباشد، که این مساله کیفیت و کمیت کار را تحت تاثیر قرار داده و تمام کارکنان بگونه عادی تغییر و تبدیل میگردند.
- مشکل عمده دیگر عبارت از ادامه سرپرستی میباشد. در بسیاری از پست های کلیدی، مسوولین آنها برای مدت های طولانی بعنوان سرپرست کار مینمایند و توجه خاصی به موثریت کار ها ندارند، زیرا آنها مطمئن نیستند که آیا در پست

متذکره بگونه دایمی باقی خواهند ماند و یا خیر، بنابراین معمولاً از وقت استفاده نموده و تا جاییکه میتوانند از طریق عملکرد های آلوده با فساد پول بدست میآورند.

- مشکلات عمده دیگر عبارت از، نبود بودجه کافی برای نظارت، ظرفیت پائین کارمندان، عدم مسئولیت پذیری در میان کارمندان و بالاخره عدم حمایت مقامات عالیرتبه از روند بلند بردن سطح سواد مردم در کشور، میباشد.
- یک مشکل دیگر عبارت از موجودیت تعداد زیادی از مشاورین "دستیاران همکار" میباشد که در واقع تمام پروسه های کلیدی را به پیش میبرند.

11.1 فرهنگ، پالیسی و سیستم ها:

طی بسیاری مصاحبه های که در این ارزیابی صورت گرفته اند، پاسخ دهنده گان در وزارت اظهار داشته اند که هرچند فساد اداری بخشی از فرهنگ افغانی نبوده است، اما در سال های اخیر همه چیز تغییر نموده و اکنون این پدیده بخشی از انتظارات فرهنگی پنداشته میشود. این بدان معناست که تمام مردم، به شمول مقامات و شهروندان به این باور اند که فساد اداری بخشی از زنده گی روزمره آنها میباشد. شهروندان که به دنبال اشتغال در سکتور دولتی میباشند، این مساله را درک نموده اند که برای دستیابی به وظیفه در روند استخدام، آنها نیاز دارند تا از گزینه های چون پرداخت رشوه، روابط خانوادگی و یا اعتقادات سیاسی خویش استفاده نمایند. بررسی کمیته نظارت و ارزیابی تایید مینماید که این یک حقیق مسلم در وزارت معارف میباشد. طی دو سال گذشته و از زمانیکه کمیته نظارت و ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری را در پروسه استخدام وزارت معارف اجرا نموده است، بهبود قابل ملاحظه یی به چشم نمیخورد. در آن زمان اینگونه نتیجه گیری صورت گرفته است "... به نظر میرسد که وزارت معارف نمیتواند و یا هم نمیخواهد تا در روند استخدام معلمین یکپارچگی را حفظ نماید... آسیب پذیری فساد اداری در روند استخدام معلمین در موارد متعددی شناسایی شده است."^{۷۲}

نهاد های تطبیق کننده قانون مانند پولیس، لوی خاړنوالی و محاکم به نحوی عمل می نمایند که قادر به جلب اعتماد مردم نمیشوند. ضعف همچون نهاد ها و ادعا های موجود در مورد عملکرد های آلوده با فساد، حاکی از آن اند که بسیاری از کارمندان دولت معتقد اند که می توانند بدون آنکه مورد پیگرد قانونی قرار گیرند دست به عملکرد های غیراخلاقی و آلوده با فساد بزنند. پاسخ دهنده گان گزارش داده اند که، عدم پاسخدهی در سکتور معارف بگونه مکرر به ملاحظه رسیده است. مقاماتی که با تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری مصاحبه نموده اظهار داشته اند که طی 15 سال گذشته به ندرت شاهد مجازات کارمندان آلوده با فساد اداری در سکتور معارف توسط محاکم بوده اند. در عین زمان، موارد متعددی وجود دارد که نمایانگر عملکرد های آلوده با فساد و ناکارایی در میان کارمندان لوی خاړنوالی، پولیس ملی و محاکم کشور، میباشد.

از سال 2001 بدینسو در سکتور معارف کشور انکشافات قابل ملاحظه یی صورت گرفته اند. تعداد اطفالیکه به مکتب میروند در آن زمان صرف به چند صد هزار تن محدود میگردد اما در حال حاضر این تعداد به هفت تا هشت میلیون متعلم افزایش یافته است. هرچند تعداد واقعی آنها ممکن تا چند میلیون و چند برابر متفاوت باشد (شاید این تفاوت آمار ناشی از عملکرد های سیاسی باشد و عمداً توسط ادارات وزارت معارف بیشتر و یا کمتر

گزارش داده شوند و یا هم میتوان آخرین دلیل آنرا ضعف در احصایه های معارف افغانستان، عنوان نمود^{۷۳، ۷۴}. شمار مکاتبی که اعمار گردیده اند و تعداد معلمینی که در این مدت کوتاه استخدام گردیده اند، در تاریخ افغانستان بی پیشینه میباشد. با وجودیکه آمار متذکره افزایش یافته اما کیفیت آموزش و فراگیری در کشور به عنوان یک چالش بزرگ پابرجاست. منابع مالی هنگفتی که طی دهه گذشته برای رسیدن به این توسعه فوری سرمایه گذاری گردیده در میان شماری از مردم نگرانی های غیرقابل تحملی را در مورد عملکرد های آلوده با فساد در سکتور معارف به میان آورده اند.

گزارش ها حاکی از آن اند که طرز العمل های استخدام در تمام موارد، به ویژه در خصوص بست های ارشد وزارت معارف، به طور گسترده انعکاس دهنده فرهنگ مصئونیت و تبعیض قومی میباشد. ستندرد های مختلف برای استخدام وجود دارد که توسط وزارت معارف در سطوح مختلف در معرض اجرا قرار میگیرد. در حال حاضر، باید بیشترین کارمندان ارشد از طریق یک پروسه رقابتی تحت نظارت مستقل نهاد ثالث، مانند ابتکار ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج یا (CBR)، استخدام گردند. ابتکار متذکره بمنظور حصول اطمینان از تامین شفافیت در استخدام و تقرر با در نظر داشت اصل شایستگی مدنظر گرفته شده است. این در حالیست که بیشترین مقرری ها در چهارچوب وزارت معارف هنوز هم از طریق منظوری وزیر و یا معینان وزارت متذکره صورت میگیرد. بسیاری از پاسخ دهنده گان این را مساله را درک نموده اند که افرادی که از این طریق استخدام میگردند، بدون در نظر داشت بست و یا رتبه ایشان، طوری وانمود مینمایند که گویا مستحق اینگونه امتیازات بوده و به آنها اجازه داده میشود تا بدون هیچگونه مجازات هر کاری را که خواسته باشند، انجام دهند. به تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری گزارش داده شده است که اعضای شورا ملی، مقامات عالیرتبه دولتی و سایر افرادی که از ارتباطات خوب برخوردار میباشند، در مورد مقرری ها سفارش مینمایند. اینگونه کارمندان وزارت معارف از حمایت سیاستمداران برخوردار بوده و از ایشان در برابر هرگونه فساد و تقلب پشتیبانی صورت میگیرد.

یکی از مشکلات عمده دیگر که مکرراً در مصاحبه های پاسخ دهنده گان مطرح گردیده است اینست که قرارداد های بزرگ به طور شفاف در روی کاغذ طی مراحل میگردن اما در واقع با شرکت های متعلق به مقامات عالی رتبه دولتی و یا اقارت آنها داده میشوند. از آنجاییکه این شرکت ها به مقامات بلندرتبه دولتی رابطه نزدیک دارند، خواه از طریق منفعت های مشترک باشد خواه از طریق حمایت، آنها تقریباً اطمینان دارند که بنابر تخطی از قانون مورد پیگرد قرار نخواهند گرفت. شایان تذکر است که اینگونه قرارداد های آلوده با فساد تنها منحصر به وزارت معارف نمیشاند.

کارمند یکی از بخش های ریاست تدارکات وزارت معارف گفت، "بخش جنسی می تواند نرخ جعلی ارایه نماید یا با دو یا سه شرکت دست یکی نموده نرخ های ساختگی بسازد" و "من به عنوان کارمند ریاست تدارکات اعتراف می نمایم که شبکه ی فاسدی در داخل این ریاست تاسیس گردید است که فرصت ها در اختیار یکدیگر قرار می دهند. در این وضعیت جریان تدارکات، از ابتدا تا آخر، معروض به فساد اداری است. بخصوص مرحله ارزیابی (افتتاح داوطلبی) و مرحله تطبیق خیلی معروض به فساد است."

در مثال دیگر، هیچگونه محدودیتی در ریاست تدارکات وزارت معارف در مورد چگونگی سپردن چندین پروژه به یک شرکت واحد در عین زمان، وجود ندارد. مثلاً 62 پروژه در ولایت بامیان به یک شرکت مشخص قرارداد گردیده اند که اکنون به ناکامی مواجه است و شرکت متذکره این پروژه ها را تکمیل نخواهد نمود. شرکت های بسیاری وجود دارند که پروژه های خود را ناتمام گذاشته اند، اما هنوز هم قرارداد پروژه های بیشتر را از ریاست تدارکات وزارت معارف افغانستان دریافت مینمایند.

موارد متعددی از موجودیت قضایای فساد اداری گسترده در وزارت معارف گزارش داده شده است، اما اقدامات انجام شده در برابر آنها یا ناکام بوده اند و یا هم تا کنون هیچگونه اقداماتی در زمینه صورت نگرفته است. در دفتر یکی از معینان وزارت معارف، در مورد یک تن از روسای وزارت متذکره که از اقارب یک تن از اعضای شورای ملی نیز میباشد، به تیم ارزیابی آسیب شناسی فساد اداری گفته شده است که رئیس مذکور متهم به سوءاستفاده از صلاحیت های وظیفوی برای دستیابی به منفعت های شخصی بوده و از وظیفه خویش منفک گردیده بود ولی با حمایت نماینده شورای ملی، این رئیس مجدداً به وظیفه خویش تعیین گردیده و معین مذکور نیز مجبور به استعفا گردید.

در مثال دیگری، بسیاری از مردم در وزارت معارف در مورد صداقت پرسش برانگیز یک تن از مدیران منابع بشری در یکی از ریاست های معارف ولایات صحبت مینمودند. ادعا های وجود داشت که تحت نظارت این شخص پست های آموزشی در پایتخت به طور معمول به قیمت 1000 تا 1300 دالر امریکایی به فروش میرسند. بسیاری از معلمان و بستگان آنها نیز این عمل موصوف را تایید نموده اند.

11.2 مداخلات سیاسی - وساطت و خویش خوری:

یکی از موارد تکان دهنده در مورد وزارت معارف افغانستان، موجودیت فریکسون ها و عدم موجودیت یکپارچگی و وحدت میباشد، که در میان بخش های مختلف وزارت وجود دارد. این همه زمینه را برای عملکرد های آلوده با فساد بیشتر و بیشتر مساعد میسازد.

بنابر دلایلی که قبلاً ارائه گردید، وزارت معارف در مقابل فشار های افراد با نفوذ و نمایندگان مجلس آسیب پذیر میباشد، چون این وزارت بزرگترین مرجع استخدام به سطح کشور شناخته میشود. تا زمانیکه نماینده گان منتخب و سایر مقامات بلند پایه دولتی در پروسه ها و طرز العمل های رسمی استخدام و ارتقا کارمندان، بدون هیچگونه هراس از پیامد های شخصی آن، دست باز داشته باشند و در آنها دخالت نمایند، اصلاحات مرکزی امکان پذیر نخواهند بود.

11.3 بودجه معارف و جمعیت مکتب:

وزارت معارف در میان تمام وزارت های ملکی کشور (به استثنای وزارت های دفاع و داخله) دارای بیشترین بودجه میباشد. هزینه های وزارت معارف میان سالهای (2012-2014) به 2.5 میلیارد دالر تخمین زده شده اند که حداقل

43 درصد آن از جانب شرکای انکشافی تمویل گردیده است. از میان کمک های شرکای انکشافی، صرف 25 درصد آن شامل بودجه دولتی (on-budget) بوده است، و هزینه های باقیمانده خارج از بودجه (off-budget) بوده اند.^{۷۵} بر مبنای وعده های داده شده در کنفرانس 2012 توکیو در افغانستان، شرکای انکشافی متعهد به افزایش بودجه نوع (on-budget) میباشند، اما نگرانی های جدی در مورد عملکرد های آلوده با فساد اداری هنوز هم نزد ایشان پابرجاست. سوء استفاده از کمک های مالی عامه در میان نهاد های بین المللی تمویل کننده به خوبی درک گردیده است و آنها به طور فزاینده نمیخواهند تا کنترل پروژه های خویش را با اتکا بر وزارت معارف که میخواهد از پروژه های متذکره نظارت نماید و یا هم آنها را تطبیق نماید، از دست بدهند.

از آنجاییکه بودجه با در نظر داشت تعداد جوانانی که در سن مکتب قرار دارند تعیین میگردد، و این مساله به نوبه خود تعیین کننده تقاضا برای ایجاد مکاتب میباشد، از اینرو اندازه گیری و تعداد دقیق شاگردان مکاتب بمنظور پلانگذاری آینده یک امر ضروری بوده و از ارزش حیاتی برخوردار میباشد. متأسفانه، همانگونه که قبلاً تذکر داده شد، از آنجاییکه این تعداد با در نظر داشت مصلحت های سیاسی محاسبه میگردد، بناً انگیزه های زیادی برای ارائه آمار بلند (10.5 میلیون) و یا ارایه آمار پایین (6 میلیون) در مقایسه با آمار واقعی وجود دارد.

دلایل ارائه شده در مورد شمار زیادی از اینگونه اشتباهات خیلی ها ابتدایی بنظر میرسند: نخست اینکه، چون گزارش داده شده است که صرف حدود 50 درصد مراکز اداری ولسوالی ها در کنترل دولت قرار داشته و ولسوالی های باقیمانده در کنترل نیرو های مخالف قرار دارند که هیچ دلیلی برای همکاری با دولت ندارند. دوم اینکه، در ولسوالی های تحت کنترل دولت، روند جمع آوری آمار/ارقام و خانه پری آن توسط دست قبل از ورود ارقام در سیستم مدیریت معلومات آموزش یا (EMIS) صورت میگیرد و صرف در 5 درصد مکاتب مورد تایید قرار میگیرند بناً فرصت های خوبی برای مدیران مکاتب و مقامات ولسوالی دست میدهد تا آمار را بیشتر از حد معمول ارائه بدارند و از این طریق بتوانند به منابع بیشتری دست یابند.

از نقطه نظر عملیاتی، اینگونه ابهامات معمولاً چالش برانگیز میباشد و اغلباً پابرجا باقی میمانند، همانگونه که واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یا (AREU) در رابطه به سکور معارف اشاره می نماید: "هنوز در مورد عرضه خدمات در افغانستان، چیز های زیادی ناشناخته باقی مانده اند، به ویژه در سطح ولسوالی، به شمول معلومات ابتدایی در مورد میزان واقعی حاضری شاگردان، مدارک تحصیلی معلمان و میزان غیابت معلمان"^{۷۶}. فراتر از هرگونه سوء تعبیر عمدی در ارقام/آمار، نگرانی های جدی در مورد ظرفیت ضعیف کارمندان معارف، در تمام سطوح سیستم در عرصه جمع آوری، به اشتراک گذاری و تحلیل ارقام معارف وجود دارد.^{۷۷ ۷۸ ۷۹}

11.4 ریاست تفتیش:

طبق گزارش ریاست تفتیش وزارت معارف، 61 قضیه مشکوک فساد اداری توأم با سطوح مختلف جدی بودن و پیچیدگی به لوی ثارنوالی گزارش داده شده اند، اما تا کنون هیچ یک از افراد متهم تحت تعقیب قرار نگرفته اند. کارمندان ریاست تفتیش از رسیده گی به قضایای جدید فساد اداری اجتناب میورزند، زیرا آنها به این باور اند که

هیچ چیزی تغییر نخواهد نمود. در نتیجه، این کارمندان بجای اینکه بر علیه قضایای همکاران مشکوک به فساد اداری مبارزه نمایند به عنوان بخشی از یک سیستم فاسد مبدل میشوند. موارد متعددی به چشم میخورد که شواهد موجه در زمینه فساد اداری وجود دارد، که میتوان از نمونه های تقلب اسناد و رسیدات مالی از جانب یک تن از روسای معارف ولایت یاد آوری نمود، که تا کنون در مورد آن هیچگونه اقدامات لازم صورت نگرفته است. این مساله بالای پیامد های فساد اداری اثرگذار میباشد، زیرا سبب نارضایتی و بدبینی آنعده افرادی میگردد که واقعاً خواهان مبارزه در برابر فساد اداری میباشند.

11.5 شرکای انکشافی:

از زمان سقوط حکومت طالبان در سال 2002 بدینسو و از زمانیکه تلاش ها در راستای احیاء مجدد سیستم معارف افغانستان آغاز گردیده است، جامعه بین المللی در جریان 15 سال گذشته مساعدت های هنگفت مالی را برای سکتور معارف فراهم نموده است. ارقام دقیق در زمینه متفاوت میباشند، البته با در نظر داشت تفاوت ها در منابع و روش های محاسبه آنها، اما تا پایان سال 2016، اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا یا (USAID) به تنهایی خویش حدود یک میلیارد دالر را برای برنامه های معارف افغانستان به مصرف رسانیده است. صندوق بازسازی و اعتماد افغانستان یا (ARTF) بودجه اختصاص داده شده توسط جامعه شرکای انکشافی را مدیریت مینماید، که نصف مقدار آن از جانب اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا یا (USAID) بدست آمده است و بیشترین بخش نیمه باقیمانده آن از بانک جهانی دریافت گردیده است. از طریق صندوق بازسازی و اعتماد افغانستان یا (ARTF)، برنامه بهبود کیفیت آموزش یا (EQUIP) توانسته است تا وزارت معارف کشور را در عرصه میکانیزم بودجه (on-budget) تمویل نماید^{۸۰}. در بسیاری از پروژه های برنامه بهبود کیفیت آموزش یا (EQUIP) کنترل ضعف وجود داشته و تخمین زده میشود که تا 40 درصد بودجه های موجود بنابر موجودیت فساد اداری گسترده حیف و میل گردیده است^{۸۱}.

فراهم ساختن مساعدت مالی هنگفت برای یک نظام آموزشی نوپا در یک کشور فقیر، که بیش از چهار دهه از درگیری های مسلحانه رنج میبرد، سبب شده تا پدیده فساد اداری را بیشتر و بیشتر تقویت بخشد. افغانستان یگانه کشوری میباشد که از جامعه مدنی ضعیف و مسئولیت پذیری واقعی اندک برخوردار میباشد و متأسفانه در پهلوی آن دارای فرهنگی میباشد که عملکرد های آلوده به فساد را به عنوان یک نورم میشمарند. مهمترین دلیل برای عملکرد های آلوده با فساد و ضیاع قابل ملاحظه مساعدت های مالی را میتوان ضعف و عدم توانایی در تطبیق و نظارت از پروژه ها عنوان نمود^{۸۲}. از زمانیکه وضعیت امنیتی وخامت بیشتر کسب نموده است، شرکای تطبیق کننده نیز در عرصه تلاش های نظارتی خویش با چالش های جدید روبرو میباشند. برخی از شرکای انکشافی به طور فزاینده روی نماینده گان نهاد های ثالث اتکا نموده، تا بتوانند توسط آنها از روند بمصرف رسیدن مساعدت های مالی و تطبیق برنامه های خویش نظارت بعمل آورند.

در کنار اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا، بانک جهانی نقش اساسی را در فعالیت های بازسازی سکتور معارف در افغانستان ایفا نموده است و بودجه مورد نیاز آن را از طریق صندوق بازسازی و اعتماد افغانستان فراهم میسازد. نهاد متذکره برنامه بهبود کیفیت آموزش یا (EQUIP) را از زمان آغاز آن در سال 2004 حمایت نموده است. قرار بود تا مرحله دوم برنامه متذکره یا (EQUIP II) در سال 2012 به پایه اكمال برسد، اما زمان آن مدت دو سال دیگر تمدید گردید و 250 میلیون دالر بیشتر برای آن اختصاص داده شد. در پایان سال 2014، زمانیکه بسیاری از پروژه های ساختمانی هنوز تکمیل نگردیده بودند، برنامه متذکره برای مدت دو سال دیگر بدون افزایش بودجه مجدداً تمدید گردید. زمانیکه برنامه متذکره در سال 2016، بگونه رسمی به پایان رسید، بیش از 400 پروژه اعمار مکاتب، با وجود آنکه بودجه آنها بگونه کامل پرداخته شده بود، ناتمام باقی ماندند.

شماره	مسوول اعمار	پروژه های ناتکمیل
1	شورا های مکاتب	417
2	شورا های اداری مکاتب	27
3	قراردادیان / شرکت های تمویل شده توسط کشور هندوستان	19
4	قراردادیان / شرکت های تمویل شده توسط اداره یونسف	11
5	برنامه (EQUIP II) توسط قراردادیان / شرکت ها	169
6	برنامه (GPE) توسط قراردادیان / شرکت ها	140

کمیته نظارت و ارزیابی اسناد و گزارش های رسمی را ملاحظه نموده است اسناد مذکور نشان میدهد که حدود 1700 پروژه ساختمانی مکاتب، پروژه های بازسازی مکاتب و یا هم پروژه های توسعه زیربنا های مکاتب، ناتکمیل باقی مانده اند. تیم کمیته نظارت و ارزیابی قادر به آن نگردید تا تعداد پروژه های ساختمانی ناتمام برنامه بهبود کیفیت آموزش یا (EQUIP) را بگونه دقیق تصدیق نماید، البته در مقایسه با ارقام مختلفی که از جانب نهاد های ارائه گردیده که مسئولیت ساختمانی، ترمیم و یا اكمال آنها را بعهده داشتند.

11.6 جندر در سطح رهبری و مدیریت وزارت معارف:

در سطح رهبری و مدیریت وزارت معارف در عرصه پذیرش زنان در موقعیت های رهبری، فقدان اراده سیاسی و / یا علاقتی وجود دارد.

در حال حاضر در پست های بلند در وزارت معارف در کابل، صرف چهار تن از زنان قرار داشته و بعنوان رئیس ایفای و وظیفه مینمایند، هیچ یک از جمله شش تن معینان وزارت از قشر اناث نمیباشند. در میان ریاست های بست اول وزارت معارف در کابل فقط یک تن از آنان زن می باشد. هیچ یک از رئیسان ولایتی زن نیست و تنها یک مرکز تربیه معلم توسط زن رهبری می گردد. نبود زنان در رهبری وزارت سازمان یافته بوده که زمینه را برای فساد اداری در سکتور معارف فراهم میسازد و طوری به نظر میرسد که در پهلوی سایر مشکلات، مشارکت زنان در رهبری معارف کاملاً کم رنگ میباشد، با توجه با اینکه حدود 38 درصد شاگردان افغانستان را متعلیمین اناث تشکیل میدهند. در هیچ یک از بست های اول یا ریاست در وزارت معارف نمیتوان حتی یک تن زن را دریافت نمود.

عدم تساوی جندر در سطح رهبری وزارت معارف، بدون آنکه شگفت انگیز باشد به سطوح محلی کشانیده شده است. به نظر میرسد که از میان 34 تن روسای معارف ولایات حتی یک تن آنها هم زن نمیباشد.

11.7 پلان ملی ستراتیژیک آموزش یا (NESP III):

پلان ملی ستراتیژیک آموزش با همکاری نزدیک میان وزارت معارف و شرکای انکشافی بزرگ تهیه گردیده است و ارایه کننده این میباشد که در مورد بهترین شوه های ترقی معارف در کشور اقدامات و توافقات جمعی گسترده مدنظر گرفته شده اند. این در حالست که شرکای انکشافی نیز از اولویت های ویژه ای برخوردار میباشند، زیرا آنها در برابر دولت های خویش پاسخده میباشند.

"... مشکل اکثریت شرکای انکشافی این است که آنها برنامه های انکشافی را بر مبنای اولویت های خویش به گونه ایجاد و راه اندازی مینمایند که با پالیسی دولت ارتباطات خیلی جزیی و سطحی دارند".

یک تن از منسوبین ارشد در یکی از نهاد های غیردولتی بین المللی

پلان ملی ستراتیژیک آموزش کنونی (NESP III) روی چهار سال 2017-2021 تمرکز داشته و هدف آن اینست تا ضمن استوار بودن بر راهکار های پلان های ماقبل خویش، در مقایسه به دسترسی به آموزش، بیشتر بالای کیفیت متمرکز باشد. این بدان معنی نمیشد که مشکل دسترسی به آموزش مرفوع گردیده است. به عنوان مثال، حتی در ولایت هرات که در پهلوی ولایت کابل یکی از ولایت های پر رونق و پر جمعیت میباشد و دارای 750000 تن شاگرد مکتب میباشد، در میان 1002 باب مکاتب موجود به تعداد 484 باب مکاتب تا هنوز ساختمان ندارند. زمانیکه پلان متذکره طرح ریزی میگردید، یک واقعیت در حال رشد وجود داشت که در گذشته در مقایسه به دسترسی به آموزش با مساله کیفیت آموزش توجه اندکی صورت گرفته است. قابل یاد آورست که این پلان

ستراتژییک آموزش (NESP III) نمایانگر عبور از مراحل نخستین و ابتدایی (NESP) میباشد، چون بر مبنای مسایل موضوعی بناء یافته است، نه اینکه مشتق شده از برنامه ها باشد. این موضوعات سه گانه قرار ذیل اند: (1) کیفیت و ارتباط، (2) دسترسی عادلانه (3) مدیریت موثر و شفاف.

پلان متذکره با دقت تدوین و ارائه گردیده است، بنابر این موفق گردیده است تا وزارت معارف کشور را قادر به این سازد تا 100 میلیون دالر مساعدت های مالی ای را که قبلاً منظور گردیده است از جانب مشارکت جهانی برای آموزش دریافت نماید، البته توام با بودجه های اختیاری اضافی. پلان ملی ستراتیژیک آموزش یا (NESP III) همزمان با پایان پروژه قبلی بانک جهانی تحت عنوان بهبود کیفیت آموزش یا (EQUIP) که بگونه نسبی موفق بوده است، راه اندازی گردیده است. علاوه بر آن، در ماه جنوری 2017، پروژه اصلاحات کیفیت آموزش در افغانستان (EQRA) با بودجه معادل 300 میلیون دالر امریکایی نیز اعلان گردیده است و قرار است از سال 2018 تا پایان ماه دسامبر سال 2021 راه اندازی گردد، ک با (NESP III) هماهنگ خواهد گردید.

با وجود اینکه هنوز هم یک پلان مشخص مبارزه با فساد اداری وجود ندارد، پلان ملی ستراتیژیک آموزش یا (NESP III)، به صراحت در برابر فساد اداری و اهداف وزارت معارف برای مقابله با این پدیده رسیده گی خواهد نمود، البته با بیان موضعگیری ذیل:

"مردم افغانستان فساد اداری را دومین مشکل عمده کشور میدانند. وزارت معارف برنامه از بین بردن فساد در ادارات/نهاد های آموزشی را در تمام سطوح در صدر اولویت های خویش قرار داده است. اقدامات عمده در این راستا دربر گیرنده استخدام معلمین و رسیده گی به شکایات آنها و تامین شفافیت در روند شناسایی قراردادیان/عرضه کننده گان واجد شرایط میباشد^{۸۳}."

و به همین ترتیب:

"وزارت معارف با همکاری سایر وزارت های ذیربط یک ستراتیژی نیرومند مبارزه علیه فساد اداری را بمنظور اعاده اعتماد مردم و تمویل کننده گان در راستای عرضه خدمات شفاف و عادلانه انکشاف خواهد داد. تخطی های گزارش داده شده و یا مشکوک از طرزالعمل های موجود، مورد بررسی قرار خواهند گرفت و نتایج آن با مردم در میان گذاشته خواهد شد^{۸۴}."

از آنجاییکه یکی از مهمترین آسیب پذیری ها در برنامه قبلی بهبود کیفیت آموزش یا (EQUIP)، روند تدارکات محسوب میگردد، لهذا با در نظر داشت پلان جدید معارف روند تدارکاتی از طریق اداره تدارکات ملی تنظیم خواهد گردید و مورد کنترل و بررسی دقیق قرار خواهد داشت.

این در حالیست که آسیب پذیری های متعدد دیگر در برابر فساد اداری در شاخص های اجراءات و کیفیت NESP III مطرح بحث بوده که در اینجا آنها در مطابقت با موضوعات سه گانه که در NESP III بازتاب یافته اند توضیح میگردند:

موضوع اول - کیفیت و ارتباط: شاگردان مکاتب در تمام سطوح دانش، مهارت ها، نگرش ها و ارزش ها را کسب مینمایند تا به عنوان شهروندان مولد، سالم و مسولیت پذیر بار آیند و آماده گی کامل داشته باشند تا در ترقی و رفاه جامعه نقش ایفا نمایند و در پهلوی آن با ظرفیت های اشتغال مناسب در بازار های کار ملی و بین المللی آراسته و تجهیز باشند.

هدف موضوع اول روی این متمرکز میباشد تا بررسی که همین اکنون در عرصه نصاب تعلیمی از جانب اداره یونسکو در حال انجام شدن میباشد چگونه موفقیت آمیز تکمیل و نتیجه گیری گردد و پیشنهادات ارایه شده در آن چگونه شفاق تطبیق گردند. این در حالست که، بازنگری نصاب تعلیمی نیازمند توجه دوامدار دولت در عرصه تطبیق اصلاحات به عنوان یک اولویت میباشد. کتب درسی جدید باید به زودترین فرصت ممکن با نصاب تعلیمی تجدید نظر شده مطابقت پیدا نمایند، البته یک وقفه معقول در این زمینه قبل از اینکه این نصاب تعلیمی تجدید نظر شده پیامد های مثبتی بر نتایج فراگیری داشته باشند، وجود خواهد داشت. علاوه بر آن، میزان رضایت نهاد های استخدام کننده توسط برنامه های تایید شده از طریق گزارش واصله افزایش خواهند یافت، مانند ابتکار GIZ O / S2 (لطفاً به فصل هشتم مراجعه نمایید)، که هدف آن رشد اقتصاد غیررسمی با یک بنیاد مهارت های پیشرفته میباشد. همچنان دستیابی به موفقیت های بیشتری در سکتور آموزش های مبتنی بر جامعه در روند دستیابی به اهداف این موضوع (موضوع اول) نقش کمک کننده ایفا خواهد نمود.

موضوع دوم - دسترسی عادلانه: افزایش دسترسی عادلانه و جامع به فرصت های آموزشی مناسب، مصنوون و با کیفیت برای اطفال، جوانان و بزرگسالان افغانستان، به خصوص زنان و دختران.

موضوع دوم در برابر نگرانی های قبلی و معاصر در مورد میزان کنترل و نفوذ دولت بیرون از شهر های بزرگ، آسیب پذیر خواهد بود. با در نظر داشت اینکه حدود 50 درصد ولسوالی ها تحت کنترل دولت قرار ندارند، هنوز هم خطر واضح در برابر حضور شاگردان وجود خواهد داشت و یا هم اینکه ارقام/آمار دقیق در مورد حاضری و اجراءات غیرقابل اعتماد باقی خواهد ماند.

موضوع سوم - مدیریت موثر و شفاف: عرضه شفاف، کم هزینه و کار آ خدمات آموزشی عادلانه و با کیفیت در سطوح ملی و محلی.

موضوع سوم در معرض خطر فساد اداری قرار خواهد داشت، البته تا زمانی که میکانیزم های نظارت محلی بیشتر موثر و تقویت شده در عرصه فعالیت مکاتب از جانب جوامع، شورا های مکاتب و شورا های انکشافی قریه رویدست گرفته نشوند. همچنان نظارت بر نتایج پلان مذکور شدیداً به ارقام/آمار سیستم مدیریت معلومات آموزش یا (EMIS) بستگی خواهد داشت، چیزیکه این گزارش آنرا غیرقابل اعتماد عنوان نموده است.

12. مدیریت و رهبری در سطح ولایت، ولسوالی و شوراها

یک سیستم آموزشی با کیفیت خوب، بیشتر به میزان همکاری و هماهنگی بین جوانب ذیدخل در تمام سطوح بستگی دارد، و به افرادی ارتباط میگیرد که به خاطر رسیدن به یک هدف مشترک با هم کار میکنند^{۸۵}. برخلاف، یکی از برجسته ترین و خطرناک ترین اثرات فساد، تقسیم بندی است که نیازهای فرد را بر نیازهای جمعی اولویت میدهد و در طرف مقابل همبستگی قرار میگیرد.

به معنای واقعی کلمه، فساد شاگردان را علیه شاگردان، شاگردان را علیه معلمان، معلمان را در برابر مدیران مکاتب، اجتماع مکاتب را در برابر ریاست معارف ولسوالی، ریاست معارف ولسوالی را در برابر ریاست معارف ولایت، ریاست معارف ولایت را علیه وزارت معارف در کابل و ریاست های مختلف وزارت معارف علیه یکدیگر قرار میدهد. یک مقام ارشد ریاست معارف ولایتی چنین توضیح داد:

"... مشکل بزرگ در بخش معارف اینجا این است که وقتی یک فرد تلاش می کند تا تغییرات مثبتی ایجاد کند، اعضای دیگر بخش معارف علیه وی متحد می شوند و او را از آن اداره تبدیل یا خارج می کنند. کسی وجود ندارد که به صورت عادلانه قضاوت و عمل کرده و کارمندان فاسد را از اداره خارج کند. وقتی فردی که تلاش می کند تغییرات مثبت بیاورد تبدیل می شود، دولت در جاهای دیگر نیز به او فرصت نمیدهد، در این صورت معاش تقاعد او نیز میسوزد. به همین دلیل، اگر چه کارمندان زیادی میخواهند فساد را متوقف سازند، اما به دلیل سیستم حمایتی ضعیف دولت، از اجرای آن میترسند.

بنابراین، آوردن کارمندان با صداقت در داخل سیستم موجود کافی نیست. افرادی که دارای دیدگاه و صداقت هستند باید توسط ریسان شان حمایت شوند. در نهایت این مسئله رهبریت است که وزارت معارف و تمام نهاد های دولتی افغانستان باید با آن روبرو شوند.

ارتباطات ضعیف

چند دستگی در میان جوانب ذیدخل در عرصه معارف ضرورتا عمده نیست و می تواند یکی از اثرات جانبی ارتباطات ضعیف باشد. با این وجود، چند دستگی ناشی از کمبود ارتباطات چه عمده و یا غیر عمده می تواند در سطح اجتماع مکتب منجر به فساد شود، این امر از تعامل مثبت میان اعضای جامعه و مکاتب جلو گیری میکند.

یکی از بزرگترین مشکلات آن است که مکاتب ارتباط خوبی با والدین شاگردان و سایر اعضای جامعه ندارند. به طور مثال، نظریه گزارش تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه، والدین شاگردان در یکی از مکاتب اظهار داشتند که آنها در مورد چگونگی مدیریت، بودجه یا نصاب درسی رسمی مکتب اطفال شان هیچ نوع معلوماتی ندارند. آنها گفتند که در حقیقت این اولین بار است که آنها برای اشتراک در بحث های گروه های کاری ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه به مکتب دعوت شده اند.

در مکاتب و ولایات دیگر والدین اطفال، عین نگرانی ها را بیان کرده اند. این عدم ارتباط میان والدین و مکتب مانع سهمگیری والدین در امور معارف و باعث کم شدن حس مالکیت مردم بر مکاتب میشود. این بدان معنی است که فقدان معلومات والدین در مورد مکتب و مدیریت مکتب مبارزه با فساد و حمایت از مقامات مکتب را برای آنها بسیار مشکل ساخته و به مقامات معارف فرصت دهند تا در سطوح ولسوالی، ولایت و کل کشور امکان پاسخگویی بدهد.

12.1 ریاست های معارف ولایات

وزارت معارف، مانند تمام وزارتخانه های دولتی افغانستان، یک سازمان بسیار متمرکز باقی مانده و به طور سنتی صلاحیت های ولایات را به خود وابسته نگهداشته است. مقام ریاست معارف ولایت بخاطر اعمال نفوذ گروه های سیاسی هم در داخل وزارت معارف در کابل و هم در سطوح محلی به یک مقام بسیار سیاسی تبدیل شده است. تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه عملاً مشاهده نموده است که 90 فیصد وقت رئیس معارف صرف مسایل منابع بشری، ایجاد روابط موثر و مذاکره به خاطر فروش بست های معارف در ولایات میشود. این مدیران اغلب خود را مکلف به مداخله در مدیریت پرسونل فکر می کنند. گفته شده است که برای شکستن رابطه میان قوم پرستی، خویش خوری و انتصاب ها، تلاش صورت گرفته است که انتصاب رئیس باید براساس روند سختگیرانه سی بی آر و بر اساس شایستگی تنظیم گردد. تا کنون، صرف تعداد کمی از رؤسا از طریق روند سی بی آر مقرر شده اند.

ساختار های اداری ریاست ها نظر به ظرفیت و توانایی شان در نحوه برخورد با چالش های مربوط به مسئولیت های محوله شان، بسیار فرق میکنند. علت اش هم این است که تقرر کارمندان براساس تقسیمات اداری انجام می شود، نه بر مبنای تعداد واقعی مکاتب، معلمان و مفتشین. به گونه مثال یکی از ریاست های ولایات که مسئولیت مدیریت تقریباً 18000 نفر را به عهده دارد به همان تعداد کارمند اداری دارد که یک ولایتی که مسئولیت مدیریت 3000 نفر بر عهده داشت، دارد.

به خاطر اینکه ولایات نقش و مسئولیت های برجسته تری را به دوش دارند، نظر به پیش بینی پلان سوم استراتژیک ملی معارف و برنامه اولویت ملی میثاق شهروندی لازم است تا در مورد توزیع کارمندان ولایتی بازنگری صورت گیرد. این کار میتواند توانمندسازی اجتماعی را سهولت بخشیده و حسابدهی محلی را به کمک شوراهای انکشاف اجتماعی ارتقا بخشد. چنین حسابدهی محلی مورد استقبال قرار گرفته و باید به بعضی از بدترین اشکال نابرابری و بهره کشی های مشهود در سیستم موجود رسیدگی نماید. به گونه مثال، والدین در یکی از شوراهای مکاتب داستانی را بیان کرده اند که در آن بعضی از کارکنان ریاست معارف ولایات سعی کرده اند که شاگردان اناث یا استادان اناث جدید التقرر را در بدل نمرات بالا در امتحانات و دسترسی به بست معلمی به برقراری روابط جنسی مجبور سازند.

از نظر تاریخی روشن است که بست های ریاست معارف به شکل امتیاز دهی و مساعدت پر میشوند و مقرری های مذکور کاملاً سیاسی هستند، به همین دلیل، ضمن داشتن تجربه کار در اداره معارف، تعداد زیادی از ارای والدین شاگردان را که از طریق اطفال شان مستفید شوندگان نهایی خدمات تعلیمی هستند، نیز به دست می آورد. رئیس در سطح ملی به مقام وزارت معارف پاسخگو است. در بسیاری از ولایات منافع شخصی والی باید به صورت روشن در شبکه موجوده خویش خوری در نظر گرفته شود. تحقیقات تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه در عمل نشان داده است که بیشتر وقت رئیس معارف به جواب دادن به درخواست ها و پرسش ها در مورد تقرری استادان میگذرد - کاری که به صورت منطقی باید توسط کارمندان پایین رتبه اداره ولایتی انجام شود. در پروسه مقرری معلمین آسیب پذیری و فساد علنی وجود دارد، به همین دلیل، ریاست معارف با علاقه زیاد در امر تقرری معلمین سهم می شود.

نظارت توسط ریاست معارف

از انجاییکه بودجه های اختیاری در ولایات بسیار محدود است، لذا توانایی رئیس معارف برای نظارت بر مدیریت های معارف ولسوالی ها و مکاتب نیز محدود است. علاوه بر آن، ریاست معارف برای پرداخت مصارف حمل و نقل مواد تدریسی و آموزشی به مکاتب بودجه ای ندارد. و این بدین معنی است که بسیاری از اوقات معلمین آمرین مکاتب مجبورند از مصرف شخصی خود این مواد را انتقال دهند. حتی به تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه گزارش داده شده است که، در بعضی حالاتی که مفتشین از ولسوالی یا ولایت می آیند از مدیران مکاتب توقع دارند که مقداری پول جهت کرایه برگشت آنها به آنها بپردازند، این مسئله استقلال رای مفتشین را به خطر میاندازد. در نهایت، دقت و صداقت برای نظارت از مکاتب از فساد آسیب پذیر میشود.

12.2 دیریت معارف ولسوالی

نقش مدیر معارف ولسوالی را نظارت و ارزیابی فعالیت ها در ولسوالی مربوطه تشکیل میدهد. با آنهم، ادعا میشود که کارمندان وزارت در ولسوالی ها از مقام و صلاحیت شان برای مقاصد شخصی استفاده میکنند. به طور مثال، بعضی از معلمین گزارش داده اند که بدون کدام توضیح و توجیهی در معاشاتشان مداخله صورت گرفته است. یکی از معلمین به تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه گزارش داده است که مدیر معارف ولسوالی بدون کدام توضیح مبلغ 400 افغانی را از معاش استادان گرفته و کم کرده و معلمین را تحت فشار قرار داده است که شکایت نکنند.

برای کارمندان مدیریت معارف ولسوالی برای حمایت از مسلکی شدن آمرین مکاتب راه های زیادی وجود دارد. یکی از معلمین گزارش داده است که آمر مکتب او حد اکثر یک یا دو روز در ماه در مکتب حاضر میباشد. یک گروه از والدین از عین ولایت گزارش داده اند که آمر مکتب غالباً غیر حاضر بوده و معلمین نیز غیر حاضر میباشند. یک مفتش وزارت معارف نیز گزارش داده است که بسیاری از کارمندان وزارت معارف اکثراً در دفاترشان حاضر نمیباشند. فقدان کلی نظارت و پاسخگویی به عنوان یکی از ویژگی های مشترک بین تمام این نمونه ها است.

هنگامی که جمعی از شاگردان میبینند که این نوع رفتار تحمل میشود، متوجه می شوند که سیستم فریب خورده است و این خصلت اغلب در رفتار خود آنها نیز منعکس می گردد.

12.3 شوراهای انکشاف اجتماعی

سطح همکاری بین شوراهای انکشاف اجتماعی و اداره ولایتی عملاً خیلی پایین است، به همین دلیل اداره ولایتی اکثراً در مورد فعالیت شوراها معلومات کافی ندارد. در واقع، خود شوراها از فعالیت های مکتب منطقه شان معلومات رضایت بخش ندارند. به طور مثال، در یکی از ولایات به یک عضو تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه گفته شده است که یکی از مکاتب دخترانه از یکی از شرکای انکشافی مبلغ 5000 دالر امریکایی به عنوان حمایت مالی دریافت کرده است. این کمک مالی به خاطر انکشاف مکتب از طریق شورای انکشاف اجتماعی صورت گرفته است، اما مبلغ کمک شده از مسیر اصلی خود منحرف شده و اصلاً به مکتب مورد نظر نرسیده است. زمانی که برای بررسی این موضوع جلسه ای بین مدیر معارف ولسوالی و مدیریت مکتب صورت گرفت معلوم شد که حتی مدیر معارف ولسوالی از این موضوع اطلاع نداشت. عدم تعامل و ارتباطات ضعیف، خلایی را به وجود آورد که در نهایت منجر به این شد که مبلغ ذکر شده به آسانی غارت شود.

این مثال به عنوان یک نمونه از چندین مورد غارت های مشابه در ولسوالی های ولایات ذکر گردید. شورای های مکاتب به صورت سمبولیک یا شورای خیالی و بدون اثرگذاری بالای مسایل مکاتب منطقه در نظر گرفته شده است. یافته های تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه در کلیت خود با مثال ذکر شده مطابقت دارند، با توجه به این امر که موثریت شوراهای های مکاتب و شوراهای انکشاف اجتماعی در مناطق شهری نسبت به نواحی غیر شهری که اکثر مردم بی سواد بوده و تجربه دست اول کمی در دموکراسی نمایندگی دارند، بیشتر میباشند.

12.4 شورای مکتب و والدین

غالباً، والدین، فامیلها و شورای های مکاتب از فهم، مدیریت و حمایت از مکاتب اجتماع شان درک و ظرفیت اندکی دارند. این موضوع باید توسط شرکای تسهیل کننده پروژه میثاق شهروندی که مسئولیت آموزش کمیته های فرعی معارف تحت نظر شورای انکشاف اجتماعی و گروه های شوراهای انکشاف اجتماعی در مورد نظارت بر کیفیت آموزش در سراسر افغانستان در سال آینده را به عهده خواهد گرفت، مورد رسیدگی قرار گیرد. مسائل مشابه مربوط به انکشاف و تحقق میثاق شهروندی در مورد سایر بخش ها، به شمول صحت، نیز مطرح شده است.

به طور مثال، شوراهای مکاتب مختلف بلا تکلیفی شان را در رابطه به نقش و مسئولیت هایشان در رابطه با معارف ابراز کرده اند. تعداد زیادی از فامیل ها و والدین زیادی در مورد مکاتب منطقه و در کل در مورد سیستم آموزشی معلومات کمی دارند. همه اینها از عدم توانمندسازی جامعه و ظرفیت محدود برای اعمال مالکیت واقعی بر مکاتب ناشی میشود.

این مشکل همراه با یک نظام آموزشی غیر شفاف که تصمیمات آن - که بالای جامعه مکاتب تأثیر می گذارد، مانند استخدام معلمان و تهیه کتاب های درسی - در سطوح بالاتر گرفته میشود به ندرت توضیح داده شده و مورد بحث قرار می گیرد و اگر در سطح جامعه مکاتب در نظر گرفته شود، به شدت فاسد و خودسرانه به نظر میرسد.

به بیان دیگر، اجتماعات مکاتب، به خصوص در مناطق روستایی و صعب العبور، در سیستمی قرار گرفته اند که از یک سو بسیار متمرکز، خشک و سلسله مراتبی است و از سوی دیگر توانایی نظارت و حمایت کافی در سطح کشور را ندارد.

جوانب اصلی ذیدخل در سطح اجتماع مکاتب، و سایر سطوح سیستم به آن انداز توانمند ساخته نشده اند که با فساد برخورد کرده و تغییرات مثبت به وجود آورند. در بسیاری از مکاتبی که با تیم تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی مشوره کرده اند، آمرین و سرمعلمین این مکاتب نگرانی خود را از اینکه صلاحیت لازم را برای تطبیق دسیپلین و یا اخراج معلمین ضعیف ندارند، ابراز کرده اند. این مسئله شامل عدم توانایی در انجام هر اقدامی در مورد معلمینی میشود که توانایی تدریس یا دانش مرتبط با مضمون مربوطه را ندارند، یا معلمینی که به صورت شفاهی و فیزیکی از شاگردان خود یا سایر معلمین سوء استفاده میکنند، و یا معلمینی که از شاگردان خود پول می گیرند یا شاگردان خود را مجبور به انجام کار در خانه ها یا مزارع خود می کنند؛ یا معلمینی که صلاحیت تدریس را ندارند، یا به صورت منظم در تدریس غیر حاضری میکنند، و یا در مکتب حاضر میشوند اما به صنف نمیروند.

در کنار این، آمرین و سرمعلمین مکاتب در استخدام معلمین برای مکاتب شان یا اصلاً صلاحیت ندارند یا صلاحیت بسیار محدود دارند. در نتیجه مکاتب در استخدام معلمینی که مهارت های پیداکوژیکی، ظرفیت و دانش مضمون نصاب تعلیمی رسمی مورد نظر را داشته باشند ناکام میماند.

13. سیستم مدیریت معلومات معارف

معلومات دقیق در مورد شمولیت و ثبت نام، برای پلانگذاری آموزشی، ضروری است. وزارت معارف، در یک دهه گذشته، با همکاری نزدیک بانک جهانی و سایر برنامه های توسعه ای، در ایجاد سیستم مدیریت معلومات معارف در افغانستان^{۸۶} موفق بوده است. اما، پرسش های مکرر در مورد دقیق بودن معلومات آن وجود دارد.

براساس آمار سیستم مدیریت معلومات معارف، در افغانستان حدود 16000 مکتب وجود دارند که جمعیت متعلمین ثبت شده در آنها به 9.2 میلیون نفر می رسند. تایید این ارقام به چند دلیل سخت و دشوار است؛ زیرا بخشی از آنها به دلیل مهاجرت مکاتب را ترک نمودند. همچنان، تغییر در جمعیت متعلمین، بدین معنی که مکاتب مجبورند متعلمانی را که تا دو سال در مکتب غیرحاضر اند را نیز حفظ کنند. این جمعیت (تعداد غیرحاضران دایمی دوساله)، حدود 20 درصد جمعیت مجموعی شاگردان تخمین زده می شوند.^{۸۷}

در حالیکه کیفیت و اطمینان از داده ها، در این سیستم در سال های اخیر ادعا می شود که بهبود یافته توصیف شده است، آمار سیستم مدیریت معلومات معارف، بر اساس معلومات جمع آوری شده و تأیید شده یی می باشد که در سطح مکاتب و ولسوالی توسط مقامات محلی - که بسیاری از آنها اعتراف می کنند که در زمینه آموزش مناسب ندارند، و توانایی سفر به مکاتب به شدت برای آنها محدود است - می باشند.

اخیرا یک تحقیق از طرف اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده آمریکا^{۸۸} USAID در مورد صحت، دقت و تحلیل معلومات ثبت شده در سیستم مدیریت معارف اجرا شده است. در این تحقیق، افراد سروی کننده، به 1067 مکتب در 34 ولایت (تقریباً 5 فیصد تمام مکاتب کشور) فرستاده شدند تا تعداد کارمندان و شاگردان ثبت شده را در مقایسه با کارمندان و شاگردانی که عملاً در مکاتب مورد نظر، حضور فیزیکی دارند، ارزیابی و مقایسه نمایند. نتیجه این تحقیق که توسط 78 نفر سروی کننده و حمایت دیگر افراد تخریکی در جریان دو ماه تابستان 2016 انجام شد، دقت معلومات ثبت شده در سیستم را +12 فیصد تایید می کند. تقریباً در هر مورد، اطلاعات سیستم معارف بیشتر از تعداد واقعی در مقایسه با مشاهدات از مکاتب بوده است.

13.1 نادرستی (عدم دقت) در مراحل درج و تایید معلومات

مشکل دیگر فرا راه موثریت اجرای سیستم مدیریت معارف، عبارت از قابل اطمینان بودن شاگردان در مرحله ثبت و درج معلومات می باشد. از این جهت، با معلومات غیر قابل اطمینان، امکان سرشماری دقیق در دیتابیس مرکزی وجود ندارد. از آنجاییکه، شک و تردید مورد صداقت و شفافیت سرشماران محلی وجود دارند، این معلومات باید به صورت مستقل و دقیق، توسط یک سرشماری ملی مکاتب تایید شوند. چنانچه، نبود معلومات دقیق، زمینه مکاتب خیالی، شاگردان خیالی و معلمان خیالی را فراهم نموده است.

ریاست سیستم مدیریت معلومات معارف، پروسه تایید (Verification) معلومات را با انتخاب تصادفی 5 فیصد آغاز نموده است. ریاست مذکور، مکاتب را بر اساس موجودیت شک و تردید در مورد معلومات ارائه شده آنها با معلومات سال قبل شان، برای تایید معلومات انتخاب میکند.

تعدادی از مشکلاتی که در قسمت « دقیق بودن » و « مکمل بودن » معلومات در جریان ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی تشخیص گردیده، در ذیل اشاره می شود:

- نبود امنیت برای بررسی شخص به شخص
- عدم حس مسئولیت در پر کردن فورم جمع آموری معلومات
- عدم پر کردن فورم در زمان معین و
- دور بودن موقعیت بعضی از مکاتب (نبود ترانسپورت، مصارف تهیه ترانسپورت)

تیم های نظارتی (متشکل از 4500 در کل کشور) ابراز داشته اند که آنها با تجهیزات تکنالوژی معلوماتی (IT) آشنایی درست نداشته، و در ضمن میتدولوژی لازم برای تطبیق دقت و راستی معلومات ثبت شده را نمی دانند. معلومات، اکثرا از یک منبع واحد (گزارش ارسالی مکاتب) بدون کدام تایید، به دست می آیند.

در سطح مکتب، معلومات از اطلاعات ثبت شده دستی (معلومات معلمان، ثبت دستی شاگردان و اطلاعات ثبت شده تسهیلات مکتب)، جمع آوری می شوند. در سطح ولایت، از آنجاییکه کارمندان وزارت معارف به تعداد محدود بوده، در نتیجه یکپارچگی معلومات در معرض خطر می باشند. گزارش سال 2017 اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده آمریکا (USAID)، نشان می دهد: " کارمندان رسمی، به صورت متفق نبود برنامه آموزشی و خلاء ظرفیت در ولایت را تشخیص داده اند که این موضوع مشکل اساسی برای بهتر شدن کیفیت معلومات می باشد." ۸۹

در حالیکه کارمندان حمایت تخنیکی در ریاست «سیستم مدیریت معلومات معارف» واجد شرایط و ماهر در زمینه مدیریت معلومات می باشند، اکثر کارمندان وزارت معارف فاقد معلومات کافی برای فهم اجرای این سیستم می باشند. بر اساس یافته های کمیته نظارت و ارزیابی، وزارت معارف حدود 20 سیستم معلوماتی جداگانه را ایجاد نموده است. به دلیل عدم یکپارچگی و هماهنگی میان این سیستم ها، امکان به روز رسانی یا آپدیت معلومات در یکی از این سیستم ها موجود است. اما آپدیت یکی از سیستم ها منتج به آپدیت معلومات در دیگر سیستم ها نمی شوند.

یافته های تیم ارزیابی آسیب پذیری های فساد اداری وزارت معارف، نشان می دهد که در حال حاضر تفاوت های مهمی در مورد همخوانی و یکنواختی معلومات در ریاست های مختلف، در مورد تعداد معلمان و شاگردان در ولایات وجود دارند. به طور مثال، سیستم مدیریت معلومات معارف، گزارش می دهد که تعداد شاگران ثبت شده در یک ولایت در جریان سال تعلیمی 1394 (2015) 726266 نفر بوده اند، در حالیکه آمار ریاست ثبت و پرداخت، این تعداد را 723497 نفر، در همان سال نشان می دهد. همچنان، نظر به سیستم معلومات معارف تعداد معلمان 14791 نفر بوده، در حالیکه ریاست ثبت و پرداخت تعداد معلمان را 14413 نفر، بخش مالی 14109 نفر و ریاست معارف این تعداد را 14260 نفر گزارش می دهد. علاوه بر آن در مورد این ولایت باید گفت، بست های نوی معلمان را از سال 1392 (2011) تا بحال استخدام نکرده اند. این تفاوت ها، به یقین خطر موجودیت نهادهای خیالی را افزایش می دهند.

13.2 بررسی نمونه یی اطلاعات سیستم مدیریت معلومات معارف توسط کمیته نظارت و ارزیابی مشاهده شده است.

در یک قسمتی از پروسه عملیات جمع آوری معلومات برای تجزیه و تحلیل این ارزیابی، زمانی که تیم از مکتب بازدید می نمود معلومات ثبت شده را از اداره مکتب بدست آورد. به تعبیر دیگر، این معلومات توسط کمیته نظارت و ارزیابی، جمع آوری و همراهی دیتابیس یا سیستم مدیریت معلومات معارف، در وزارت معارف مقایسه شد (نتایج آن در ضمیمه 4 موجود است). تعداد مکاتبی که معلومات از آنها جمع آوری شده است، 107 باب مکتب می باشد. اما در سیستم مدیریت معلومات معارف 93 باب مکتب آن معلومات مورد نظر (در مورد ثبت نام) و 88 باب مکتب معلومات مورد نظر (در مور حاضری) را داشتند. این معلومات، شامل معلومات چهار سال قبل و مکاتب می شوند، زیرا معلومات سال جاری (سرطان 1396)، از انجاییکه هنوز به پایان نرسیده، در سیستم موجود نمی باشند.

ثبت نام

هنگامیکه ارقام ثبت نام در 93 باب مکتب با معلومات سیستم مدیریت معلومات معارف برای چهار سال مقایسه گردید، نتیجه نشان داد که سیستم مدیریت معلومات معارف دقیق بود.

سال	سال	سال	سال	تشریح
1395	1394	1393	1392	
1%	-2%	2%	2%	فیصدی اوسطی که به اساس آن EMIS از آمار شمولیت بالاتر تخمین میگردد.

این یافته ها نشانگر آنست که تلاشهای وزارت معارف حد اقل در چند سال اخیر بمنظور بهبود سیستم مدیریت معلومات معارف نتایجی را ببار آورده است.

حاضری

اما وقتی ارقام حاضری واقعی، نه ارقام ثبت نام، استفاده گردیده بود نتیجه بطور مهم متفاوت بود. در اینجا سیستم مدیریت معلومات معارف ارقام حاضری را 23 در صد بالا تخمین مینماید، در حالیکه تفاوت قابل ملاحظه ی میان سال های 1392 و 1395 دیده نمی شود.

سال	سال	سال	سال	تشریح
1395	1394	1393	1392	
15%	21%	24%	24%	فیصدی اوسطی که به اساس آن EMIS از آمار شمولیت بالاتر تخمین میگردد.
23%				اوسط چهار ساله

نتایج تفصیلی در ضمیمه 4 درج است.

13.2 مهارت های ضعیف در استفاده از تکنالوجی معلوماتی (IT) در وزارت

معارف

استفاده از تکنالوجی معلوماتی و مدیریت معلومات منتج به شفافیت و دقت بیشتر در سیستم سازمانی میشود. وظایف رسمی در جاهایی که افراد چگونگی استفاده از تکنالوجی را می دانند و به آن اعتماد دارد، به صورت موثر مفید انجام میشود. در وزارت معارف، اکثریت پاسخ دهندگان گزارش داده اند که مهارت های IT در سطوح اداری وزارت بسیار ضعیف است. علاوه بر آن، بیشتر کارمندان علاقه ای به انکشاف مهارت ها و دانش شان در سیستم IT یا دیتابیس ندارند. البته، از آنها درخواست هم نشده که مهارت های شان را در این زمینه انکشاف دهند. در جریان مصاحبه ها، یک شکایت که به تکرار توسط مسولین سیستم مدیریت معلومات معارف صورت گرفت این بود که اکثر کارمندان فکر میکنند که آنها سنو دوره کارشان خیلی طولانی شده و دیگر زمان برای اینکه در مورد سیستم IT آموزش ببینند موجود نیست. کارمندان سیستم مدیریت معلومات معارف، گزارش کردند که کارمندان قدیمی تر و مسن تر وزارت به این نظر اند که سیستم IT یک چیز سمبولیک بوده، و نیز موثریت این سیستم نقش آنها را از بین می برد (از این جهت، این موضوع باعث کم شدن اشتیاق آنها جهت همکاری در آموزش سیستم IT میشود).

"ما سه سال روی پروژه کار کردیم که دارایی را در وزارت حفظ کنیم. بعدا متوجه شدیم که یک مشکل در پالیسی دولتی موجود است که اجازه امضا الکترونیکی را صادر نمیکند، بعد از آن ما پروژه را در همان نقطه متوقف ساختیم"

کارمند اداری در وزارت معارف

تقریبا تمام پرسونل عملیاتی ریاست سیستم مدیریت معلومات معارف، کارمندان تخنیکی برنامه (کمک تخنیکی Technical Assistance) می باشند. این کارمندان تخنیکی (TA) اکثرا دارای مهارت ها و شایستگی بالاتر کاری در مقایسه به کارمندان دولتی می باشند. حالانکه، در مورد آنها اینطور شرح داده شده اند که آنها موفقیت لازم را برای انتقال مهارت ها و ظرفیت های شان به سایر کارمندان در وزارت معارف ندارند. همچنان یک تنش در باره معاشات بالاتر کارمندان TA نسبت به سایر کارمندان وزارت موجود است^{۹۰}. قسمی که احمدی، کسیکه اخیرا تحقیق دکترایش را در وزارت معارف، در مورد یادگیری در مکان کاری، انجام داده است، "کارمندان انکشاف یافته ای که به آنها TA کارمندان تخنیکی گفته می شوند، معاشات شان توسط دونه های بین المللی (IIEP و بانک جهانی) پرداخت میشوند. تفاوت زیادی بین معاش آنها و سایر کارمندان وزارت موجود است که باعث تنش بین این دو گروه و هم چنین خنثی سازی کارمندان خدمات عامه میشود. این یک مشکل عمومی برای

تمام وزارت و حتی برای دولت افغانستان می باشد. موظفین خدمات عامه به این عقیده هستند که این تفاوت معاش غیر عادلانه می باشند.^{۹۱}

ضعف در مهارت های IT و اتکای بیش از حد بالای سیستم کاغذی که در مقایسه با سیستم الکترونیکی به سادگی قابل تحریف است، باعث آسیب پذیری های فساد اداری می گردد. ضعف در مهارت های IT در اکثر ریاست های وزارت معارف هم در سطح مرکزی در کابل و هم در سطح ولایتی موجود است. ظرفیت IT آنگونه که توسط تیم ارزیابی کمیته نظارت و ارزیابی مشاهده شده است، در ولایات به اندازه زیاد در فهم و استفاده آن فرق وجود دارد.

دلایل زیادی برای این وضعیت موجود است، بعضی از ولایت های دوردست در فاصله زیادی از شهرهای بزرگ واقع شده اند و قریه جات و ولسوالی های آن تحت کنترل دولت قرار ندارند. بنابر این، وزارت معارف توانایی انکشاف ظرفیت کارمندان در آن ساحات را نداشته و نمیتواند تسهیلات مورد نیاز را فراهم کند. در بعضی ولایات منبع قابل اعتماد برق موجود نیست که در انجا از وسایل IT در مدیریت ها استفاده شود. با وجود اینکه سیستم انتشار تصدیقنامه جدیدی ایجاد شده، ظرفیت پایین در زمینه IT به این معنی است که این سیستم به طور موثر کار نخواهد کرد.

"مهارت های IT در وزارت معارف ضعیف است، کارمندان زیادی در ارتباطات روزانه از ایمیل استفاده نمیکند و در اکثر جاها سیستم به صورت ورقی کار میکند."
کارمند ارشد دولت

جدا از نقش IT، پروسه استخدام وزارت معارف از درخواست کنندگان، یک سطح معین از سواد IT را اقتضاء نمیکند. بست ها اکثرا به اشخاصی پیش نهاد میشود که فهم درستی از سیستم IT ندارند، در حالیکه افرادی با شرایط لازم و مهارت های IT نادیده گرفته می شوند.

سیستم ثبت کمپیوتر در اکثر مکاتب و مهمتر از همه در سطح ولسوالی ها وجود ندارند. معلومات به صورت معمول به شمول حاضری شاگردان و ثبت روزانه معلمان توسط میکانیزم های کاغذی ثبت می شوند. سیستم گزارشدهی که سیستم معلومات معارف بر آن بنا شده، غیر قابل اعتماد باقی می ماند.

14. تدارکات

14.1 کنترل ضعف ها در پروژه های ساختمانی

تحويل سریع و به موقع پروژه هاییکه بی نهایت قابل دید هستند، از قبیل ساختمان های جدید مکاتب، بمثابه نشانه ای اقدامات ثبات سازی در بخش های بی ثبات جهان به شمار میرود. ساختمان های مکاتب به طور خاص از آن جهت مورد توجه قرار می گیرند که آنها نشان دهنده حمایت عمومی از یکی از شناخته شده ترین مظاهر پیشرفت و نوسازی اند. گرچه، پروژه های ساختمانی و بازسازی ذاتاً یک امر خطرپذیر است زیرا به اجناس، مواد و وسایلی که میتواند در مناطق بی ثبات تبادل شده ویا به سختی مورد پیگیری قرار گیرد، نیاز دارد^{۹۲}.

آسیب پذیری دیگر در توسعه ساختمان های مکاتب در مناطق دور افتاده، مانند هر پروژه زیربنایی دیگر، نظارت بر کیفیت ساخت و ساز است. نظارت بر پیشرفت و تضمین کیفیت در مناطق صعب العبور و متغیر، از آسیب پذیری جدی به فساد حکایت میکند. تاریخ معاصر افغانستان با توجه وسیع بین المللی به پروژه های زیربنایی در بسیاری از بخش ها، همچنان به مبارزه خود با این خطرات ادامه می دهد.

"یکتن از قراردادی ها با مبلغ 200000 دالر در یک بیک به دفتر من آمد. من پول را رد کردم و

حیاتم به خطر افتاد."

کارمند اداری در وزارت معارف

مسلم است که جریان قابل توجه بودجه از طریق سیستم تدارکاتی برای اعمار مکاتب، باعث آسیب پذیری در برابر فساد می شود^{۹۳}. ماهیت تمرکز گرایی دولتی در عرصه اقتصاد افغانستان باعث میشود که تدارکات به یک بخش بسیار حساس تبدیل شود چون حیات میلیون ها نفر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از آن متأثر میگردد.

با توجه به مبلغی که در بخش تدارکات مصرف می شود، هر مرحله از پروسه تدارکات، از نیازسنجی گرفته تا به مرحله اجرای قرارداد و نظارت، در برابر فساد آسیب پذیر است. نظر به گزارش سازمان انکشاف و همکاری های اقتصادی OECD^{۹۴} در حدود 20-25 درصد بودجه تدارکات سالانه کشورها، به دلیل فساد ضایع میشود که افغانستان یکی از مثال های برجسته آن است. حتی در مرحله نیاز سنجی، مقامات قدرتمند غالباً به صورت نامناسب بالای پروژه تأثیر گذاری کرده و نوعیت پروژه، تعداد ذینفعان و / یا محل پروژه را تغییر میدهند، اغلب جاده ها، مکاتب و امکانات دیگر را نزدیک به مناطق قدرت شخصی خود تغییر میدهند. این خطرات مختص به معارف نیستند.

14.2 عدم شفافیت در مرحله داوطلبی

به همین قسم، در مرحله اعلان، قانون تدارکات افغانستان نیاز به اعلان داوطلبی قراردادها برای مدت زمان معین دارد. اما، طبق مصاحبه ها با مقامات تدارکات وزارت معارف، ایجاد محدودیت در زمان اعلان داوطلبی اکثراً برای محدود کردن تعداد اشتراک کنندگان در افرگشایی اعمال می شود. پس از مرحله "نیاز سنجی"، مقامات قدرتمند همچنان می توانند کارکنان تدارکات را وادار کنند تا شروط قرارداد را طوری تشریح کنند که منتج به برنده شدن داوطلب خاص با استفاده از معلومات درز شده از داخل به جای داوطلبی که بیشتر واجد شرایط است، گردد. این حالت با افزایش مبلغ یا ارزش یک قرارداد برای محدود کردن تعداد شرکت هایی که ظرفیت ارائه پیشنهادات خوب در داوطلبی را داشته باشند، رخ می دهد.



یک مکتب لیسسه در غزنی

دخالت غیرقانونی افراد با نفوذ سیاسی می تواند از مراحل آغاز پروسه داوطلبی تا زمانی که اشخاص خارجی شرکت هایشان را در موقعیت مطلوب قرار دهند، رخ میدهد. به عنوان مثال، طبق گزارش نمایندگان پارلمان و دیگر مقامات ارشد نمایندگان شخصی خود را به ادارات تدارکاتی میفرستند تا اطمینان حاصل کنند که نتیجه مورد نظر را به دست میآورند. نمایندگان دیگر پارلمان که شرکتی برای گرفتن قراردادهای دولتی ندارند، مانند یک کمیشن کار عمل کرده و تلاش میکنند که قراردادها را به شرکت هایی برسانند که برای این کار به صورت غیر قانونی از آنها پول دریافت کرده اند.

چندین تن از مقامات ارشدی که با کمیته نظارت و ارزیابی MEC مصاحبه کرده اند، ابراز داشته اند که قراردادها توسط قراردادی برنده به یکی دیگر از شرکت هایی که در داوطلبی شرکت کرده اند فروخته می شوند یا در میان چندین داوطلبانی که در لابی نمودن آن دست دارند، توزیع می شوند.

بر اساس گزارش قبلی کمیته نظارت و ارزیابی MEC در مورد تضاد منافع^{۹۵}، یک مقام رسمی از اداره تدارکات ملی گزارش داد که مطالعات آزمایشی نشان می دهد که حدود 80 درصد از داوطلبی ها و قراردادهای در طی 13

سال گذشته متاثر از فساد اند. یافته ها / مصاحبه های اخیر کمیته نظارت و ارزیابی MEC درمورد ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA مؤید این ادعا است.

ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA نشان می دهد که چرخه تدارکات در اداره تدارکات وزارت معارف، از مرحله برنامه ریزی تا مرحله اجرایی، به شدت در مقابل فساد آسیب پذیر میباشد. پروژه ها براساس پالیسی ها و معیارهایی که به اساس آن تمام ولایات یا ولسوالی ها باید فرصت های متعادل برای اجرای پروژه های بازسازی داشته باشند برنامه ریزی نشده اند. فعالیت های بازسازی، عمدتاً در پروژه های ساختمان های مکاتب، نه براساس پالیسی ها، بل براساس گرایشات سیاسی اختصاص داده میشوند. گزارش ها حاکی از آن است که نمایندگان پارلمان پروژه های مورد نظر خود را در فهرست اولویت های وزارت معارف قرار داده اند و این کار باعث ایجاد عدم تعادل در پروژه های انکشافی بین ولایات، ولسوالی ها و شهرها شده است. به گونه مثال یک ولایت فقط برای سال 2017 بیشتر از 15 پروژه بازسازی دارد، در حالیکه ولایت دیگر فقط یک پروژه



نمونه ای از تعدادی زیاد مکاتب بدون ساختمان در ولایت بدخشان

علاوه بر آن مقامات اداره تدارکات وزارت معارف گزارش داده اند که شرایط اجتماعی نیز پروسه تدارکات را تحت تأثیر قرار میدهد. اکثریت مالکان شرکت های ساختمانی افراد بی سواد هستند. این صاحبان شرکت ها پیش شرط های داوطلبی از قبیل تجربه کاری، داشتن سیستم پیشرفته مالی، دفتر یا سایر شرایط تخنیکی که در اسناد داوطلبی تعریف شده اند را در نظر نمی گیرند. داوطلبان بی سواد فقط دو سوال خاص را از اداره تدارکات می پرسند: تاریخ داوطلبی چی وقت است، و مبلغ تضمین داوطلبی چند است؟. گزارش ها می رساند که اگر چنین شرکت ها به دلیل نداشتن تجربه کافی و یا سایر کمبودها رد صلاحیت شده یا از داوطلبی اخراج گردیدند، آنها به طور مستقیم به لوی خرنوالی شکایت کرده اند که چرا با اینکه قیمت کمتری داده اند برنده نشده اند.

علاوه بر این، در ولایات نا امن ممکن است پروژه های وزارت معارف به طور موثر نظارت نشوند. زمانی که یک پروژه تحت نظارت دقیق قرار نگیرد، راه را برای فساد و ایجاد "مکاتب خیالی" باز می کند. آسیب پذیری دیگر در برابر فساد، نزاع های اجتماعی محلی در مورد زمین یا کیفیت ساحه ای است که مکتب در آن قرار میگیرد - این وضعیت ممکن است منجر به وجود پروژه هایی شود که در معرض آسیب فساد قرار دارند.

14.3 عدم انعطاف پذیری در طراحی ساختمان و استعمال مواد محلی

وزارت معارف بدون در نظر داشت عوامل اجتماعی یا جغرافیایی مجموعه ای محدود از طرح های معیاری شده را برای همه پروژه ها ایجاد کرده که مشکلاتی زیادی از جمله خطر فساد را ایجاد کرده است. به طور مثال، نمونه زیر بنا و بودجه پروژه برای یک مکتب شش صنفه در کابل مشابه به مکتب که در ناحیه دور افتاده ولایات پنجشیر یا نورستان قرار دارد، میباشد. شرکت ها مصارف واقعی پروژه را دقیقاً برآورد نمیکنند. آنها برای برنده شدن قیمت های خیلی پایین پیشنهاد میکنند و بعداً در مرحله اجرایی پروژه با چالشهای بسیاری روبرو میشوند. در نهایت، ممکن است پروژه بی کیفیتی را به وزارت تحویل دهند، با خطر اینکه انجیران ساحه تحت فشار قرار گرفته و یا وادار شوند که اتمام کار را تأیید و امضا نمایند که در حقیقت پایان تر از معیار و مشخصات توافق شده قرار دارد.

از مداخله نمایندگان پارلمان در این پروسه ها به طور گسترده ای گزارش داده شده است. ادعا شده است که نمایندگان پارلمان به اداره تدارکات توصیه میکنند که شرکت های خاصی قرار داد را به دست بیاورند. اگر وزارت مخالفت کند و پروژه را به شرکت مورد نظر نماینده پارلمان ندهد، ممکن است نماینده تلاش کند که با طرح ادعای کارکرد غلط از طرف وزارت، کل اعتبار این پروسه را تضعیف کند. نمایندگان پارلمان به طور مداوم در پروسه تدارکات دخالت می کنند تا پروژه ها را به شرکت های خود و یا به شرکت هایی که با آنها "ارتباط خوبی" دارند، اخذ نمایند.

به تیم ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA گفته شده است که تعدادی از کارمندان بخش تدارکات معلومات پروژه را به بیرون اطلاع میدهند، به خصوص قیمت تخمین شده پروژه را، به شرکت های خاصی اطلاع میدهند. به تیم ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA نیز اطلاع داده شده است که عناصری در ریاست تدارکات وزارت معارف با بعضی شرکتهای خاص روابط ایجاد کرده اند تا پروژه ها را به سوی شرکت های مذکور سوق داده، فرصتی را برای اختلاس و معامله ایجاد نمایند. براساس ادعاهای یک پاسخ دهنده اصلی وزارت معارف، شرکتی است که به دلیل داشتن روابط و به اشتراک گذاری نامناسب جزئیات پروسه داوطلبی چندین پروژه را در چندین ولسوالی یک ولایت برنده شده است.

نتایج کار وزارت معارف نشان می دهد که از سال 2012 به بعد، سیستم استندرد طراحی و برآورد توسط انجیران وزارت معارف بهبود یافته است و طرح های جدید و برآورد های آنها بر اساس خصوصیات ساحه، محل و مواد محلی صورت گرفته است.

معلومات جمع آوری شده نشان می دهد که ریاست تدارکات حدود 47 میلیون دالر را در سال 2014، 22 میلیون دالر را در سال 2015 و 90 میلیون دالر را در سال 2016 تدارک داده است. در حالی که ناظران در مورد پیشرفت های اخیر ریاست تدارکات در مبارزه با فساد در عرصه تدارکات اظهار نظر کرده اند، اما خطرات هنوز هم وجود دارند. با اعتراف به ضعف های سیستم کنترولی موجود، ریاست تدارکات اختیار اخذ تصمیم نهایی را داشت، بنابر این، آن طرز العمل اکنون باید توسط ریاست تدارکات ملی (NPA) نظارت گردد.

بر اساس مشاهدات تیم ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA، ریاست تدارکات پروژه ها را براساس جدول زمانی مندرج در قانون تدارکات تهیه نکرده است: اگر یک پروژه مجدداً اعلان شود، نباید بیشتر از 90 روز را در بر گیرد. با این حال، تیم ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA لیستی از پروژه هایی را که بین 800 تا 1000 روز معلق بوده اند را مشاهده کرده است. این تیم به اسنادی دست یافته است که نشان میدهد 178 پروژه صدها روز در پروژه اکویپ EQUIP معلق مانده و 1700 پروژه دیگر نیز نا تکمیل مانده است. چندین مقام وزارت ادعا کردند که این وضعیت را دیگر نمیتوانند تحمل کنند و علت احتمالی این تاخیرهای مهم را فساد میدانند، با وصف این تاکنون هیچ شرکتی مجازات نگردیده است.

14.4 تمام آسیب پذیری ها تا به حال باقی مانده اند

پروژه تدارکات وزارت معارف افغانستان در برابر فساد بسیار آسیب پذیر است، تعداد زیادی از مصاحبه شوندگان به موجودیت شبکه های فاسد در ریاست تدارکات این وزارت اشاره نموده اند. مصاحبه ها با مدیریت و کارمندان وزارت معارف که در تدارکات دخیل اند نشانگر چندین مشکل می باشد:

- (مقداری) از بودجه پروژه ها در حال حاضر به تدارکات پرداخته می شود، در غیر آن پیشبرد پروژه ها در تدارکات ایستاده می گردد.
- یک مامور تفتیش در مصاحبه اش اظهار داشت که آنها تنها در یک ولایت 22 پروژه خیالی یونسف را پیدا نمودند.
- "در میان ریاست های ولایتی در ارتباط با شرکت های ساختمانی فساد موجود است. شرکت ها با رئیس معارف تعامل می نمایند که کیفیت پروژه ها را متاثر می سازد."
- اعضای پارلمان از وزارت مالیه پروژه می گیرند، در حالیکه برای تعمیر جای ندارند. در تعقیب آن ما با اعضای پارلمان درگیر می شویم. پروژه ها بر اساس ولایت ها و ضروریات پلان نمی گردد. بعضی از ولایت ها به تعداد 20 پروژه دارند در حالیکه بعضی دیگر ولایت ها حتی یک پروژه هم ندارد."
- "انجیرانی که از سوی وزارت معارف مسئولیت نظارت از پروژه های ساختمانی مکاتب را بر عهده دارند، با شرکت های تطبیق کننده در اختلاس شریک می شوند. انجیران وزارت معارف از خالیگاه ها در کار شرکت ها و ضعف کیفیت باخبرند زیرا آنها نظارت دوامدار می نمایند، اما بر اساس اشتراک در اختلاس با شرکت ها گزارش مثبت تهیه می نمایند."
- اعضای پارلمان در تدارکات بسیار زیاد مداخله می نمایند. آنها برای اعطای پروژه های ساختمانی، شرکت های خاصی پیشنهاد می کنند. اعضای پارلمان همچنان بر وزارت فشار وارد می نمایند تا پروژه را به کمپنی که واجد

شرایط نیست، اعطا نماید. اگر وزارت به شرکت عضو پارلمان یا شرکتی که از سوی عضو پارلمان پیشنهاد گردیده است، پروژه اعطا ننماید، آن عضو پارلمان مانع تطبیق پروژه توسط شرکت دیگر می شود.

- "در حالیکه ریاست تدارکات پروژه ها را اعلان نمایند و خواهان آفر می شوند، بعضی کارمندان این ریاست معلومات پروژه بخصوص قیمت تخمینی را به شرکت ها افشا می نمایند."
- "انجیرانی که در بخش نظارت و ارزیابی کار می نمایند، مبتلا به فساد اند. آنها همچنان دارای ظرفیت کافی نیستند زیرا از طریق پروسه شفاف، رقابتی و مبتنی بر استعداد استخدام نشده اند. آنها بدون در نظر داشت تحصیلات به واسطه پول و نفوذ مقرر شده اند. بنا بر این آنان فاسد اند."
- "در جریان 15 سال گذشته فقط یک کارمند ریاست تدارکات از وظیفه اش برکنار گردیده است."
- "کمپنی هایی که قابل شرایط نیستند نیز در پروسه تدارکات مشکلات ایجاد می نمایند. به اساس قانون تدارکات یا اسناد داوطلبی شرکت ها مجبورند شرایط مشخصی برای واجد شرایط بودن برای داوطلبی را تکمیل نمایند. اما در واقعیت آنها قابل شرایط نیستند و شرایط لازم برای داوطلبی مانند تجربه کاری، کارمندان و دفتر را به جز از تاریخ داوطلبی و ضمانت بانکی تکمیل نمی کنند. آنها نرخ پایین ارایه می کنند و توقع دارند که برنده شوند."
- "از سال 2012 بدینسو، پروژه ها توسط خود برنامه ایکویپ قرارداد می شد و نظارت آنرا نیز خود برنامه انجام می داد. تدارکات، مثل معمول، پروژه ها را به نفع شرکت های خاص سمت دهی می نمایند، با شرکت های معامله گری می نمایند، اسناد را افشا می سازند، و برای اعطای پروژه در آن سهم می گیرند."
- "یکی از مصاحبه شوندگان سندی را شریک ساخت که نشان می داد 131 پروژه برای حدود سه سال به تعویف افتیده بود. دلیل این کار آن بود که کارمند تدارکات می خواست معامله و اختلاسی در این پروژه ها انجام دهد. به اساس گفته برنامه ایکویپ این پروژه ها باید تا ختم سال 2017 تکمیل گردند."
- "62 پروژه ولایت بامیان با یک شرکت قرارداد شده اند. این به معنی فساد و سمت دهی پروژه ها به نفع شرکت خاص است."
- "جزء سوم که "آگاهی و بسیج اجتماعی" یاد می گردد فاسدترین بخش است. اخیرا ریاستی تحت عنوان شورای مکاتب ایجاد گردیده است. مسئولیت این ریاست کار با شوراهای مکاتب می باشد. ایکویپ قبلا منظوری 800 بست هماهنگی کننده اجتماعی برای کار با شوراهای مکاتب را از بانک جهانی گرفته بود. این ریاست کارمندان مذکور را استخدام نموده و بعدا برای چهار ماه آنها را رها کردند. ریاست شوراهای هر یکی از این کارمندان معاش یک ماهه را تقاضا کرد تا دوباره در وظایف شان مقرر گردند. آنها همچنان تلاش کردند تا تمام بودجه این بست ها را اختلاس نمایند. نهایتا بانک جهانی برنامه مذکور را لغو نمود و در بدل تنها 170 تن، دو نفر برای هر ولایت، را استخدام نمود."
- "کرایه گرفتن تعمیرها برای مکاتب بسیار معروض به فساد است. مثلا خانه ی را دیدیم که کرایه اصلی آن 100000 افغانی است، در حالیکه به 200000 افغانی کرایه گرفته شده است. این کار باعث دزدی بخش اعظم بودجه معارف می گردد."
- "تدارکات صدها پروژه برای مدت سه سال انجام نشده است، کاریکه مخالف قانون تدارکات است. تنها از ایکویپ، 187 پروژه برای ما ها و سال ها نزد ریاست تدارکات مانده است. مقامات وزارت معارف می گویند، 98 در صد پروژه ها وقت تمدید شده می گیرند، در حالیکه اینکار خلاف قانون تدارکات است. در عین حال هیچ یکی از آنان مجازات نمی گردند زیرا مقامات بلندپایه وزارت در فساد آغشته اند."

- "بخش های نظارتی پروژه های ساختمانی بخشی از فساد اند و با شرکت ها در ساحه معامله گری می نمایند. همچنان گفته شده است که در داخل ریاست تدارکات شبکه فاسدی موجود است که پروژه ها را به نفع خویش سمت دهی می نماید."
- یک مصاحبه شونده در مورد وضع محدودیت بر تماس با شرکت ها اظهار داشت، "آنها مجازات نمی کنند، پروژه ها را لغو نمی کنند و پرداخت ها را متوقف نمی نمایند. شبکه ی متشکل از قراردادیان و کارمندان تدارکات دست بدست هم داده، فساد می کنند."
- "کمیته تدارکات یا کمیته افتتاح داوطلبی ها نقش بارزی دارند، که فاسد اند. آنها قراردادهای را به شرکت های مشخص می دهند. این کمیته شرکت برنده را اعلان می دارند اما تا وقتی قرارداد را امضا نمی کنند که سهم خویش را بدست بیاورند."
- از زمانی که من به این ریاست آمده ام، شاهد پیشرفت قابل ملاحظه ی در این ریاست بودم. مثلاً این ریاست در سال 1393 حدود 47 میلیون دالر، در سال 22 1394 میلیون دالر و در سال 90 1395 میلیون دالر تدارکات را انجام داده اند. در جریان این دو یا سه سال پیشرفت چشم گیری صورت گرفته است." (تایپولوژی 2 و 3)



مکتب نکور در جاغوری، ولایت غزنی

قلعه ملا نصرالدین

در مثال دیگری که توسط یکی از اعضای شورای مکتب نقل شده است، "ساختمان مکتب ما مانند قلعه ملا نصرالدین است." نصرالدین، ملایی که در قرن 13 در ترکیه زندگی میکرد، عاقل محسوب میشد، اما بعضی اوقات مانند یک احمق مضمون فکاهی قرار میگرفت. "تنها یک دیوار و یک دروازه داشت. مکاتب ما مثل همان هستند: ما دیوار داریم، اما هیچ اتاق یا آب نداریم. ما اصلاً ساختمان مکتب نداریم، اما آرزو داریم که ملت ما یک ملت تحصیل کرده باشد و حتی در مناطق دور افتاده ولسوالی ما دختران بتوانند به مکتب بروند."

15. لیست معاشات و نگهداری سوابق:

بنا به گزارش ها، تنها 53 فیصد کارمندان وزارت معارف معاش شان را از طریق حساب بانکی و 47 فیصد شان از طریق پول نقد دریافت می کنند.^{۹۶}

در ولایات پول نقد ابتدا به مرکز ولایت و بعدا به ولسوالی ها و مکاتب میرود که انتقال پول نقد و نظارت بر تادیه آن به دریافت کننده نهایی، سوال برانگیز است. انتقال فزیکتی پول نقد خطرات فساد را برای همه کسانی که درگیر آن هستند افزایش می دهد، خطر جعل هویت کارکنان را افزایش می دهد، و از امکان گنجاندن کارکنان خیالی در لیست معاشات وزارت معارف نمی تواند جلوگیری کند.

در ولایت هرات، ریاست معارف ولایت به طور خاص در ایجاد اطمینان به خاطر اینکه همه معلمان وزارت معارف دارای حساب های بانکی معتبر باشند و معاششان با انتقال بانکی پرداخت شود، موفق بوده است. این رویکرد سیستماتیک تادیات به موقع را بهبود بخشیده و فساد اداری ای که می تواند در زمان حمل مقادیر زیادی از پول نقد اتفاق بیفتد و چند بار توسط افراد در سطوح مختلف وزارت دست به دست شود، را کاهش دهد.

با آنها، انتقالات مستقیم بانکی برای پرداخت معاشات خطر فساد را به طور کامل ریشه کن نخواهد کرد. معلمان مجبور میشوند مصارف بانکی و مصارف انتقالات را پردازند.

تیم ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA گزارشی را دریافت کرده است که در مورد یک خزانه دار یک منطقه از هر معلم در هر ماه تقاضای 200 افغانی پول کرده است.

گزارش ها حاکی از آن است که آن عده از معلمان که معاش خود را مستقیما از طریق حساب های بانکی خود دریافت می کنند، در دسترسی به بانک با برخی از مشکلات مواجه اند، به ویژه بیشتر در مناطق روستایی و مناطقی صعب العبور که معلمان باید از فاصله خیلی دور به نزدیکترین بانک مراجعه کنند. این سیستم می تواند بالای عرضه خدمات تعلیمی نیز تأثیر بگذارد: دیده شده است که در یکی از ولایات مکاتب در تعدادی از ولسوالی ها در روزهای رسمی براینکه معلمان بتوانند برای دریافت معاشات خود به نزدیک ترین بانک بروند، بسته شده اند.

تیم ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA در مورد عدم پرداخت معاشات اضافه کاری معلمان گزارش دریافت کرده است. یکی از شورا های مکاتب گزارش داده است که آمریت معارف ولسوالی به مدت هفت سال پول اضافه کاری معلمان مکاتب منطقه شان را اختلاس کرده است. در یک مورد دیگر، ساعت های اضافه کاری معلمان به جای خود آنها به صورت متقلبانه ای توسط سر معلمان اختلاس گردیده است. در یکی از ولایات دیگر، معلمان گزارش دادند که برای طی مراحل ساعات اضافه کاری شان مجبور می شدند تا 3000 افغانی پردازند.

وزارت معارف باید با پیروی از مثال هرات حرکت پرداخت معاشات معلمین را به طریقه الکترونیک به صورت وسیع مورد استفاده قرار دهند.

15.1 کنترل نقاط ضعف در تایید معلومات

از آنجایی که حفظ اسناد در سطح مکاتب هنوز بر روی کاغذ می باشد، خطراتی که از جعل معلومات و دستکاری سوابق ناشی میشود هنوز وجود دارد. معلمان زمان ورود و خروج خود را به صورت دستی ثبت میکنند و باید اسنادی از درس خود نیز حفظ کنند، اما این کار به صورت دوامدار صورت نمیگیرد. کتاب حاضری کاغذی می تواند جعل شود یا تغییر داده شود.

طوری که در بخش جمع آوری داده ها برای سیستم مدیریت معلومات معارف EMIS اشاره شد، ثبت اسناد بروی کاغذ در سطح مکاتب و ولسوالی ها صورت می گیرد، و تنها در ادارات ولایتی معلومات به طور الکترونیکی ثبت می گردد. از آنجا که تأیید معلومات توسط احصائیه گیران سیستم مدیریت معلومات معارف EMIS تنها محدود به نمونه ای از پنج درصد از مکاتب می باشد لذا احتمال اشتباه در درج تعداد شاگردان و مکاتب وجود دارد.

15.2 مکاتب، شاگردان، معلمان و برنامه های خیالی

چندین پاسخ دهنده اصلی به تیم ساحوی ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA در مورد «مکاتب خیالی که شاگردان را فارغ می دهند و اسناد شان را طی مراحل می کنند» سخن گفتند. به غیر از «مکاتب خیالی» تیم کمیته نظارت و ارزیابی در مورد «شاگردان خیالی» نیز گزارش دریافت کرده است. اینها شاگردانی هستند که از لحاظ تخنیک نام شان در حاضری می باشد ولی در صنف حاضر نیستند - گفته می شود بعضی شاگردان شان حتی در افغانستان زندگی نمی کنند. در این گونه موارد، شاگردان و یا فامیل شاگردان پول پرداخت می کنند تا بدون اینکه در صنف حاضر شوند اسم شان در حاضری وجود داشته باشد. گزارش هایی نیز وجود دارد که این شاگردان برای امتحانات شان و حتی شهادت نامه شان پول پرداخت می کنند.

طی مراحل صدور شهادت نامه یکی از پروسه های مخاطره انگیز و غیر مؤثر است. وقتی یک شاگرد از مکتب فارغ می شود، مدیر مکتب سوانح صنف دهم، یازدهم و دوازدهم اش را آماده می کند، بعداً به ریاست نتایج و تصدیق نامه های وزارت معارف در کابل می فرستد.

ریاست نتایج آنرا با نتیجه سه سال اخیرش مقایسه می کند و به ریاست تصدیق نامه های همان ریاست می فرستد. ریاست تصدیق نامه ها نتیجه سه سال اخیر را روی شهادت نامه چاپ می کند و برای امضاء نزد وزیر می فرستد. بعد از امضاء وزیر شهادت نامه ها به ریاست تصدیق نامه ها برگردانده می شوند تا به مکاتب فرستاد شوند؛ بعد از آن مکاتب شهادت نامه را به شاگردان مربوطه توزیع می کند. تمام پروسه تأیید و صدور شهادت نامه دستی است؛ هیچ جایگزین الکترونیکی برای آن ایجاد نشده است.

وزارت معارف باید به خاطر وجود زمینه های وسیع تقلب و تغییر در روند دستی کنونی، برای سیستماتیک و الکترونیکی کردن پروسه تأیید و صدور نتایج امتحانات اقدامات فوری را انجام دهد.

15.3 شواهد در باره تصدیق نامه های غلط

تصدیق نامه های غلط هم توسط ریاست تفتیش داخلی وزارت معارف و هم توسط رسانه ها شناسایی شده است. یک نمونه آن در مصاحبه کمیته نظارت و ارزیابی MEC با یک کارمند ارشد وزارت معارف در کابل فاش شده است. او توضیح داد که یک آمر مکتب در کابل در صدور تصدیقنامه های غلط در همدستی با بعضی از کارمندان ریاست نتایج و تصدیقنامه ها شریک است:

"...ما در یک مورد با شش نفر که تصدیقنامه دروغی داشتند برخوردیم و از آنها سوال هایی بسیار ساده ای را پرسیدیم. آنها حتی یک سوال را پاسخ ندادند. ما این مسئله را به معین مربوطه گزارش دادیم، اما اقداماتی انجام نشد"

کارمند رسمی در اداره تفتیش داخلی

در نتیجه این آمر مکتب گرفتار گردیده و به لوی خرنوالی تحویل داده شد. او دستگیر و سپس آزاد شد، هنوز هم مشخص نیست که چرا. این مقام وزارت معارف در مورد یکی از بستگان خود که به دنبال صدور تصدیقنامه صنف 12 نزد او آمده بود به تیم گفت، که آن شخص برای گرفتن تصدیقنامه نزد او آمد، اما او رد کرد و گفت که این کار امکان پذیر نیست. بعد تر آن اقارب نزد او آمد و گفت که در بدل 1000 دالر تصدیقنامه صنف 12 را به دست آورده است.

15.4 آسیب پذیری در تصدیقنامه نادرست

تیم ارزیابی آسیب پذیری وزارت خانه ها در مقابل فساد اداری MVCA در مورد مکاتب خصوصی و دانشگاه های خصوصی را که در بدل پول و بدون اینکه شاگرد در صنف درس حاضر شود یا در امتحان کامیاب شود تصدیقنامه صادر میکردند گزارش های مفصلی دارد. در صدور تصدیقنامه جعلی و جعل معلومات آمرین مکاتب دخالت دارند. یکی دیگر از خطراتی که در صدور تصدیقنامه های دروغین، شامل دانش آموزانی می شود که تعلیمات خود را در سایر کشورها تکمیل می کنند. مکاتب مهاجرین افغان در پاکستان و ایران نتایج خود را به اتشه وزارت معارف در کنسولگری یا سفارت افغانستان ارسال می کنند. مقامات وزارت معارف تصدیق کرده اند که تأیید و تصدیق این مأمورین دولت ضعیف و غیر قابل اعتماد است.

کمیته نظارت و ارزیابی MEC توصیه می کند که وزارت معارف پروسه امتحانات ورودی برای دانشجویانی را که از مدارس اسلامی مدرسه های پاکستان و ایران می آیند را تشدید کند، تا دیگر امکان کامیابی در امتحان ورودی توسط پرداخت رشوت به کارمند وزارت معارف موجود نباشد. این کار می تواند با حصول اطمینان از اخذ امتحان توسط سازمان ثالث صورت گیرد.

16. نظارت، ارزیابی و تفتیش

در حال حاضر نظارت بیرونی از کار وزارت معارف وجود ندارد. نظارت، ارزیابی و واحدهای تفتیش بخشی از وزارت معارف هستند، بنابراین وزارت در واقع کار خود را بررسی می کند. عدم مسولیت پذیری بیرونی، به فعالیت های فاسد اجازه رشد و شکوفایی داده است. این بزرگترین دلیل ناکارآمدی آن است.

در عرصه بین المللی معمول است که یک اداره بیرونی و یا ناظر شخص سوم وجود داشته باشد تا از تمامی فعالیت های آموزشی دولت نظارت کرده و به صورت مستقیم به دولت گزارش دهد. این نوع نظارت مستقل از معارف در سال 1993 با تشکیل دفتر استانداردهای آموزش (OFSTED) در بریتانیا آغاز شد. مدل مذکور بسیار موثر و موفق بوده و تا به حال در بسیاری از نقاط جهان مورد استفاده قرار گرفته است. نهاد های مشابه در بسیاری از سکورها وجود دارند که برای کیفیت را دنبال نموده، از معیارات حمایت نموده و برای مردم از خدمات مربوطه اطمینان بخشی میدهند.

در گام نخست این سازمان های مستقل تضمین کیفیت با متخصصین عرصه تعلیم و تربیه توأم با دستور جامع مجهز شده بودند تا آنچه را که در مکاتب اتفاق می افتاد بررسی کنند - هر مکتبی کشور به بیش از 4 الی 6 سال دورانی بررسی میگردید. این مدل در نتیجه تکرار آن در دیگر نقاط جهان پیشرفت بیشتری داده شده است.

برای مثال، در برخی از کشورهای خلیج فارس، تمام مکاتب عمومی و خصوصی همه ساله بررسی می شوند. با افزایش پیچیدگی و مهارت های این مؤسسات، برنامه های آنها نیز گسترش یافته و ارزیابی های بیرونی و تفتیش مقامات معارف ولسوالی و ولایت و در برخی موارد، کل وزارت معارف را نیز در بر گرفته است.

توصیه های عمده کمیته نظارت و ارزیابی MEC برای تقویت فعالیت های نظارتی وزارت معارف:

- تقویت بیشتر عملکرد تفتیش داخلی
- ایجاد کمیته عالی تفتیش داخلی وزارت معارف
- ایجاد اداره اعتباردهی مستقل ملی برای نهادهای آموزشی جهت تنظیم مکاتب دولتی و خصوصی.^{۹۷}
- ایجاد یک نهاد مستقل برای نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش. این اداره نباید در داخل وزارت معارف باشد، اما باید با وزارت معارف همکاری نزدیک داشته باشد. این اداره باید ظرفیت داخلی فعلی و

- گزارش دهی از عملکرد - نقاط قوت، نقاط ضعف و کمبود - را، طوری به عهده بگیرد که مشکلات آموزشی در مکاتب به درستی درک شده و مورد توجه قرار بگیرد.
- یک اداره نظارت برای تامین صداقت در استخدام معلمان



بخش C

راه پیشرو

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی
مبارزه علیه فساد اداری

17. علامات مثبت:

میزان مشکل فساد اداری در وزارت معارف عمیق بوده و برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت. برخلاف تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی در وزارتخانه های دیگر، که محکومیت مصاحبه شوندگان از میان مقامات، معلمان، والدین، شاگردان و جوانب ذیدخل دیگر تقریباً شکل عمومی را به خود گرفته است، مصاحبه شوندگان از هیچ اقدام قابل توجهی در این وزارتخانه سخن نگفته اند. بنا بر این کمیته نظارت و ارزیابی تلاش کرده است تا مناطقی را شناسایی کند که در آنها قابلیت تغییر و اصلاحات وجود دارد.

با این وجود، کمیته نظارت و ارزیابی در مورد پیشرفت های مثبت پرسیده و به اقدامات مورد نظر که حداقل، جرقه ی روشنی را در یک فضای تاریک ایجاد نماید، گوش دادند. بنابراین ما بحث در مورد راه پیش رو را در دو ریاست تعلیمی ولایات و در پروژه ها، با اقدامات آموزشی مثبت در مکاتب، میان انجمن های فعال، در برنامه های تمویل کنندگان، و آموزش معلمان زن، آغاز می کنیم.

1. مکاتب و سطح جامعه

- در مکاتب و سطح جامعه ما درباره مقاومت و ایستادگی جامعه در مقابل فساد تحقیق کرده ایم. یعنی تیم کمیته نظارت و ارزیابی همراه با اعضای کمیته مکاتب در مورد استراتژی مقابله با فساد که با آن مواجه هستند، تجربه مثبت آنها در عرصه تعلیم و تربیه، و راه های بهتری را که آنها احساس میکنند برای برنامه راه پیشرو مناسب اند، تحقیق کرده است. یافته های مذکور به شکل زیر شرح داده شده است:

مکاتب جایگزین، آموزش مبتنی بر جامعه و مکاتب خصوصی

در تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی آموزش مبتنی بر اجتماع یکی از بخش های مهم در تعلیم و تربیه شناخته شده است. مکاتب مبتنی بر اجتماع که به عنوان بخشی از کار ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارتخانه مورد ارزیابی قرار گرفته اند، در کل نسبت به مشابه دولتی خود از لحاظ کیفیت، ارتباط، انعطاف پذیری و دسترسی به تعلیم و تربیه بهتر دیده می شوند. این مکاتب معمولاً برای خدمت به جوامعی تأسیس شده اند که دولت در آنجا خدمات آموزشی ارائه نمیکند و در ماهیت خود به نیازهای جامعه پاسخگو بوده و به مشارکت و منابع جامعه وابسته هستند.

مکاتب مبتنی بر اجتماع که اغلب توسط سازمان های غیر دولتی حمایت می شوند، نظر به عوامل کلیدی ای که فساد را به حداقل می رسانند، مشارکت اجتماعی و پاسخگویی ها را اولویت بندی می کند. در حقیقت وقتی جوامع در زمینه توسعه، نگهداری و حمایت از مکاتب خود مسئولیت بیشتری داشته باشند، فرصت و وسوسه کمتری برای شیوع فساد وجود خواهد داشت. به طور مثال مدیر تعلیم تربیه یک ولسوالی اظهار داشت که «مشارکت شهروندان در کمک به مکاتب اجتماع میتواند وسیله خوبی برای جلوگیری از فساد باشد».

- در کنار مکاتب مبتنی بر اجتماع، مکاتب خصوصی مختلفی وجود دارند که نوید دهنده عرضه خدمات با کیفیت آموزشی به اجتماع بوده و در برابر فساد نیز ایستادگی می کنند. البته باید بین مکاتب خصوصی که برای مفاد کار

می کنند و مکاتب کم هزینه مبتنی بر اجتماع که حمایت مالی والدین/خانواده ها را با خود دارند، فرق گذاشته شود. این مکاتب کم هزینه حتی در جوامع کم درآمد، نیز می توانند نسبتاً قابل دسترس باشند، و موارد عدیدی که در طول تجزیه و تحلیل کمیته نظارت و ارزیابی مورد بررسی قرار گرفته، دیده شده است که این مکاتب در آموزش کودکان و خدمت به جوانان بسیار محبوب و موفق بوده است. والدین در برخی از جوامع در مورد مزیت بالقوه مکاتب خصوصی اظهار نظر نموده اند. برای مثال: گروهی از والدین اشاره کرده اند که سکوتر خصوصی در بعضی موارد نسبت به سکوتر دولتی پیشرفته تر اند، چون مکاتب خصوصی توانایی جذب بیشتر معلمان جوان با نگرش های مثبت و آگاه از روش های نوین آموزشی را دارند. بازهم، هزینه های تعلیمات خصوصی، طوریکه در اینجا نیز بحث شده است، نباید خیلی بالا باشد. طیف وسیعی از انواع مختلف تعلیمات خصوصی و مبتنی بر جامعه که از راه های مختلف (موسسات غیردولتی، موسسات بین المللی غیر دولتی، مشارکت دولتی-خصوصی، خود اجتماع و یا نوعی از ترکیب اینها) تمویل می شوند وجود دارند.

شورا ها و معلمان نقش فعالی را بازی می کنند

- هنگامی که شوراهای مکاتب فعال هستند و مشارکت دارند، می توانند در جوامع خود در ترویج و حمایت از تعلیم بسیار موثر باشند. یکی از شوراهای مکاتب بیان داشت که چگونه آنها توانستند با هم کار کنند و با والدین باشندگان محل شان ملاقات کرده و در تشویق آنها برای فرستادن دختران شان به مکاتب مؤفق بودند. در یکی از ولایات دیگر، گروهی از معلمان در مورد نقش قدرتمند و مثبت شواری مکاتب، که در جمع آوری پول برای پروژه های زیربنایی مهم مکاتب و همکاری نزدیک با خانواده های اجتماع برای تسهیل دسترسی دختران به مکتب همکار بوده اند، اشاره کردند. همینطور یک استاد در مورد شورای مکتب که به خاطر دسترسی اطفال به آب آشامیدنی صحنی و فرش مکتب همکاری زیادی کرده است اشاره نمود.
- حمایت، همکاری و هماهنگی شوراهای مکاتب در سطح وسیعتر جامعه شان می تواند به بهبود دسترسی و کیفیت تعلیم و تربیه کمک کرده و باعث کاهش فساد نیز گردد. مشارکت شوراهای مکاتب در استخدام معلمان به عنوان راهی برای کاهش فساد و افزایش شفافیت و مشارکت اجتماع در تعلیم تربیه به طور کلی توسط تعدادی از جوانب دیدخل جامعه نیز پیشنهاد شده است.

معلمان با تفکر مدنی، معلمان که معاش آنها توسط مردم پرداخت می شود و معلمان

داوطلب

- بعضی راه های دیگری نیز وجود دارد که رابطه بین مکاتب و والدین/خانواده ها را تقویت می کند، معلمان می توانند نقش مهمی را در این جریان بازی کنند. برای مثال: استادان یک مکتب گزارش دادند که آنها برای حمایت از مردم منطقه یک صندوق جمع آوری کمک های اضطراری ساخته بودند. آنها همچنین اظهار داشتند که به یک شاگرد پول کمک کرده اند تا بتواند تذکره خود را اخذ نموده و به مکتب شامل شود. همان معلمان گزارش دادند که آنها توانستند با پدر دختر معلولی که در بازار نان خشک می فروخت، ملاقات کنند و موفق شدند او را متقاعد سازند تا دخترش را به مکتب بفرستد و فعلاً او در درس هایش خیلی خوب است.

- در بعضی از جوامع دیده شده که در صورت کمبود معلم، معلمان داوطلب در مکاتب درس می دهند. در واقع، کار داوطلبانه برای بسیاری از مکاتب کم درآمد ضروری است. در بسیاری از جوامع، خانواده ها و دیگر اعضای اجتماع، برای تامین منابع و نگهداری مکاتب خود وقت، انرژی و پول خود را اهدا می کنند. چنین احساس می شود که این کار داوطلبانه در پاسخ به عدم توانایی دولت در راستای حمایت از مکاتب صورت می گیرد. با این حال، احساس کار داوطلبانه و تعامل بین اعضای اجتماع و مکاتب که از طریق اقدام داوطلبانه ارتقاء می یابد، در توسعه همبستگی و تقویت مالکیت اجتماع بر مکاتب شان بسیار ارزشمند است. بنابراین، لازم است حتی اگر زمانی که مکاتب از حمایت های بالای دولتی نیز برخوردار باشند، این حمایت ها نباید متوقف گردد.
- برای مقابله با کمبود معلمان واجد شرایط (که عمدتاً به دلیل فساد و ناکارایی در سیستم به وجود می آید) تعدادی از جوامع دست به دست هم داده اند و برای استخدام معلمینی که کمبود ها را جبران نماید، پول جمع آوری کرده اند و با آنها قرارداد بسته اند. این معلمان ناگزیر اند که برخلاف معلمانی که قراردادی وزارت معارف هستند، به طور مستقیم نسبت به اجتماعی که آنها را استخدام کرده اند و حقوق شان را پرداخت می کنند، پاسخگو باشند.
- اعضای شوراهای مکاتب در حالیکه با هم کار می کنند و از یکدیگر حمایت می کنند، می توانند نقش مهمی را در مبارزه علیه فساد نیز بازی نمایند. به عنوان مثال، یکی از مکاتب در برابر اقدامات فاسد مفتش مکتب مقاومت کرد که فقط در زمان پرداخت معاش از مکتب بازدید می کرد و به شاگردان دستور می داد تا فیس شان را جمع آوری نمایند. معلمان مکتب یک جلسه گرفتند و روی این موضوع بحث کردند، تصمیم گرفتند که به هیچ مفتشی بدون مکتوب رسمی از طرف مسئولین معارف اجازه بازدید از مکتب را ندهند.

چند مکتب برتر، معمولاً در شهرها

- تیم کمیته نظارت و ارزیابی در مورد تعدادی از مکاتب خوب و دارای مدیریت قوی شنیده بود. در شهرها این موضوع به وجود یک دانشگاه خوب در همان منطقه ارتباط میگیرد. اغلب، مدیر مکتب می دانسته که بدون کمک وزارت معارف، چگونه از تجارت، اجتماع و والدین استفاده کند تا برای مثال بازسازی های را در مکاتب انجام دهد. در یکی از موارد مدیر مکتب با وظیفه شناسی و نظارت زیاد در مورد جذب کمک های بیرونی برای مکتب و مشوره دادن به مردم تلاش مینمود. در مورد دیگر، سر معلم یک مکتب دخترانه اظهار داشت اگر آنها مشکلی داشته باشند، به شورای محل زنگ میزنند، مشکل شان حل میشود.
- تیم کمیته نظارت و ارزیابی در مورد چندین مثال مشابه در مناطق روستایی یعنی از مناطقی که همیشه مردم محل از مکاتب شان حمایت میکردند نیز گزارش دریافت کرده بود.

راه های بهتر برای استخدام معلمان اناث

- جوامع مختلف به خصوص مناطق روستا نشین و مناطقی که رسیدگی به آنها دشوار است، با چالش های زیادی در این زمینه مواجه اند چون اکثریت معلمان اناث که از دارالمعلمین ها و یا مراکز آموزش معلمان فارغ می شوند، مربوط به آن جامعه نمیباشند (و به همین منظور،

اجازه ندارند، و یا نمی خواهند در یک قریه دیگر به دور از خانه و خانواده های شان کار کنند). در بعضی موارد، فارغین مراکز تربیه معلم نمیخواهند دوباره به مناطق خود شان برگردند چون به زندگی شهری عادت کرده و خود را عیار ساخته اند. اما، در قریه جاتی که مکاتب متوسطه دخترانه وجود دارد، تعداد فارغین صنوف دوازده زیاد است که سرانجام می توانند آموزش دیده و منحیث معلم به قریه جات شان برگردند، اما به شرطی که دولت این نظریه را تأیید و مورد حمایت خویش قرار بدهد. گفته می شود که در قریه جات یکی از ولایات به معلمین اناث کمبود جدی احساس می شود اما تعداد فارغین اناث از صنوف دوازدهم هم زیاد است و می توانند منحیث معلم در قریه خود و قریه های همسایه شان استخدام شوند.

- در کنار تحقیقات کمیته نظارت و ارزیابی در اجتماع مکاتب، کمیته ناروی برای افغانستان در ارزیابی یک اقدام ابتکاری در مورد تربیه معلم در ولایت بلخ نیز دخیل بود. برنامه آموزش تربیه اناث (FTEP) به منظور رسیدگی به نیازمندی ها در راستای استخدام، آموزش و گمارش دختران و زنان جوان منحیث معلمین در قریه جات و مناطق دور دست ایجاد شده بود. این برنامه چهار ساله (دو سال آموزش و دو سال خدمات عملی بحیث معلم) توسط مؤسسات غیر حکومتی بین المللی و ماموریت معاونت بین المللی (IAM) حمایت می شود.

برنامه تربیه معلمین اناث 15 زن جوان را (که هنگام استخدام مصروف فراگیری درس و تعلیم در صنوف 8 الی 9 بودند) از قریه جات روستا نشین استخدام کرد و فرصت های ادامه تحصیل (تا صنف دوازده) و فراگیری آموزش تربیه معلم را نیز برای آنها فراهم ساخت. این برنامه در جریان آموزش و گمارش این زنان جوان در قریه جات و محلات شان، با همان جوامع، وزارت معارف، مدیریت های معارف ولسوالی ها و ریاست معارف ولایت در کابل کار کرده و از حقوق شان نیز دفاع نموده است تا اطمینان حاصل کنند که این زنان جوان به واقعیت می توانند منحیث معلمین دولتی در مناطق شان استخدام شوند. ارزیابی برنامه تربیه معلمین اناث نشان داده است که این برنامه به گونه وسیع در آموزش و گمارش این زنان منحیث معلم در محلات شان موثر تمام شده و از 15 تن، 11 تن از آنها دوباره به مکاتب

شان برگشته و با قرارداد های دولتی و بدون پرداخت رشوه و استفاده از واسطه برای رسیدن به این موقف، مصروف ایفای وظیفه اند.

- مردم و اجتماع از این معلمین و دانش و مهارت های شان در مکتب راضی اند. این یک برنامه کوچک و در عین زمان پر هزینه می باشد که به نیروی کاری و زمان بیشتر نیاز دارد اما ثابت شده است که امکان تطبیق آن وجود دارد و در مبارزه با فساد اداری و دیگر چالش های موجود در جامعه ای که به دلیل وجود ارزش های محافظه کارانه اکثر زنان ر از تدریس در جامعه شان باز نگهداشته است، مفید بوده است. با استخدام معلمینی از این دست در دیگر مناطق افغانستان، با در نظر داشت وضعیت فعلی، موفقیت این برنامه 77 فیصد تضمین میگردد.

2. ریاست های تربیه معلم در ولایات

با وجود کشمکش ها با وزارت معارف در کابل، نشانه هایی وجود دارند که نشان میدهد ریاست های تربیه معلم در ولایات فعال بوده و تغییرات زیادی را بوجود آورده است. دریافت های تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارت خانه نشان میدهد که در یک ولایت بزرگ چون هرات و ولایت کوچک چون پنجشیر، ریاست های تربیه معلم ولایتی وظایف شانرا به گونه موثر انجام میدهند و فیصدی کم مشکلاتی چون فساد اداری را تجربه میکنند.

یقیناً اگر مقاصد و نتایج پیشنهادی توسط برنامه ملی میثاق شهروندی و پلان سوم استراتژیک ملی معارف در نظر گرفته شوند، میتواند باعث راه اندازی برنامه های ظرفیت سازی و توانمند سازی در محلات کابل و ولایات گردد.

3. برنامه های تمویل کنندگان

اداره کمک های بین المللی ایالات متحده و ابتکار فعالیت ارتقای ظرفیت

بهترین ابتکار برای کاهش فساد اداری که کمیته نظارت و ارزیابی از آن در بخش تعلیم و تربیه آگاه است، ابتکار فعالیت ارتقای ظرفیت، که یک پروژه ظرفیت سازی در سکتور تعلیم و تربیه است که از طرف اداره کمک های بین المللی ایالات متحده حمایت میشود، میباشد.

ابتکار فعالیت ارتقای ظرفیت یک پروژه جدید است که در ختم سال 2017 به کمک مالی اداره بین المللی کمک های ایالات متحده آغاز میگردد و تطبیق آن به عهده اداره Chemonics می باشد. هدف این برنامه رسیدگی به بسیاری از نگرانی هایی است که در گذشته ها باعث سکتگی در ابتکارات در عرضه کمک های بین المللی به سکتور تعلیم و تربیه شده اند. شرح این پروژه ساحه های نگرانی عمده ای را خاطر نشان می نماید که این پروژه 5 ساله، 25 ملیون دالری، با آن مواجه میگردد. مدیریت ابتکار فعالیت ارتقای ظرفیت به شکل متمرکز طراحی شده است، اما به شکل ولایت محور در 5 ولایت بلخ، بامیان، بادغیس، کندهار و پکتیا عملی میشود. میان ساحات عمده مورد هدف و نتایج قابل پیش بینی در پروژه فعالیت ارتقای ظرفیت و همچنان یافته ها و توصیه های تیم ارزیابی آسیب پذیری فساد اداری در سطح وزارتخانه همخوانی قابل توجهی وجود دارد.

پنج ساحه عمده مورد هدف ابتکار فعالیت ارتقای ظرفیت قرار ذیل است:

مدیریت منابع بشری: ایجاد سیستم ها و طرز العمل های قدرتمند منابع بشری، تا مصاحبه ها در سکتور تعلیم و تربیه بر اساس شایستگی از طریق پروسه شفاف استخدام صورت گیرد و خالی از جانبداری و پنهان کاری باشد، که از خصوصیات بارز سیستم موجود می باشد.

لست معاشات: تغییر پرداخت معاشات بر اساس پول نقد که در مقابل دزدی و رشوت بسیار آسیب پذیر می باشد. پلان اینست که با شرکای تجارتي چون شرکت های مخابراتی و بانک ها کار شود تا یک سیستم بدون استفاده از پول نقد برای پرداخت مزد یا معاشات کارمندان ولایتی وزارت معارف به خصوص معلمین ایجاد شود.

مالیه: برای ساده سازی طرز العمل های مالی و انکشاف مسئولیت های بودجه سازی به سطح ولایات، تا حدی که ظرفیت های محلی ایجاب می نماید. این کار با استفاده از بهترین علمکرد های بین المللی امکان پذیر است که در پلان سوم انکشاف ملی معارف برای راه اندازی برنامه های توانمند سازی و مسئولیت پذیری در صورت موجودیت ظرفیت محلی با مثال نشان داده شده است.

سیستم معلوماتی معارف: تائید معلوماتی که در سیستم الکترونیک وارد می شوند.

توانمند سازی جامعه مدنی: ارتقای ظرفیت جامعه محلی تا اعتماد به نفس و دیدگاه های مسلکی شان بالا برود تا بتوانند مسئولیت پذیری کارمندان وزارت معارف را در سطح مکاتب، ولایات و ولسوالی ها بالا ببرد. برنامه توانمند سازی اجتماعی یکی از عناصر کلیدی بلند بردن معیار های تعلیمی بوه، یکی از اشکال تجارب مثبت بین المللی است و همچنان یک ابزار قوی برای ارائه نظریات والدین و مردم محل در مورد مکاتب است، در این حالت، از طریق تقویت شوراهای مکاتب و شوراهای انکشافی محل صورت.

4. پروژه ها

در جریان جمع آوری معلومات برای اجرای این تحقیق، اعلان شد که مسئولیت تدارکات از وزارت معارف گرفته شده و به اداره ملی تدارکات سپرده شده است. انتقال فعالیت های بزرگ تدارکاتی به اداره ملی تدارکات نباید یک راه حل برای تمام مشکلات پنداشته شود. بسیاری از مشکلات تدارکاتی که در گذشته های نزدیک به وجود آمده اند، که به پروژه ایکویپ حتی ارتباط کمی هم نمیگیرد، به دلیل قرارداد های بزرگ ساختمانی با مدیریت و برنامه ریزی متمرکز به وجود آمده است. اما این حد اقل ثبوتی است برای اصلاحات در سکتور ساختمانی مکاتب، که با فساد اداری آلوده است.

طوریکه در تحلیل دیده می شود، بسیاری از قرارداد های موفق ساختمانی از طریق قرارداد های کوچکی به شکل محلی مدیریت شده اند، که از نزدیک توسط نهاد های موسسات بین المللی غیر حکومتی و ریاست های ولایات در ساحه مورد نظارت قرار گرفته اند. یکی از مشکلات عمده پروژه های ساختمانی روش طراحی یکسان همه مکاتب می باشد که تطبیق آنها با ساختار منطقه و محلی که باید در آن ساخته شوند، مطابقت ندارند. به این معنا که، به طور مثال، به عوض برنامه ریزی اعمار تعمیر های چندین منزله برای مکاتب در مناطق روستایی، جائیکه زمین کافی وجود دارد، ساختمان های یک منزله مناسب تر خواهد بود، در حالیکه ساختمان های چندین منزله در مناطق شهری مزدحم که جایی کمی دارند بسیار مناسب تر است. نمونه های طراحی مکاتب باید همراه با رهنمود های محلی سازی بیشتر باشد، که شامل در نظر گرفتن استفاده از مواد موجود در محل (به عوض مواد وارد شده قیمتی)، هنر و طرح های سنتی محلی، خصوصیات اراضی محل و ساحه می گردد، که همه اینها خطرات سیلاب و زلزله ها، محافظت از طوفان های شدید، و عناصر محلی شده که موثر بر روشنی، گرمی و سردی محل است، را در نظر گرفته باشد.

18. نتیجه‌گیری و گام بعدی

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری آسیب‌پذیری‌های مربوط به فساد در وزارت معارف را عمیقاً مورد بررسی قرار داده است. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری با بسیاری از معلمان، سرمعلمان، مدیران مکتب، اعضای شورای مکتب، آموزگاران معلم، مقامات وزارت معارف در سطوح مرکزی، ولایتی و ولسوالی، تمویل‌کنندگان و سایر سهامداران، و بسیاری از والدین و دانش‌آموزان گفتگو نموده است. در مجموع، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری به تعداد 542 مصاحبه‌ها و 160 بحث‌های گروهی متمرکز را در کابل، در ولایات بدخشان، بلخ، فاریاب، غزنی، هرات، خوست، بامیان، پنجشیر و ننگرهار در 138 مکتب انجام داده است. همه اشتراک‌کننده‌ها آزادانه وقت خود را صرف نمودند و مشتاق بودند تا در راستای این تحقیق کمک کنند؛ زیرا آنها واضح بیان نمودند که تعلیم و تربیه برای آینده‌ای خانواده‌هایشان و افغانستان ضروری می‌باشد.

این تحقیق آسیب‌پذیری‌های فساد، برداشت‌ها و تجارب مردم در رابطه به فساد را مورد بررسی قرار می‌دهد، نه پرونده‌های فساد واقعی را. هدف از این بررسی طبق این روش برای آنست تا تصویری واضحی از آسیب‌پذیرترین مکان فساد اداری و اینکه فساد به طور عام چگونه بخش معارف را و به طور خاص محیط مکاتب را آسیب‌پذیر می‌سازد، ارائه نماید و متعاقباً با تهیه توصیه‌ها تلاش می‌ورزد تا سیستم آموزشی را تقویت نموده و میزان آسیب‌پذیری فساد را کاهش دهد. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری از روش‌های کیفی و کمی ترکیبی به شمول روش مثلث‌بندی منظم استفاده کرده است تا از ورود اطلاعات غلط و نادرست جلوگیری شود.

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری موارد ذیل را استنتاج میکند:

1. آسیب‌پذیری اصلی به فساد

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری تمام مصاحبه‌ها را با توجه به 36 نوع شناسی خاص آسیب‌پذیری در برابر فساد در بخش معارف مورد بررسی قرار داد. این آسیب‌پذیری‌ها موضوعات مرتبط به مکتب را از قبیل دادن رشوه برای تأیید تصدیق نامه‌های مکتب تا مسائل مربوط به سطح وزارت‌خانه از قبیل فساد در اعمار مکتب و توزیع کتاب‌های درسی را دربر می‌گیرد. اکثر این آسیب‌پذیری‌ها که در واقع در نظام معارف افغانستان وجود دارد توسط کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری کشف شد. اما یک آسیب‌پذیری در برابر ویژه: استخدام معلمان بر اساس زور و یا خویش‌خوری (جانب‌داری)، نه بر اساس شایسته‌سالاری، به عنوان وسیع‌ترین نوع آن شناخته شد، که پروسه استخدام معلم بطور چشمگیری فاسد به نظر می‌رسد. این مسئله برای آموزش و پرورش دانشجویان در کشور بسیار مضر به شمار می‌رود.

2. استخدام معلمین مملو از فساد بیشمار است

- i. به احتمال زیاد جدی ترین فساد در وزارت معارف مربوط به استخدام معلمان میگردد، زیرا بیشتر استخدام ها به جای شایسته سالاری بر اساس زور غیرمستقیم کسانی که در قدرت هستند و یا از طریق رشوه ستانی انجام می شود.
- ii. این نوع فسادها بطور گسترده به چشم می خورد و به نظر می رسد که به یک نورم عادی در داخل وزارت تبدیل شده است. وزارت معارف یا اینکه این عمل را پنهان میکند و یا اینکه نمی تواند از آن جلوگیری کند. بسیاری از مصاحبه شوندگان کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری را به چالش کشانیدند که یک معلمی را از میان هزاران معلم در شهرها و جوامع سراسر کشور پیدا کنید که واقعاً بر اساس شایسته سالاری استخدام شده باشد. این بدان معنی نیست که تمام پروسه های استخدام معلمین فساد آلود است، ولی این برداشت های منفی کسانی است که در داخل محیط مکتب میباشند که موجب فرسایش اعتماد به دولت می شوند.
- iii. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری نمونه های فراوانی که در آن پروسه ای امتحان رسمی معلمان مورد سوء استفاده قرار گرفته را در اختیار خویش درآورده است.
- iv. مشکلات مرتبط که از تأثیرات فساد آلود استخدام معلمان ناشی می شود توسط بسیاری از مصاحبه شونده ها ارائه شده است، وجود دارد: معلمانی که هر روز پنجشنبه و یا دیگر روزهای هفته هیچ حاضر نمی شوند و یا ناپدید هستند، معلمان که شایستگی تدریس مضمون را ندارند، معلمان که منفک نمیشوند و نه مجازات رسمی میشوند، معلمان کهن سال که مدت ها قبل از دوره تقاعد شان تیر شده ولی موجود هستند، در حالی که معلمان جوان بی وظیفه بسر میبرند، معلمان نیازهای خانه های خویش را از طریق دانش آموزان مرفوع میسازند، معلمان از دانش آموزان برای «درس های اضافی» تقاضای پرداخت پول جهت کامیاب شدن در امتحانات، و غیره میکنند.
- v. میزان جانبداری در استخدام معلمان و نتیجه کیفیت پایین تدریس به اندازه ای است که آموزش و پرورش فرزندان کشور تضعیف شده است.
- vi. نتیجه ثانوی میزان آسیب پذیری فساد در استخدام معلمان این است که کودکان از آوان طفولیت یاد می گیرند که فساد بخشی اجتناب ناپذیر از زندگی است. در واقعیت، این نباید به بخشی از فرهنگ افغانستان تبدیل گردد و این پدیده برای آینده افغانستان زیان آور است.
- vii. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری اینرا میداند که وزارت معارف از این مشکل آگاه است و متعهد است تا شفافیت بیشتری در روند استخدام معلمان و افزایش حسابدهی ایجاد کند. به عنوان مثال، وزارت معارف در تلاش است تا نقش مکتب و جامعه را در روند استخدام تقویت بخشد. به همین ترتیب، وزارت در تلاش آماده سازی روش شفاف استخدام است که وظیفه معلمان را به اساس مضمون مورد نیاز شان دسته بندی میکند. به عنوان مثال، برای شناسایی نیازهای معلمان ریاضی در هر مکتب، تنها کاندیدان معین شده ای مضمون خاص در

امتحان شرکت خواهند کرد. با این وجود، پروسه استخدام در ریاست معارف ولایت انجام می شود. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری معتقد است، باوجودیکه این اقدامات قابل ستایش هستند، ولی به اندازه کافی قوی نیستند و نه به اندازه کافی محلی هستند، تا تأثیر نتیجه بخش بر استخدام معلمان داشته باشند.

3. چنین وزارتخانه ای بزرگ و پیچیده همیشه به سطح بالایی از فساد آسیب پذیر خواهد بود؛ باید اندازه و محدوده‌ای آن کاهش داده شود

این وزارتخانه بزرگترین استخدام کننده ملکی در کشور است که 262,000 کارمند و یا 68 درصد از کارمندان خدمات ملکی را استخدام نموده است. به همین ترتیب، این امر به طور ناگهانی برای کسانی که مایل به پیدا کردن وظیفه‌ای برای دوستان، بستگان، همکاران و فرزندان همکاران خود است، به یک هدف اصلی تبدیل می شود.

i. این وزارتخانه از میزان پیچیدگی خویش برخوردار است و تقریباً غیرممکن است که مدیریت شود، و این عدم مدیریت، عامل اصلی فرصت های زیاد برای فساد است. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری معتقد است که باید اقدامات متعددی برای کاهش وسعت وزارت به اندازه متعارفی که رسیدگی به مسائل مربوط به پالیسی‌ها (خط‌مشی) نماید، نه کارهای روزمره نظم دادن مکتب. این به آسیب پذیری های فساد کمک می کند تا راحت تر مدیریت شوند.

ii. این وظیفه‌ای کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری نیست تا بررسی سازمانی (ساختاری) از وزارت معارف نماید، و کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری یک بررسی سیستماتیک و منظم را درین خصوص انجام نداده است. با این وجود، در طی این بررسی و به عنوان یک فرآورده بررسی، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری چندین عواملی را شناسایی کرده است که اگر از وزارتخانه برطرف شوند، آنها را جهت اجراءات بهتر با فساد کمتر هدایت میکند. این می تواند شامل استخدام معلمان، دارالمعلمین ها، ساختن مکاتب، آموزش های تخنیکی و فنی حرفوی و نظارت و ارزیابی باشد. برخی از این مسئولیت ها می تواند غیر متمرکز شده و به جوامع و مکاتب به عنوان یک عنصر جامع میثاق ملی شهروندی جدید سپرده شود.

iii. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری نیز اذعان می کند که سایر عوامل از رویکرد بازار محور، به عنوان روشی برای کاهش فساد بیشتر بهره میبرند. تولید و توزیع کتاب ها واضحترین مثال آن است. علی‌الرغم تلاش های متعدد در زمینه اصلاحات، با حمایت گسترده از سوی تمویل کنندگان، دریچه‌ای آسیب پذیری فساد در تولید به خصوص در انتشار کتاب های درسی، مثل همیشه باز به نظر می رسد. در بسیاری از نقاط کشور به عنوان بخشی از این بازیابی دیده شده است که به دلیل فقدان کتاب های درسی رسمی، سیستم بازار غیر رسمی در حال حاضر فعالیت می کند.

iv. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری شماری اندکی "روزنه امید" را در سیستم مکتب پیدا نمود. بعضی از مکاتب وجود داشت که مدیران و / یا جامعه موفق به پیشبرد مکتب با معلمان

خوب و فساد کم بودند. مواردی که از سوی کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری مشاهده گردید، معمولاً ناشی از کمک های والدین جهت تدارک معلمان خوب و مواد آموزشی مکتب بوده است. علاوه بر این، والدین و جوامع هم مکاتب جامعه محور را در مناطق روستایی و هم برخی از مکاتب خصوصی ارزان را در شهر ها مطلوب می دانند. آنها این مکاتب را به عنوان مکاتب موثر با معلمان خوب و فساد کم می شمارند. علاوه بر تشویق چنین مکاتب، راه حل های مبتنی بر جامعه و مشارکت مکاتب دولتی و خصوصی راه حل دیگری برای کاهش وسعت سیستم وزارت معارف می باشد. دولت همچنین می تواند از الگوهای خوب که این مکاتب نشان می دهد بیاموزد و از این دانش برای تغییرات مثبت در نظام معارف دولتی استفاده کند.

v. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری از گزارشاتی آگاه است که آموزش مبتنی بر جامعه می تواند به مراتب پرهزینه تر^{۹۸} و باعث مشکلات تهیه وجه دوجانبه این مکاتب گردد. با این وجود، بحث این است که آنها منفعت زیادی را از لحاظ موقف محلی بدست می آورند. این ساحه ای است که در آن تمرکز و تأمین مالی توسط همکاران توسعه بسیار مثبت خواهد بود.

vi. یکی از جنبه های مهم عدم مدیریت در وزارت معارف عبارت از نیاز دسترسی به حجم زیادی از داده های (معلومات) دقیق می باشد، یک سکتوری که اکثر کارمندان آن کمپیوتر ندارند و سواد کافی برای استفاده فناوری اطلاعاتی را ندارند. اینجا مسئله، موضوع تمویل و آموزش نبوده؛ بلکه بسیاری از کارمندان عدم علاقمندی خود را نسبت به سیستم های فناوری اطلاعات نشان می دهند، و این امر توانایی آنها در تاثیر گذاری بر نتایج را کاهش می دهد. شرح نادرست داده ها در سیستم مدیریت و اطلاعات معارف (EMIS)، واضح ترین شواهد آن می باشد که تحقیق USAID در سال 2016 نشان می دهد که ناهمخوانی داده ها 12٪ می باشد. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری یک بررسی کوچکی را براساس داده های مربوط به اکثر 138 مکاتب که با آن سروکار داشت را راه اندازی کرد و دریافت نمود که ناهمخوانی داده ها با هم یکسان بودند. مشکل مشابه در لیست معاشات و حقوق وجود دارد.

vii. بعضی از ادارات ولایتی و مدیریت مکتب مربوطه به نظر می رسیدند که برای سال ها به طور گستره فاسد بوده اند. این نیاز دارد تا مجدداً راه اندازی گردد و به عنوان بخشی از اعضای جدید ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج (CBR) اصلاح شوند، و یا اینکه شخص جدید ارتقاء ظرفیت مبتنی بر نتایج انجام کار را دشوار دیده و ناگزیر طبق معیارات گذشته ادامه می دهد.

viii. به همین ترتیب، به نظر میرسد که بخش های از وزارت معارف بی نهایت فاسد اند. چنین نهادها باید بسته شوند و توجه بعدی برای احیای مجدد جایگزین اصلاح شده ای آن صورت بگیرد. یکی از مثال های که به طور مکرر به تیم کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری داده شد عبارت از اجرای برنامه سواد آموزی بزرگسالان در ولایات بود.

ix. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری از نظارت سازمان فعلی وزارت معارف توسط بنیاد آسیا (The Asia Foundation) آگاه است. با این حال، تا جایی که کمیته مستقل

مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توانست از کسانی که با این بررسی سروکار دارند اطمینان حاصل کند، ولی متمرکز به کاهش اندازه و وسعت برای بهبود مدیریتی و کنترل معارف نمیباشد.

4. میزان شدید نفوذ جانبدارانه بر معلمان و کارمندان وجود دارد.

تا اینکه این نفوذ از بین نرود یا به طور چشمگیری محدود نشود، دشوار است تا شاهد بهبود در آسیب پذیری فساد چگونگی استخدام معلمان باشیم. از سوی رهبریت وزارت معارف ذریعه فرمان ریاست جمهوری، توسط والیان ولایات و نمایندگان پارلمان، باید عمل قطعانه صورت گیرد. به طور خاص، نفوذ نمایندگان پارلمان در پروسه استخدام به میزان بیشتری نسبت به نقش مجاز خدمات شان دیده میشود.

5. نصاب تعلیمی مکتب بیش از حد جامع است، که منجر به آسیب پذیری فساد می شود، زیرا معلمان سعی می کنند تا از طریق امتحان کانکور دانش آموزان غیر آماده را جذب کنند

هیچ پیشنهادی از سوی کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری وجود ندارد که دلالت به آن کند که نصاب درسی و پروسه انکشاف نصاب تعلیمی فاسد بوده است. در عوض، آنچه کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری مشاهده کرده است این است که نصاب تعلیمی جامع، توأم با کوتاه ترین فرصت و اوقات مکتب در هر نقطه از جهان، منجر به فشار بر معلمان و مدیریت مکتب می شود که آنها را مجبور به فساد میکند تا دانش آموزان را از طریق امتحان کانکور جذب کنند.

i. این فشار شامل تدریس بسیاری از مضامین، با چندتن از معلمی که قادر به پیشبرد مضمون هستند؛ و مواد درسی بیش از حدی که قابل دسترس هستند، میگردد. در نتیجه، آسیب پذیری در برابر فساد واقعی بمیان میاید، زیرا معلمان دانش آموزان غیرآماده را از طریق امتحان جذب میکنند. معلمان گزارش دادند که غالباً تنهاترین روش که آنها انجام میدهند اختیار نمودن روش های نامناسب، از قبیل پیشاپیش توزیع اوراق امتحان، گزینش و انتخاب آنچه که تدریس میکنند، بلند بردن نمرات امتحانات، و غیره میباشد. این کارها به راحتی منجر به فعالیت های فاسد می شود.

ii. این مسئله حتی بدون در نظر داشت معلمان که شایسته نیستند به علت آسیب پذیری های استخدام که قبلاً مورد بحث قرار گرفته بود، من حیث یک مشکل باقی خواهد ماند.

این از حیطه ای صلاحیت کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری نمیباشد تا نصاب تعلیمی را مورد بررسی قرار دهد. اما کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری چنین اظهار میکند که کاهش وسعت و محدوده ای نصاب تعلیمی - با انتخاب هر شیوه ای که کارشناسان تعلیمی وزارت معارف می ترجیع میدهند - بهترین تاثیر را در کاهش آسیب پذیری در برابر فساد در سطح مکتب خواهد داشت.

iii. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری میداند که وزارت معارف دیدگاه مشابهی را در مورد محدوده‌ای بیش از حد جامع نصاب تعلیمی را به اشتراک میگذارد. وزارت معارف، احتمال افزایش شمار ساعات درسی را غیرواقعی می‌داند. وزارت معارف همچنین تأیید می‌کند که کاهش شمار مضامین زمان بیشتری را برای اساتید مهیاء میکند تا آنها خود را برای اخذ امتحان آماده سازند. بر این اساس، کاهش قابل ملاحظه‌ای محدوده‌ای نصاب تعلیمی، عملی‌ترین راه برای کاهش خطرات ناشی از آن محسوب می‌گردد.

6. به نظر می‌رسد که تعداد اندکی از مقامات اصلاح طلب در داخل وزارت معارف وجود دارند که تمایل دارند ویا قادر به آوردن اصلاحات در وزارت معارف هستند

تیم کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری از تمام مصاحبه‌شونده‌های مربوطه پرسید تا در مورد اینکه آیا افراد یا گروه‌های اصلاح طلب در وزارت معارف وجود دارد و میزان نفوذ آنها چه اندازه است، بحث نمایند.

- i. پاسخ آن بود که چنین افراد به تعداد محدودی در سلسله مراتب وزارت معارف وجود دارند. تعدادی این افراد شناسایی شده کمتر از آنچه که کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری در بررسی هایش در سایر وزارت‌خانه‌ها شناسایی نموده بود، میباشد.
- ii. از سوی دیگر، یک پاسخ که در بین مصاحبه‌شونده‌ها معمول بود این بود که اگر مقامات ارشد به طور واضح به اصلاحات در برابر فساد متعهد باشند، بسیاری از مردم برای پشتیبانی از اصلاحات آماده هستند.
- iii. از نقطه نظر تیوریک و عملی، بطور عموم سه عنصر برای حل پارادوکس (تناقض) چگونگی روی صحنه آوری عناصر اصلاح طلب در داخل سازمان برای اصلاح نمودن سازمان‌های بزرگ وجود دارد.
 - اول، یکجا سازی افراد ارشد ژرف‌نگر که آشکارا متعهد به اصلاحات باشند؛ و چنین توده‌ای ژرف‌نگر در حال حاضر در وزارت معارف بنظر نمیرسد.
 - دوم داشتن یک هدف قدرتمند که دارای مقاصد بسیار روشن باشد، و از سوی رهبری در هر جای بر آن تأکید شود و هر کس - به شمول کارمندان و شهروندان - بتواند در اطراف آن بسیج شود. در حال حاضر چنین نیروی محرکه‌ای وجود ندارد.
 - عنصر سوم این است که در داخل سازمان باید ساختارهایی وجود داشته باشد که فعالیتهای اصلاحی را به اجرا درآورد و ساختارهایی که کسانی را که متمایل به پیشرفت هستند به صورت رسمی یا غیررسمی پاداش دهند. پیشنهادات در خصوص این موضوع در بخش بعدی صورت می‌گیرد.

7. انفصال جدی میان فارغین جدید و شکاف‌های واضح تدریسی احتمالاً از جمله عامل بزرگ فساد بشمار میرود

- (i) 75٪ از فارغین دارالمعلمین قادر به دریافت کار به حیث معلم نیستند.
- (ii) وزارت معارف از این مشکل آگاه است. به عنوان مثال، وزارت معارف قصد دارد از دارالمعلمین ها نظارت کند تا اینکه معلمان بهتر فارغ دهد، ترجیح به استخدام فارغین 14 پاس، لیسانس و بالاتر از آن دهد، و در مناطقی که فارغین 14 پاس نباشند، بتواند فارغین 12 پاس را نیز استخدام کند. با این وجود، واقعیت اساسی که فساد باعث ایجاد بخش قابل توجهی این بیکاری گردیده است، باید به طور مستقیم بیشتر مورد توجه قرار گیرد.
- (iii) انفصال بزرگی که بین فارغین جدید و اماکن تدریس وجود دارد به هیچ وجه بطور اساسی مورد غور قرار نگرفته است. در حالی که وزارت معارف اقدامات خاصی را میتواند اتخاذ کند، مثلاً پوهنتون‌های تعلیم و تربیه و پوهنحی‌های تعلیم و تربیه باید بیشتر به نیازهای آموزشی معلم در کشور پاسخگو باشند، فلذا ضرورت مبرم احساس میشود تا ارتباط قوی میان دارالمعلمین ها، پوهنتون ها و بازار محلی کار در ولایات که آنها مستقر هستند ایجاد شود تا اینکه دانش و تعلیم جدید فارغین به هدر نرود.
- (iv) به همین ترتیب، نیاز است که در هماهنگی میان وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی برنامه‌های استراتژیک راه انداز گردد تا ظرفیت حرفه‌ای معلمان را مطابق به الزامات در هماهنگی با سیستم‌های حمایتی که در حال حاضر در حال توسعه هستند، به ویژه "چارچوب مهارت برای معلمان در افغانستان" بلند ببرند.
- (v) فراهم آوری فرصت نیمه هفته برای یک سال در یکی از مکاتب برای دانش آموزان دارالمعلمین ها طوریکه موازاً مصروف درس خویش در دارالمعلمین باشند، نیروی کاری معلمان را با هزینه کم افزایش می دهد؛ همچنین مهارت‌های آماده سازی به کار را برای فارغین بهبود می بخشد و به کاهش فساد که در حال حاضر در استخدام معلمان به اوج رسیده، کمک می کند. وزارت معارف خط‌مشی جدیدی را برای تقویت و گسترش ظرفیت چنین تعلیمات داخل خدمت روی دست دارد.

8. سیستم‌های نظارت، تفتیش و بازبینی غیر موثر و یا ناقص هستند

تمام سازمان ها نیاز به سطوح مختلف سیستم ها دارد تا آنها را کنترل کند، از قبیل سیستم های اطلاعات و کنترل، سیستم های نظارت و بازبینی مستقل.

- i) وزارت معارف قابلیت نظارت و ارزیابی را جهت بررسی کیفیت تخریکی رساندن آموزشی دارا میباشد، اما این ناچیز، داخلی و دارای منابع پائین است. کشور های دیگر دارای سازمان های خارجی جهت بازرسی و حمایت معیارات آموزشی هستند که کاملاً مستقل از وزارت معارف میباشند.
- ii) به همین ترتیب، یک اداره تفتیش داخلی در وزارت معارف وجود دارد، اما آن کارآمد نیست و از پروسه ها و فعالیت های فاسد جلوگیری نمی کند.
- iii) یگانه ساختار نظارت خارجی، که از سوی اداره عالی تفتیش گزارش میدهد، موثر بنظر نمیرسد.

9. آسیب پذیری های مربوط به جنسیت

از سال 2002 بدینسو، در عرصه توانمندسازی دختران و زنان در افغانستان، از لحاظ افزایش فرصت های مشارکت به آنها در عرصه فعالیت های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، پیشرفت های صورت گرفته است. تعداد زیادی دختران در مکتب، معلمان زن و دانش آموزان زن در دارالمعلمین ها وجود دارد. با این وجود، آزار و اذیت جنسی در محل کار و اشباع غرایز جنسی در مقابل تصدیق نامه های مکتب، انکشاف حرفوی و غیره گزارش میشود که به شکل گستردهای آن وجود دارد. این فساد، بدتر از گرفتن رشوه است.

فقدان تمایل و یا علاقه سیاسی در وزارت معارف برای پذیرش زنان در موقف های رهبری وجود دارد که در واقع برای حل این مشکل مهم پنداشته میشود.

10. سیستم مدیریت معلومات معارف

مشکلات سیستم مدیریت معلومات معارف آشکار است و تلاش های زیادی قبلاً صورت گرفته است تا سیستم مذکور و جمع آوری معلومات بهبود یابد. کمیته نظارت و ارزیابی از تحلیل خویش استفاده نمود تا معاینه ی نمونه یی سیستم مدیریت معلومات معارف را در زمینه معلومات ثبت نام و حاضری در 88 مکتب انجام دهد. نتایج نشان داد که سیستم مدیریت معلومات معارف در زمینه ثبت نام متعلمین، با تفاوت حدود 2 در صد، دقیق است.

با وجود این، کمیته نظارت و ارزیابی همچنان به مقایسه معلومات واقعی حاضری برای چهار سال (1392 الی 1395) با معلومات سیستم مدیریت معلومات پرداخت. اینجا نتایج نشان داد که سیستم مدیریت معلومات در مورد حاضری شاگردان در 88 مکتب، به شکل اوسط تخمین 23 در صد بالا نموده است، بدون هیچ روند پیشرفت. کمیته نظارت و ارزیابی، تکثیر نتایج مذکور را به سطح ملی پیشنهاد نمی نماید: مقدار نمونه شاید بسیار کوچک باشد. اما نتایج نشانگر نیاز برای تخمین بهتر معلومات حاضری شاگردان است، مانند تخمین های دو بار در سال به عوض تخمین های یک ساله، به شکلی که فعلاً جریان دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری در برابر فساد در نظام معارف افغانستان عمیق شده است که تعلیم و تربیه کودکان افغان را، اعتماد مردم عام در قبال خدمات اساسی دولت و دستاوردهای سال‌های گذشته را در معرض خطر شدید قرار می‌دهد.

پیچیدگی وزارت، عمق مسائل مربوط به فساد و مداخلات سیاسی تاریخی مانع توسعه رهبری موثر در وزارت معارف می‌شود تا اینکه بتواند با صداقت و یکپارچگی عمل کند. جلالتماب وزیر صاحب‌بلخی، از ارزیابی آسیب‌پذیری در برابر فساد که به سطح وزارت صورت گرفت بطور جدی حمایت کرده است. ازینرو، وزیر صاحب‌سزاوار تحسین می‌باشد. این اولین بار است که چنین بررسی جامعی در افغانستان انجام می‌شود.

مشکلات فساد بالاتر از ظرفیت وزارت‌خانه و حتی از برجسته‌ترین وزیر می‌باشد. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری این مشکل را به دلایل زیر دشوار می‌بیند:

- وزارت معارف به طور قابل توجهی بزرگتر و پیچیده‌تر از سایر وزارت‌خانه‌ها است.
- پارت و پارت بازی (فرقه بازی) و نیز انفصال ارتباط در وزارت معارف، فرهنگ مقاومت در برابر اصلاحات را ترویج داده است.
- اگرچه بسیاری از افراد در وزارت معارف اعلام کرده‌اند که آماده‌ای تغییر مثبت هستند، اما فضا برای آوردن اصلاحات منفی بنظر میرسد.
- وزارت معارف مرکب از برنامه پالیسی‌سازی و عملیاتی می‌باشد: تعداد اندکی از دیوان‌سالاری‌های دولتی در سراسر جهان وجود دارد که قادر به هماهنگی نمودن موثر هردو نقش بدون جداسازی و/یا عدم تمرکز بسیاری از مسئولیت‌های کلیدی می‌باشند.
- وزارت معارف فاقد ذهنیت خدمت‌رسانی برای کسب اعتماد کارمندان و مجتمع مکاتب می‌باشد.
- وزارت معارف قادر به جلوگیری از نفوذ بیش از حد افراد قدرتمند نمی‌باشد.

بنابراین، اقدام مآبعد باید آسیب‌پذیری در برابر فساد را بطور اساسی و پایدار برای دراز مدت مورد توجه قرار دهد. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری پیشنهاد می‌کند که اولین گام فوری باید بحث و بررسی در مورد یافته‌ها و توصیه‌ها در سطح رهبری دولت و در میان مجتمع مکاتب در ولایات صورت گیرد تا دیدگاه مشترک در مورد مناسب‌ترین اصلاحات ایجاد شود. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری موارد ذیل را توصیه می‌کند:

گام بعدی اول: پرداختن به بحث فوق‌العاده و رسیدن به نتیجه در مورد یافته‌های کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری

- (i) بررسی و بحث در مورد یافته های این گزارش از سوی رهبری حکومت وحدت ملی؛ بررسی و بحث مشابهی در مورد یافته های این گزارش توسط رهبری وزارت معارف و همکاران توسعه ای بین المللی.
- (ii) این اقدامات از سوی دولت صورت میگیرد تا مسیر پسندیده ای اصلاحات را جهت دهد، منابع ارشد اضافی به وزارت معارف تدارک داده شود، و پیشرفت تحصیلی را در بودجه و برنامه های دولتی در اولویت قرار دهد.
- (iii) بررسی و بحث در مورد یافته های این گزارش توسط نمایندگان پارلمان صورت گیرد.

گام بعدی دوم: راه اندازی اقدامات در ولایات بحث و نتیجه گیری از یافته های کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری

- (i) **بررسی کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری را به طور گسترده ای آن برای اطلاع رسانی به تمام سهامداران انتشار کنید.** وزیر به طور گسترده این گزارش کامل و خلاصه ای آنرا را با زبان قابل فهم برای مشوره و بازخورد منتشر می کند: 1) به سراسر وزارت معارف به سطح ملی، ولایات و ولسوالی ها؛ 2) به روسای دارالمعلمین ها و معلمین؛ 3) به مدیران مکاتب، سرمعلمان، معلمان و شوراهای مکاتب؛ 4) به والدین و کودکان؛ و 5) به سایر سهامداران علاقمند از قبیل سازمان های ملی غیردولتی و سازمان های بین المللی غیردولتی که در عرصه تعلیم و تربیه کار میکنند، میرساند.
- (ii) **برای بررسی و بحث در مورد یافته های اساسی گزارش کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری و بحث در مورد راه حل های احتمالی، موارد زیر را انجام دهید:**

- **جلسات به سطح ولایت** که والیان ولایات در آن متصدی باشند، تا روی مورد اینکه هر ولایت چگونه می تواند وضعیت را بهبود بخشد و چگونه ولایات، ولسوالی ها و جوامع میتواند بیشتر صلاحیت کسب کند، بحث نمایند. نتایج این بحث ها به بحث ملی کمک میکند. جوامع مشتاق به حمایت تعلیم و تربیه هستند و اغلب حاضرند که وقت و منابع خود را قربانی کنند تا از تعلیمات لازم طبق قانون برای فرزندانشان اطمینان حاصل کنند.
- **کنفرانس جوانان** با مشارکت مساویانه ای مردان و زنان که از جوانان معلول، و جوانان هر قوم، زبان، مذاهب که دارای پس زمینه های مختلف هستند، نمایندگی نماید. این می تواند از سوی معین وزیر جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ سازماندهی گردد، زیرا آنها قبلاً پارلمان جوانان را تأسیس کرده اند.
- **کنفرانس با همکاران توسعه ای** جهت فراهم آوری فرصت تا اینکه آنها پیامد گزارش را در نظر گرفته که این گزارش چگونه برای منابع برنامه ای و مصرفی آنها پاسخ داده و کمک کننده میباشد.

iii) متعاقباً فراهم شدن جلسه مشورتی مقامات بلند رتبه دولتی تحت ریاست جلالتماب رئیس جمهور و جلالتماب رئیس اجرائیه برای بررسی یافته ها و راه حل های پیشنهاد شده از طرف ولایات، ولسوالی ها و جوامع، جوانان، و نیز همکاران توسعه ملی و بین المللی، مبنی بر اینکه دولت چگونه می تواند به بهترین شکل اش مشکلات را شناسایی کرده حل نماید.

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری براین باور است که وزارت معارف آماده است تا مجموعه ای از بحث ها و ورکشاپ های عملی را راه اندازی کند.

19. سفارشات (توصیه‌ها)

کاهش آسیب پذیری در برابر فساد در نظام معارف هدف نهائی نمیباشد؛ بلکه این بخشی از هدف کلی بهبود کیفیت تعلیمات در افغانستان بحساب میاید. بنابراین برخی از اصلاحات لازم برای کاهش فساد همانند مواردی است که در عرصه های دیگر ضرورت است؛ از قبیل کنترل بهتر، سیستم های بهتر و تشکیلات سازمانی موثرتر. مشکلات فساد مروج نمی تواند فقط براساس اصلاحات "ضد فساد" از بین برود.

بنابراین، راهبرد اصلاحاتی برای کاهش آسیب پذیری در برابر فساد شامل اقدامات بهبود طبیعی "عادی" - تقویت مرسوم نهادی - و سایر اقداماتی که دارای جهت صریحتر ضد فساد را داشته باشد، میگردد.

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری اقدامات اصلاحاتی را مطابق به ده نوع عام زیر طبقه بندی می کند:

- أ. اقدامات شهروندان و سایر انواع نظارت مدنی و یا محلی.
- ب. اصلاحات نهادی - که اثربخشی را دنبال نموده و از رفتار فاسد جلوگیری نماید.
- ج. تغییر رهبریت سازمانی - چگونه وزارت، معلمان، دارالمعلمین ها، آمریت معارف ولسوالی ها و ریاست معارف ولایات میتواند در ایجاد تغییرات نهادی مثمر واقع گردند.
- د. تغییرات قانونی و طرزالعملی - چگونه نواقض قانون و تطبیق قانونی؛ تحریم های اداری؛ ساختارهای شکایات شهروندان را اصلاح سازیم.
- ه. نشانه های تغییر در جمعیتی از مردم - اقدامات خاص، چه خورد و چه بزرگ، که به مردم نشان دهد که تغییرات رخ میدهد.
- و. اقدامات جامعه بین المللی و همکاران توسعه ای.
- ز. سیستم های اطلاعاتی، سیستم های کنترل و بازرسی و نظارت مستقل.
- ح. اندازه گیری های شفافیت - که چگونه شفافیت پالیسی، روند، عمل و انتشار عام پالیسی ها، معیارات، برنامه ها، بودجه ها، نتایج و گزارش ها به کاهش فساد کمک میکند.
- ط. اجراات - اقدامات انضباطی، تحقیقات، پیگرد قانونی، رسیدگی به مصونیت جزائی.
- ی. گزینه های مبتنی بر بازار برای انحصار امکانات دولت.

سفارشات تحت عناوین زیر ارائه می شود. در مجموع، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری معتقد است که 66 سفارش ذیل می تواند پایه های راهبردی وزارت در امر مبارزه با فساد را تشکیل دهند.

A. اقدامات شهروندان و نظارت محلی

1. مسئولیت استخدام معلمان را از دوش ریاست معارف برداشته و آنرا بر دوش جامعه ای که به مکتب نزدیک هستند، بگذارید. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می

کند که استخدام معلمان به سطح ولسوالی ها متمرکز شوند. این تغییر نیازمند فرمان جدید ریاست جمهوری میباشد.

این یک تغییر قابل ملاحظه در عرصه سیستم فعلی است و به بحث و بررسی دقیق نیاز دارد. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری پیشنهاد می کند - برای آغاز این بحث - این روند می تواند به شرح زیر باشد:

(a) کمیسیون خدمات ملکی، همراه با وزارت معارف، فرصت های کاری را بطور شفاف در

سطوح ملی، ولایتی، منطقه ای و مکتب اعلان کند.

(b) سه عضو شورای انکشاف اجتماعی، به شمول حداقل یک عضو زن، به عنوان عضوی

کمیته ای استخدام در تمام مراحل پروسه استخدام، درست از زمان اعلان اولیه بست الی

انتخاب نهایی معلمان، مشارکت نماید.

(c) امتحان استخدام معلمان باید به سوالات چند گزینه ای تغییر داده شود تا به راحتی توسط کمیته

های استخدامی (شوراهای انکشاف اجتماعی که بخشی از برنامه اولویت ملی میثاق شروندی

جدید هستند تا چند ماهه دیگر از سوی همکاران تسهیل کننده برنامه ظرفیت سازی دریافت

میکنند؛ و برای سایر شوراهای انکشاف اجتماعی ظرفیت های اضافی ضروری میباشد) بررسی

گردد.

(d) نتایج امتحان معلمان باید در وبسایت های وزارت معارف و CSC و در برخی از مکان

های قابل دسترس در سطح ولسوالی و جامعه اعلام شود.

- این باید بر اساس معیارهای جامع که از سوی وزارت معارف و همکاران توسعه ای

تعیین میگردد، باشد.

- فهرست معلمان که برای استخدام از سوی مجتمع مکاتب تحت غور قرار دارند

باید به اطلاع عام رسانیده شود، به راحتی در وبسایت وزارت معارف قابل

مشاهده باشد.

- اداره نظارتی، مستقل از وزارت معارف تشکیل گردد که در صورت عدم کارایی

درست شکایات را دریافت کند.

- سیستم اقدامات کیفری باید ایجاد شود، از قبیل پیگیری مجدد کنترل وزارت

معارف بر پروسه های استخدام در صورتی که مطابق به معیارهای مورد توافق

نباشد.

2. ارتقا و شکل دهی مشارکت های منظم و اساسی بین مکاتب و جوامع تا در حل مشکلات معارف دخیل

باشند. روند مشوره با مکتب های محلی در جریان بررسی کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی

مبارزه علیه فساد اداری تا حدی به کسانی که درگیر این موضوعات بودند امید ایجاد کرد، طوریکه از

اکثر آنها تهنوت در مورد این مسائل پرسشی صورت نگرفته بود و آنها خرسند بودند که صدای شان

شنیده میشود. اعضای مجتمع مکاتب خواستار مشارکت های منظم و اساسی بین والدین و مکاتب شدند.

3. در دراز مدت مسئولیت های معارف را به مجتمع مکاتب، شوراهای انکشاف اجتماعی و کلاستر شوراهای انکشاف اجتماعی، ولسوالی ها و ولایات واگذار کنید تا زمینه مشارکت و نظارت شهروندان را مطابق با برنامه اولویت ملی میثاق شهروندی فراهم نمایید. مقدار قابل توجهی آموزش و توسعه حرفه‌ای ضروری خواهد بود، اما باید آن را منحصراً هدف که طبق پالیسی های بلند مدت باشد، در نظر گرفت.^{۹۹}

این باید با برنامه فعلی اولویت ملی میثاق شهروندی مرتبط باشد که در آن شوراهای انکشاف اجتماعی و کلاستر شوراهای انکشاف اجتماعی دارای کمیته های فرعی آموزشی میباشد و آن از سوی نمایندگان وزارت احیاء و انکشاف دهات و همکاران تسهیل کننده‌ای برنامه اولویت ملی میثاق شهروندی (سازمان های ملی غیردولتی و سازمان های بین المللی غیردولتی) آموزش میبندند.

4. با حمایت از جوامع برای ایجاد مکاتب با استفاده از مواد موجود محلی و طراحی سنتی (م. یونسکو)، طبق معیارات وزارت معارف و اصول طراحی جهانی، مالکیت محلی و تنوع فرهنگی را ارتقاء دهید. علی‌الرغم آسیب پذیری های شناخته شده‌ای فساد، به دخیل سازی جوامع محلی جهت دریافت مواد و کار در ساخت و نگهداری مکاتب توأم با وضع مجموعه‌ای از قوانین و مقررات سخت گیرانه برای مبارزه با فساد، تلاش کنید.

5. طبق خط‌مشی درخصوص چگونگی ترکیب درس های مثبت در تعامل با جامعه و فراگیری آموزش و پرورش - آموزش مبتنی بر جامعه، که می تواند به روند غیرمتمرکز مکاتب دولتی منجر شود، بازنگری را راه اندازی کنید.^{۱۰۰}

B. اصلاحات نهادی

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری از بسیاری اصلاحات نهادی که در حال حاضر در وزارت معارف صورت میگیرید، حمایت میکند. علاوه بر این، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری موارد ذیل را توصیه می کند:

6. یک پروژه اصلاح شده امتحانات و استخدام باید ایجاد شود که بسیار شفاف بوده و به بطور جدی از نفوذ و تأثیر پذیری مقامات محافظت شود. به طور معقول روندهای تضمین شده در کشورهای دیگر ایجاد شده است.

7. لیست متقاضیان و نامزدان باید آشکارا منتشر شود.

8. محدوده‌ای وزارت معارف را کاهش دهید، طوری که مقیاس کاهش یافته می تواند به طور فعال تر مدیریت شود.

• اصلاحات سازمانی فوری - سریعتر از وضعیت کنونی - باید با هدف ارائه معیارهای عملکردیانه و کاهش اندازه اقدامات ایجاد شود.

- این میتواند از طریق مستقل سازی بخشی از وزارت معارف، ویا واگذاری آن به سایر وزارت خانه ها برای مدیریت نمودن، ویا واگذاری مسئولیت های عملیاتی به ولایات، ولسوالی ها و مجتمع مکاتب ویا از طریق اقدامات دیگر صورت گیرد.
 - قابلیت تنوع و رقابت مثبت بین ولایات و ولسوالی ها را جهت ارائه تعلیمات با کیفیت و بهبود شمولیت (ثبت نام) بررسی نموده، نگهداری و میزان فراغت آنها را نیز در نظر بگیرد.
9. اداره مستقلی را جهت کنترل و نظارت از روند استخدام غیرمتمرکز معلمان ایجاد کنید. هدف اداره این باشد که شماری نامزدان باید براساس شایسته سالاری پیشنهاد شوند؛ که این استخدام ها به طور مساویانه بر اساس شایسته سالاری و مطابق به سایر معیارهای استخدام توافق شده استوار باشد؛ استخدام ها از دخالت سیاسی بدور باشند؛ و این که پروسه بدون مزایای مالی یا رشوه به پایان برسد.
 10. بدانید که روند استخدام معلمان انعکاس دهنده جمیعتی از جوامع موردنظر میباشد، با سیستم های مشترک که به نفع کاندیدان زن و مرد باشد.
 11. همچنین سیستم های مشترک انعطاف پذیر باید مورد استفاده قرار گیرد تا از اولویت بندی نامزدان مربوط به جوامع روستایی و اقلیت های قومی و زبانی اطمینان حاصل شود.
 12. ساختارهای موثر برای همکاری نزدیک میان اداره نصاب تعلیمی وزارت معارف، دارالمعلمین ها، پوهنچی های تعلیم و تربیه ای پوهنتون ها را ایجاد کنید تا نصاب های تعلیمی مکاتب و نصاب تعلیمی اساتید را برای سطوح ابتدایی و متوسطه تنظیم کند.
 13. نصاب تعلیمی را با توجه به کاستن محدوده ای آن از طریق اولویت بندی و کاستن تعداد و گستردگی مضامین که تدریس میگردد بر اساس اهداف تعلیمی، بازبینی کنید. به این ترتیب، وزارت معارف به وجه احسن آن میتواند ظرفیت معلمان را مورد مقایسه قرار داده و فساد ناشی از آن را کاهش دهد تا دانش آموزان را از طریق امتحانات جذب کند. "میزان قابل توجه کاهش" یابد از طرف مسئولین نصاب تعلیمی تعریف شود: کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری پیشنهاد می کند که حداقل 25 تا 30 درصد باشد، احتمالاً بیشتر الی 50 درصد. در دراز مدت، تعداد ساعتهای درسی (نیز حدود 50 درصد) را به عوض معیارات منطقه ای افزایش دهید. این سفارش ضرورت بررسی نصاب تعلیمی، اولویت بندی و تعیین (کاهش) تعداد مضامین که باید بر اساس هدف تعلیمی تدریس شود را نشان میدهد.
 14. آموزش های تخنیکی و فنی حرفوی را با مشارکت وزارت معارف، وزارت کار و امور اجتماعی شهداء و معلولین، سکتور خصوصی، همکاران توسعه ای (از جمله سازمان های ملی غیردولتی و سازمان های بین المللی غیردولتی) به نهاد مستقل تبدیل کنید. این کار باعث محدود شدن وسعت وزارت معارف شده و نیز جهت موثریت برنامه های آموزش های تخنیکی و فنی حرفوی مبنی بر رسیدگی بهتر به نیازهای بازار کار کمک میکند.
 15. هماهنگی میان معلمان تازه فارغ و بازار کار در مکاتب ایجاد کنید.

- میان دارالمعلمین ها، پوهنتون ها و بازار کار داخلی در ولایاتی که قرار دارند برای اینکه تعلیمات و دانش کسب کرده فارغین هدر نرود، رابطه نزدیک ایجاد شود.
 - میان وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی برنامه های استراتژیک جهت بلندبردن ظرفیت حرفه ای معلمان مطابق با الزامات در هماهنگی با سیستم های حمایتی که در حال حاضر در حال توسعه هستند، راه انداز گردد، به ویژه "چارچوب مهارت برای معلمان در افغانستان".
 - برنامه آموزش تربیه معلم (سطح دیپلوم) را الی حداقل یک سال توأم با تجربیات بسیار مفیدی در زمینه تدریس در صنف های درسی که با برنامه های آمادگی تدریس مدغم شده باشد، وسعت دهید.
 - سیستم مکافات تحصیلی معلمان – با راهنمایی طرق مختلف انکشاف حرفه ای برای معلمان مطابق به سطح تحصیلات و تجربیات شان – را به عنوان بخشی از پلان راهبردی ملی معارف عملاً روی کار گیرید^{۱۱}.
 - شوراها و مکاتب را تقویت کنید تا برای دریافت و رسیدگی به شکایات و اعتراضات والدین و دانش آموزان اقدام نماید.
 - از راه حل های فناوری اطلاعات از قبیل تکنالوژی تشخیص نشان انگشت برای ورود و خروج جهت رفع نمودن موضوع غیرحاضری عادی کارمندان مکتب و معلمین استفاده نمائید.
16. برنامه سواد آموزی بزرگسالان را برای محدود کردن فساد گسترده جایگزین کنید. علاوه بر این، اداره سوادآموزی بزرگسالان اصلاح شده را با نهاد مستقل آموزش های تخیکی و فنی حرفوی جدید مدغم نمائید برای اینکه فارغ التحصیلان بتوانند واجد شرایط کار در بازار باشند.
17. برنامه های سواد آموزی بزرگسالان انعطاف پذیر را برای زنان و دختران در همکاری با وزارت امور زنان برای رشد توانمندی زنان و تقویت خانواده ها (از قبیل برنامه های سواد آموزی کوتاه مدت برای زنان کارگر) ایجاد کنید.
18. تلاش های وزارت معارف را برای پرداخت معاشات ذریعه پول نقد با استفاده از صورت حساب بانکی برای کسانی که در مناطق خود به راحتی بانک ها دسترسی دارند و پرداخت پول از طریق تلفن همراه، مخصوصاً برای معلمان که در روستاهای غیر قابل دسترس قرار دارند، تسریع کنید. نمونه خوبی ولایت هرات می تواند مورد بررسی قرار گیرد. دستیابی وضاحت بیشتر درخصوص حق الزحمه (فیس) های بانکی پایین نیز برای معلمان که معاشات شان را از طریق حساب های بانکی بدست میاورند، ضروری است.
19. راه های عملی را برای آموزش معلمان و توسعه حرفه ای قسمیکه در راهبرد ملی معارف III و سایر اصولنامه های دیگر و سیستم های مرتبط وجود دارد، دنبال کنید^{۱۲}. این پروسه ها منحنی کاهش دهنده آسیب پذیری ها به فساد در نظر گرفته شوند.

20. وزارت معارف باید برای تنظیم کردن پروسه تأیید و صدور اطلاع‌نامه های امتحان از طریق فناوری معلوماتی، با توجه به فرصت های گسترده ای برای تقلب و تغییر و تبدیل در پروسه دستی موجود اقدامات فوری انجام دهد.

21. پروسه امتحان استخدام را برای دانش آموزانی که از مکاتب اسلامی پاکستان و مدارس ایران می‌ایند و اجازه اشتراک در امتحان استخدام را توسط مقامات وزارت معارف با پرداخت پول / رشوه دریافت می‌کنند را سخت بسازید. این می تواند از طریق امتحانیکه توسط یک نهاد مختلف گرفته شود، صورت بگیرد.

C. تغییرات رهبریت سازمانی

این پیشنهاد برای اصلاحات نهادی خاص میباشد. اینکه آیا این اصلاحات خوب است یا خیر، ولی واقعاً یک وظیفه بسیار سخت برای آوردن اصلاحات بحساب می‌آید. این مشخصاً برای افغانستان نیست بلکه یک ویژگی شناخته شده‌ای مدیریت و تغییر سازمان های بزرگ میباشد: اکثر برنامه های بزرگ تغییرات سازمانی به موفقیت نمی‌رسد. بنابراین پیشنهادات در این خصوص بر این است که چگونه وزارت معارف می تواند برای آوردن تغییر بهبود پیدا کند.

22. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که یک هدف قوی و پایدار وجود داشته باشد که تمام وزارت معارف را برای آوردن اصلاحات در یک جهت واحد جبراً هدایت کند. **کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که هدف اساسی وزارت معارف، بمثابة راه حل آسیب پذیری در برابر فساد بالا - استخدام نادرست معلمان به مکاتب - برای مدت سه سال باشد.**

برای تمرکز بر هدف اصلاحی بالا مانند این، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری معتقد است که وزارت معارف می تواند از خطر تلاش برای انجام خیلی سریع نیز اجتناب کند - راهبردی که به ندرت کار می کند.

23. برای دستیابی به چنین هدفی که به راحتی قابل مشاهده است، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که یک سیستم اندازه گیری ساده برای سنجش میزان موفقیت استخدام معلمان از طریق شایسته سالاری که در سطح محلی کار کند، ایجاد شود. این می تواند بمثابة یک برنامه تلفن ساده باشد که هر مجتمع مکتب بعد از هر شش ماه برای رای دادن به استخدام معلمی/همه معلمان جدید از آن استفاده کنند. نیازی نیست که آن منحصر به مرکز باشد، بلکه می تواند توسط دانش آموزان محلی یا متخصصان معارف ولایت به ولایت ایجاد شود.

24. همه برنامه های تغییر رهبریت نیاز به رهبریت و ساختار تطبیقی دارند. در سطح بالا به یک قهرمان بسیار قوی که معمولاً وزیر میتواند باشد، نیاز دارد. ما توصیه می کنیم که وزیر: 1) یک کمیته رهبری را

درسراسر وزارت معارف برای نظارت بر اصلاحات ایجاد کند؛ 2) یک رهبر ارشد اصلاحات پیوسته کار را در وزارت معارف تعیین کند؛ 3) یک نیروی کاری تمام وقته را برای هماهنگی، نظارت و اصلاحات در وزارتخانه تعیین کند؛ 4) دستیاران ارشد و نماینده ها را در سطح هر اداره ای برای آوردن اصلاحات در همان بخش وزارتخانه تعیین کند. با چنین ساختاری، هنوز هم دشوار خواهد بود، اما بدون چنین ساختاری، برنامه شانس اندکی بر موفقیت را خواهد داشت.

25. مشکل این نوع اصلاحات از طریق اعضای تیم ارشد که از داخل وزارت معارف گرفته شوند - کسانی که واقعاً می دانند که چگونه وزارت معارف پیش می رود - از خارج وزارت معارف - کسانی که در مورد آنچه به دست آورند فکرباز داشته باشند و کمتر به گذشته تاریخی و فرهنگ نهادی وابسته باشند، حل گردد. به همین دلیل، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که کمیسیونی به سطح کابینه وزراء حکومت وحدت ملی برای تامین منابع اصلاحات لازم جهت ملحق شدن به تیم اصلاحات وزارت معارف، مسولیت را بدوش بگیرد.

26. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری همچنین توصیه می کند که شبکه های درهر ولایت ایجاد شود، که از طریق آن مسئولان اصلاحات هر ولایت جناح های ذیدخل را گردهم بیاورد. این شبکه هدف دوگانه داشته باشد: ولایت را جهت مبدل شدن به بهترین خدمات رسان آموزشی کمک نموده و از همه کسانی که درگیر اصلاحات هستند، حمایت کند. بعضی از حمایت ها توسط همکاران توسعه بین المللی نیز فراهم می شود؛ پاداش کسانی که شامل پروسه هستند و کار شانرا بخوبی انجام میدهند از طریق آموزش حرفه ای اضافی (به عنوان مثال، کورس های پیشرفته درسی) داده میشود. و ولایاتی که بیشترین پیشرفت را انجام می دهند، شاید بتوانند بودجه ای آموزشی بیشتری برای معلمان بیشتری دریافت کنند. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که همکاران بین المللی تامین بودجه چنین شبکه ها را در نظر بگیرد.

27. پروسه CBR را فراتر از استخدام های فعلی ریاست معارف ولایتی وزارت معارف گسترش دهید.^{۱۰۳}

D. تغییرات قانونی و طرزالعملی

28. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری سفارش می کند که یک فرمان از سوی ریاست جمهوری صادر شود تا نفوذ نمایندگان پارلمان و سایر افراد قدرتمند را از مداخله در استخدام معلمان وزارت معارف ممنوع قرار دهد. اگر آنها اقدام به این کار نمودند، اداره معارف در امور پارلمانی باید این موضوع را به پارلمان گزارش دهد تا اینکه علیه آن عده نمایندگانی متخلف اقداماتی صورت گیرد. این نباید محض در امر استخدام معلمان باشد بلکه قراردادهای پروژه ها را نیز شامل گردد.

29. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که پارلمان قانونی را به تصویب برساند که اگر هرکسی برای استخدام معلمان جدید و یا سایر کارمندان در هر سطح و نیز برای قراردادهای پروژه ها با مقامات وزارت معارف تماس ایجاد کند، اقدام آنها تخلف جزائی محسوب گردد.

30. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری سفارش می کند که یک ساختاری مستقل برای رسیدگی به شکایات ایجاد شود. یک راهکار ممکن اینست که از یک سازمان بیرونی استفاده شود و آن تحت نظارت هیئت وزارت معارف و همکاران توسعه‌ای قرار داشته باشد. ونیز میشود از نمونه‌ای خط مشی شکایت های پولیس ملی افغانستان درس گرفت. ونیز میتوان رویکرد غیرمتمرکز را از طریق گروه کوچکی در هر ولایت که ارتباط نزدیک با یکی از کلاستر های شورای انکشاف اجتماعی دارد، امتحان کرد. مورد دیگر نیز می تواند از طریق ایجاد ساختار شکایت ها در کنار اداره نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش مستقل صورت گیرد. (به توصیه 48 نگاه کنید).

31. یک سیستم پاسخگوی شفاف برای کارکنان وزارت معارف ایجاد گردد که شامل معلمان و مدیران مکتب باشد، طوری که تخطی ها تحریم شده، در صورت لزوم، عزل ویا مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.

32. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که دستورالرفزار مرتبط به امانت، صداقت و ضد فساد برای تمامی کارکنان وزارت ایجاد شده و تحمیل شود. تخلفات منجر به انتقاد عام مردم و سایر پیامدهای احتمالی می شود.^{۱۴}

33. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که وزارت معارف در اسرع وقت باید همه پرداخت های معاشات را به صورت الکترونیکی به حساب های بانکی یا دستگاه های تلفن همراه بسپارد و پرداخت پول نقدی را که بسیار آسیب پذیر در برابر فساد است متوقف کند.

34. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که تمام قراردادهای بزرگ باید توسط اداره ملی تدارکات (NPA) و کمیسیون ملی تدارکات (NPC) مورد ارزیابی و تایید قرار گیرد. پس از اعطای آن، اجرای این قراردادهای بزرگ باید توسط کمیسیون مشترک تدارکات ملی و وزارت معارف مطابق به دستورالعمل های بانک جهانی با بهترین روش های تدارک قرارداد، تحت نظارت باشد.

35. علاوه بر این، درخصوص تدارکات، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که مسئولیت اجرای تمام قراردادهای ساختمانی اساسی روستایی به وزارت احیاء و انکشاف دهات و پروژه های شهری به وزارت شهر و مسکن سازی منتقل شود.

E. علائم تغییر در جمعیت

اصلاحات نهادی ساختاری بدون شک لازم است، اما نمی تواند تنها ترین اقدامات بحساب آید: زیرا سرعت کم و میزان بلند ناکامی دارد. بیشتر از همه، شهروندان هیچ نتیجه ای را برای حداقل 1 الی 3 سال نمی بینند - یا خدمات قبل از اینکه بهتر شود، بدتر می شود - بنابراین آنها در قبال اطلاعیه های اصلاحات بزرگ ازسوی مرکز اعتماد و شکیبائی ندارد.

به همین دلیل ضروری است که برنامه اصلاحات وزارت معارف شامل تغییرات مهمی باشد که بلافاصله به مردم نشان دهد که تغییرات واقعی در حال رخ دادن است.

36. توجه به اعلام فوری استخدام معلمان توسط جوامع محلی در ظرف شش ماه صورت میگیرد (اپریل 2018). در طول شش ماه (اپریل 2018) سایر داده های استخدام کلیدی از قبیل بست های خالی را در وزارت معارف، ریاست معارف ولایتی، و آمریت معارف ولسوالی ها، منتشر کنید.

37. یک برنامه تلفن همراه که گذارش کامیابی / ناکامی استخدام معلم را براساس شایسته سالاری همانطور که قبلا در بالا پیشنهاد شده بود فراهم نماید، ایجاد گردد. برنامه های دیگر تلفن همراه را برای اهداف مشابهی از قبیل گزارش دهی و کاهش میزان غیرحاضری معلمان در نظر بگیرید، در صورت عدم پوشش تلفن همراه، شورای مکاتب در خصوص غیرحاضری معلمان باید مسئولیت بیشتری را به عهده بگیرند و هر ماه کتاب حاضری معلمین را ملاحظه کنند. همانطور که در میثاق شهروندی ذکر گردید، شورای مکاتب باید نقش فعالتری را در امور مکتب ایفا کنند، نه محض نقش سمبولیک (نمایشی) را.

38. ریاست معارف و والیان ولایات جلسات منظم را با کارکنان ریاست معارف ولایت، آمریت معارف ولسوالی ها، و مجتمع مکاتب محلی برای گوش دادن به نگرانی های جوامع درباره فساد (و سایر مشکلات آموزشی) و بازخورد جوامع درباره فساد را سازماندهی کنند. از رسانه های اجتماعی (از قبیل فیس بوک، یوتیوب و غیره) به عنوان وسیله ای برای اشتراک داستان های مثبت و نوآوری در آموزش استفاده کنید.

39. در دراز مدت، برای هر مکتب، بودجه و برنامه های رسمی مصرفی ایجاد کنید. این اقدام به مثابه مقیاس قدرتمند کاهش دهنده فساد بشمار میرود، و این می تواند از طریق شورای انکشاف اجتماعی، کلستر شورای انکشاف اجتماعی، شورای مکاتب انجام شود.

F. جامعه بین المللی و اقدامات همکاران توسعه

40. برنامه های تمویل کننده گان را برمحور اهداف اصلی پیشنهادشده مطابقت داده و هماهنگی ایجاد کنید (استخدام معلم براساس شایستگی).

41. فعالیت های ظرفیت سازی را که از سوی USAID تمویل میگردد گسترش دهید. این می تواند به عنوان یک برنامه آزمایشی طوریکه در راهبرد ملی معارف III و برنامه اولویت جدید میثاق ملی شهروندی برای توانمندسازی ولایتی در نظر گرفته شده برای بهبود نظارت محلی و پاسخگو بودن فراهم کننده گان خدمات در مکاتب و دارالمعلمین ها مورد استفاده قرار گیرد.

42. رویکرد تعلیمات مبتنی بر جامعه را در امر درس مکاتب گسترش دهید.

43. دستیاران تخریکی را از طریق برنامه توسعه حرفه‌ای سیستماتیک برای بهبود مهارت های تکنالوژی اطلاعاتی کارکنان وزارت معارف، تنظیم کنید. و تشکیلات را بمنظور تغییر مسئولیت های عملیاتی از دستیاران تخریکی به کارمندان پیوسته کار وزارت معارف بررسی کنید.

44. منابع مالی را برای وزارت معارف جهت تسهیل نمودن بیرون سپاری خدمات از قبیل معاشات و احتمالا سیستم مدیریت و اطلاعات معارف در نظر بگیرید.

45. منابع مالی را برای وزارت معارف جهت تأمین ساختار اصلاحات سازمانی مبارزه ملی با فساد اداری و حمایت از شبکه های حمایتی اصلاح طلبان در هر ولایت در نظر بگیرید.

46. سیستم ثبت سازمانی را میان آمریت معارف و لسوالی ها و وزارت معارف بهبود بخشید.^{۱۰۵}

47. سیستم نظارت و بررسی را برای مرحله جدید ساخت و ساز مکتب با نظارت قوی تر جامعه، نظارت دقیق صندوق بازسازی و اعانه افغانستان و نظارت رسمی از سوی ریاست مرکزی بانک جهانی از صندوق بازسازی و اعانه افغانستان جدی بسازید.

G. سیستم های اطلاعاتی، سیستم های کنترل و بازرسی و نظارت مستقل

سیستم های اطلاعات دقیق مدیریت، سیستم های کنترل موثر، سیستم های بازرسی کیفیت و سیستم های نظارت مستقل، خطوط لایه ای دفاعی سازمان ها مدیریت شده و دارای فساد کم است.

48. اول، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند که سیستم مدیریت و اطلاعات معارف از طریق موارد زیر بهبود می یابد:

- در آغاز و پایان فصل مکاتب، احصائیه گیرنده های اداره سیستم مدیریت و اطلاعات معارف را به مکاتب ارسال کنید تا از ورود شاملین مطمئن گردند که دقیقا در دیتابیس سیستم مدیریت و اطلاعات معارف ثبت نام گردیده اند.
- نمونه آزمایشی سیستم مدیریت و اطلاعات معارف را از سطح کنونی 5٪ به 20٪ افزایش دهید، حتی اگر این مرحله به مرحله انجام شود.
- دیتابیس اطلاعاتی وزارت معارف را به منظور تأیید و بررسی متقابل سیستم مدیریت و اطلاعات معارف، منابع بشری سیستم مدیریت و اطلاعات و معاشات مدغم کنید. این ادغام باید توسط اداره سیستم مدیریت و اطلاعات معارف کنترل شود تا اینکه در مدیریت و گزارش داده ها، هم در وزارت معارف و هم در سایر بخش های دولت، سازگاری وجود داشته باشد.
- برای دربرگیری تمام جنبه های پروسه جمع آوری داده ها، رهنمودهای جمع آوری داده ها را بررسی نموده و غنی سازید.

- روش های جمع آوری و ثبت / گزارش دادن داده ها برای جمع آوری کننده داده ها (مانیتور) آموزش داده شود تا جمع آوری، ورود و تأیید داده ها به روش آگاهانه و سازگار انجام شود.
- داده های سیستم مدیریت و اطلاعات معارف را همگانی بسازید تا به سطح ولایتی، ولسوالی و مجتمع مکاتب قابل دسترس باشد.
- داده های محلی مکتب را برای تأیید فراهم کنید. این باید توسط تفتیش مکتب و یا یک نهاد مستقل انجام شود تا اطمینان حاصل شود که داده های جمع آوری شده توسط مکتب دقیق است.^{۱۶}
- تلاش کنید تا یک سازمان مستقل و بیرونی متشکل از سهامداران مربوطه (به شمول همکاران توسعه ای و مریان افغان) از اطلاعات و سیستم های کنترل وزارت معارف بازبینی دوره ای داشته باشد.

49. یک سیستم اطلاعاتی قوی را در زمینه حفظ معلومات منابع بشری در داخل سیستم مدیریت و اطلاعات معارف ایجاد کنید. این مسئله برای معلمان و وزارت معارف بسیار مهم است تا ارزیابی های سالانه معلمان، حقوق بازنشستگی و سایر مسائل اداری را دنبال کند و در حال حاضر بسیار بطی به پیش میرود.

50. در مورد تفتیش داخلی:

- تعداد مفتشین را افزایش دهید و تعدادی قابل توجه مفتشین واجد شرایط را از بیرون وزارت وارد کنید.
- خطوط گزارش دهی مفتشین داخلی را تقویت کنید. عملکرد تفتیش داخلی را با وزارت معارف رسماً وصل کنید.
- تمام گزارش های تفتیش داخلی وزارت معارف را سر از تاریخ 1 جنوری 2018 منتشر کنید و اطمینان حاصل کنید که آنها برای سهامداران کلیدی قابل دسترس باشند.
- از همکاران توسعه ای برای تأمین مالی تعیین تعدادی از تفتیشان حساس و محققین حرفه ای در اداره تفتیش وزارت معارف تقاضاء صورت گیرد.

51. در سطح بلند وزارت معارف، یک کمیسیون تفتش را با اشتراک نمایندگان وزارت امور خارجه، همکاران توسعه ای و جامعه مدنی ایجاد کنید.

- این کمیسیون تمام گزارش های تفتیش داخلی، گزارش تفتیش خارجی از سوی اداره عالی تفتیش و سایر گزارشات خارجی را از ادارات SIGAR و Checchi بررسی می کند.
- این کمیسیون تفتیش هر ساله در رابطه به شناسایی نقاط ضعف کاربری و اقدامات انجام شده، بازبینی را منتشر می کند.

52. یک نهاد معتبر ملی اعتباربخشی برای موسسات آموزشی ایجاد کند تا مکاتب دولتی و شخصی را تحت کنترل داشته باشد.^{۱۰۷}

53. یک نهاد مستقل را برای نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش ایجاد کنید. این نهاد نباید در وزارت معارف موجود باشد، اما باید با وزارت ارتباط داشته باشد. این نهاد باید توانایی مسولیت پذیری ظرفیت های فعلی داخلی و گزارش دهی بر عملکرد - نقاط قوت، نقاط ضعف و خلاء ها را داشته باشد - تا اینکه مشکلات آموزشی در مکاتب به درستی درک شده و مورد توجه قرار گیرد.

H. اقدامات شفاف

بسیاری از اقدامات شفاف در بخش های قبلی ذکر شده است. مهمترین مورد مربوط به بست خالی معلمان و اعلام نامزدهای احتمالی برای بست های موجود میباشد. علاوه بر این، کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری توصیه می کند:

54. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری از طریق وزارت معارف می داند که همه بست های معلمان در حال حاضر به اطلاع عموم مردم باز است. با این حال، بسیاری از پاسخ دهندگان این را قبول ندارند. وزارت معارف باید یک وبسایت ساده را تنظیم کند که همه بست های باز و نیز فهرست پیشنهادی متقاضیان بالقوه در آن به راحتی قابل مشاهده باشد.

55. وزارت معارف باید بسته معلوماتی را در رابطه به حالت همه بست های معلمان بطور کل و با جزئیات در هر ولایت منتشر کند.

56. وزارت معارف باید الی اول جنوری 2018 استراتیژی مبارزه با فساد خویش را منتشر کند. پس از آن باید از شروع اپریل 2018 الی پایان 2019، بررسی های ربع وار مبنی بر پیشرفت اجرایی این استراتیژی را منتشر کند.

57. ابتکار شفاف را هم در مرکز و روستاها روی دست گیرید تا اینکه وزارت معارف در طی سه سال آینده درخصوص "حکومتداری باز" به رهبر الگو مبدل شود.

این می تواند با نیروی کار کوچک از مقام های وزارت معارف تشکیل شده، با شناسایی اینکه کدام اطلاعات به اطلاع عام رسانیده شود، آغاز میگردد. این شامل اسناد رسمی از قبیل پالیسی ها، معیارات و طرز العمل ها؛ اسناد مالی از قبیل تمام بودجه ها، هزینه های مخارج، گزارش های تنوع مالی؛ داده های استخدام، همانطور که در توصیه های قبلی ذکر شده بود؛ همه گزارش ها مرتبط به وزارت معارف؛ و برنامه های مبارزه با فساد و پیشرفت در برابر آنها میباشد. وزارت معارف می تواند این طرز دید را در سطح مرکز و در هر ولایت/ولسوالی توسعه دهد.

A. اقدامات اجرایی

58. رهبری وزارت معارف اقدامات عملی را برای اینکه ممکن والدین آنرا ببیند انجام میدهد تا اینکه رفتار فاسد در وزارت معارف دیگر قابل تحمل نباشد.

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری در رابطه با این، خط مشی زیر را پیشنهاد می کند:

59. در طی شش ماه (اپریل 2018)، رهبری وزارت معارف، یک پالیسی ضد فساد وزارت معارف را تعیین می کند؛ مقامات ارشد وزارت معارف این پالیسی را در تمام ادارات، تمام ولایات، تمام ولسوالی ها و در تمام مجتمع مکاتب ارائه می دهد.

60. برای راه اندازی این پالیسی، در طی شش ماه آینده، وزارت معارف یک سیستم خط تلفنی شکایات را ایجاد میکند که توسط شهروندان و کارمندان وزارت مورد استفاده قرار میگیرد. به همین ترتیب، وزارت معارف اداره مستقل کیفیت آموزشی را تأسیس می کند که نظریات مرتبط به کیفیت که ممکن به فساد مربوط باشد را دریافت میکند.

61. رهبری وزارت معارف باید با اداره لوی سارنوالی ارتباط برقرار کند تا از پرونده های گذشته و فعلی مقامات وزارت معارف که در اداره لوی سارنوالی تا حد امکان برای پیگیری اولویت بندی شده است، اطمینان حاصل کند. در طی شش ماه، برخی از این قضایا باید تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند.

62. در طی شش ماه (اپریل 2018) وزارت معارف باید تمام ضمانت اجرائی قانون موجود، اقدامات انضباطی، گزینه های پیگرد قانونی و سایر مکانیزم های سرکوب کننده که در وزارت معارف وجود دارد را بررسی نماید. هدف این است که اسلوب های انضباطی در اختیار وزارت معارف قرار گیرند، اینکه آیا آنها به طور کامل مورد استفاده قرار می گیرند، و یا اینکه احتمال شدید برای استفاده از هر گونه موارد قانونی وجود دارد یا خیر.

63. رهبری وزارت معارف باید مقامات مظنون به فساد را تحت پیگرد قانونی قرار داده و آنها را حین بازرسی و تحقیق از مقام شان برطرف کند.

64. کارمندان وزارت معارف باید به طور رسمی در قراردادهای مسئولیت خویش را انجام دهند و تمام موارد فاسد را گزارش دهند.

ل. گزینه های مبتنی بر بازار برای انحصار امکانات دولت

65. حرکت به سوی دریافت راه حل برای بازار کتاب های درسی ایجاد شود. یک مطالعه ممکن را برای بررسی گزینه ها جهت روی آوری به تولید بازرگانی کتاب ها انجام دهید^{۱۸}.

66. مطالعه و تطبیق گزینه ها برای والدین که سند هزینه الکترونیکی را (از طریق تلفن های همراه خود) دریافت کنند تا بتوانند در عوض کتاب های درسی به فروشندگان محلی پرداخت کنند.

A group of young men, likely students, are sitting in a large circle on a paved outdoor area. They are all wearing light blue shirts. In the center of the circle, a large map or blueprint is laid out on the ground. The men are looking towards the center, some with their hands clasped or resting on their chins, appearing to be in a discussion or a lesson. The background shows some trees and a building, suggesting a school or institutional setting. The overall tone of the image is educational and collaborative.

ضمائم

ضمیمه 1. نمونه گزارش های مطبوعات و رسانه ها پیرامون اتهامات فساد اداری در معارف

عرصه /سطح نگرانی	نوع معمول فساد اداری در معارف	منبع مدارک و شواهد و نکات مهم
برنامه ریزی و تصامیم مالی (تأمین وجوه مالی)	انحراف بودجه معارف (از حساب های دولتی و کمک های بین المللی) توسط مقامات فاسد و سیاستمداران که ممکن به کمبود منابع برای پروژه برنامه ریزی شده اصلی منتج شود و راه را برای فساد محتمل هموار نماید.	شبکه نشراتی افغان، ۲ دلو سال ۱۳۹۴ افشای جزئیات فساد اداری در وزارت معارف توسط کمیسیون حقیقت یاب • اختلاس ۷۷۰ میلیون دالر • حیف و میل ۴۰۰ میلیون دالر تحت نام ظرفیت سازی • استخدام ۱۲۰۰ مشاور بر اساس روابط و علایق شخصی نه بر بنیاد پروسه شفاف استخدام • اختلاس از بابت موجودیت ۷۵۰۰۰ معلم خیالی که مجموعاً ماهانه ۱۲۵۰۰۰ دالر امریکای معاش دریافت میکردند. • موجودیت ۳۵۰۰ مکتب خیالی • حیف و میل ۲۸۸ میلیون دالر تحت نام "چاپ کتب جدید درسی"
فساد در روند استخدام معلمان و کارمندان در وزارت معارف	روزنامه سلام وطندار، ۲۸ میزان سال ۱۳۹۵	• اتهامات مبنی بر موجودیت فساد در روند استخدام سر معلمان در ۳۰ مکتب ولایت غزنی. مقامات متهم به فساد شامل دو کارمند ریاست معارف غزنی، شماری از وکلای پارلمان (نمایندگان باشندگان غزنی در پارلمان)، اعضای شورای ولایتی و شماری از کارمندان وزارت معارف در کابل میگردد که قضایا شان به خاارنوالی محول گردیده است. • این اتهامات فساد شامل موارد آتی میگردد: - اجتناب از راه اندازی آزمون کتبی کاندیدان - بطور متوسط تفویض ۵ الی ۱۵ امتیاز رایگان به سر معلمان مکاتب - تهیه اوراق ساختگی نتایج برای برخی از کاندیدان

- نادیده گرفتن تجارب کاندیدان - مدارک ناکافی در مورد اسناد تحصیلی کاندیدان		
سیگار (SIGAR) 17-19-IP، جمعه، 10 جدی سال 1395، صفحه 2، 3، 5، 6، 7، 9، و 10. (SIGAR 17-19-IP, Friday, December 30, 2016, Pages: 2, 3, 5, 6, 7, 9 and 10.)	کاستی و نواقص در ساخت و ساز مراکز تربیه معلم	
روزنامه 8 صبح، 28 9 حوت سال 1394 فساد اداری در ریاست معارف هرات یافته های یک ارزیابی توسط دو کمیسیون فنی که از جانب وزارت معارف در شماری از ولسوالی های ناامن ولایت هرات توظیف گردیده بود، حاکی از موارد آتی فساد میباشد: • موجودیت معلمان و شاگردان خیالی، معلمان بیسواد، مکاتب خیالی و مکاتب غیر فعال • توزیع معاشات معلمان به افراد غیر واجد شرایط. • معلمان که فاقد اسناد مکتب اند. • موجودیت اسامی معلمان در لست معلمان، اما معلم بطور فیزیکی وجود ندارد. • فراتر از صلاحیت وظیفوی اقدام نمودن، نادیده گرفتن قوانین و مقررات وزارت معارف، فقدان آگاهی از قوانین و مقررات وزارت معارف. • دریافت فیس غیر مجاز از معلمان. • خویش خوری و تبار گماری در روند استخدام معلمان بالمقطع (قراردادی). • حیف و میل معاشات/امتیازات معلمان. • دریافت دو معاش از سوی شماری از معلمان. • دریافت معاشات از سوی برخی از افراد که نام هایشان در لست معلمان موجود است اما در حقیقت آنها معلم نیستند. • عدم آگاهی شماری از معلمان از معاشات/امتیازات شان. • تدریس بخشی از نصاب درسی به دلیل تحصیلات پائین معلمان.	درخواست پول در بدل خدماتی که رایگان می باشد	

تبعیض نژادی و زبانی در سیستم معارف	خبرگزاری جمهور، حوت 1392 فساد مالی، خویش خوری و اقارب پروری، تبعیض نژادی و زبانی، عدم نظارت از سیستم معارف در ولایات و ولسوالی های دور دست و اعطای امتیاز و حق ویژه به معارف کابل، از جمله نواقص و کاستی های نظام معارف افغانستان اند.
ارائه معلومات غلط و نادرست به دولت و شرکای انکشافی غرض دریافت وجوه مالی بیشتر.	آژانس خبری افغان، 24 قوس 1395 گروه کاری تخنیکی که از سوی حکومت توظیف شده بود، 1,007 مکاتب را در سراسر کشور ارزیابی نمود. یافته های این ارزیابی موارد آتی را نشان میدهد: • گزارش دهی غلط و نادرست پیرامون شمار مکاتب فعال و غیر فعال، شمار کارمندان اداری مکاتب، شمار معلمین و شاگردان، شمار مکاتب دارای تعمیر و بدون تعمیر. • تأخیر در پرداخت معاشات معلمین. • اتهامات وزیر جدید معارف علیه وزیر اسبق معارف مبنی بر تزویر معلومات پیرامون مکاتب فعال و غیر فعال در کشور، مکاتب دارای تعمیر و بدون تعمیر، معاشات معلمین، و غیره. طلوع نیوز، دلو 1394 <u>تناقضات مداوم در تعداد شاگردان مکاتب در وزارت معارف</u> • طبق اظهارات وزیر معارف، تعداد شاگردان کنونی مکاتب در سراسر کشور کمتر از 7 میلیون تن میباشد، در حالیکه این رقم از سوی وزیر اسبق معارف 11.5 میلیون تن گزارش داده شده بود. • ارقام ارائه شده از سوی معین کنونی مالی و اداری پیرامون تعداد شاگردان مکاتب تصویری کاملاً متفاوتی را ارائه نموده و حاکی از موجودیت 9.2 میلیون شاگرد در سراسر کشور میباشد.
عدم موجودیت اراده سیاسی در حکومت وحدت ملی در امر مبارزه علیه فساد اداری.	روزنامه افغانستان - 20 جدی 1395 <u>گردش چرخه فساد در افغانستان</u>

• موجودیت مکاتب خیالی، شاگردان خیالی و معلمین خیالی • یک گزارش (2016) سرمفتش خاص امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) از ضیاع 750 میلیون دالر کمک امریکا روی این نهاد های خیالی سخن میگوید.		
روزنامه افغانستان - 19 جدی 1395 یافته های یک تیم ارزیابی که از سوی رئیس جمهور افغانستان توظیف گردیده موارد آتی را نشان میدهد: • موجودیت صدها مکتب خیالی و هزاران معلم و شاگرد خیالی. • حیف و میل میلیون ها دالر کمک جامعه جهانی به معارف بشمول پول تخصیص یافته برای چاپ کتب درسی. • تناقضات در تعداد مکاتب فعال و غیر فعال • تعمیر ناتمام مکاتب در حالیکه قراردادی پولش را بطور کامل دریافت نموده است • دوره های آموزشی خیالی • خویش خوری و اقارب پروری در روند توزیع بورسیه ها • به کرایه گرفتن تعمیر برای مکاتب با قیمت بالاتر از مارکیت	مشاورین دارای تحصیلات پائین با امتیازات و صلاحیت های بالا	
سیگار (SIGAR) 15-62-SP ، 21 جوزای 1394، صفحه 1، 2، 3، 4، 5، 6، 7، 8، و 9. (SIGAR-15-62-SP, June 11, 2015, Pages: 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8 and 9.)	فقدان معلومات موثق و تازه در وزارت معارف (معلومات غلط و دستکاری شده)	
روزنامه ماندگار - 13 جدی 1993 اعضای گروه حقیقت یاب برای ارزیابی فساد در وزارت معارف - قضیه فساد وردک می تواند به رئیس جمهور محول گردد، عدم موجودیت آمار و ارقام موثق در وزارت معارف و عدم همکاری در امر فراهم سازی معلومات لازم بدلیل موجودیت فساد	عدم موجودیت آمار و ارقام موثق در وزارت معارف و عدم همکاری در امر فراهم سازی معلومات لازم بدلیل موجودیت فساد	

Financial Audit 14-18-FA, Tuesday, January 7, 2014 تفتیش مالی 14-18-FA - سه شنبه، 17 جدی 1393 (Financial Audit 14-18-FA, Tuesday, January 7, 2014)	هزینه های غیر مجاز و بدون سند در تطبیق برنامه های BESST و CBSG در افغانستان، صورت گرفته است.	
پایگاه خبری پیام آفتاب - 19 جدی 1395 رئیس تربیه معلم هرات استعفاء نمود وی دلایل استعفاء خود را به شرح ذیل توضیح داد: • سوء استفاده از صلاحیت های وظیفوی از سوی رئیس معارف هرات • اختلاس وجوه مالی و بودجه • اجراءات غیر قانونی، اظهارات غیر منطقی، تهدید، تحقیر و توهین، خویش خوری، مقرری ها سیاسی از سوی رئیس معارف	ترک وظایف از سوی کارکنان بدلیل موجودیت فساد	
سیگار (SIGAR) 16-32-AR، سه شنبه، 7 ثور 1395 صفحات: 2، 3، 4، 9، 23 و 24. (SIGAR 16-32-AR, Tuesday, April 26, 2016, Pages: 2, 3, 4, 9, 23 and 24.) • محراق توجه، چهارشنبه، 19 قوس 1393	عدم ارزیابی جامع از سوی اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا (USAID) از برنامه های حمایتی اش از دوره های آموزشی ابتدائی و ثانوی در افغانستان، ضیاع، فریبکاری و سوء استفاده از وجوه مالی (بودجه) و غیره از پروژه های ساختمانی ایالات متحده امریکا	
SIGAR-Inspection 10-01, October 26, 2009, pages: 3, 5, 6, 7, 12 and 13. سیگار (SIGAR) - تفتیش 10-01، 4 عقرب 1388، صفحات: 3، 5، 6، 7، 12 و 13. (SIGAR-Inspection 10-01, October 26, 2009, pages: 3, 5, 6, 7, 12 and 13.)	منظوری اکمال پروژه قبل از اینکه تمام شرایط قرارداد برآورده شود.	
آژانس خبری باخترا - 12 جدی 1395 • در جریان سفر معاون دوم ریاست جمهوری (سرور دانش) از ولایت بامیان، رهبری ریاست معارف ولایت متذکره از چالش ها موجود در سکتور معارف این ولایت سخن گفتند. • طبق اظهارات رئیس معارف ولایت بامیان، در سکتور معارف بامیان پول تقاعدی، کمبود منابع بشری و پرداخت معاشات	کار ساختمان مکتب از طرف قراردادیان ناتمام مانده، اما آنها تمام پول قرارداد را از قبل دریافت نموده اند.	تدارکات/قراداد د

معلمین بالمقطع ساحاتی اند که با بیشترین مشکل مواجه است. روزنامه هشت صبح - 8 سرطان 1395 • ساختمان های ناتمام مکاتب • فساد در روند ترمیم و حفظ و مراقبت تعمیرات مکاتب (حیف و میل وجوه مالی و بودجه تخصیص یافته) • رشوه ستانی و اخاذی • عدم نظارت از سایت های ساخت و ساز مکاتب • خویش خوری و اقارب پروری در روند استخدام مشاورین، معلمین و کارکنان اداری • فروش پُست ها (رشوه دهی برای استخدام) • مداخلات سیاستمداران در روند استخدام • توزیع معاشات معلمین در ولسوالی های ناامن میان اعضای شورای ولایتی.		
آژانس خبری دری، 1394 • فساد گسترده در روند استخدام معلمین در وزارت معارف • حدود 55 درصد معلمین مکاتب در افغانستان فاقد مدارک و اسناد لازم تحصیلات اند.	نادیده گرفتن/اجتناب از معیار های قبول شده در روند استخدام، تخصیص و تقسیم وظایف، مقرری ها، تبدیلی و ترفیع کارمندان اداری و معلمین	
خبرگزاری فرهنگ - 12 سرطان 1395 به گفته نمایندگان ولایت غزنی در پارلمان و شماری از اعضای شورای ولایتی این ولایت، فساد اخلاقی و رشوه ستانی موارد مرسوم و معمول فساد اداری در سکتور معارف ولایت غزنی میباشد. آریانا نیوز - 15 سرطان 1395 فساد در مکاتب کابل رشوه ستانی، خویش خوری، فشار سیاسی در روند استخدام معلمین مکاتب کابل.	اخذ رشوه برای استخدام/ تعیین و جابجایی معلمین	
روزنامه ارال (Ural Newspaper) - 26 سنبله 1394	مداخلات جنگ سالاران محلی و افراد بانفوذ	

زنجیره فساد در معارف - از وزارت تا به مکاتب. گزارشی از ولسوالی ناهور غزنی. طبق گزارش انواع آتی فساد در مکاتب ولسوالی ناهور موجود است: • غیبت و غیر حاضری معلمان • مداخله افراد زورمند محلی در روند استخدام • نبود معلمان واجد شرایط و مجرب، نبود کتب درسی، میز و چوکی و سایر تجهیزات مکتب • برخورد زشت و خشن معلمان و اداره مکتب با شاگردان مکتب	در استخدام معلمان و کارمندان مکاتب	
هشت صبح - 1 جدی، 1395 • حیف و میل وجوه مالی (بودجه) معارف در ولایت کندز که بالغ بر 16 میلیون دالر امریکایی میشود.	سوء استفاده از وجوه مالی (بودجه) معارف که از سوی وزارت مرکزی تخصیص یافته و همچنان سوء استفاده از پول که از سوی جامعه بین المللی و یا موسسات غیر دولتی کمک شده است.	
سیگار (SIGAR) 17-12-SP ، 14 عقرب 1395، صفحات: 5، 6، 7، 8، 9، 10، 11، 12، 13، 14، 15، 16، ؟ (SIGAR-17-12-SP, November 4, 2016, Pages: 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12, 13, 14, 15, 16, ?) صفحه 19، مورد (85)	غیبت و غیر حاضری معلمان و شاگردان مکاتب	
سیگار (SIGAR) 10-0 ، 4 عقرب 1388، صفحات: 3، 5، 7، و 9. (SIGAR-Inspection 10-02, October 26, 2009. Pages: 3, 5, 7 and 9.)	پلانگذاری ناقص، مشکلات مصئونیت و نظارت ضعیف از پروژه های ساختمانی وزارت معارف.	
رادیو آشنا - 2 سنبله 1392 فساد در ریاست معارف بلخ • آزار و اذیت جنسی معلمان اناث از سوی رئیس معارف بلخ • فساد گسترده در پروژه های معارف بلخ • سوء استفاده از قدرت و صلاحیت های وظیفوی		

تلویزیون نور - 15 جدی 1393 فساد اداری در ریاست معارف ولایت زابل • رئیس معارف ولایت زابل به اتهام فساد اداری و سوء استفاده از صلاحیت های وظیفوی به لوی خاړنوالی معرفی گردید. • وظایف شماری از کارمندان ریاست معارف زابل به اتهام داشتن روابط با رئیس فاسد، به تعلیق درآورده شد.		
خبرگزاری پیوندگاه - ثور 1395 یک سوم مکاتب ارزگان از اثر فساد اداری و نا امنی مسدود گردیده اند • حدود 100 مکتب بشمول 3 مکتب نسوان در ولایت ارزگان به دلایل آتی مسدوده شده اند: - فساد گسترده - عدم توجه دولت و نظارت منظم - نا امنی مداوم • از بهر فساد اداری، معلمین معاشات شانرا دریافت نمی توانند و مکاتب با کمبود تجهیزات و مواد درسی مواجه اند	فروش تجهیزات و مواد درسی مکاتب در بازار های محل	
پیام آفتاب - 1395 فساد مالی و عدم حسابداری در نظام معارف بلخ • خویش خوری و رشوه ستانی در روند استخدام • نبود حسابداری	عدم حسابداری مقامات به مردم در سکتور معارف	
خبرگزاری افق • 12 مقام ارشد ریاست معارف بامیان محکوم به زندان و پرداخت جریمه گردیدند • غفلت و سهل انگاری در اجرای مسئولیت ها و همچنان جعل و تزویر اسناد عمده ترین موارد فساد اداری میباشد	جعل و تزویر اسناد	
رزونامه آزمون ملی - 20 جدی 1395	پرداخت رشوه (از سوی معلمین) جهت	

استخدام و تعیینات	• رشوه، روابط و جانبداری قومی در وزارت معارف بیداد میکند • خویش خوری و تبار گماری گسترده در روند استخدام • پرداخت پول غرض اخذ شهادتنامه
فروش شهادتنامه های جعلی مکاتب	شبکه خبری جورغای و بورجاگی - 13 اسد 1390 فروش شهادتنامه های جعلی مکاتب
استخدام و جابجایی کارکنان حیف و میل نمودن وجوه مالی (بودجه) تخصیص یافته برای مکاتبی که از چندین سال بدینسو مسدود اند.	آژانس خبری پژواک - 2 حوت 1394 • موجودیت مکاتب خیالی به ویژه در ولسوالی های نا امن ولایت هرات • سطح پائین تحصیلات معلمان • پرداخت معاشات معلمان هنگامیکه مکاتب شان مسدود اند • پرداخت معاشات معلمان در شماری از مکاتب، به سرمعلمان این مکاتب • مداخلات زورمندان محلی در روند استخدام معلمان • عدم نظارت منظم از پروسه های معارف، به ویژه در ولسوالی های دور دست و نا امن همرسانی - 14 قوس 1395 اختلاس وجوه مالی معارف در ولایت غور
فروش کمک های غذای تخصیص یافته برای شاگردان در بازار	روزنامه بامیان - 10 جدی 1390 • فروش اقلام (روغن و بسکیت) تخصیص یافته برای شاگردان مکاتب بامیان در بازار
برخورد توهین آمیز اداره مکتب	آژانس خبری افغان (Afghan News Agency) - 12 جدی 1395

• شماری از شاگردان اناث در مرکز ولایت بامیان علیه فساد اخلاقی (آزار و اذیت جنسی) در ریاست معارف این ولایت اعتراض نمودند • سوء رفتار رئیس معارف با شاگردان		
خبرگزاری صلح پرس افغانستان - خبرگزاری دانش آموزان - 8 قوس 1395 (A - Peace Press Afghanistan) (students' News Agency November 28, 2016) • فساد در پروسه امتحان کاندیدان بورسیه ها • خویش خوری و جانبداری در روند استخدام کارکنان اداری، مدرسان و خدمات کارمندان	حیف و میل وجوه مالی معارف	
سیگار-17-12-SP، 14 عقرب 1395، صفحات: 5، 6، 7، 8، 9، 10، 11، 12، 13، 14، 15، 16، 17، و 18.	شاگردان، مکاتب و معلمین خیالی	
سیگار-17-12-SP، 14 عقرب 1395، صفحات: 5، 6، 7، 8، 9، 10، 11، 12، 13، 14، 15، 16، 17، و 18. سیگار-16-38-SP، 30 ثور 1395، صفحات: 1، 2، 3، 4، و 5.	بروز خسارات به ساختمان مکاتب بلافاصله پس از ساخت و ساز	ایجاد و اعتبار دهی مکاتب و دارالمعلمین
رزننامه جامعه باز - 19 جدی 1395 فعالیت 52 باب مکتب خصوصی در کابل به دلایل آتی به تعلیق درآورده شد: • سطح پائین درجه تحصیلی معلمین • کیفیت پائین آموزش و تدریس • فرار از پرداخت مالیات • نداشتن جوازنامه کار و فعالیت	سطح پائین درجه تحصیلی معلمین	
اصلاح آنلاین - 7 قوس 1395 یافته های مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی پیرامون برنامه های سواد آموزی در افغانستان. بر اساس یافته های این مرکز، نواقص و	ارائه معلومات غیر موثق از سوی وزارت معارف	

کاستی های آتی در نظام سواد آموزی افغانستان مشهود است: • تناقضات در شمار افراد که در جریان سالهای 2009 و 2014 از برنامه های سواد آموزی مستفید گردیده اند. • نبود معلومات موثق در رابطه به تعداد افراد با سواد (مرد و زن) و تعداد فارغین کورس های سواد آموزی طی 10 سال پسین • تناقضات در ارقام مربوط به تعداد کورس های سواد آموزی راه اندازی شده از سوی وزارت معارف و ارقام ارائه شده از سوی اداره احصائیه مرکزی. • عدم موجودیت نصاب معیاری سواد آموزی • سوء استفاده از وجوه مالی سواد آموزی تخصیص یافته از سوی وزارت معارف و همچنان وجوه مالی جمع آوری شده از سوی اجتماع، موسسات غیر دولتی و غیره. • فروش تجهیزات و مواد درسی کورس های سواد آموزی در بازار های محل • کورس های سواد آموزی خیالی و معلمین خیالی		
---	--	--

ضمیمه 2: کارمندان وزارت معارف بر اساس ولایت، جنسیت، تدریسی و غیر تدریسی 1395¹

کارمندان وزارت معارف 1395-

تشیکیل مجموعی			مستخدمین			آمر/مامور			معلم				
مجموع	زن	مرد	مجموع	زن	مرد	مجموع	زن	مرد	مجموع	زن	مرد		
7,003	1,820	5,183	801	21	780	447	33	414	5,755	1,766	3,989	کابل	1
4,701	606	4,095	751	19	732	412	19	393	3,538	568	2,970	کاپیسا	2
8,279	1,028	7,251	1,341	42	1,299	670	30	640	6,268	956	5,312	پروان	3
6,274	281	5,993	1,019	7	1012	702	8	694	4,553	266	4,287	وردک	4
4,276	458	3,818	655	23	632	365	16	349	3,256	419	2,837	لوگر	5
8,723	1,843	6,880	1,340	65	1,275	620	67	553	6,763	1,711	5,052	غزنی	6
4,050	154	3,896	653	1	652	374	4	370	3,023	149	2,874	پکتیا	7
17,405	1,661	15,744	2,250	53	2,197	914	16	898	14,241	1,592	12,649	ننګرهار	8
5,327	317	5,010	739	12	727	437	8	429	4,151	297	3,854	لغمان	9
5,553	228	5,325	942	6	936	480	7	473	4,131	215	3,916	کنړ	10
12,779	3,652	9,127	1,516	70	1,446	741	105	636	10,522	3,477	7,045	بدخشان	11
10,202	2,645	7,557	974	56	918	721	64	657	8,507	2,525	5,982	تخار	12
11,548	2,513	9,035	1,729	62	1,667	464	32	432	9,355	2,419	6,936	بغلان	13
8,289	2,067	6,222	1,072	85	987	468	45	423	6,749	1,937	4,812	کندز	14
3,179	800	2,379	491	27	464	158	16	142	2,530	757	1,773	سمنگان	15
14,281	6,965	7,316	1,697	219	1,478	608	151	457	11,976	6,595	5,381	بلخ	16
5,738	2,085	3,653	867	50	817	229	58	171	4,642	1,977	2,665	جوزجان	17
6,934	2,134	4,800	1,192	66	1,126	219	44	175	5,523	2,024	3,499	فاریاب	18
3,365	503	2,862	568	26	542	245	15	230	2,552	462	2,090	بادغیس	19
18,907	8,917	9,990	1,983	377	1,606	587	133	454	16,337	8,407	7,930	هرات	20
3,607	1,068	2,539	607	52	555	310	33	277	2,690	983	1,707	فراه	21
2,047	964	1,083	280	35	245	227	18	209	1,540	911	629	نیمروز	22
3,726	541	3,185	633	39	594	305	4	301	2,788	498	2,290	هلمند	23

¹- منبع: سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS)

6,733	856	5,877	1,485	85	1,400	479	26	453	4,769	745	4,024	کندهار	24
1,393	93	1,300	403	14	389	184	4	180	806	75	731	زابل	25
1,558	44	1,514	264	4	260	112	1	111	1,182	39	1,143	ارزگان	26
5,861	507	5,354	897	13	884	416	12	404	4,548	482	4,066	غور	27
4,188	856	3,332	524	15	509	264	19	245	3,400	822	2,578	بامیان	28
4,741	63	4,678	811	5	806	279	0	279	3,651	58	3,593	پکتیکا	29
2,100	197	1,903	301	6	295	218	1	217	1,581	190	1,391	نورستان	30
4,424	1,171	3,253	814	62	752	426	63	363	3,184	1,046	2,138	سرپل	31
5,528	206	5,322	709	5	704	425	6	419	4,394	195	4,199	خوست	32
1,854	315	1,539	309	18	291	225	13	212	1,320	284	1,036	پنجشیر	33
4,181	1,253	2,928	554	55	499	432	69	363	3,195	1129	2,066	دایکندی	34
36,192	21,748	14,444	6,042	1451	4,591	3,355	1,013	2,342	26,795	19,284	7,511	شهر کابل	35
261,840	72,068	189,772	39,973	3,509	36,464	19,531	2,555	16,976	202,336	66,004	136,332		مجموع

ضمیمه 3: مکاتب خصوصی به اساس نوع و ولایت 1395

شماره	ولایت	مکتب ابتدائیه		مکتب متوسطه		لیسه		معلمین		شاگردان	
		پسر	دختر	پسر	دختر	مذکر	مونث	مذکر	مونث	مذکر	مونث
1	ارزگان	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
2	بادغیس	0	0	3	0	0	0	24	10	140	50
3	بامیان	4	0	1	0	2	0	35	15	600	78
4	بدخشان	2	0	1	0	4	0	44	20	787	300
5	بغلان	6	0	3	0	4	0	27	30	700	400
6	بلخ	16	0	13	0	22	0	200	275	2,000	274
7	پروان	0	0	2	0	6	0	50	15	800	419
8	پکتیا	4	0	3	0	7	0	100	18	1,900	183
9	پکتیکا	0	0	1	0	1	0	20	12	600	75
10	پنجشیر	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
11	تخار	3	0	2	0	5	0	80	11	800	39
12	جوزجان	2	0	1	0	4	0	70	11	800	99
13	خوست	11	0	51	0	31	0	600	208	7,000	870
14	دایکندی	3	0	0	0	1	0	20	15	400	22
15	زابل	1	0	0	0	0	0	3	1	60	17
16	سرپل	0	0	1	0	2	0	20	13	600	22
17	سمنگان	1	0	1	0	1	0	20	5	200	82
18	شهر کابل	100	0	300	0	199	0	4,000	1,982	50,000	13,844
19	غزنی	20	0	10	0	4	0	200	79	3,000	953
20	غور	0	0	0	0	1	0	3	1	40	14
21	فاریاب	3	0	0	0	3	0	40	6	500	79
22	فراه	4	0	3	0	4	0	100	43	1,000	437
23	کاپیسا	0	0	2	0	0	0	3	1	70	12
24	کندهار	9	0	10	0	20	0	300	108	8,097	290
25	کندهز	3	0	7	0	3	0	80	17	1,000	283
26	کنر	2	0	3	0	2	0	40	16	700	114
27	لغمان	2	0	2	0	2	170	30	13	900	96

722	1,000	33	100	0	2	0	7	0	2	لوگر	28
1,046	7,000	157	400	0	14	0	30	0	40	ننگرهار	29
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	نورستان	30
160	900	10	70	0	2	0	6	0	2	نیمروز	31
4,706	20,000	681	1,000	0	42	0	50	0	50	هرات	32
240	1,800	14	70	0	2	0	8	0	2	هلمند	33
85	400	7	20	0	1	0	1	0	1	وردك	34
872	2,000	50	200	0	10	0	10	0	10	ولایت کابل	35
26,883	11,579 4	3,877	7,969	0	401	0	532	0	303	مجموع	
142,677		11,846		1,236						مجموع کل	

ضمیمه 4. آمار مقایسوی شاگردان جدیدالشمول، حاضری و سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) برای مکاتب مشخص در ولایات مورد نظر

الف. مقایسه آمار شمولیت شاگردان و سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) برای مکاتب مورد نظر

معلومات در مورد سال جاری تعلیمی در هنگام ارزیابی هذا در ماه جولای سال 2017 قابل دسترس نبود. معلومات چهار سال گذشته تعلیمی تفاوت میان شمار ارائه شده شمولیت شاگردان در مکاتب و شمار درج شده در دیتابیس سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) را نشان میدهد. در بیشتر موارد تفاوت گسترده ای وجود دارد (در ستون فیصدی علامه (-X) نشان میدهد که شمار شمولیت شاگردان بیشتر از است شمار درج شده سیستم ای ام آی اس (EMIS) و (+X) - نشان میدهد که شمار درج شده سیستم ای ام آی اس (EMIS) بیشتر است از شمار شمولیت شاگردان.

شماره	مکتب	ولایت	1392			1393			1394			1395		
			شمولیت	EMIS	%تغییر	شمولیت	EMIS	%تغییر	شمولیت	EMIS	%تغییر	شمولیت	EMIS	%تغییر
1	لیسه ذکور عبدالرحیم شهید	کابل	13,762	11,381	-21	13,836	11,532	-20	15,662	13,022	-20	15,136	13,911	-9
2	لیسه نسوان زینب کبرا	کابل	7,396	7,152	-3	7,204	7,231	0	7,547	6,931	-9	7,541	7,082	-6
3	لیسه ابو القاسم فردوسی	کابل	2,755	3,235	+15	2,018	3,421	+41	3,082	3,102	+1	3,011	3,207	+6
4	لیسه نسوان گلدره	کابل	547	840	+35	642	509	-26	626	542	-15	638	532	-20
5	مکتب پسران (مکتب خصوصی)	کابل	192	298	+36	312	281	-11	717	399	-80	590	463	-27
6	امیر حمزه	کابل	2,353	2,429	+3	2,418	2,290	-6	2,439	2,430	0	2,532	3,554	+29
7	غلام حیدر خان (روزانه)	کابل	6,708	6,274	-7	6,290	6,336	+1	6,300	6,367	+1	6,250	6,359	+2
8	غلام حیدر خان (شبانه)	کابل	1,100	1,745	+37	1,300	1,426	+9	1,370	1,646	+17	1,400	1,359	-3
9	رابعه بلخی	کابل	2,404	2,380	-1	1,997	2,308	+13	2,157	2,335	+8	1,936	3,221	+40
10	محمد هوتکی	کابل	3,864	4,060	+5	3,746	3,799	+1	2,840	3,708	+23	2,500	3,309	+24
11	لیسه ملکه جلالی	هرات	1,950	2,726	+28	2,200	2,413	+9	2,413	2,276	-6	2,420	2,420	0
12	لیسه فخر المدارس	هرات	620	933	+34	800	910	+12	933	933	0	1,028	1,079	+5

+5	394	374	0	413	413	+16	383	320	+13	440	382	هرات	مكتب دار الحفاظ	13
0	3,069	3,069	-5	2,982	3,145	+2	3,110	3,052	+30	4,035	2,812	هرات	ليسه نسوان امير على شير نوائي	14
-3	7,227	7,431	-3	6,817	7,053	+18	7,500	6,130	+36	8,561	5,500	هرات	مكتب سلطان غياث الدين غوري	15
+19	3,260	2,641	-4	2,787	2,911	+6	2,706	2,545	+18	2,917	2,400	هرات	ليسه ذكور امير على شير نوائي	16
+24	7,849	5,977	+9	8,051	7,354	+31	7,930	5,500	+37	9,073	5,671	هرات	ليسه نسوان گوهر شاد	17
+2	722	711	-57	528	828	+4	634	610	+37	980	620	هرات	انستيتوت زراعت و مالداري	18
+2	3,792	3,714	0	3,614	3,614	+3	3,497	3,400	+20	3,685	2,950	هرات	ليسه نسوان تجربوي	19
+14	3,299	2,837	+20	2,874	2,288	+7	2,862	2,670	+33	2,997	2,000	هرات	ليسه ذكور تجربوي	20
+2	1,196	1,171	+27	1,519	1,107	+18	1,288	1,050	+40	1,246	752	هرات	ليسه قواي چهار زره دار ولسوالي انجيل	21
+4	1,803	1,729	+6	1,697	1,602	+2	1,779	1,747	-70	1,016	1,724	بلخ	ليسه ذكور غلام	22
+38	1,290	799	+4	1,241	1,196	-7	1,312	1,408	+2	1,439	1,416	بلخ	ليسه ذكور خواجه برهان	23
+11	1,210	1,073	-1	1,137	1,146	+11	1,165	1,035	+9	1,273	1,160	بلخ	ليسه نسوان خواجه برهان	24
+12	1,063	933	0	1,014	1,014	-1	1,165	1,171	-1	1,156	1,165	بلخ	ليسه مسعود شهيد	25
+6	1,369	1,284	0	1,289	1,289	+7	1,357	1,257	+11	1,431	1,267	بلخ	ليسه نسوان امين حسين	26
+6	729	686	+6	691	652	-1	845	853	+1	883	873	بلخ	ليسه عبدالروف خلمي	27
-8	381	410	+6	358	335	0	307	307	+1	345	342	بلخ	ليسه نسوان تنگي	28
+7	4,964	4,606	-1	4,770	4,822	-7	4,857	5,206	0	5,306	5,305	بلخ	ليسه نسوان سلطان راضيه	29
-2	5,920	6,037	+8	5,612	5,189	-6	6,389	6,744	+20	8,052	6,437	بلخ	ليسه سلطان غياث الدين	30
+4	2,186	2,095	-2	2,080	2,130	+5	2,236	2,117	-1	2,147	2,170	بدخشان	خردمند شهيد	31
+5	547	521	0	460	462	+1	493	489	-27	374	475	بدخشان	گنده چشمه	32
+13	674	585	-1	632	639	+2	682	669	-9	615	669	بدخشان	سمدره	33
+4	194	187	-1	176	177	+1	159	158	-1	156	157	بدخشان	خان آغا	34
-3	3,584	3,681	-8	3,440	3,709	-6	3,495	3,709	-1	3,434	3,475	بدخشان	مكتب مير فضل الله	35

-3	2,926	3,019	-7	2,811	3,012	-17	2,583	3,012	-5	2,583	2,705	بدخشان	مکتب نسوان مشهد	36
-5	1,124	1,183	+3	1,073	1,042	-2	1,023	1,042	-11	906	1,005	بدخشان	مکتب نسوان نوآباد گندم قول	37
+8	591	542	-1	515	522	-10	478	525	-9	478	522	بدخشان	مکتب بی بی اسما	38
-1	351	355	+46	619	337	-15	293	337	-19	300	358	بدخشان	مکتب مختلط مادابه	39
-2	665	680	-15	625	718	-8	709	768	-88	434	817	بدخشان	لیسه واخشی	40
+34	2,154	1,420	-2	2,096	2,134	-2	2,265	2,321	-24	2,017	2,497	بدخشان	لیسه حلیمه سعیدیه	41
+9	366	333	0	319	319	+1	290	288	+5	275	261	بدخشان	مکتب متوسطه قره کمر	42
+2	312	305	0	274	274	+1	285	283	0	262	262	بدخشان	مکتب سبزی بهار	43
+10	1,111	998	0	1,083	1,083	+18	1,275	1,048	+17	1,268	1,048	بدخشان	مکتب نسوان ده دهی	44
+2	617	606	0	620	620	-1	639	644	-4	617	640	غزنی	لیسه ذکور فیضیه	45
+2	748	733	+1	779	770	0	772	773	-4	728	754	غزنی	لیسه نسوان فیضیه	46
+10	437	394	+18	416	340	+1	388	383	0	374	375	غزنی	سبز چوب بالا	47
-7	394	421	0	406	408	+34	631	415	+1	412	408	غزنی	لیسه مختلط سنگجوی لومان	48
-1	739	743	-6	789	833	+8	903	833	-1	885	898	غزنی	لیسه ذکور لومان	49
+1	812	803	-12	789	883	-4	723	750	-34	551	738	غزنی	لیسه نسوان لومان	50
-5	502	525	-1	540	548	5	603	573	-2	555	568	غزنی	لیسه نسوان سید جمال الدین	51
+3	455	441	+11	455	407	-3	397	407	-3	377	390	غزنی	لیسه ذکور مهاجرین	52
+1	417	413	-7	409	437	0	407	409	-1	405	408	غزنی	لیسه نسون مهاجرین	53
+2	841	827	0	763	763	+41	759	450	+40	679	410	غزنی	سنایی گردان خدایداد	54
-6	2,002	2,129	+34	1,938	1,277	+10	1,964	1,774	-3	1,443	1,488	غزنی	لیسه ذکور توحید آباد	55
-1	1,235	1,247	-5	1,083	1,133	+14	1,322	1,133	+1	832	823	غزنی	لیسه نسوان قلعه امیر محمد خان	56
+23	1,103	851	+14	956	820	+1	832	827	+7	735	686	غزنی	لیسه مختلط بهلول	57
+15	2,905	2,481	0	2,672	2,675	-59	1,894	3,004	-51	1,881	2,840	غزنی	لیسه ذکور سلطانی	58
-3	1,979	2,040	0	2,203	2,203	-3	2,140	2,211	0	2,121	2,130	غزنی	لیسه نسوان شهدا	59
-1	476	480	+1	575	572	-2	535	548	-8	490	527	غزنی	لیسه ذکور سید جمال الدین	60

+3	1,053	1,020	+1	973	963	-3	1,073	1,100	-1	990	1,000	غزنی	لیسه ذکور خدایداد	61
+9	940	859	+1	899	886	+10	899	807	0	894	893	غزنی	لیسه نسوان خدایداد	62
-2	1,415	1,448	+9	1,402	1,274	+14	1,338	1,156	-5	1,072	1,129	غزنی	لیسه نسوان مغلان	63
+10	4,198	3,772	+8	4,056	3,721	+7	3,978	3,700	-8	3,375	3,658	غزنی	لیسه نسوان البیرونی	64
-17	1,753	2,053	-4	1,931	2,007	-3	1,773	1,832	+4	1,773	1,707	غزنی	لیسه نسوان فاطمه الزهرا	65
+6	2,834	2,653	-1	2,640	2,655	-13	2,389	2,691	-6	2,389	2,528	غزنی	لیسه ذکور قلعه شاده	66
+2	1,923	1,879	-3	1,739	1,785	+14	1,925	1,654	+8	1,814	1,663	غزنی	لیسه نسوان ولیعصر	67
+30	2,116	1,484	0	2,057	2,057	+7	2,135	1,992	+5	2,099	1,984	غزنی	لیسه ذکور میرادینه	68
+1	1,248	1,240	-1	1,178	1,188	-4	1,144	1,188	+3	1,132	1,093	غزنی	لیسه نسوان میرادینه	69
-1	666	670	-34	721	963	+30	995	693	-2	673	686	غزنی	لیسه نسوان لعلچک	70
-3	1,150	1,181	0	1,154	1,154	+1	1,160	1,154	+2	1,107	1,086	غزنی	لیسه نسوان مکنک	71
-22	1,880	2,300	-20	1,994	2,400	+9	2,678	2,430	+9	1,857	1,696	خوست	لیسه نسوان صدیق روحی	72
-1	2,630	2,663	-4	2,518	2,631	+2	2,323	2,268	+2	2,339	2,291	خوست	لیسه ذکور صدیق روحی	73
-2	3,989	4,060	0	3,885	3,885	+40	4,563	2,760	+20	3,642	2,925	خوست	لیسه ذکور شهید داود	74
+2	1,398	1,377	0	1,299	1,299	+64	1,400	504	+78	1,265	277	خوست	لیسه ذکور درگی	75
-2	6,235	6,374	-1	5,649	5,678	+17	4,859	4,018	+17	4,712	3,928	خوست	لیسه ذکور عبدالحی حبیبی	76
-6	899	953	1	947	942	-81	663	1,197	-97	637	1,257	خوست	لیسه نسوان درگی	77
+1	681	675	0	628	629	-56	491	768	-87	342	640	خوست	لیسه نسوان پیربادشاه	78
-3	897	928	-9	813	885	+3	872	849	+3	735	715	فاریاب	مکتب متوسطه ذکور کارته صلح	79
-6	2,692	2,860	0	2,989	3,003	-3	2,882	2,959	+5	3,473	3,299	فاریاب	لیسه ذکور عرب خانه	80
+3	973	946	-10	1,008	1,108	-1	1,042	1,056	-12	874	979	فاریاب	مکتب متوسطه ذکور پشه خانی	81
-7	593	636	0	608	608	+2	625	615	+2	596	582	فاریاب	مکتب متوسطه نسوان پشه خانی	82
-1	1,230	1,242	0	1,155	1,155	+1	1,135	1,124	+12	1,126	988	فاریاب	لیسه نسوان مولانا امرالله	83
-17	911	1,066	-7	924	985	-3	820	843	+11	986	881	فاریاب	لیسه نسوان کارته صلح	84

85	لیسه نسوان گو هرشادبیگم	فاریاب	1,487	1,483	0	1,467	1,417	-4	1,502	1,493	-1	1,533	1,537	0
86	مکتب متوسطه ذکور جرنیل غوث الدین	فاریاب	1,491	1,809	+18	1,413	1,809	+22	1,678	1,676	0	1,726	1,730	0
87	لیسه ذکور خرسان	فاریاب	1,193	1,217	+2	930	875	-6	932	890	-5	964	848	-14
88	لیسه نسوان ستاره	فاریاب	3,000	3,244	+8	3,000	2,633	-14	2,424	2,424	0	2,480	2,490	0
89	لیسه ذکور کوهی خانه	فاریاب	1,215	1,187	-2	1,127	1,109	-2	1,224	1,234	+1	1,197	1,208	+1
90	لیسه ذکور ابو عبید جوزجانی	فاریاب	1,459	1,414	-3	1,532	1,389	-10	1,596	1,432	-11	1,649	1,419	-16
91	لیسه نسوان افغان کوت	فاریاب	2,659	2,606	-2	2,410	2,494	+3	2,284	2,284	0	2,368	2,298	-3
92	لیسه نسوان تاتار خانه	فاریاب	1,110	1,427	+22	1,085	1,102	+2	1,162	604	-92	1,122	526	-113
93	مکتب متوسطه ذکور توکلی خانه	فاریاب	701	675	-4	744	677	-10	757	757	0	870	879	+1
	فیصدی اوسط تغییر				2%			2%			-2%			1%
	(1392-1395) تغییر اوسط													1%

i. فیصدی اوسط تغییر سالانه و چهار ساله EMIS در برابر آمار شمولیت

تشریح	1392 سال	1393 سال	1394 سال	1395 سال
فیصدی اوسط که به اساس آن EMIS از آمار شمولیت بالاتر و یا پایتتر تخمین میگردد	2%	2%	-2%	1%
فیصدی اوسط EMIS در برابر آمار شمولیت برای چهار سهال گذشته (1392 – 1395)	1%			

یادداشت راجع به معلومات EMIS در برابر آمار شمولیت: در سالهای ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ EMIS بالاتر از آمار شمولیت تخمین گردیده است. تنها در سال ۱۳۹۴ ارقام EMIS ۲- فیصد پایتتر از آمار شمولیت تخمین گردیده است. فیصدی اوسط تغییر مجموعی نشان میدهند که ارقام EMIS 1 فیصد بلندتر از آمار شمولیت تخمین گردیده است

ب. حاضری در مقایسه به سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) مکاتب مشخص

در جدول آتی معلومات چهار سال گذشته تعلیمی تفاوت میان شمار حاضری در مکتب و شمار درج شده در دیتابیس سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) را نشان میدهد. در بیشتر موارد تفاوت گسترده ای وجود دارد (در ستون فیصدی (-x) نشان میدهد که شمار حاضری در مکتب بیشتر از شمار درج شده شاگردان در سیستم مدیریت معلومات معارف است و (+x) نشان میدهد که شمار درج شده سیستم ای ام آی اس (EMIS) بیشتر از شمار حاضری است.

شمار ه	اسم مکتب	ولایت	سال 1392		%	سال 1393		%	سال 1394		%	سال 1395		%
			حاضری	EMIS		حاضری	EMIS		حاضری	EMIS		حاضری	EMIS	
1	لیسه ذکور عبدالرحیم شهید	کابل	11,172	11,381	+2	10,880	11,532	+6	13,018	13,022	0	12,042	13,911	+13
2	لیسه نسوان زینب کبرا	کابل	6,955	7,152	+3	6,631	7,231	+8	6,931	6,931	0	6,900	7,082	+3
3	لیسه ابو القاسم فردوسی	کابل	2,179	3,235	+33	1,757	3,421	+49	2,649	3,102	+15	2,560	3,207	+20
4	لیسه نسوان گلدره	کابل	472	840	+44	507	509	0	513	542	+5	531	532	0
5	مکتب	کابل	182	298	+39	265	281	+6	438	399	-10	311	463	+33

													یسرا) مکتب خصوصی	
+19	2,420	1,950	+8	2,276	2,099	+23	2,413	1,857	+36	2,726	1,745	هرات	لیسه ملکه جلالی	6
+29	1,079	762	+17	933	770	+26	910	670	+41	933	550	هرات	لیسه فخرالمدار س	7
+49	394	201	+44	413	230	+53	383	180	+64	440	160	هرات	مکتب دارالحفاظ	8
+81	3,069	574	+12	2,982	2,635	+19	3,110	2,533	+41	4,035	2,400	هرات	لیسه نسوان امیر علی شیر نوائی	9
+24	7,227	5,521	+18	6,817	5,623	+31	7,500	5,200	+43	8,561	4,920	هرات	سلطان غیاث الدین غوری	10
+21	3,260	2,570	-3	2,787	2,875	+15	2,706	2,300	+31	2,917	2,000	هرات	لیسه ذکور امیر علی شیر نوائی	11
+28	7,849	5,673	+28	8,051	5,764	+34	7,930	5,225	+51	9,073	4,451	هرات	لیسه نسوان گوهرشاد	12
+24	722	552	-4	528	550	+21	634	500	+64	980	350	هرات	انستیتوت زراعت و مالداری	13

+16	3,792	3,184	+14	3,614	3,100	+14	3,497	3,000	27	3,685	2,700	هرات	لیسه نسوان تجربوی	14
+18	3,299	2,690	+21	2,874	2,280	+11	2,862	2,550	37	2,997	1,900	هرات	لیسه ذکور تجربوی	15
+28	1,196	863	+43	1,519	863	+30	1,288	900	53	1,246	580	هرات	لیسه قوای چهار زره دار ولسوالی انجیل	16
+33	1,803	1,211	+30	1,697	1,187	+32	1,779	1,206	-25	1,016	1,270	بلخ	لیسه ذکور خُلم	17
+56	1,290	570	+6	1,241	1,169	+36	1,312	839	+32	1,439	978	بلخ	لیسه ذکور خواجه برهان	18
+53	1,210	574	+38	1,137	707	+40	1,165	704	+31	1,273	883	بلخ	لیسه نسوان خواجه برهان	19
+32	1,063	726	+24	1,014	770	+30	1,165	815	+25	1,156	870	بلخ	لیسه مسعود شهید	20
+47	1,369	725	+27	1,289	940	+43	1,357	775	+40	1,431	853	بلخ	لیسه نسوان امین حسین	21
+29	729	515	+25	691	520	+26	845	625	+30	883	618	بلخ	لیسه عبدالرحیم خُلمی	22

+19	381	307	+24	358	271	+20	307	247	+28	345	247	بلخ	لیسه نسوان تنگی	23
+16	4,964	4,185	+11	4,770	4,226	+4	4,857	4,659	+12	5,306	4,668	بلخ	لیسه نسوان سلطان راضیه	24
+10	5,920	5,345	+19	5,612	4,552	+6	6,389	5,991	+27	8,052	5,884	بلخ	لیسه سلطان غیاث الدین	25
+44	2,186	1,227	+32	2,080	1,416	+33	2,236	1,509	+29	2,147	1,515	بدخشان	خردمند شهید	26
+41	547	325	+36	460	296	+54	493	227	+4	374	360	بدخشان	گنده چشمه	27
+28	674	486	+18	632	519	+29	682	486	+23	615	475	بدخشان	سمدره	28
+29	194	137	+19	176	142	+26	159	118	+35	156	101	بدخشان	خان آغا	29
+24	3,584	2,730	+23	3,440	2,651	+24	3,495	2,651	+24	3,434	2,618	بدخشان	مکتب میر فضل الله	30
+11	2,926	2,592	+10	2,811	2,520	+2	2,583	2,520	+14	2,583	2,222	بدخشان	مکتب نسوان مشهد	31
+11	1,124	998	+22	1,073	836	+18	1,023	834	+10	906	817	بدخشان	مکتب نسوان نواآباد کندم قول	32
+29	591	419	+27	515	378	+19	478	389	+21	478	378	بدخشان	مکتب بی	33

													بی اسما	
+18	351	288	+54	619	282	+4	293	282	-2	300	305	بدخشان	مکتب مختلط مادایه	34
+27	665	483	+27	625	454	+41	709	419	-22	434	528	بدخشان	لیسه واخشی	35
+45	2,154	1,187	+7	2,096	1,943	+17	2,265	1,877	+3	2,017	1,950	بدخشان	لیسه حلیمه سعدیه	36
+25	366	274	+20	319	254	+16	290	245	+15	275	235	بدخشان	مکتب متوسطه قره کمر	37
+16	312	262	+15	274	232	+30	285	200	+28	262	189	بدخشان	مکتب سبزی بهار	38
+33	1,111	745	+40	1,083	652	+48	1,275	657	+48	1,268	657	بدخشان	مکتب نسوال ده دهی	39
+56	617	270	+33	620	416	+27	639	469	+19	617	499	غزنی	لیسه ذکور فیضیه	40
+15	748	638	+15	779	660	+2	772	760	-3	728	750	غزنی	لیسه نسوان فیضیه	41
+16	437	365	+24	416	316	+15	388	328	+10	374	335	غزنی	سبز چوب بالا	42
+33	394	265	+30	406	286	+52	631	300	+32	412	279	غزنی	لیسه مختلط سنگجوی	43

													لومان	
+29	739	526	+24	789	602	+33	903	602	+27	885	643	غزنی	لیسه ذکور لومان	44
+41	812	483	+24	789	600	+11	723	646	-11	551	609	غزنی	لیسه نسوان لومان	45
+15	502	429	+28	540	388	+29	603	431	+19	555	451	غزنی	لیسه نسوان سید جمال الدین	46
+46	455	245	+43	455	259	+35	397	260	+31	377	262	غزنی	لیسه ذکور مهاجرین	47
+40	417	249	+34	409	269	+35	407	265	+30	405	284	غزنی	لیسه نسون مهاجرین	48
+15	841	712	+14	763	653	+43	759	434	+41	679	399	غزنی	سنایی گردان خدا ایداد	49
+25	2,002	1,495	+28	1,938	1,390	+18	1,964	1,614	+16	1,443	1,210	غزنی	لیسه ذکور توحید آباد	50
+20	1,235	989	+10	1,083	979	+26	1,322	979	+18	832	679	غزنی	لیسه نسوان قلعه امیر محمد خان	51
+28	1,103	790	+21	956	760	+8	832	769	+18	735	600	غزنی	لیسه مختلط بهلول	52
+40	2,905	1,737	+36	2,672	1,712	+2	1,894	1,858	-3	1,881	1,936	غزنی	لیسه ذکور سلطان بای	53

+11	1,979	1,766	+17	2,203	1,832	+16	2,140	1,801	+12	2,121	1,859	غزنی	لیسه نسوان سید جمال الدین	54
+34	476	316	+44	575	323	+31	535	367	+20	490	391	غزنی	لیسه ذکور سید جمال الدین	55
+34	1,053	695	+28	973	700	+30	1,073	750	+19	990	800	غزنی	لیسه ذکور خدایداد	56
+26	940	697	+27	899	657	+29	899	637	+25	894	673	غزنی	لیسه نسوان خدایداد	57
+15	1,415	1,205	+21	1,402	1,110	+25	1,338	997	+12	1,072	946	غزنی	لیسه نسوان مغلان	58
+23	4,198	3,218	+12	4,056	3,580	+12	3,978	3,500	+1	3,375	3,335	غزنی	لیسه نسوان البیرونی	59
+5	1,753	1,667	+8	1,931	1,767	-2	1,773	1,800	+4	1,773	1,700	غزنی	لیسه نسوان فاطمه الزهره	60
+26	2,834	2,085	+19	2,640	2,128	+9	2,389	2,176	+16	2,389	2,002	غزنی	لیسه ذکور قلعه شاده	61
+32	1,923	1,302	+17	1,739	1,444	+29	1,925	1,368	+27	1,814	1,323	غزنی	لیسه نسوان ولیعصر	62
+65	2,116	750	+52	2,057	981	+57	2,135	913	+59	2,099	859	غزنی	لیسه ذکور میرادینه	63
+29	1,248	886	+22	1,178	922	+19	1,144	922	+24	1,132	862	غزنی	لیسه	64

													نسوانط میرادینه	
+49	666	340	+50	721	363	+67	995	330	+51	673	331	غزنی	لیسه نسوان لعلچک	65
+39	1,150	703	+36	1,154	736	+38	1,160	724	+26	1,107	823	غزنی	لیسه نسوان مکنک	66
+8	1,880		+15	1,994		+21	2,678		+19	1,857		خوست	لیسه نسوان صدیق روحي	67
		1,738			1,696			2,119			1,496			
+20	2,630		+21	2,518		+25	2,323		+27	2,339		خوست	لیسه ذکور صدیق روحي	68
		2,110			1,988			1,731			1,697			
+34	3,989		+32	3,885		+64	4,563		+43	3,642		خوست	لیسه ذکور شهید داود	69
		2,623			2,652			1,634			2,061			
+16	1,398		+10	1,299		+69	1,400		+82	1,265		خوست	لیسه ذکور درگی	70
		1,172			1,166			441			231			
+32	6,235		+30	5,649		+54	4,859		+46	4,712		خوست	لیسه ذکور عبدالحي حبیبی	71
		4,260			3,969			2,225			2,543			
+13	899		+14	947		-41	663		-32	637		خوست	لیسه نسوان درگی	72
		780			811			933			840			
+19	681		+19	628		-22	491		-56	342		خوست	لیسه نسوان پیربادشاه	73
		554			509			599			534			
+20	897	718	+16	813	686	+32	872	589	+20	735	589	فاریاب	لیسه ذکور	74

													کارته صلح	
+5	2,692	2,545	+11	2,989	2,675	+7	2,882	2,691	+23	3,473	2,691	فاریاب	لیسه ذکور عرب خانه	75
+37	973	615	+39	1,008	610	+46	1,042	564	+35	874	564	فاریاب	مکتب متوسطه ذکور پشه خانی	76
-7	593	636	+17	608	502	+27	625	456	+23	596	456	فاریاب	مکتب متوسطه نسوان پشه خانی	77
+22	1,230	960	+19	1,155	936	+30	1,135	797	+29	1,126	797	فاریاب	لیسه نسوان مولانا امرالله	78
+6	911	857	+9	924	838	+23	820	629	+36	986	629	فاریاب	لیسه نسوان کارته صلح	79
+24	1,537	1,169	+16	1,493	1,250	+15	1,417	1,205	+19	1,483	1,205	فاریاب	لیسه نسوان گو هرشادیگم	80
+19	1,730	1,400	+20	1,676	1,343	+34	1,809	1,196	+34	1,809	1,196	فاریاب	مکتب متوسطه ذکور جرنیل غوٹ الدین	81
+22	848	658	+23	890	683	-11	875	974	+20	1,217	974	فاریاب	لیسه ذکور	82

													خرسان	
+67	2,490	828	+23	2,424	1,876	-10	2,633	2,900	+11	3,244	2,900	فاریاب	لیسه نسوان ستاره	83
+19	1,208	982	+21	1,234	970	+14	1,109	956	+19	1,187	956	فاریاب	لیسه ذکور کوه ی خانه	84
+11	1,419	1,266	+16	1,432	1,197	+16	1,389	1,160	+18	1,414	1,160	فاریاب	لیسه ذکور ابوعبید جوزجانی	85
+15	2,298	1,955	+16	2,284	1,922	+12	2,494	2,188	+16	2,606	2,188	فاریاب	لیسه نسوان افغان کوت	86
-72	526	906	-44	604	867	+27	1,102	809	+43	1,427	809	فاریاب	لیسه نسوان تاتار خانه	87
+23	879	678	+20	757	604	+23	677	520	+23	675	520	فاریاب	مکتب متوسطه ذکور توکیلی خانه	88
25 %			21 %			24 %			24 %				فیصدی اوسط تغییر	
												23%	فیصدی اوسط تغییر (1392- 1395)	

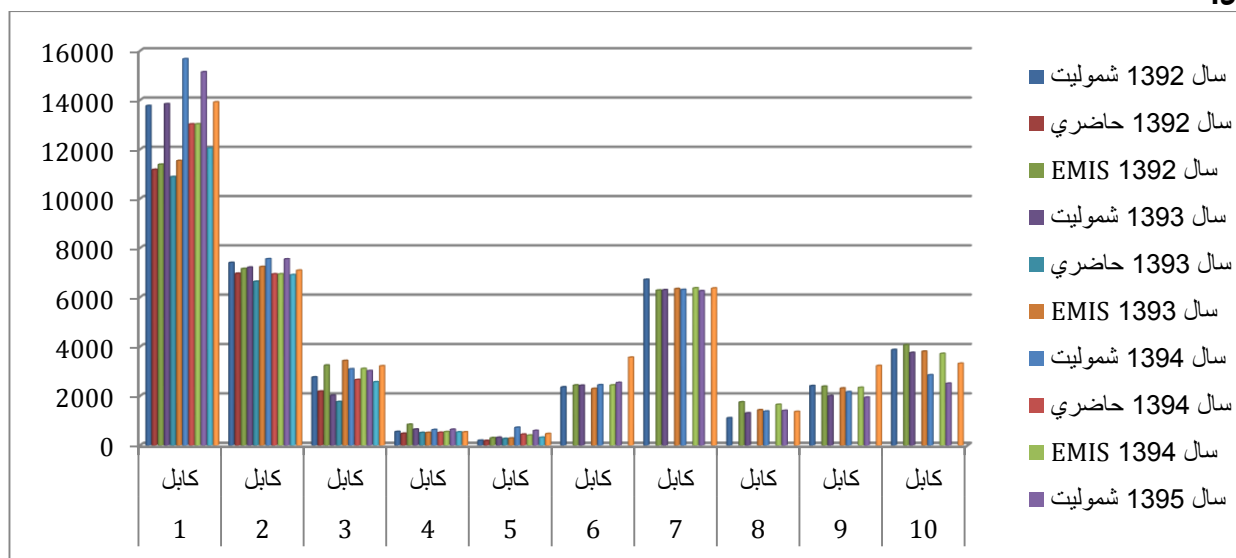
ii. فیصدی اوسط تغییر مجموعی و سالانه ارقام EMIS به مقایسه ارقام حاضری

تشریح	1392 سال	1393 سال	1394 سال	1395 سال
فیصدی اوسط که به اساس آن EMIS از آمار حاضری بالاتر و یا پایتر تخمین می‌گردد	24%	24%	21%	25%
فیصدی اوسط در چهار سهال گذشته (1392 – 1395)	23%			

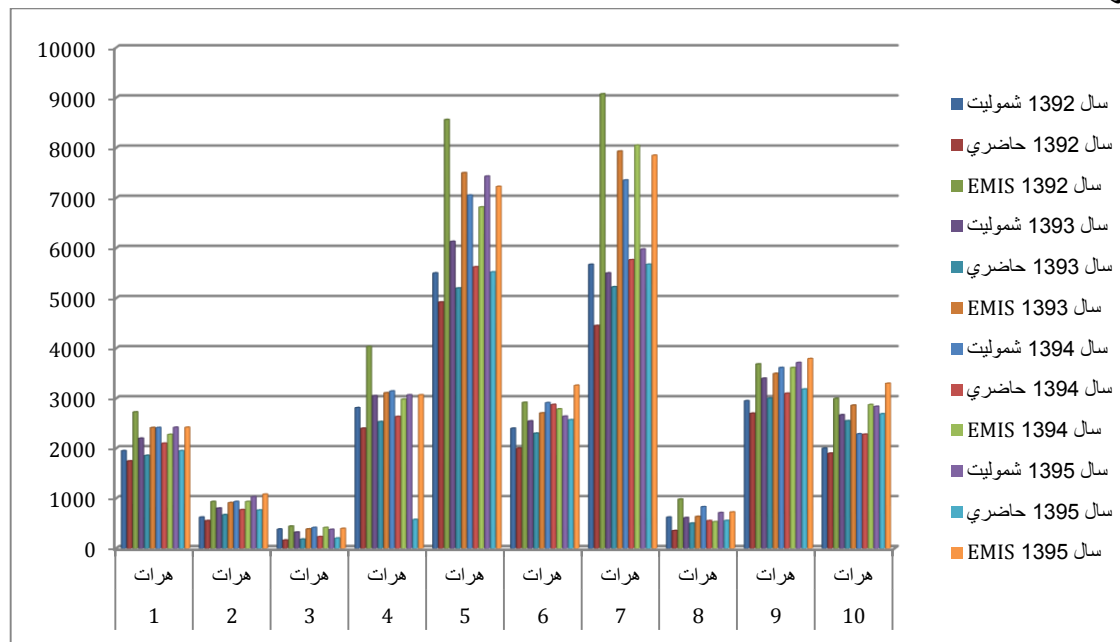
چک و بررسی نمونه معلومات سیستم مدیریت معلومات معارف (EMIS) در مکاتبی که کمیته نظارت و ارزیابی از آن دیدار بعمل آورده است.

در هفت ولایت از مکاتب دیدار به عمل آمد تا در زمینه ثبت نام، حاضری و معلومات استخراج شده از سیستم مدیریت معلومات معارف مقایسه صورت گیرد. جدول های زیر نمونه ی از معلومات چهار ساله را نشان می دهد.

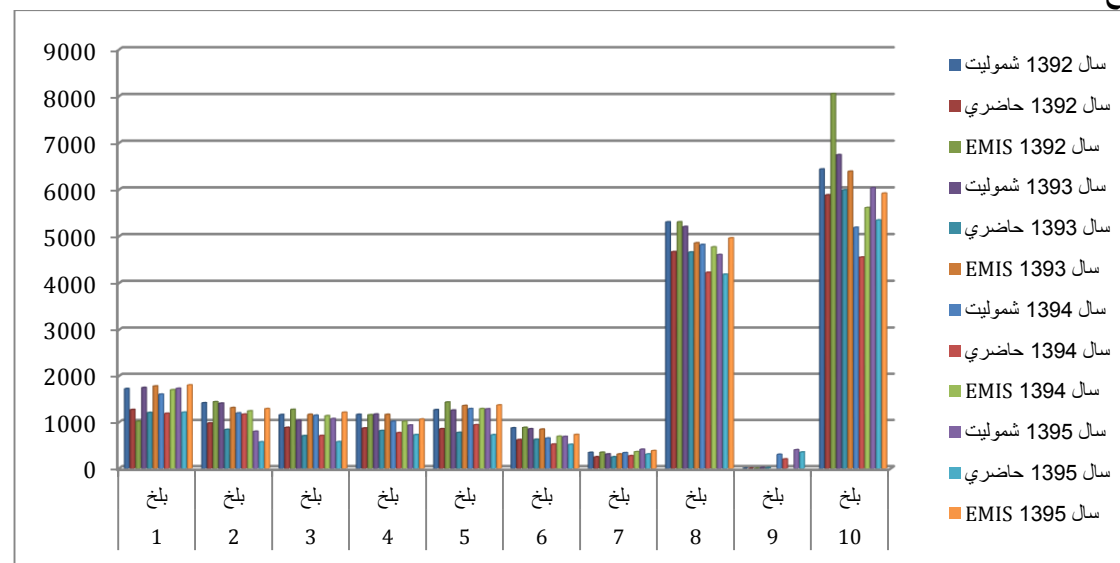
کابل:



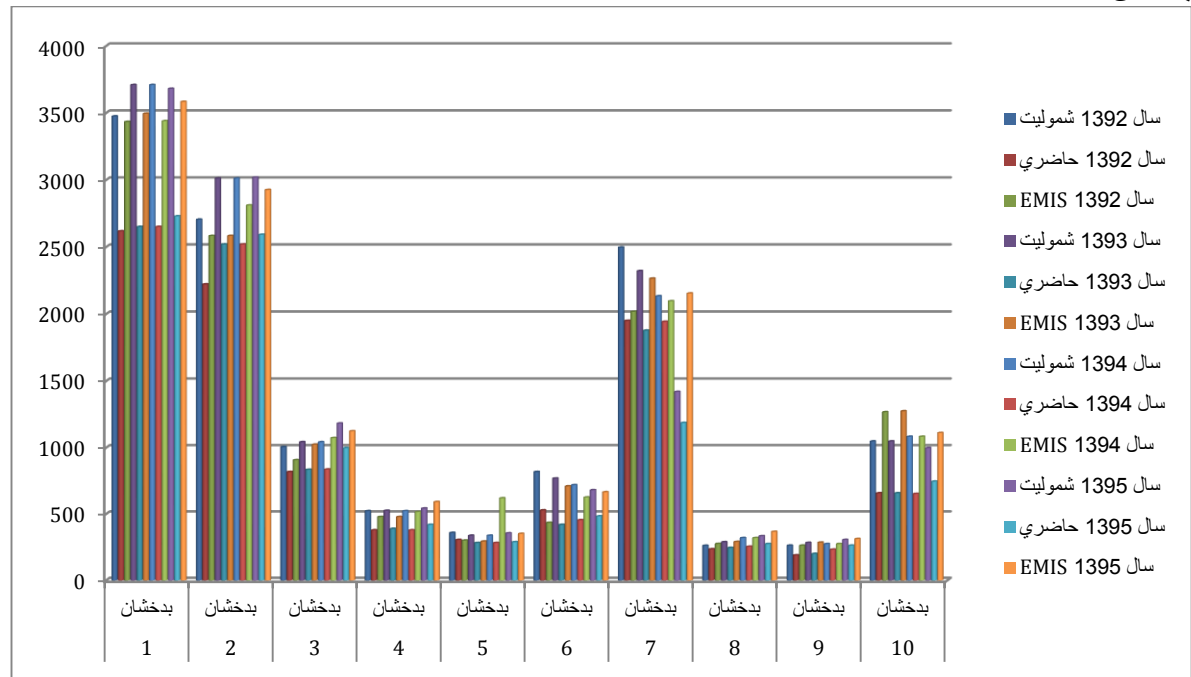
هرات



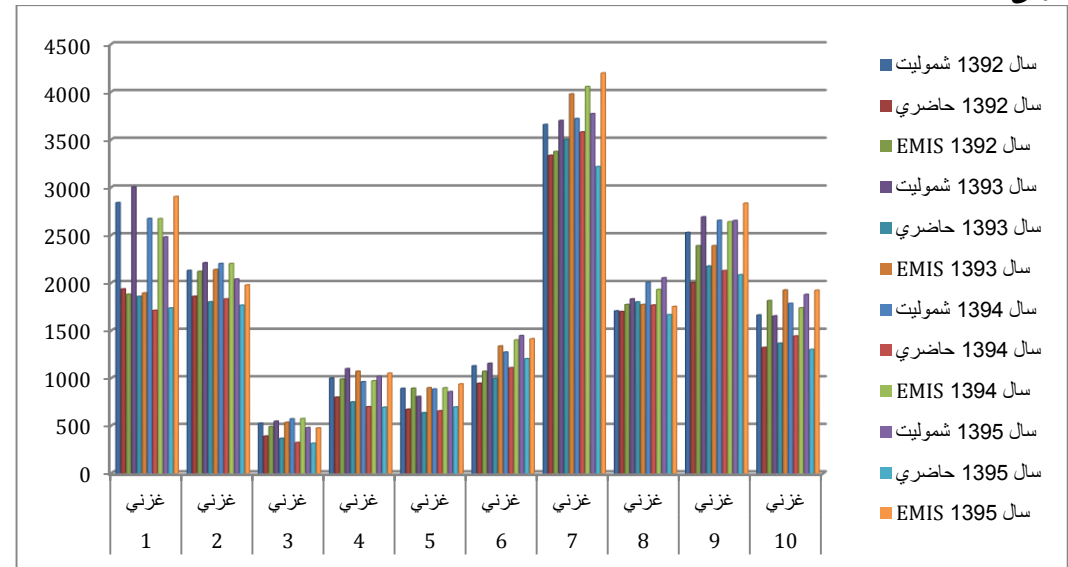
بلخ



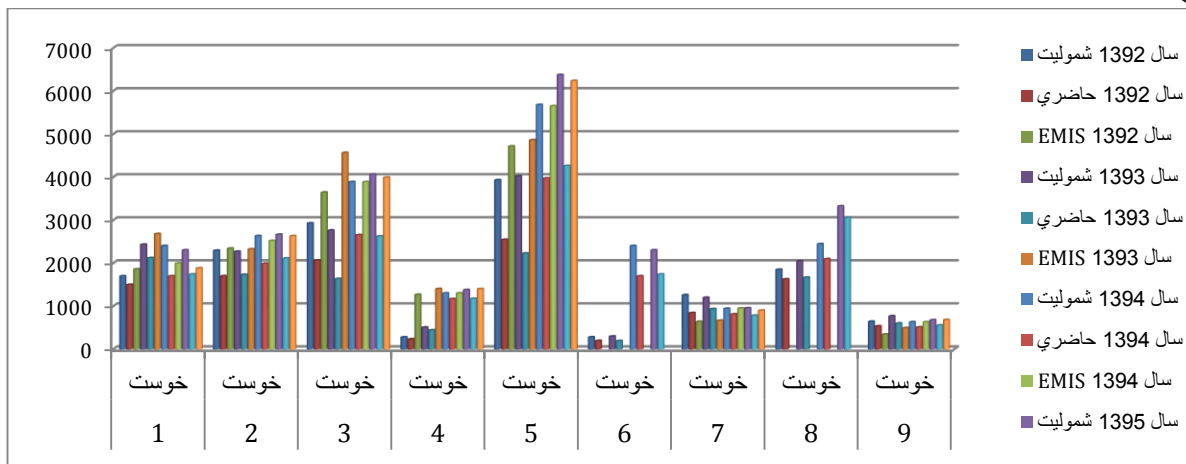
بدخشان



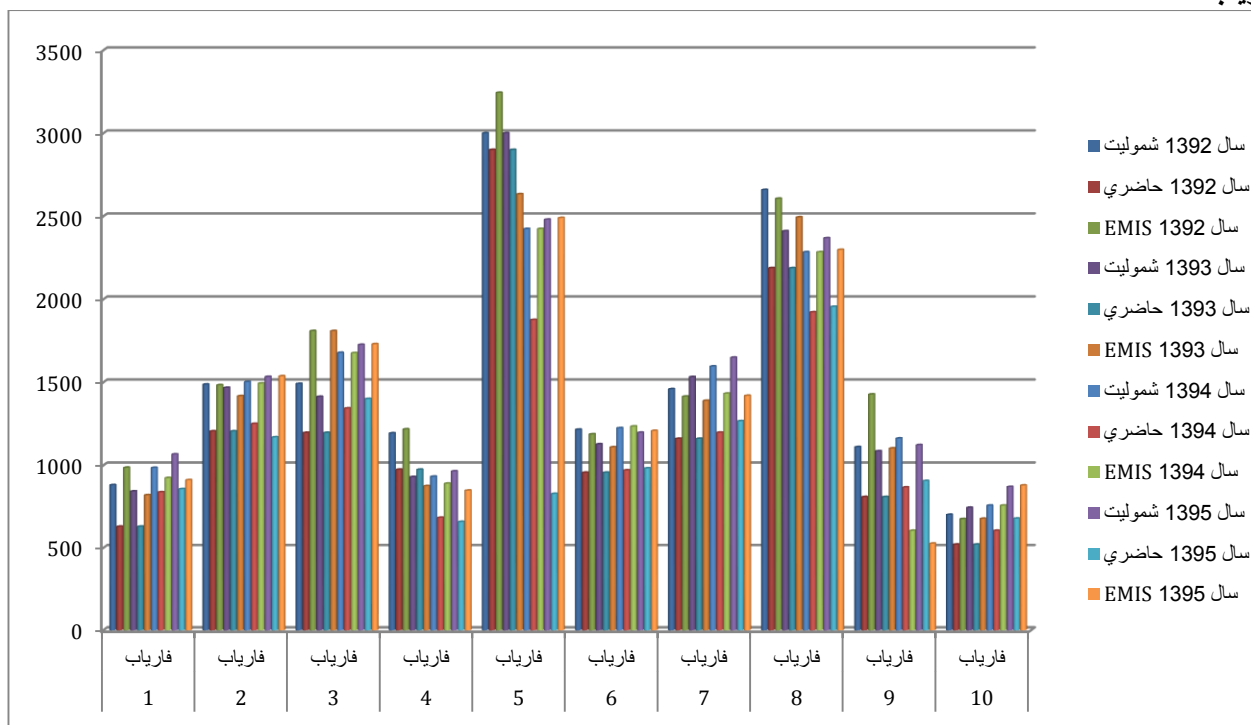
غزنى



خوست



فارياب



-
- Lincoln, Y.S. & Guba, E.G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Newbury Park, CA: Sage: p. 306¹
- Geertz, C. (1974). *The Interpretation of Cultures*. New York, NY: Basic Books²
- Burde, D (2014). *Schools for Conflict or Peace in Afghanistan*. Columbia University Press: p. 12³
- Ulsaner, E. and Rothstein, B. (2014). The Historical Roots of Corruption: State Building, Economic Inequality, and Mass Education: p. 4⁴
- Yazdi, H. (2008). 'Education and Literacy in Afghanistan: Lessons of History and Prospects for Change.' *The Monitor*: pp. 41-42.⁵
- Burde, D (2014). *Schools for Conflict or Peace in Afghanistan*. Columbia University Press: p. 94⁶
- Hall, M. (2011). *Corruption and Afghanistan's Education Sector*. CFC: p. 3⁷
- Sigsgaard, M. (2009). *Education and Fragility in Afghanistan – A Situational Analysis*. INEE⁸
- USAID (2009). Assessment of Corruption in Afghanistan⁹
- Guimbet, S. et al. (2008). 'Back to school in Afghanistan: Determinants of school enrollment'. *International Journal of Educational Development*: p. 28.¹⁰
- مرجع قبلی، صفحه 433¹¹
- Samady, S. (2013). *Changing Profile of Education in Afghanistan*. Deutsches Institut für Internationale Pädagogische Forschung (DIPF): p. 10¹²
- Centner, A. (2012). Implementing International Anti-Corruption Standards to Improve Afghanistan's Education System, 44 Case Western Reserve Journal of International Law: p. 848¹³
- Adili, A.Y. (2017). A Success Story Marred by Ghost Numbers: Afghanistan's inconsistent education statistics. Afghan Analysts Network¹⁴
- مرجع قبلی، صفحه 7¹⁵
- مرجع قبلی، صفحه 7¹⁶
- USAID. (2016). Technical Assessment of Selected Offices within the Afghan Ministry of Education for Textbook Development and Distribution: p. 12¹⁷
- CMI (2016). Review of Norwegian Development Assistance to Afghanistan 2011-2014: p. 7¹⁸
- مرجع قبلی، صفحه 59¹⁹
- UNESCO (2015). Afghanistan – Education for All 2015 National Review: p. 29²⁰
- Pouras Consult Aps. (2016). Education Sector Analysis Afghanistan: p. 20²¹
- MEC (2015). *Vulnerability to Corruption Assessment (VCA) of Teacher Recruitment in the Ministry of Education*²²
- MEC (2015). *Vulnerability to Corruption Assessment (VCA) of the Education Quality Improvement Program (EQUIP) in the Ministry of Education*²³
- CMI (2016). Review of Norwegian Development Assistance to Afghanistan 2011-2014: p. 19²⁴
- مرجع قبلی²⁵
- Sida (2016). Review of the UNICEF Programme Basic Education and Gender Equality in Afghanistan 2013-2015²⁶
- مرجع قبلی، صفحه 7²⁷
- مرجع قبلی، صفحه 47²⁸
- UNESCO (2015). Afghanistan – Education for All 2015 National Review: p. 56²⁹

45- کمیته مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری اخیراً از طریق وزارت معارف اطلاع حاصل نموده که امتحان تحریری و مصاحبه روسای معارف در 33 ولایت کشور از طریق برنامه ارتقای ظرفیت بر اساس نتایج، خاتمه یافته و همزمان چندین پست کلیدی دیگر نیز از طریق کمیته برنامه متذکره اعلان شده و مصاحبه نیز گرفته شده است و از طرف دیگر چندین بست درجه 1 و 2 در مراحل مختلف برنامه ارتقای ظرفیت بر اساس نتایج میباشد.

46- تمام ارقام هذا در مورد تعداد استادان و جنسیت شان از سیستم مدیریت معلومات وزارت معارف گرفته شده است.

48- امتحان کانکور یگانه آزمایش معیاری متعلمین در سطح ملی می باشد که در ختم صنف دوازدهم از آنده متعلمین که خواهان شمولیت در پوهنتون و یا ادامه تحصیلات عالی خویش می باشند، 5 ماه بعد از تکمیل شدن مکاتب سپری می نمایند.

49- تبصره وزارت معارف: "ریاست تربیه معلم مطابق لایحه وظایف خویش متعهد به ارائه برنامه های ارتقای ظرفیت و فرصت های بهتر انکشافی و مسلکی بدون تبعیض و قوم گرایی به تمام استادان و مدیران مکاتب میباشد. معرفی استادان واجد شرایط و نیازمند به برنامه آموزشی از مسوولیت های مسوولین ولایتی میباشد. در ابتدا هر بسته آموزشی ریاست تربیه معلم وعده می دهد تا استادان واجد شرایط را معرفی نموده و از معرفی تکراری یک استاد در عین برنامه آموزشی خود داری می نماید. از سال 2007 الی 2017 میلادی ریاست تربیه معلم دستاورد های زیادی در راستای تدویر برنامه های ارتقای ظرفیت داخل خدمت برای استادان و مدیران مکاتب داشته است. ارقام اتی بیانگر تعداد مستفید شوندگان در برنامه های آموزشی برای استادان در جریان وظیفه است. (INSET-I (100833), INSET-II (86771), INSET-III (115814), INSET-IV (154699), INSET-V (154811), and INSET-VI (71338)

برنامه های آموزشی برای مدیران مکاتب (SMTs), SMT-I (7059), SMT-II (7056), SMT-III (21277), SMT-IV (8367), SMT-V (17485), SMT-VI (17542) قابل ذکر است که بعضی نهاد های غیر دولتی نیز در برنامه آموزشی استادان سهیم بوده اند که درواقعیت امر نقش قابل ملاحظه را ایفا نموده اند.

52- وزارت معارف حدود 400 ساعت درسی را در سال بیان می نماید. بر اساس پلان تعلیمی متعلمین صنف 1-3 روزانه 4 مضمون خوانده که در مجموع 24 ساعت در هفته می شود. متعلمین صنف 4-6 روزانه 5 مضمون خوانده که در مجموع 30 ساعت در هفته می شود و متعلمین صنف 7-12 روزانه 6 مضمون خوانده که در مجموع 36 ساعت در هفته می شود. بر اساس ماده 300 تعلیمات اساسی، زمان درسی در در مکاتب ابتدائیه 40-45 دقیقه می باشد. روز های درسی بدون روز جمعه، رخصتی عمومی، روز های امتحانات و رخصتی وسط سال تدریس در جریان 9 ماه می باشد. برای متعلمین صنف 7 الی 12 (200) روز و یا 33 هفته می باشد. اما در موقع زمستان و یا رخصتی دیگر این مدت برای یک الی دو هفته تمدید می شود. در صورت وقوع کدام مانع و یا حالت دیگر 28 هفته بجای 33 هفته درسی تدویر می شود.

60- وزارت معارف موجودیت مشکلات در مهارت های عملی استادان در تعلیمات تخنیکی و مسلکی را تأیید نموده و متعهد به تدویر برنامه های آموزشی برای استادان تعلیمات تخنیکی و مسلکی در داخل و بیرون از کشور می باشد.

61- در مورد بیان مشکلات در نصاب تعلیمی وزارت معارف، وزارت معارف تفاهم نامه ای را با بخش سکاتور خصوصی (انجمن صنایع افغانستان) به امضاء رسانده تا در عرصه انکشاف نصاب تعلیمی سهمیه بوده و از طرف دیگر کمیته ای در ریاست تربیه معلم به منظور تجدید نظر در نصاب تعلیمی ایجاد گردیده است. وزارت معارف بیان داشته که در عرصه تجدید نظر در نصاب تعلیمی موفق بوده و تمام یادداشت های تدریسی را به کتاب های درسی مبدل نموده اند که تا کنون 347000 کتاب در 126 مضمون نشر شده و 216000 کتاب در 86 مضمون آماده قرارداد و نشر می باشد. و 54 مضمون فعلاً در حالت دیزاین میباشند. ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف فعالیت های خویش را در راستای تدوین نصاب تعلیمی برای کسانی که دارای اختلال شنوایی میباشند آغاز نموده است. همچنان، این کمیته نصاب تعلیمی را برای بخش زراعت آماده نموده است. ریاست متذکره بر اساس نیاز های بازار 8 پیشه را اولویت بندی نموده و برای آنها نصاب تهیه و ترتیب می نماید. قابل ذکر است که دفتر (GIZ) نصاب برای 6 پیشه تخنیکی را برای لیسه ها آماده نموده است.

67- کوچی ها پشتون های سمت جنوب شرق افغانستان بوده که سبک زندگی قبیله ای خویش را دنبال می نمایند. آنها اجتماعی اند به تناسب اینکه گروه قومی باشند، هر چند بعضی مشخصات گروه قومی را دارند.

68- در مورد تعداد دختران در برنامه تعلیمات محلی دفتر اداره کمک های بین المللی بریتانیا (DFID) توقع دارد تا این ارقام افزایش یابد زیرا تنها پروگرام دولت انگلستان 100000 دختر را آموزش داده و از روند انتقال اینها به مرحله بعدی آموزشی حمایت می نماید.

73- ارزیابی تعداد دقیق متعلمین مکاتب برای پلان گذاری بسیار مهم و حیاتی می باشد. متأسفانه، طوریکه قبلاً بیان گردید این ارقام جنبه سیاسی گرفته و وزیر معارف قبلی تعداد متعلمین مکاتب را 10.5 میلیون بیان نموده که خود بیانگر موفقیت دولت در عرصه جذب و افزایش تعداد متعلمین بعد از سقوط دوره طالبان می باشد. اما وزیر معارف فعلی تعداد متعلمین را 6 میلیون در ماه دسامبر 2016 اعلان نمود. به هر حال، آمار دقیق در همین حدود است ولی تعداد دقیق برای کسی معلوم نیست. اما سیستم مدیریت معلومات وزارت معارف تعداد راجستر شدگان مکاتب را 9.2 میلیون نشان می دهد که 8.7 میلیون آن فعلاً اعضای فعال بوده و 20 فصد غیر حاضران را نیز شامل می شود. با در نظر داشت غیر حاضری متعلمین، براساس تخمین یکی از همکاران، حدود 7 میلیون متعلم در مکاتب مصروف درس خواندن می باشند. در این گزارش کمیته نظارت و ارزیابی آمار 7 الی 8 میلیون متعلم در مکاتب را مورد استفاده قرار داده است.

79- CMI (2016). Review of Norwegian Development Assistance to Afghanistan 2011-2014

80- VCA on the EQUIP program. November 2015. MEC

81- مرجع قبلی

82- SIGAR. (2016). Primary and Secondary Education in Afghanistan: Comprehensive Assessments Needed to Determine the

Progress and Effectiveness of Over USD 759 Million in DOD, State, and USAID Programs

83- Nation Education Strategic Plan – 2017-2021: p. 24

84- مرجع قبلی، صفحه 55

85- International Bureau of Education (2016). Training Tools for Curriculum Development – Reaching Out To All Learners - A

Resource Pack for Supporting Inclusive Education. UNESCO: Geneva. P. 78-79

86- USAID (2017). Data Verification and Quality Assessment Education Management Information System Afghanistan II -

Final Report. http://pdf.usaid.gov/pdf_docs/PA00MTBN.pdf

87- برای معلومات بیشتر لطفاً پاورقی 54 را ببینید.

88- مرجع قبلی

89- مرجع قبلی صفحه 2

90- Ahmadi, M.J. (2017). *Capacity Development and Workplace Learning: An Analysis of Factors Influencing Workplace*

learning at Afghan Ministry of Education, Department of Planning. Doctoral Dissertation. University of Massachusetts

Amherst

91- مرجع قبلی صفحه 123

92- Burde, D – Schools for Conflict or Peace in Afghanistan. 2014, Columbia University Press

93- بر اساس گزارش نهاد شفافیت بین المللی، حد اوسط مصارف تدارکاتی سالانه در حدود 13-20 فیصد تولیدات ناخالص ملی را تشکیل میدهد. این بدین معنی است که

حدوداً 9.5 تریلیون دالر سالانه در بخش تدارکاتی در سطح جهان به مصرف می رسد. بر اساس گزارش نهاد همکاری اقتصادی و پیشرفت، حدود 20-25 فیصد بودجه

تدارکات به دلیل موجودیت فساد اداری ضایع شده که در مجموع 2 تریلیون دالر در سطح جهان می شود.

94- <https://www.oecd.org/site/adboecdanti-corruptioninitiative/37575976.pdf>

95- [http://www.mec.af/files/2015_12_09_Conflicts_of_Interest_Paper_\(English\).pdf](http://www.mec.af/files/2015_12_09_Conflicts_of_Interest_Paper_(English).pdf)

96- Source: MoE communication to MEC

97- زوایای مختلف وجود دارد که شفافیت را کمک و همکاری می نماید. به گونه مثال، وزارت صحت (موسسه اعتباردهی صحتی افغان و بورد آموزشی نرسنگ و قابلگی).

وزارت معارف در این راستا کوشش می نماید اما این کوشش ها باید تسریع داده شود.

98- به گزارش نشر شده مرور مشترک سکتور معارف در سال 2015 مراجعه نمایید.

99- این با عدم متمرکز ساختن مسیر هدفمند معارف مناسب بوده که چندین سال روی آن بحث و گفتگو صورت گرفته و در پلان سوم استراتژیک ملی معارف و پالیسی

های مرتبط نیز تذکر رفته است. این بسیار مهم است تا بار دیگر بر عدم متمرکز ساختن نیاز های آموزشی اشاره نموده که خود نیازمند برنامه های ارتقای ظرفیت در راستای

مدیریت و نظارت معارف در سطح ولایت، ولسوالی و جامعه می باشد. در این پروسه احتمال خطر نیز موجود بوده زیرا عدم متمرکز ساختن یکبارگی خود زمینه فساد اداری را

ایجاد نموده که از سطح وزارت به ریاست معارف و از آنجا به ولسوالی ها انتقال داده شده که مسئولین محلی در عرصه مدیریت سکتور معارف تجربه کافی ندارند.

100- این پروسه قبلاً از طریق تاسیس دوباره گروه کاری یادگیری سریع و آموزش های محلی وزارت معارف/همکاران انکشافی، و انکشاف پالیسی آموزش های

محلی/یادگیری سریع آغاز گردیده است. تعلیمات محلی، اما یادگیری دوجانبه میان وزارت معارف و فراهم کنندگان آموزش های محلی نیاز به تاکید و حمایت بیشتر دارند.

101- مرجع قبلی

102- به طور خاص انکشاف "چارچوب لیاقت برای معلمان افغانستان" به عنوان یک بخش کاری پروژه سنددهی و اعتباردهی معلمان (TCAP) که از سوی کانادا تمویل می

گردد، همراه با تاسیس نسبتاً جدید واحد ارزیابی یادگیری (LEAU) وزارت معارف که مسئولیت آن ارایه مدرک به معلمان می باشد. هرچند این اقدامات مرتبط به همدیگر

بیانگر مبارزه با فساد به شکل واضح نیست اما در راستای پیشرفت به سوی یک نیروی کاری تدریسی تحصیلی یافته و شایسته در افغانستان، و اساس تدارک راه های پیشرفت مسلکی برای تعداد زیاد استادانی که فعلاً با تحصیلات پایین در سیستم موجود اند، کار می کنند. این کار به نوبه خود به معنی کیفیت و برابری است (برای استادانی که تحصیلات پایین دارند و در غیر این صورت در روند مسلکی سازی استادان عقب گذاشته خواهد شدند) – عوامل اساسی که در برابر فساد مبارزه خواهد نمود.

103- این امیدوار کننده است که برنامه ارتقای ظرفیت بر اساس نتایج حالا در تفرری های روسای معارف در سطح ولایات قابل تطبیق بوده که خود زمینه تفرری بر اساس شایستگی را در سطح ولایت مهیا می سازد.

INEE/UNICEF (2010) Minimum Standards for Education – Preparedness, Response, Recovery: p. 98¹⁰⁴

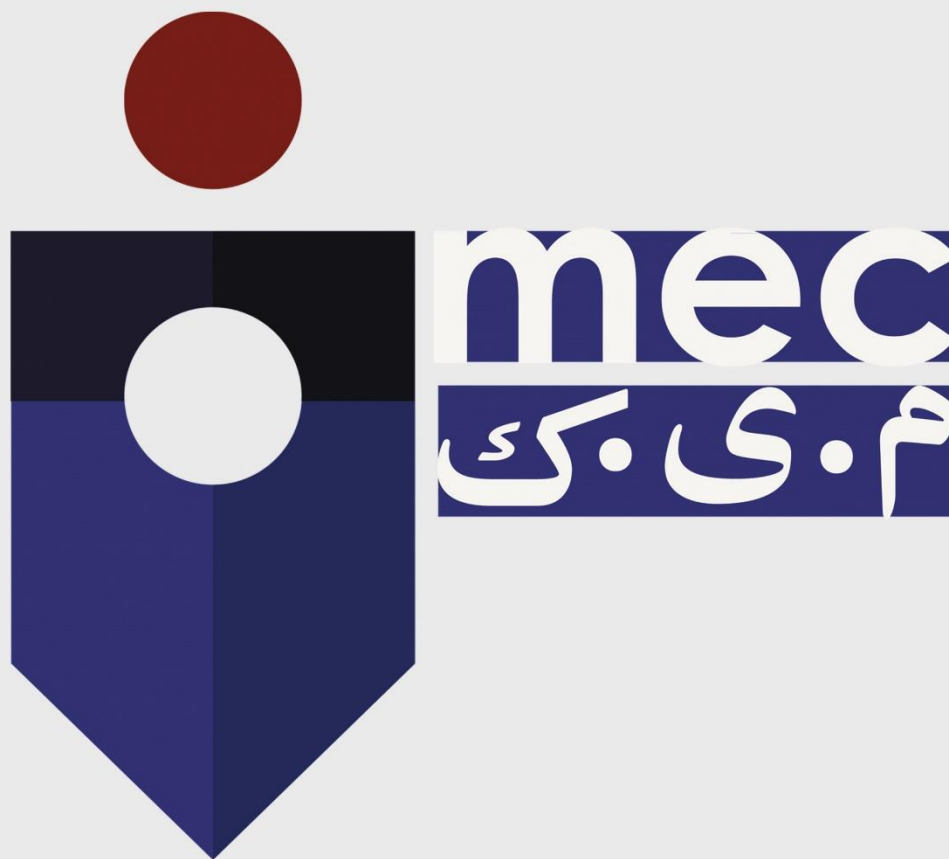
105- وزارت معارف از تجربه های تکراری مشابه (پلان اول، دوم، و سوم استراتژیک ملی معارف و غیره) متضرر می گردد که بعضاً در نتیجه آمدن گروه جدید دونه ها یا درخواست شیوه جدید در مورد تمویل دونه ها بوجود می آید. تغییر در متخصصین آنقدر سریع است که مشاهده کنندگان باتجربه در وزارت معارف می دانند که در آغاز دایره جدید، به طریق کار قبلی برگشت داده شده می توانند.

Something similar is the case with MoE staff. Several of the MEC team recall a wider and deeper range of expertise¹⁰⁶

among the MoE officials 5-7 years ago, that seems no longer to be the case

107- در وزارت صحت عامه عقد قرارداد با یک کمپنی ثالث هالندی جهت نظارت و ارزیابی موجود بوده که موسسه افغانی نیز در آن سهم بوده و کار ایشان رسیدگی و تائید اطلاعات و نمونه گیری مربوط می باشد.

108- این مورد ذکر تکراری سفارشی است که در برای اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا در فبروری 2015 تهیه گردیده بود، و همچنان این سفارش در پلان سوم استراتژیک ملی معارف درج است.



کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری طور مستقلانه از تلاشهای مبارزه علیه فساد اداری در افغانستان نظارت و ارزیابی بعمل میاورد. این کمیته به ملت، پارلمان، رئیس جمهور و جامعه بین المللی گزارش میدهد.

تمویل کنندگان عمده کمیته نظارت و ارزیابی (MEC):



تمویل کنندگان این ارزیابی:

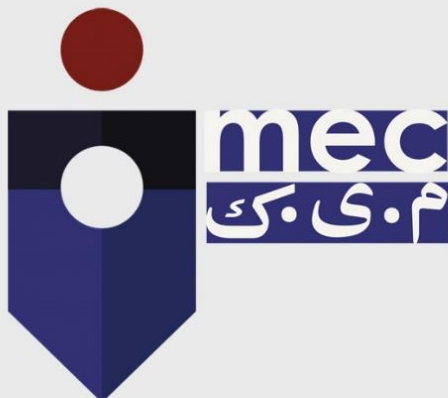




ارزیابی آسیب پذیری های
فساد اداری به سطح وزارت

وزارت معارف

تاریخ نشر: ۳۰ میزان ۱۳۹۶
کود نشری: MVCA-MOE-23-017



آدرس: کوچه مسجد هراتی ها، شهر نو
کابل - افغانستان

شماره تماس: ۸۷۱ ۵۱۵ ۷۹۷ ۹۳ (+)
ایمیل: contact@mec.af



/mec.afghanistan



www.mec.af



/MEC_Afghanistan